

علی اصغر رضوانی

دین شناسے

از دیدگاہ حضرت مہدی علیہ السلام

دین شناسی
از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

علی اصغر رضوانی



دین‌شناسی از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

علی اصغر رضوانی

انتشارات دلیل ما

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۸

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: پرتو شمس

چاپ: نگارش

قیمت: ۵۸۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۳۹۷ - ۵۳۷ - ۱

آدرس: قم، خیابان معلم، میدان روح‌الله، پلاک ۶۵

تلفن و نمابر: ۷۷۴۴۹۸۸ - ۷۷۳۳۴۱۳ (۹۸۲۵۱+)

صندوق پستی ۱۱۵۳ - ۳۷۱۳۵

WWW.Dalilema.com

Dalilema@yahoo.com



انتشارات دلیل ما

مراکز پخش:

- ۱) قم، انتهای خیابان صفائیه، بعد از کوچه شماره ۳۹، پلاک ۷۵۹، طبقه دوم، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۱۱ - ۷۷۳۷۰۰۱
- ۲) تهران، خیابان انقلاب، خ فخررازی، فروشگاه دلیل ما، پلاک ۶۱، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱
- ۳) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۵ - ۲۳۳۷۱۱۳

سرشناسه	رضوانی، علی اصغر، ۱۳۴۱ -
عنوان و پدیدآور	دین‌شناسی از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> / علی اصغر رضوانی.
	/ ناصرالدین انصاری قمی.
مشخصات نشر	قم: دلیل ما، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۴۴۰ ص.
شابک	: 978 - 964 - 397 - 537 - 1
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -- احادیث
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۸ د ۹ ۵۶ ر / ۲ / ۵۱ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۲۱۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۷۸۱۳۶۲



فهرست اجمالی

۹	خداشناسی از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۷۱	پیامبرشناسی از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۸۹	امام‌شناسی از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۴۹	حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۵۵	معادشناسی از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۶۷	احکام از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۰۳	اخلاق از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۶۹	گناه‌شناسی از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۹۱	دعا از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۰۷	فهرست منابع
۴۰۹	فهرست تفصیلی

پیشگفتار

یکی از موضوعاتی که کمتر مورد توجه محققان و نویسندگان درباره مهدویت قرار گرفته، بحث و بررسی در مورد کلمات و توقیعات و دعاهاى حضرت مهدى علیه السلام است، که این امر می تواند افق های جدید و وسیعی را درباره معارف اسلامی اعم از اعتقادی و فقهی و اخلاقی در برابر ما بگشاید، لذا بر ما لازم است که این گونه کلمات و روایات حضرت مهدى علیه السلام را مورد دقت و بحث و بررسی قرار داده و آنها را کاربردی نموده و به جامعه مهدوی و شیعیان آن حضرت علیه السلام تحویل دهیم که این اثر یکی از این گونه تألیفات است.

در ضمن از آنجا که «مشهدی» در کتاب «المزار» و «سید بن طاوس» در کتاب «مصباح الزائر» و «اقبال الأعمال» دعای ندبه را به امام زمان علیه السلام نسبت داده اند لذا بدین جهت بخشی از احادیث این کتاب از دعای ندبه آورده شده است.

علی اصغر رضوانی

خداشناسی از دیدگاه
حضرت مهدی علیه السلام

خدایابی از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

عدم احاطه عقل به کنه ذات خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خداوند متعال می فرماید:

« لا تقف العقول علی کنه عظمته، و لا تدرك الأوهام حقيقة ماهيته،

ولا تتصور الأنفس معانی کیفیتته »^۱؛

« عقل‌ها را به کنه عظمتش راهی نیست، و وهم‌ها حقیقت هستیش را

نمی‌یابند، و جان‌ها در درک حقیقت او عاجزند ».

هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که به کنه ذات خداوند متعال از راه عقل و وهم و نفس خود رسیده است؛ چرا که وجود او و صفات و اسمائش نامحدود می‌باشد، و در مقابل، ظرفیت ما انسان‌ها محدود می‌باشد و طبیعی است که ظرف محدود نمی‌تواند بز نامحدود احاطه یابد.

حیرت صاحب نظران از درک ذات خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

« یامن حارت فی کبریاء هیته دقائق لطائف الأوهام و انحسرت دون

ادراك عظمته خطائف ابصار الأنام»^۱؛

«ای آن که در بزرگی و هیبتش اوهام متحیر گردیده و در ادراک کمترین مرتبه عظمتش دیده صاحب نظران عاجز شده است».

هیچ کس نمی‌تواند به کنه ذات خداوند متعال احاطه پیدا کند و هرچه در عظمت او بیشتر تدبّر و تأمل شود حیرت انسان از او بیشتر می‌گردد.

شناخت خداوند متعال با آیاتش

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می‌فرماید:

«فجعلتهم... ارکاناً لتوحيدهك و آياتك و مقاماتك، التي لاتعطيل لها في

كلّ مكان، يعرفك بها من عرفك»^۲؛

«پس آنان را... پایه‌های استوار توحید و نشانه‌ها و مقامات خود قرار دادی، که هیچ مکانی از آن‌ها خالی نیست، و هرکس که تو را شناخته به وسیله آن‌ها شناخته است».

هرکس خداوند متعال را شناخته او را با آیات و مقاماتی شناخته است که در هر مکانی وجود دارد.

برهان هدایت و رهیابی بر وجود خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«یا من... ألهم فأنطق»^۳؛

«ای کسی که... الهام کرده، سپس به نطق درآوردی».

۱. مصباح الزائر، ص ۵۶.

۲. اقبال الاعمال، ص ۶۴۶.

۳. اقبال الاعمال، ص ۶۴۴.

یکی از براهین بر اثبات خداوند متعال برهان هدایت و رهیابی است به این بیان که مادر موجوداتی همچون انسان و سایر حیوانات هدایت‌ها و الهاماتی می‌یابیم که با آن‌ها هدف خود را یافته و پیگیری می‌کنند، هدایت‌هایی که قطعاً تعلیمی نبوده و آن‌ها را فرانگرفته است، و از این‌ها کشف می‌کنیم کسی است که خالق و مدبّر این عالم و موجودات است که همه را راهنمایی کرده و راه رسیدن به هدفشان را به آن‌ها الهام کرده است و بعضاً برخی چیزهایی می‌گویند که قطعاً به آن‌ها از غیب الهام شده است.

برهان نظم و اتقان بر وجود خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«یا من ... صوّر فأتقن»^۱؛

«ای کسی که ... به تصویر کشیده و متقن ساخته است».

یکی از براهین اثبات بر وجود خداوند متعال برهان نظم و اتقان است، به این معنا که مادر مجموعه اجزای عالم نظم و تدبیر و اتقان مشاهده می‌کنیم، اتقانی بس عظیم، و این اتقان دلالت بر وجود شخصی عظیم دارد که آن را پدید آورده که همان خداوند متعال است.

و نیز از آن حضرت نقل شده که در پاسخ نامه اسحاق بن یعقوب فرمود:

«أنتی لأمان لأهل الأرض كما إنّ النجوم امان لأهل السماء»^۲؛

«همانا من مایه ایمنی برای اهل زمین همان‌گونه که ستاره‌ها مایه ایمنی اهل آسمانند».

۱. همان.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۱.

برهان حدّ بر وجود خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«حَادَّكَلَّ مَحْدُود»؛

«ای محدود کننده هر موجود محدود».

یکی از براهین بر وجود خداوند متعال برهان «حدّ» یا «محدودیت» مخلوقات است؛ به این بیان که هر محدود و محدودیتی حادثی خارج از خود لازم دارد تا به حادثی برسد که خودش محدود نیست؛ زیرا دور و تسلسل باطل و محال است، نتیجه این که در عالم موجود مستقلی وجود دارد که محدوده هر موجودی را به لحاظ قابلیت و زمان و مکان و ... مقدر می‌کند ولی خودش از این گردونه خارج است؛ چرا که واجب الوجود می‌باشد.

توحید از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

وحدانیت خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«فنفسی مؤمنة بالله وحده لا شريك له»^۱؛

«قلب من به خداوندی که تنهاست و شریکی برای او نیست ایمان دارد».

از عبارت فوق استفاده می‌شود که خداوند متعال یکی است و هیچ گونه شریک و همتایی ندارد.

توحید در الوهیت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«واسألك يا الهی و اله كل شیء»^۲؛

«و از تو می‌خواهم ای خدای من و ای خدای هر موجودی».

یکی از اقسام توحید، توحید در الوهیت است؛ یعنی تنها ذات مستجمع جمیع

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۳.

۲. مهج الدعوات، ص ۲۸.

صفات جمال و کمال که به طور مستقل آنها را داراست و در وجودش به کسی وابسته نیست و *علة العلل همه موجودات است و بدین جهت مستحق پرستش می‌باشد یکی است و او جز خداوند متعال نمی‌باشد، و لذا او خدای حضرت مهدی علیه السلام و خدای هر موجودی است.*

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خدا عرضه می‌دارد:

«یا من لا اله الا هو»^۱؛

«ای کسی که جز او خدایی نیست».

توحید در معبودیت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال می‌فرماید:

«لیس دونک من معبود»^۲؛

«جز تو کسی سزاوار پرستش نیست».

یکی از اقسام توحید نظری توحید در معبودیت است؛ یعنی هیچ معبود و موجودی قابل پرستش به جز او نیست، چرا که اوست خالق هستی و همه امور بشر به او وابسته می‌باشد.

عبودیت و مخلوقیت، فارق بین خدا و اولیا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام فرمود:

«لا فرق بینک و بینها الا انهم عبادک و خلقک»^۳؛

«میان تو و آنها تفاوتی نیست مگر این که آنان بنده و آفریده تو اند».

۱. بلد الامین، ص ۳۳۳.

۲. اقبال الاعمال، ص ۶۴۷.

۳. اقبال الاعمال، ص ۶۴۶.

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به جهت قرب تام به خداوند متعال مظهر صفات جمال و کمال او شده‌اند، همان گونه که هرگاه شخصی به نور یا حرارت نزدیک شود مظهر آن‌ها می‌گردد گرچه از خود اصالتی در آن‌ها ندارد. و بدین جهت است که بنا بر این نقل، حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید: فرقی بین اهل بیت علیهم السلام و خداوند متعال نیست جز در عبودیت و مخلوق بودن آنان، که همان فرق بین اصالت و تبعیت است.

توحید در کبریایی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«یا من ... تفرد بالآلاء و الکبریاء، فلا ضدّ له فی جبروت شأنه»^۱؛

«ای کسی که در بخشش‌ها و بزرگواری یکتایی و از این رو در شأن و جلالت

ضدّی برایت متصوّر نمی‌شود».

بزرگی هرکسی به صفات کمال و جمال اوست، و از آن جا که خداوند متعال در کبریایی و بزرگی بی‌نظیر است لذا در عالم خدا وجود دارد با این خصوصیت که همان کبریای یکتا است و دیگران هم اگر کبریایی دارند یا ناقص است و یا در آن وابسته به خداوند متعال اند.

توحید در مالکیت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«یا من توحد بالملك، فلاندا له فی ملکوت سلطانه»^۲؛

«ای آن که در پادشاهی و سلطنت یگانه هستی از این رو در قلمرو حاکمیت

رقیبی وجود ندارد».

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۹۱.

۲. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۹۱.

یکی از اقسام توحید، توحید در مالکیت است؛ زیرا خالق انسان و همه موجودات خداوند است و همه موجودات به او وابسته‌اند پس مالک اوست و سلطه حقیقی و مستقل هم برای اوست.

خداوند، مالک مُلک هستی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اللّٰهُمَّ مَالِكُ الْمَلِكِ...»^۱؛

«بارخدا یا! ای صاحب سلطنت...».

تمام مُلک و ملکوت و هرآنچه مردم مالک آن هستند و خود مردم، همه و همه را خداوند متعال مالک است، و این همان توحید در مالکیت می‌باشد؛ زیرا که خالق حقیقی اوست پس مالک نیز می‌باشد.

مالکیت بنده از جانب خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«تَوْتِي الْمَلِكُ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَنْزِعُ الْمَلِكُ مَعْنِ تَشَاءٍ»^۲؛

«سلطنت بر هرکسی که بخواهی عنایت می‌نمایی و از هرکس که

بخواهی می‌گیری».

اگر کسی مالک چیزی است، ملکیتش اعتباری می‌باشد؛ زیرا که مالک حقیقی خداست و اوست که بر هرکسی که صلاح بداند سلطنت و پادشاهی می‌دهد و نیز از هرکس که صلاح بداند باز میستاند.

۱. مهج الدعوات، ص ۶۸.

۲. همان.

توحید در فاعلیت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«... و اسألك باسمك الذي اجريت به الماء في عروق النبات بين اطباق

الثرى، و سُقَّتَ الماء الى عروق الاشجار بين الصخرة الصماء»؛^۱

«... و از تو می‌خواهم به اسمت که به واسطه آن آب را در ریشه‌های گیاهان

بین طبقه‌های زمین جاری ساختی، و آب را به ریشه‌های درختان بین صخره

گنگ سوق دادی».

گرچه به ظاهر باغبان و زارع است که آب را به زمین جاری می‌سازد تا به ریشه‌های درختان که در طبقه‌های زمین پیچیده و رفته بر شد ولی همه این‌ها به فرمان و مشیت و تقدیر الهی است و لذا زارع حقیقی او می‌باشد همان گونه که در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴾^۲؛

«آیا شما آن را می‌رویانیید یا ما می‌رویانیم؟!».

توحید در عبودیت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

« و اسألك يا... ربّي و ربّ كلّ شيء »^۳؛

« و از تو می‌خواهم ای... پروردگار من و پروردگار هر موجودی».

یکی از اقسام توحید ربوبی است، به این معنا که تنها مرتبی مستقل در این

۱. مهج الدعوات، ص ۶۹.

۲. واقعه، آیه ۶۴.

۳. مهج الدعوات، ص ۲۸.

عالم که تربیت همه موجودات به او بازمی‌گردد خداوند متعال است، او که پروردگار امام زمان علیه السلام و پروردگار هر موجودی است.

تمام موجودات اعم از انسان، نباتات، جمادات و مجردات، همه و همه تحت تربیت خداوند متعال اند گرچه به واسطه اشخاص یا موجوداتی باشد.

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«انت الله ربّ العالمین»^۱؛

«تو خدایی هستی که پروردگار عالمیان می‌باشی».

ربوبیت مطلقه خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«انت الربّ و نحن المرئوبون»^۲؛

«تو پروردگاری و همه ما تربیت شدگان تویم».

اگر کسی در این عالم مرتبی است به امر و اراده و مشیت او می‌باشد، و ربوبیت خداوند حتی شامل اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نیز می‌شود.

توحید در الوهیت، منشأ توحید در ربوبیت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«انت الله الذی لا اله الا انت، مدبّر الامور»^۳؛

«تو خدایی هستی که جز تو خدایی نیست، تدبیر کننده کارهایی».

از آن جا که ذات مستجمع صفات جمال و کمال که مستقل در آن‌هاست یکی است

۱. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۷۵.

۲. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۲۶۶.

۳. منتخب الاثر، ص ۵۲۱.

و لذا معبود حقیقی نیز یکی است یعنی ذات پاک خداوند متعال، لذا مدبّر و مربّی مخلوقات هم یکی است که به طور مستقل عالم را تدبیر می‌کند و اگر تدبیر کننده‌ای هست تحت تدبیر خداوند متعال می‌باشد.

توحید در عظمت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

« الحمد لله الذی ... لاشبیه له فی عظمته »^۱؛

« ستایش خدایی را سزااست که ... در بزرگواری مانند‌ی برای او نیست ».

خداوند متعال دارای مجد و عظمت و شرفی است که هیچ کس شبیه و مثل آن را ندارد، و هرکس که دارای عظمت است از جانب خداوند متعال گرفته و عظمت او به خداوند بازمی‌گردد.

توحید در علم

از امام زمان نقل شده که فرمود:

« لیس نحن شرکاءه فی علمه »^۲؛

« ما شریکان او در علمش نیستیم ».

یکی از اقسام توحید، توحید در علم است؛ یعنی تنها کسی که عالم به تمام امور بوده و علمش مستقل و بی‌نهایت است خداوند متعال است و هیچ کس در این نوع علم حتی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام شریک نیست؛ آری اولیای الهی به جهت قرب به خداوند مظهر صفات جمال و کمال او شده که از آن جمله علم الهی است که خداوند به آن افاضه کرده است.

۱. زاد المعاد، ص ۱۱۰.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۷۳.

توحید در قدرت

از امام زمان نقل شده که فرمود:

« لیس نحن شرکاء فی ... قدرته »^۱؛

« ما شریکان خدا در قدرت او نیستیم ».

یکی از اقسام توحید، توحید در قدرت است؛ یعنی تنها قادر علی الاطلاق که هیچ نقصی در قدرت او وجود نداشته و نخواهد داشت و در این صفت استقلال دارد خداوند متعال است، دیگران در قدرت همگی به او وابسته هستند حتی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام.

*

توحید در ستایش

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

« الحمد لله رب العالمین حمداً لا شریک له ... »^۲؛

« ستایش مخصوص پروردگار عالمیان است، ستایشی که برای آن شریکی و همتایی نیست ... ».

یکی از اقسام توحید، توحید در ستایش است، به این معنا که ملک و حمد و ستایش و اصل و حقیقت آن برای خداوند متعال است؛ چرا که تمام خوبی‌ها و خیرات به او بازمی‌گردد و لذا اگر قرار باشد که کسی به جهت کاری مدح و ستایش شود در حقیقت خداوند است که باید ستایش گردد.

*

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۷۳.

۲. غیبت، طوسی، ص ۲۸۷.

توحید در خالقیت

از امام زمان نقل شده که فرمود:

« الحمد لله الذی لا شریک له فی خلقه »^۱؛

« ستایش خدایی را سزااست که در آفرینش شریک ندارد ».

از جمله اقسام توحید، توحید در خالقیت است؛ یعنی تنها خالق مستقل در عالم، خداوند متعال می باشد؛ و تمام افراد غیر او در خلق و آفرینش تحت مشیت و اراده او هستند، و عالم را بدون شریک و همتا آفرید.

دعا از امام، خلق از خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

« و اما الأئمة - علیهم السلام - فانهم یسألون الله تعالی فیخلق ... ایجاباً

لمسألتهم و اعظماً لحقهم »^۲؛

« و اما امامان - علیهم السلام - پس آنان از خداوند متعال می خواهند و او خلق

می کند ... به جهت برآورده کردن خواسته آنها و تکریم حقشان ».

امامان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از خداوند می خواهند و او نیز خواسته آنان

را به اجابت می رساند به جهت حقی که خداوند متعال برای آنان مقرر کرده است.

توحید در رازقیت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

« و اما الأئمة - علیهم السلام - فانهم یسألونه فیرزق ایجاباً لمسألتهم

۱. زاد المعاد، ص ۱۱۰.

۲. احتجاج، ص ۴۷۱.

و اعظماً لحقهم»^۱؛

«و اما امامان علیهم السلام - پس آنان از خداوند متعال می‌خواهند و او روزی می‌دهد، به جهت پیاده کردن خواسته آنان و بزرگداشت حقشان».

یکی از اقسام توحید، توحید در رازقیت است؛ به این معنا که روزی رسان عموم مخلوقات عالم خداست و تمام روزی‌ها به او بازمی‌گردد، و لذا اهل بیت علیهم السلام از خدا می‌خواهند و او درخواست آن‌ها را به جهت حقی که دارند به اجابت می‌رساند.

توحید در حق

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«و اسألك بكلّ حقّ هو لك»^۲؛

«و از تو می‌خواهم به هر حقی که آن حق برای توست».

از آن جا که هرچه هست در این عالم برای خداوند متعال می‌باشد و لذا تمام حقوق به طور اصالت و حقیقی برای اوست گرچه ممکن است خداوند برای برخی از افراد بر عهده دیگران حقوقی را قرار داده باشد.

حقوقی را که خداوند برای خود قرار داده

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«اسألك ... بكلّ حقّ جعلته عليك»^۳؛

«از تو می‌خواهم ... به هر حقی که آن را بر خود قرار دادی».

و هابیان می‌گویند: هیچ کس بر عهده خداوند حقی ندارد، آری هیچ کس نمی‌تواند بر عهده او حقی قرار دهد ولی این خداوند است که بر عهده‌اش حقوقی را برای افراد

۱. احتجاج، ص ۴۷۱.

۲ و ۳. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۷۵.

قرار داده و بر آن پایبند است. و لذا در قرآن کریم می فرماید:

﴿ وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ ﴾^۱؛

«و یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما!».

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی عرضه می دارد:

«الهی بحق من نجاك وبحق من دعاك فی البرّ والبحر...»^۲؛

«پروردگارا تو را سوگند می دهم به حق کسی که با تو مناجات می کند و به حق

آن که در خشکی و دریا تو را می خواند...».

از این جملات استفاده می شود که مناجات کنندگان و دعاکنندگان در خشکی و دریا بر خداوند متعال حق اجابت دارند؛ گرچه این حق را خداوند بر خودش قرار داده است.

توحید در عزت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می دارد:

«تعزّ من تشاء، بیدک الخیر، انک علی کلّ شیء قدير»^۳؛

«هرکس را که بخواهی عزیز و هرکسی را که بخواهی ذلیل می کنی، به دست

توست خیر، همانا تو بر هر چیزی قدرت داری».

عزت در اصل و حقیقت و تمام انواع آن برای خداوند متعال است همان گونه که

در قرآن کریم آمده است:

﴿ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً ﴾^۴؛

«همه عزّتها از آن خداست؟!».

۱. روم، آیه ۴۷.

۲. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۴۵۰.

۳. مهج الدعوات، ص ۶۸.

۴. نساء، آیه ۱۳۹.

و لذا عزت را به هرکس که مصلحت بداند عنایت کرده و در مقابل، هرکس که آن را نخواهد و به آن پشت پا زند و از آن روی گردان شود ذلیل و خوار خواهد داد؛ چرا که خیر به دست قدرت با کفایت اوست و او بر هر کاری تواناست.

عزت اولیا به عزت خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«السلام علی سلیمان الذی ذلت له الجنّ بعزّته»^۱؛

«سلام بر سلیمان که با عزت خداوند جنّ مسخر او گردید».

یکی از اقسام توحید نظری توحید در عزت است؛ یعنی عزت در اصل و حقیقت برای خداوند می‌باشد و اگر کسی عزیز می‌گردد و دیگران او را تعظیم می‌کنند به عزت خدایی است، و عزت انسان‌های عزیز در ارتباط و قرب به خداوند متعال است.

فعل خداوند به فعل امام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیان می‌فرماید تا به خداوند متعال عرضه دارند:

«و اهدنا به لما اختلف فیه من الحق باذنک، انک تهدی من تشاء الی

صراط مستقیم»^۲؛

«به واسطه او - امام زمان علیه السلام - ما را به مسایل اختلافی هدایت کرده و حق را به اذن

خود واضح گردان؛ چرا که تو هرکس را که بخواهی به راه مستقیم هدایت می‌کنی».

از دعای فوق استفاده می‌شود که هدایت خداوند متعال به واسطه امام انجام می‌گیرد، و در عین حال همه کارها به اذن و اراده و مشیت خداست و اوست که در حقیقت مردم را به راه راست هدایت می‌کند.

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۲۸.

۲. مصباح المتعجب، ص ۵۷۷.

یاری خداوند به یاری امام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش فرمود این چنین از خداوند متعال بخواهند:

«وانصرنا به علی عدوك و عدونا اله الحق آمین»^۱؛

«و ما راه وسیله او بر دشمن خود و دشمن ما، یاری کن، ای خدای حق، آمین».

گرچه مطابق آیات قرآن کریم نصرت و یاری از جانب خداوند متعال است آنجا که می فرماید:

﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾^۲؛

«و پیروزی تنها از جانب خداوند توانای حکیم است».

ولی نصرت او به وسیله اسباب و علل غیبی یا طبیعی صورت می پذیرد که از آن جمله وجود نازنین امام زمان علیه السلام است.

توسل به اولیا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می دارد:

«اتقرب اليك باوّل من توّجته تاج الجلالة، و احللته من الفطرة محلّ

السّلالة، حبّتك في خلقك، و امينك على عبادك، محمّد رسولك و...»^۳؛

«به تو نزدیکی می جویم به اولین فردی که تاج جلالیت بر سر او نهادی، و

جایگاه نیکویی از خلقت راه او بخشیدی، حجتت در خلقت و امینت در بین

بندگان، محمّد و...».

۱. مصباح المتهدد، ص ۵۷۷.

۲. آل عمران، آیه ۱۲۶.

۳. مهج الدعوات، ص ۳۳۹.

انسان بدون دلیل و راهنمای معصوم نمی‌تواند به قرب الهی نایل شود؛ زیرا اوست که مسیر تقرب به خدا را طی کرده و می‌تواند انسان را به سر منزل مقصود راهنمایی کند، و بهترین معصوم رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است.

توسل به اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ بِهِم إِلَيْكَ تَوَسَّلِي وَتَقَرَّبِي»^۱؛

«بارخدا یا! به وسیله آنان به سوی توست توسل و تقربم».

قرب انسان‌ها به سوی خداوند متعال تنها به وسیله اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام صورت می‌پذیرد و کسی که می‌خواهد به طور حتم و یقین به خداوند برسد تنها وسیله‌ای که به درد او می‌خورد آن ذوات مقدسه هستند.

توسل به ذات اولیا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودِينَ فِي رَجَبٍ؛ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ

عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ، وَاتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ خَيْرَ الْقَرَبِ»^۲؛

«بارالها! از تو می‌خواهم به حق دو مولود در ماه رجب؛ محمد بن علی

دوم و فرزند برگزیده‌اش علی بن محمد، و به آن‌ها نزد تو بهترین تقرب

را می‌جویم».

یکی از اقسام توسل، توسل به ذات اولیا الهی در عالم برزخ است که وهابیان آن را

۱. مصباح الزائر، ص ۲۲۵.

۲. اقبال الاعمال، ص ۶۴۷.

جایز ندانسته بلکه آن را بدعت یا راهی به شرک می‌دانند، ولی از جمله بالا استفاده می‌شود که این نوع توسل صحیح می‌باشد.

عدم اتخاذ یاور

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خداوند متعال می‌فرماید:

«و لم یکن له ولی من الذل»^۱؛

«و برای او سرپرستی از روی خواری نیست».

برخی از آن جهت که در کارهایشان ضعیف و ذلیل اند برای خود همکار و یا سرپرست و کمک کار می‌گیرند، ولی خداوند متعال این گونه نیست و اگر در این عالم واسطه فیض وجود دارد، طولی است و از اقتضات این عالم است. و به عبارت دیگر محل چنین اقتضایی را دارد و گرنه خداوند متعال از هرگونه نقصی بی‌نیاز است و احتیاج به هیچ یار و یآوری ندارد.

عدم پذیرش هیچ نوع شرک

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«الله ربی لا اشرك به شیئاً»^۲؛

«خداست خداست پروردگارم، و شریک برای او قائل نمی‌شوم».

برخی ممکن است در قسمتی از اقسام توحید لغزش داشته و به شرک گرچه خفیف آن افتاده باشند، ولی بنابراین چه از امام زمان علیه السلام رسیده او هیچ نوع شریکی برای خداوند متعال قائل نیست.

۱. اقبال الاعمال، ص ۶۷۵.

۲. اقبال الاعمال، ص ۶۷۵.

نظام اسباب و مسببات

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

« و عليك المعوّل في الشدّة و الرّخاء »^۱؛

« تکیه گاهم در حال گرفتاری و بی‌نیازی تنها تو هستی ».

این در حالی است که در همان دعا حضرت علیه السلام خودش را مظهر « الغوث » خداوند معرفی کرده و خودش را به این عنوان می‌خواند.

از جمع این دو استفاده می‌شود که نظام عالم، نظام اسباب و مسببات است و اهل بیت عصمت و طهارت و از آن جمله امام زمان علیه السلام مظهر غوث و پناه الهی اند.

خداوند متعال، مبدأ خیرات

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

« ... منك الرّوح و منك الفرج »^۲؛

« ... از ناحیه توست نشاط و از ناحیه توست گشایش ».

مبدأ خیرات خداوند متعال است و اگر خیر و گشایشی در برخی از اولیا و افراد می‌بینیم همگی از آن خداوند است و به او باز می‌گردد.

سبب ساز بودن خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

« اللّهم ان كانت الخیرة لی فی امری هذا، و هو کذا و کذا، فمکتی منه، »

۱. جمال الاسبوع، ص ۱۷۰.

۲. مهج الدعوات، ص ۲۹۴.

و اقدرنی علیه، و آمرنی بفعله، و اوضح لی طریق الهدایة الیه»^۱؛
«بارخدا یا! اگر انتخاب شده برای من در امرم همین است، و او این و آن
می‌باشد، پس به من در آن مکنّت ده و مرا قادر بر آن گردان و مرا به انجام آن
دستور بده، و راه هدایت به سوی آن را برایم واضح گردان».

برای رسیدن به سعادت و هدایت باید انسان کوشا باشد و هرچه در توان خود دارد
آن‌ها را به کار گیرد، و در عین حال از خداوند متعال بخواهد که به او مکنّت و قدرت
داده و وظیفه‌اش را روشن سازد و راه هدایت را بر او واضح گرداند.

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا مسبّب الاسباب، سبب لنا سبباً لانستطیع له طلباً»^۲؛

«ای سبب بخش اسباب، راهی را به ما بنمایان که بدان قادر نیستم».

خداوند متعال هنگامی که بخواهد به کسی یا کسانی عنایت کرده و خیرات بدهد
سبب رسیدن به آن را به او می‌دهد نه آن که مسبب را به دست او دهد؛ زیرا وظیفه بنده
است که به دنبال اسباب رفته تا به مقصود و هدف خود نایل آید.

سه بت شکن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعای شروع در نماز عرضه می‌دارد:

«وجّهت وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفاً مسلماً، علی ملّة

ابراهیم علیه السلام و دین محمد صلی الله علیه و آله و هدی امیرالمؤمنین علیه السلام و ما انا من

المشرکین»^۳؛

«رویم را به سوی کسی می‌کنم که آسمان‌ها و زمین را آفرید، در حالی که به

۱. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۳۳۹.

۲. مهج الدعوات، ص ۴۵.

۳. الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۸۴.

توحید تمایل نموده و مسلمانم، بر ملت ابراهیم علیه السلام و دین محمد صلی الله علیه و آله و هدایت امیر مؤمنان علیه السلام و من از مشرکان نخواهم بود».

سه شخصیت بزرگ تاریخی است که دعوت کننده به توحید بوده و با شرک و بت پرستی مقابله کرده‌اند، که یکی از آنها حضرت ابراهیم علیه السلام و دیگری پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نفر سوم حضرت علی علیه السلام بوده است.

دعا از امام، رحمت از خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیان خود دستور داده‌اند تا از خداوند متعال چنین بخواهند:

«و هب لنا رأفته و رحمته و دعائه و خیره ما تنال به سعة من رحمتك و فوزاً عندك»^۱؛

«و ببخش بر ما مهر و رحمت و دعا و خیرش را، تا بدین وسیله به رحمت واسعة تو نایل و به کامیابی نزد تو برسیم».

از خداوند متعال می‌خواهیم که ما را مشمول ادعیه زاکیه حضرت مهدی علیه السلام قرار دهد که به آن می‌توان به رحمت واسعة الهی رسیده و به فوز اکبر نایل شد.

ولایت اولیای الهی، وسیله تقرب به خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«...أفما يكفيني يا ربّ وسيلة اليك، و ذريعة لديك، أنني لا ولياء دينك موال...»^۲؛

«...ای پروردگار من! آیا در وسیله قرار دادن به سوی تو و راه نزد تو مرا کفایت نمی‌کند که من ولایت اولیای دینت را پذیرفته‌ام...».

۲. مهج الدعوات، ص ۳۳۹.

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

ولایت اولیای الهی و سرپرستان دین خداوند متعال بهترین وسیله برای تقرب به اوست که می‌تواند در این زمینه کفایت نماید.

عنايات خدا به وسیله اسباب

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا من اذا وَلَجَ العبد فی لیل من حیرته بهیم، و لم یجد له صریخاً یصرخه من ولی حمیم، وجد من معونتك صریخاً مغيثاً، و ولیاً یطلبه حیثاً، ینجیه من ضیق امره و حرجه»^۱؛

«ای آنکه هرگاه بنده در تاریکی شب متحیرانه تو را بخواند و دوست مهربانی برای یاری و پناه نداشته باشد، از تو پناه و دادرسی می‌یابد، و دوستی که او را به سوی خود خوانده و از سختی رهاییش دهد».

خداوند متعال در این عالم نیز نیروها و اولیایی دارد که هرگاه کسی به او استغاثه کند به سوی او می‌فرستد تا او را از مصیبت و گرفتاری که پیدا کرده نجاتش دهد، و لذا عالم ربوبی و فیض آن به وسیله اسباب خاص است.

عنايت خداوند به ارائه طریق

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا من اذا وَلَجَ العبد فی لیل من حیرته بهیم، و لم یجد له صریخاً یصرخه من ولی حمیم، وجد من معونتك صریخاً مغيثاً، و ولیاً یطلبه حیثاً، ینجیه من ضیق امره و حرجه، و یظهر له اعلام فرجه»^۲؛

«ای آنکه هرگاه بنده در تاریکی شب متحیرانه تو را بسخواهد، و دوست مهربانی برای پناه و یاری نداشته باشد، از یاری تو پناه و دادرسی می‌یابد،

و دوستی که او را به سوی خداوند خوانده، و از سختی رهائش داده، و راه‌های گشایش را برایش می‌نمایاند».

هدایت‌ها و عنایات الهی در غالب اوقات به این نحو است که خداوند متعال نشانه‌های فرج و راه‌های رسیدن به هدف را برای انسان آشکار می‌کند تا با پیمودن با اختیار به آن هدف نایل گردد.

بلند شدن دست‌ها فقط به سوی خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«واجعلنی ممّن لا یبسط کفّاً الاّ الیک»^۱؛

«و قرار بده مرا از جمله کسانی که فقط دست‌هایش را به سوی تو دراز می‌کند».

دل را باید به کسی بست و دست نیاز را به کسی دراز کرد که هرگز خالی برنمی‌گردد، نه به انسان‌ها حتی نزدیکان خود، که در مواقع حساس زندگی حتی به کمترین چیز به انسان پشت کرده و او را تنها می‌گذارند.

اعتراف اهل بیت علیهم السلام به عبودیت برای خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که می‌فرماید:

«و انا و جمیع آبائی من الأوّلین؛ آدم و نوح و ابراهیم و موسی و غیرهم من النبیین، و من الآخرین؛ محمّد رسول الله و علی بن ابی طالب و الحسن و الحسین و غیرهم ممّن مضی من الأئمة صلوات الله علیهم اجمعین الی مبلغ ایامی و منتهی عصری، عبیدالله عزّوجل»^۲؛

۱. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۲. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۷۳.

«و من و تمام پدرانم از اولین؛ آدم و نوح و ابراهیم و موسی و غیر آنها از پیامبران، و از آخرین؛ محمد رسول خدا و علی بن ابی طالب و حسن و حسین و غیر آنها از امامانی که از دنیا رحلت نمودند درود خدا بر تمام آنان باد، تا امر و زمان و منتهای عصر من، همگی بنده خداوند عزوجل می‌باشند».

گرچه امامان از اهل بیت علیهم السلام دارای کمالات و مقامات بسیار بالایی هستند ولی این نباید باعث شود که ما به آنها به دید استقلالی نظر کنیم و آنان را در برابر خداوند مستقل بدانیم؛ چرا که هرچه آنها دارند به جهت قرب الهی پیدا کرده‌اند که از عنایات خداوند به آن‌هاست و بزرگ‌ترین مقام و منزلت آنها عبودیتشان برای خدا می‌باشد که به آن نیز افتخار می‌کردند، همان‌گونه که از کلمات فوق به دست می‌آید.

اظهار ناراحتی امام زمان علیه السلام از غالیان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«یا محمد بن علی! قد آذانا جهلاء الشيعة و حماؤهم، و من دینه جناح البعوضة ارجح منه»^۱؛

«ای محمد بن علی! به طور حتم جاهلان شیعه و افراد احمق از آنها ما را آزار داده است، و کسانی که بال مگس بر دین او رجحان دارد».

برخی از عوام مردم به جهت احساس بالایی که دارند به غلو افتاده و در حق امامان خود تندروی کرده‌اند، و این چیزی است که در طول تاریخ اهل بیت علیهم السلام وجود داشته و آن بزرگواران با این پدیده به طور علنی و شدید برخورد کرده‌اند. امری که اهل بیت علیهم السلام را به سختی به درد آورده است.

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۷۳.

تبری امام زمان علیه السلام از شرک

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«... ائتی بریء الی الله والی رسوله ممن یقول: انا... نشارك الله فی ملكه»^۱؛
«... همانا من نزد خدا و رسولش بیزاری می‌جویم از کسی که می‌گوید ما...
شریک خدا در سلطنتش می‌باشیم».

همان گونه که کوتاهی در حق اهل بیت علیهم السلام منشأ هلاکت است، تندروی در حق آنان نیز باعث هلاکت می‌شود، کاری که امام زمان علیه السلام از آن به خدا و رسولش پناه برده است، به این که ما اهل بیت علیهم السلام را شریک در ملک و سلطنت خدا بدانیم، و این شکی در شرک بودن آن نیست.

بیزاری امام زمان علیه السلام از غلو در شأن اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«... ائتی بریء الی الله و الی رسوله ممن ... یُجلُّنا محلاً سوی المحلّ الذی
نصبه الله لنا و خلقنا له ...»^۲؛

«... همانا من نزد خدا و رسولش بیزاری می‌جویم از کسی که... ما را در محلی قرار
می‌دهد سوای آن محلی که خداوند برای ما قرار داده و ما را برای آن آفریده است».

مابین افراط و تفریط، غلو و تقصیر رعایت حدّ اعتدال است؛ به این که مراجعه به قرآن و روایات مراجعه کنیم و با تأمل دریابیم که چه جایگاهی برای اهل بیت علیهم السلام قرار داده شده و به همان معتقد باشیم و از افراط و تفریط دوری گزینیم و خیال نکنیم که اگر در حق آن بزرگواران غلو کنیم به آنان تقرّب جسته‌ایم بلکه آنان با این کار از ما بیزاری جسته‌اند.

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۷۳.

۲. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۶۶.

صفات ثبوتی از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

عدم امکان بیان کیفیت خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا من لایکف بکف»^۱؛

«ای کسی که به هیچ گونه‌ای کیفیت نیابی».

از آن جا که خداوند مجرد تام بوده و از هرگونه عوارض جسم و ماده مبرا است لذا هرگز نمی‌توان چگونه بودن او را ترسیم کرد.

عدم احاطه به کنه خداوند متعال

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا موصوفاً بغير کنه»^۲؛

«ای خدایی که ستوده می‌شوی بدون آن که به کنه ذات کسی علم پیدا کند».

از آن جا که هیچ کس نمی‌تواند به کنه ذات الهی راه پیدا کند و به آن احاطه علمی

۱. اقبال الاعمال، ص ۶۴۷.

۲. اقبال الاعمال، ص ۶۴۶.

پیدا نماید لذا هرکس که خداوند متعال را توصیف می‌کند توصیف به غیر کنه و به تعبیر دیگر به حد ناقص یا به رسم است نه به حد تام؛ و لذا از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

«الهی ما عرفناك حق معرفتك»؛

«بارالها! ما آن گونه که باید تو را شناختیم».

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا من سما فی العزّافات خواطر الأبصار»^۱؛

«ای کسی که چنان عزیز گردیده‌ای که چشم‌های بینای دل بدان راه نیابد».

مخفی در عین ظهور

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند چنین عرضه می‌دارد:

«یا باطناً فی ظهوره و یا ظاهراً فی بطونه»^۲؛

«ای کسی که در اوج پیدایی خود پنهانی، و در نهایت پوشیدگی و پنهانی خود آشکاری».

از خصوصیات خداوند متعال آن است که در عین آن که برای هر فطرت و عقلی ظاهر و بارز است ولی کنه ذات او بر تمام بشر مخفی است. و شاید که باطن و مخفی بودنش به جهت شدت ظهورش باشد.

خداوند بالاتر از توصیف بندگان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«تعالی الله عزوجلّ عما یصفون»^۳؛

«خداوند عزوجلّ بالاتر از آن است که او را توصیف می‌کنند».

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۹۱.

۲. اقبال الاعمال، ص ۶۴۶.

۳. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۷۳.

انسان از آن جهت که نمی‌تواند به کنه ذات خداوند متعال راه یابد لذا توصیف حقیقی او نیز برای انسان مقدور نیست، و خداوند از آنچه مردم او را توصیف می‌کنند بالاتر است، گرچه همین مقدار از معرفت که به آن قدرت دارند و آن را توصیف می‌کنند برای آن‌ها لازم و کافی است، ولی حقیقت و کنه ذات خداوند بالاتر از این‌هاست که می‌گویند.

حمد بی‌پایان خداوند متعال

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

« فلك الحمد حمداً ان عدَّ لم يُحصَ »^۱؛

« تنها ستایش مخصوص توست، ستایشی که اگر شمارش شود به شماره در نمی‌آید ».

از آنجا که نعمت‌های خدا بی‌پایان است و هر نعمتی حمد و ستایش می‌خواهد لذا خداوند متعال مستحق حمد و ستایشی است که اگر قرار باشد که شماره شود احصا نگردد.

حیات الهی

و نیز نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

« و هو حیّ لا یموت »^۲؛

« او زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد ».

از جمله صفات ثبوتی خداوند متعال صفت حیات و زندگی است، او کسی است که از ازل زنده بوده و خواهد بود و هرگز مرگ و نیستی و فنا بر او عارض نمی‌گردد؛ چرا که او واجب الوجود است و وجود جزء ذات اوست.

۱. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۲۶۶.

۲. مصباح، کفعمی، ص ۷۷۰.

عمومیت علم خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا من احاط بكلّ شیء علماً، و احصى کلّ شیء عدداً!»^۱؛

«ای کسی که به هر چیزی احاطه علمی داری و عدد هر چیزی را شماره کرده‌ای».

از جمله مسایل اختلافی در مباحث اعتقادی بحث از تعلق علم خداوند به جزئیات است که آیا به واسطه تعلق به کلیات می‌باشد و یا این که به طور مستقیم علم خداوند به جزئیات تعلق می‌گیرد. از جملات فوق استفاده می‌شود که علم خداوند به جزئیات بدون واسطه و به طور مستقیم است.

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا ... عالم کلّ معلوم»^۲؛

«ای ... دانای همه دانسته‌ها».

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا ... محصى کلّ معدود»^۳؛

«ای ... شمارنده هر چیز شمارش‌پذیر».

علم غیب خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«... فأنك شاهد كلّ نجوى، و عالم كلّ فحوى، و لا تخفى عليك من

۱. مهج الدعوات، ص ۷۰.

۲. بلد الامین، ص ۱۷۹.

۳. اقبال الاعمال، ص ۶۴۷.

اعمالهم خافية، و لا يذهب عنك من اعمالهم خائنة، و انت علام الغيوب، عالم بما في الضمائر و القلوب»^۱؛

«... همانا تو گواه هر نجوا، و عالم به هر فحوای خطابی، و از اعمال مردم چیزی بر تو مخفی نمی‌گردد، و از اعمال خیانتی مردم چیزی از تو نمی‌گذرد؛ چرا که تو علام الغيوب، و عالم به ضمائر و قلوبی».

خداوند متعال همه نوع علمی را داراست چه علم به شهود و چه علم به غیب و نهان، و در واقع همه اشياء و امور برای او شهود است و غیب برای او معنایی ندارد، و اگر غیبی هست به لحاظ ماست، و لذا هیچ چیز برای او مخفی نمی‌باشد و همه اشياء و امور بر او مساوی است.

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خداوند متعال می‌فرماید:

«مطلعاً على الضمائر، عارفاً بالسرائر...»^۲؛

«بر درون‌ها آگاه و بر پنهانی‌ها آشناست...».

علم و لطف خدا در بطن موجودات

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خداوند متعال می‌فرماید:

«الباطن دون كل شيء بعلمه و لطفه»^۳؛

«علم خدا و لطافت کارهایش در باطن هر مخلوقی نهفته است».

هرچه در موجودات عالم بررسی و کنکاش کنیم به علم بی‌پایان و دقت و لطافت صنع خداوند متعال پی می‌بریم که در نهاد هر موجودی نهفته است و این دلالت بر وجود خداوند و علم لایزال و لطف او دارد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰۷.

۲. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۳. همان.

قدرت برتر خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ فَيَا مَنْ قَدْرَتَهُ قَاهِرَةٌ»^۱؛

«بارخدا یا! ای آن که قدرتش [از تمام قدرت‌ها] برتر و غالب است».

گرچه عموم مردم قدرتمند می‌باشند و برخی از افراد قدرت برتری بر دیگران دارند ولی خداوند متعال قدرتی بی‌نهایت دارد که بر تمام قدرت‌ها برتری داشته و کسی بر قدرتش غالب نخواهد بود و تنها اوست که تمام قدرت‌ها تحت سلطه قدرتش می‌باشد.

*

نشانه‌های قدرت خداوند در هر مکان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می‌فرماید:

«فَجَعَلْتَهُمْ... اَرْكَانًا لِتَوْحِيدِكَ وَايَاتِكَ وِمَقَامَاتِكَ، الَّتِي لَا تَعْطِيلُ لَهَا فِى

كُلِّ مَكَانٍ»^۲؛

«... آنان را پایه‌های استوار یکتاپرستی و نشانه‌ها و مقامات خود قرار دادی،

که هیچ مکانی خالی از آنها نیست».

هر چیزی را که مشاهده می‌کنیم اگر همراه با بصیرت باشد نشانه‌هایی از توحید و

آیات و مقامات خداوند متعال را در آن می‌بینیم».

*

۱. بلد الامین، ص ۳۳۳.

۲. اقبال الاعمال، ص ۶۴۶.

تجلی قدرت خدا در موجودات

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خداوند متعال می فرماید:

«الظاهر علی کل شیء بقدرته»^۱؛

«بر هر موجودی به قدرتش ظهور کرده است».

خداوند متعال در هر چیزی با قدرتش ظهور کرده و هر موجودی به لحاظ ظرفیتی که دارد مظهر قدرت لایزال الهی است، و آن به لحاظ کاری که خداوند متعال روی موجودات انجام داده فرق می کند.

عفو الهی بعد از قدرت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«الحمد لله علی عفو بعد قدرته»^۲؛

«ستایش خداوند را سزااست بر عفویش بعد از قدرتش».

کسانی هستند که وقتی بر دشمنانشان دست یافته و قدرت پیدا کنند حس انتقام جویی در آن‌ها بیدار شده و از خود عکس العمل نشان می دهند، ولی خداوند متعال با آن که قدرت بر انتقام جویی از گناه کاران دارد در صورتی که توبه کنند آنان را عفو می نماید.

حفظ متانت خدا در موقع غضب

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«الحمد لله علی طول اناته فی غضبه و هو قادر علی ما یرید»^۳؛

۱. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۲. مصباح المتعجد، ص ۵۷۷.

۳. همان.

«ستایش خداوندی را سزااست بر حفظ متانتش در حال غضبش در حالی که بر آنچه می‌خواهد قدرت دارد».

بسیاری از افراد هستند که هنگام غضب و عکس‌العمل در برابر دشمنان عنان از کف داده و متانت را از دست می‌دهند و کارهایی انجام می‌دهند و یا سخنانی می‌گویند که لایق شأن یک انسان نیست، ولی خداوند متعال در صورتی که غضب کرده و می‌خواهد عکس‌العمل از خودش نشان دهد و گناهکاران را عذاب نماید از حدّ اعتدال خارج نمی‌گردد.

نیروی جاودانه الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«...یا ذا القوة المتین»^۱؛

«...ای صاحب نیروی جاودانه».

قدرت و قوت و نیروی خداوند متعال جاودانه و ذاتی است، بر خلاف ما که از ابتدا قدرت نداشته و مرتبه‌ای از ضعیف آن را کسب کرده‌ایم که آن هم جاودانه و پابرجا نیست.

قدم باری تعالی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«كنت قبل كل شيء»^۲؛

«تو قبل از هر چیزی بودی».

از جمله صفات ثبوتی خداوند متعال صفت قدیم بودن خداوند متعال است؛ به

۱. مهج الدعوات، ص ۶۸.

۲. مهج الدعوات، ص ۲۸۱.

این معنا که او قبل از هر چیزی موجود بوده و علت به وجود آمدن همه اشیا و موجودات است.



حدوث عالم و قدم باری تعالی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا حیّ حین لا حیّ»^۱؛

«ای زنده هنگامی که موجود زنده‌ای نبود».

از این جمله استفاده می‌شود که عالم حادث است؛ یعنی زمانی بوده که تنها خداوند متعال بوده و هیچ موجود زنده‌ای نبوده است و سپس خداوند، عالم را به اراده و مشیت خود آفریده است.



اول ازلی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خداوند متعال می‌فرماید:

«الأول بغير أوّل»^۲؛

«او اول و ابتدایی است که آغازی ندارد».

برخی اول اند ولی اولیت آنها آغازی دارد مثل این که فلان شخص اول کسی است که وارد خانه شده است ولی اوّلی است که آغازی دارد، در حالی که خداوند متعال اوّلی است که آغازی ندارد؛ زیرا که او قدیم و ازلی است و علت محدثه ندارد، بلکه واجب الوجود لذاته و به تمام معناست.

۱. مهج الدعوات، ص ۶۸.

۲. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

ازلی بودن خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«و انت الکائن بعد کل شیء»^۱؛

«و تو بعد از هر چیزی خواهی بود».

از جمله صفات ثبوتی خداوند متعال صفت ازلی بودن اوست به این معنا که او بعد از هر موجودی که فناپذیر است خواهد بود و هرگز عدم و نیستی و تغییر ماهیت در او راه ندارد.

آخر ابدی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خداوند متعال می‌فرماید:

«الآخر بغير آخر»^۲؛

«پایانی که منتها ندارد».

برخی آخرین نفرند و آخرین کار را انجام داده‌اند و آخرند ولی آخری که ابدی نیست، مثل این که او آخرین کسی است که وارد خانه شده ولی ابدی نمی‌باشد، ولی خداوند متعال آخری است که ابدی می‌باشد و برای او انتهایی نیست.

سمیع بودن خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا اسمع السامعین»^۳؛

«ای شنواترین شنندگان».

۱. مهج الدعوات، ص ۲۸۱.

۲. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۳. مصباح الزائر، ص ۵۶.

از آن جا که خداوند متعال جسم نیست که گوش داشته باشد تا به وسیله آن صداها را بشنود و از این راه علم به اموری حاصل کند، لذا سمیع بودن خداوند به معنای علم به مسموعات است، یعنی خداوند به هر چیز که از راه قوه سامعه علم پیدا می‌کند، عالم است، بلکه به تعبیر حضرت مهدی علیه السلام شنواترین شنوندگان می‌باشد.

بصیر بودن خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا... ابصر الناظرین»^۱؛

«ای بیناترین بینندگان».

از آن جا که خداوند متعال جسم نیست که چشم داشته باشد و با آن به اموری علم حاصل نماید لذا بصیر بودن خداوند به معنای علم او به مبصرات است، یعنی خداوند متعال به هر چه که دیگران از راه چشم علم حاصل می‌کنند، علم دارد بلکه از همه بینندگان بصیرتر می‌باشد.

جود خدا همراه با فضل

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«فارحم عبدك الجاهل وَجُد عليه بفضل احسانك»^۲؛

«پس به بنده جاهلت رحم کن و بر او به فضل احسانت رحم نما».

جود بر خداوند متعال لازم نیست و ضرورت ندارد و اگر بر بندگان جاهلش جود و سخاوت می‌کند به فضل احسانش می‌باشد نه از طریق استحقاق.

۱. مصباح الزائر، ص ۵۶.

۲. مصباح، کفعمی، ص ۷۷۰.

جود تمام نشدنی خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«... الباسط بالجود یده، الذی لاتنقص خزائنه و لاتزیده کثرة العطاء

الآله جوداً و کرمأ»^۱؛

«... آن‌که به بخشش دستش را گشوده و خزینه‌هایش کم نشود، و نیفزاید او را

فزونی بخشش مگر جود و کرم».

عموم مردم این چنین اند که اگر جود و بخشش کنند و در آن زیاده روی نمایند کم آورده و لذا از این کار خیر باز می‌مانند به جز خداوند متعال که معدن و خزینه جود و کرم و عطاست و لذا هرچه عطا نماید و در آن زیاده روی کند بر جود و کرمش افزوده می‌شود.

حلم الهی بعد از آگاهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«الحمد لله علی حلمه بعد علمه»^۲؛

«ستایش خداوندی را سزااست بر حلمش بعد از آگاهی».

بسیاری از افراد هستند که چون از نافرمانی و کارهای زشت افراد آگاه می‌شوند عنان از کف داده و غضبناک می‌شوند و از خود عکس العمل شدید نشان می‌دهند، ولی خداوند متعال این چنین نیست؛ چرا که او با علم و آگاهی از گناه بنده‌اش حلیم بوده و بردبار می‌باشد تا شاید که توبه کرده و از گناهش باز گردد.

۱. زاد المعاد، ص ۱۱۰.

۲. مصباح، کفعمی، ص ۷۷۰.

حلم خدا مانع از عذاب

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در نفرین خود بر ظالمان می فرماید:

«... و ارفع جلمك عنهم، و احلل عليهم غضبك...»^۱؛

«...بردباریت را از آنان بردار، و غضبت را بر آنان وارد نما».

اگر گاهی مشاهده می کنیم که برخی ظلم می کنند و به این عمل خود ادامه می دهند و اتفاقی نمی افتد این به جهت مصلحتی است که در تأخیر عذاب اوست تا به اجل و حد آن برسد، و این مصداق حلم و بردباری خداوند متعال است، ولی دعای امام زمان علیه السلام می تواند در تعجیل رسیدن عذاب به او تأثیر گذار باشد.

✽

صفت صدق

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می دارد:

«أنتك انت الصادق و لا تخلف الميعاد»^۲؛

«همانا تو همان راستگویی هستی که هرگز خلف وعده نمی کنی».

یکی از صفات ثبوتی خداوند، صفت صدق است؛ صدق یعنی مطابقت خبر با واقع، و کذب، یعنی مخالفت خبر با واقع، و از آن جا که تمام حقایق و واقع و نفس الامر برای خداوند متعال مکشوف بوده و به آن علم حضوری دارد لذا خبرهای او عین واقع و صدق است.

✽

۱. مهج الدعوات، ص ۲۸.

۲. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۳۳.

خداوند، هم مُنعم و هم شکرگزار

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خداوند متعال می‌فرماید:

«سبحان من انعم و شکر»^۱؛

«منزه است خدایی که هم نعمت داده و هم تشکر کرده است».

برخی از افرادی که به انسان هدیه یا چیزی را می‌دهند منتظر سپاس و شکرگزاری هستند گرچه سپاس از طرف مقابل لازم است، ولی تنها خداوند متعال است که هم به بندگان نعمت می‌دهد و هم از آن‌هایی که در نعمت‌هایش شکرگزارند تشکر می‌کند که تشکر خداوند همان پاداش دادن اوست.

*

منصب الهی، معرّف صاحب منصب

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره محمد و آل محمد علیهم السلام می‌فرماید:

«...اولی الامر الذین فرضت علینا طاعتهم، و عرّفتنا بذلك منزلتهم»^۲؛

«... صاحبان امر، کسانی که اطاعتشان را بر ما واجب نمودی، و بدین وسیله

ما را به منزلت و مقامشان آشنا ساختی».

هرکسی نمی‌تواند به منصب «اولی الامر» مطلق برسد که اطاعتش به نحو مطلق بر هر انسانی واجب است، و اگر کسی به این مقام رسید همین مقام معرف اوست، همان گونه که از جمله بالا استفاده می‌شود.

*

۱. مهج الدعوات، ص ۲۹۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۷۵.

بازگشت کارهای خیر به سوی خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی می فرماید:

«... سبحان الله زنة عرشه، و الحمد لله مثل ذلك»^۱؛

«...منزه است خداوند به وزن عرش الهی، و ستایش مخصوص خداست به همین اندازه».

گرچه بسیاری افراد هستند که کارهایی را انجام می دهند و بدین جهت مستحق حمد و ستایش و سپاس اند ولی حمد مطلق طلق خداست؛ چرا که بازگشت همه موجودات و خوبی ها به سوی خداست.

اقسام کلمات الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی می فرمود:

«سبحان الله مداد کلماته»^۲؛

«پاک و منزه است خداوند به شمارش موجوداتش».

کلمه چیزی است که در خارج ایجاد شده و تحقق می یابد و آن بر دو قسم است، کلمه قولی که از زبان بیرون می آید و دیگری کلمه فعلی که همان ایجاد یک فعل در خارج است، و مورد بالا از قسم دوم می باشد.

۱. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۲۰۶.

۲. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۲۰۶.

صفات سلبی از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

نهی از تشبیه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خداوند متعال می فرماید:

« لا تُشَبَّه بالناس »^۱؛

« تو شبیه به مردم نیستی ».

برخی از متکلمان اسلامی در معرفی خداوند متعال به تشبیه به ممکنات می افتند و برخی نیز چنان تنگ نظرند که به تعطیل می افتند، ولی راه صحیح، اثبات صفات خداوند با تنزیه است. و لذا امام زمان علیه السلام از تشبیه کردن خداوند به خلق نهی کرده است.

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که خداوند متعال را این گونه توصیف کرده است:

« یا من لا یُنْتَعَت بتمثیل، و لا یُمَثَّل بنظیر »^۲؛

« ای خدایی که با مثال زدن به وصف در نیایی و مانند‌ی برایت متصور نشود ».

*

۱. مهج الدعوات، ص ۲۸۱.

۲. اقبال الاعمال، ص ۶۴۴.

شناخت خداوند بدون تشبیه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا ... معروفاً بغير شبهه»^۱؛

«ای کسی که ... شناخته شده‌ای بدون آن که به چیزی تشبیه باشی».

متکلمان در شناخت خداوند متعال سه گروه شده‌اند؛

- ۱- برخی خدا را به دیگران تشبیه کرده و آنان را مشبهه گویند.
- ۲- برخی نیز شناخت خدا را تعطیل کرده و تنها به ذات و صفات او اقرار دارند ولی معتقدند که کیفیت خدا معلوم نیست که به آن‌ها معطله گویند.
- ۳- برخی نیز معتقدند که می‌توان خدا را شناخت بدون آن که او را به خلق تشبیه کرد، گرچه شناخت کنه ذات او مقدور هیچ کس نیست و این عقیده‌ای است که از جمله بالا استفاده می‌شود.

عدم رؤیت باری تعالی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا محتجباً عن کلّ عین»^۲؛

«ای آن که از تمامی دیده‌ها پنهانی».

درباره رؤیت خداوند متعال با چشم سر نزد متکلمان اسلامی اختلاف است؛ اهل سنت به طور اتفاق معتقد به رؤیت باری تعالی با چشم سر در روز قیامت همانند ماه شب چهارده هستند، ولی شیعه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به پیروی از آن بزرگواران معتقد به رؤیت قلبی بوده و رؤیت به چشم سر را به طور کلی باطل می‌دانند.

۱. اقبال الاعمال، ص ۶۴۶.

۲. بلد الامین، ص ۱۷۹.

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خداوند متعال می‌فرماید:

« لا تدرك بالحواس »^۱؛

« تو کسی هستی که با حواس درک نمی‌شوی ».

جسم نبودن خداوند متعال

از امام زمان نقل شده که فرمود:

« ان الله تعالى هو الذي خلق الاجسام وقسم الارزاق؛ لانه ليس بجسم »^۲؛

« همانا خداوند متعال کسی است که اجسام را خلق کرده و روزی‌ها را تقسیم

نموده است؛ زیرا او جسم نیست ».

چون که خداوند جسم نیست لذا اجسام را خلق کرده و روزی‌ها را تقسیم نموده است، وگرنه لازم می‌آید که خودش را نیز کس دیگر خلق کرده باشد؛ زیرا جسم حادث است و احتیاج به موجودی دارد که مجرد بوده و خالق او باشد؛ چرا که دور و تسلسل باطل است.

خداوند، غیر حال در جسم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«...انه ليس بجسم و لا حال في جسم، ليس كمثله شيء »^۳؛

«...او نه جسم است و نه حلول کننده در جسم، و هیچ چیزی همانند او نیست ».

خداوند متعال جسم نیست لذا از خصوصیات و عوارض آن نیز مبرا است، و نه در جسم حلول کرده است، آن گونه که مسیحیان می‌گویند که خداوند در حضرت عیسی علیه السلام حلول کرده است؛ چرا که هیچ موجودی همانند او نیست.

۱. مهج الدعوات، ص ۲۸۱.

۲. احتجاج، طبرسی، ص ۴۷۱.

۳. احتجاج، طبرسی، ص ۴۷۱.

خدا از چیزی جدا نشده

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«لَمْ يَبْنِ عَنْ شَيْءٍ»^۱؛

«تو از چیزی جدا نشده‌ای».

خداوند متعال همان گونه که از چیزی خلق نشده از چیزی هم جدا نشده است وگرنه لازم می‌آید که متغیر شده و حادث گشته و محل حوادث باشد، که همه این امور - مطابق آنچه در کلام اسلامی آمده - بر او محال است.

خدا از چیزی آفریده نشده

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«لَمْ تَكُنْ مِنْ شَيْءٍ»^۲؛

«تو از چیزی موجود نشده‌ای».

خداوند متعال علة العلل و واجب الوجود لذاته است و قدیم و ابدی و سرمدی می‌باشد و لذا از چیزی آفریده نشده است.

عدم حلول حوادث بر خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«يَا مَنْ ... لَا يَبْرُمُهُ الْحَاحُ الْمَلْحِينَ»^۳؛

«ای کسی که ... اصرار اصرار کنندگان تو را نمی‌آزارد».

۱. مهج الدعوات، ص ۲۸۱.

۲. مهج الدعوات، ص ۲۸۱.

۳. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۲۳.

بسیاری از افراد هستند که از کار زیاد و مراجعات بسیار و اصرار بیش از حد مراجعین برای ملاقات و دیدارشان و درخواست حاجت از آنها خسته شده و آزرده خاطر می گردند، مگر ذات باری تعالی که خسته و آزرده نمی شود.

متغیر نبودن خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می دارد:

«یا من لا تغیره الأيام و اللیالی»^۱؛

«ای کسی که تو را روزها و شبها تغییر نمی دهد».

یکی از صفات سلبی خداوند این است که او محلّ حوادث نیست و روزها و شبها او را تغییر نمی دهد آن گونه که ممکنات را متغیر می سازد، و حالاتش نیز تغییر نمی کند.

خداوند فرزندی را ندارد

از امام زمان علیه السلام نقل شده که می فرماید:

«الحمد لله الذی لم یتخذ ولداً»^۲؛

«ستایش خدایی را سزااست که فرزندی را نگرفته».

این جمله اشاره به برخی از آیات قرآن است که به این مطلب دلالت دارد آنجا که خداوند متعال می فرماید:

﴿ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ۗ ﴾^۳؛

«و گفتند: «خداوند رحمان فرزندی برای خود برگزیده است».

۱. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۳۳.

۲. اقبال الاعمال، ص ۶۷۵.

۳. مریم، آیه ۸۸.

و نیز می‌فرماید:

﴿ وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ... ﴾^۱؛
«یهود گفتند: «عزیر پسر خداست!» و نصاری گفتند: «مسیح پسر
خداست!...».

محل نداشتن خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا من... لا یأین باین»^۲؛

«ای کسی که... در هیچ مکانی جای نمی‌گیری».

از آن جا که خداوند متعال مجرد تام بوده و همه جا هست لذا نمی‌توان او را در مکانی خاص محدود کرد، آن گونه که وهابیان و برخی دیگر از اهل سنت معتقدند که خداوند در آسمان‌ها و در بهشت سکنی گزیده است و او را جسم می‌دانند.

اشتباه نکردن خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا من... لا تتشابه علیه الاصوات»^۳؛

«ای کسی که... بر تو صداها مشتبه نمی‌گردد».

همان گونه که ما علم و دانش داریم خداوند نیز دارد با این تفاوت که علم خداوند به همه چیز تعلق می‌گیرد، و چیزی بر او مشتبه نمی‌گردد، و علمش جهل مرکب نمی‌باشد و از او زائل نمی‌شود، بر خلاف علم عموم مردم که این چنین است.

۱. توبه، آیه ۳۰.

۲. بلد الامین، ص ۱۷۹.

۳. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۳۳.

خداوند خلف وعده نمی‌کند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا من لا یخلف المیعاد...»^۱؛

«ای کسی که خلف وعده نمی‌کنی...».

خداوند متعال در وعده به خیراتی که داده تا در این دنیا و آخرت به مردم برسد، و نیز وعده به مجازاتی که داده است هرگز خلف وعده نمی‌کند، گرچه در این راه چیزهایی را نیز برای تجدید نظر قرار داده است که از آن جمله مسأله بداء، شفاعت، احباط و تکفیر و استغفار است، اموری که می‌تواند در سرنوشت و وعده‌های الهی تأثیرگذار باشد.

عدم جهل بر خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا من ... لا تخفی علیه اللغات»^۲؛

«ای کسی که ... لغت‌ها بر تو مخفی نمی‌شود».

علم خداوند عمومیت دارد و بر هر موجود و خصوصیتی که در خارج تحقق داشته باشد تعلق می‌گیرد.

۱. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۳۳.

۲. همان.

افعال الهی از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

هدفمند بودن خلقت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«ان الله تعالى لم يخلق عبثاً»^۱؛

«همانا خداوند متعال مخلوقات را بیهوده نیافریده است».

شیعه و عدلیه به لحاظ آن که قائل به حسن و قبح عقلی است لذا معتقد به هدفمند بودن خلقت می‌باشند؛ چرا که خداوند متعال کار لغو و بیهوده انجام نمی‌دهد، گرچه فایده و غرض از آن به انسان بازمی‌گردد. روی این جهت باید معتقد شویم که خلقت عالم و علی‌الخصوص انسان بیهوده نبوده است، بلکه برای هدفی بلند آفریده شده است که همان رسیدن انسان به لقای الهی از راه عبادت و عقیده صحیح و توحیدی است، همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴾^۲؛

۱. غیبت، طوسی، ص ۲۸۷.

۲. کف، آیه ۱۱۰.

« پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند! ».

بی‌نیازی خداوند از خلقت خلقتش

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

« اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَ كُنْتُ غَنِيًّا عَنْ خَلْقِي »^۱؛

« بارالها! مرا آفریدی در حالی که از خلقم بی‌نیاز بودی، و اگر یاری تو نبود من شکست می‌خوردم ».

اگر ما معتقدیم که کارهای خداوند متعال هدفمند است مقصود این نیست که او در خلقتش محتاج به آن هدف است تا آن را تأمین نماید، بلکه مقتضای فیاضیت او فیض رساندن به خلق می‌باشد، گرچه او از خلقتش بی‌نیاز است.

عبودیت، هدف خلقت انسان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیان خود تعلیم می‌دهد که در دعای خود از خداوند متعال این چنین بخواهند:

« ان تفرّغني لما خلقت له ، و لا تشغلني بما قد تكفلته لي ، و تجعلني من

عبادك ... »^۲؛

« این که مرا بر هدف خلقتم فارغ گردانی، و به آنچه که متکفلش شدی مشغول نسازی، و مرا از بندگان خود قرار دهی ... ».

مطابق آیات قرآن کریم از اهداف طولی خلقت انسان عبودیت شمرده شده است آنجا که می‌فرماید:

۱. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۶۵.

۲. البلد الامین، ص ۳۹۳.

﴿ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴾^۱؛

«من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)!».

و لذا از خدا می خواهیم تا ما را از بندگان خود قرار دهد و از این طریق به هدف عالی خلقت خود نایل شویم.

به دنبال هدف خلقت بودن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیان خود چنین تعلیم داده است:

«...ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد، و ان تفرّغنی لما خلقت له،
و لا تشغلنی بما قد تکفّلته لی»^۲؛

«...این که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و این که مرا بر هدف خلقتم فارغ گردانی، و به آنچه که متکفّلش شدی مشغول نسازی».

انسان باید غالب اوقات خود را صرف رسیدن به هدف خلقتش کند و از خداوند متعال بخواهد تا او را یاری کرده و اوقاتش را برای به کارگیری در هدفش فارغ گرداند و او را مشغول کاری نکند که خودش متکفّل انجام آن شده است.

هدایت به امر خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله»^۳؛

«ستایش خداوندی را سزااست که ما را بر این هدایت کرد، و اگر هدایت او نبود ما هرگز هدایت پیدا نکرده بودیم».

۱. ذاریات، آیه ۵۶.

۲. مصباح المتهجد، ص ۵۷۷.

۳. البلد الامین، ص ۲۹۳.

هدایت همه به دست خداست و اگر پیامبران و اوصیا و اولیا و علما مردم را هدایت می‌کنند و کسی هدایت آنان را می‌پذیرد همگی به اراده و مشیت خداست و اگر خداوند متعال نخواهد هیچ کس نمی‌تواند کسی دیگری را هدایت کند.

✽

فَعَال بODN خدAوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«و اسألك باسمك الذی كوّنت به طعم الثمار و الوانها؛

«و از تو می‌خواهم به اسمت که به واسطه آن طعم میوه‌ها و رنگ‌های آن‌ها را ایجاد نمودی.»

خداوند متعال فعال مایشاء است و در همه چیزها و پدیده‌ها تأثیر می‌گذارد چه کلی و چه جزئی، چه ریز و چه درشت، حتی در طعم میوه‌ها و رنگ آن‌ها، و اوست که این‌ها را ایجاد کرده است.

✽

خدAوند، فَعَال مایشاء

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خداوند متعال می‌فرماید:

«... فبلغ بقدرته مایشاء»^۱؛

«... او به جهت قدرتش بر آنچه می‌خواهد رسیده است.»

از آن‌جا که قدرت خداوند متعال بی‌نهایت است لذا هر کاری را که مصلحت بدانند انجام می‌دهد و کسی نمی‌تواند مانع اعمال قدرت او گردد.

۱. مهج الدعوات، ص ۶۹.

۲. مصباح المتعجد، ص ۵۷۷.

خداوند، علت فاعلی خلقت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«انت الله الذی مبدء الخلق و معیدهم»^۱؛

«تو خداوندی هستی که آغازگر خلق و اعاده‌کننده آنانی».

درباره علت فاعلی خلقت عالم دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، برخی می‌گویند: علت خلقت ماده قدیم و ازلی است، و برخی می‌گویند: که عالم از عدم به وجود آمده است، ولی ماده قدیم و ازلی به جهت دور و تسلسل نمی‌تواند علت خلقت باشد، همان‌گونه که عدم نمی‌تواند علت وجود باشد، پس مطابق عبارت فوق خود خداوند متعال و اراده حتمی او علت خلقت عالم است.

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خداوند متعال می‌فرماید:

«والمکون لکل شیء»^۲؛

«و تو ایجادکننده هر چیزی هستی».

خلق و امر، برای خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«یا من له الخلق و الامر»^۳؛

«ای کسی که [عالم] خلق و امر برای توست».

گفته شده که برای خداوند متعال دو عالم وجود دارد؛ یکی عالم خلق که عالم ناسوت و طبیعت و ماده است که خلقت اشیاء به واسطه و نظام طبیعت صورت

۱. منتخب الاثر، ص ۵۲۱.

۲. مهج الدعوات، ص ۲۸۱.

۳. مهج الدعوات، ص ۷۰.

می‌پذیرد و دیگری عالم مجردات که خلقت در آن عالم به مجرد امر الهی است.



افعال الهی به واسطه اسماء الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«و اسألك باسمك الذي تصوّر به خلقك في الارحام كيف تشاء، و به تسوق اليهم ارزاقهم في طباق الظلمات من بين العروق و العظام»^۱؛
«و از تو می‌خواهم به اسمت که با آن مخلوقات را در رحم‌ها آن گونه که می‌خواهی به تصویر می‌کشی، و به واسطه آن، روزیهای خلقت را در طبقات ظلمت‌ها از بین رگ‌ها و استخوان‌ها به سویشان سوق می‌دهی».

از این که خداوند متعال را به اسمش می‌خوانیم و از او درخواست می‌کنیم به دست می‌آید که خداوند افعالش را با اسمانش انجام می‌دهد.



اراده حتمی خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«يا فعلاً لما يريد»^۲؛

«ای کسی که هرچه را اراده می‌کنی انجام می‌دهی».

خداوند متعال هر آنچه را که اراده کرده و مشیتش بر آن تعلق گیرد به طور حتم انجام می‌دهد و کسی نیست که جلوی اراده او را بگیرد؛ بر خلاف ما که در تحقق مرادمان موانع بسیاری نهفته است.

۱. مهج الدعوات، ص ۶۸.

۲. همان.

مشیت اهل بیت علیهم السلام قضای ثابت خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اهل بیت علیهم السلام فرمود:

« و القضاء المثبت ما استأثرت به مشیتکم و الممحو ما لا استأثرت به سنتکم »^۱؛

« و قضاء ثابت شده آن حکمی است که مشیت و خواست شما به آن تعلق گرفته، و محو شده آن حکمی است که سنت شما آن را نپذیرفته است ».

خداوند متعال اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را در عالم چنین قرار داده که مشیت آن‌ها همان قضاء مثبت و حتمی خودش باشد، و سنت آنان همان محو شده عالم محو الهی قرار گیرد.



قضاء حتمی خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که از خداوند چنین می‌خواهد:

«... و احتم لی فی قضائک خیر ما حتمت »^۲؛

«... و در مقدراتت بهترین آن‌ها را برایم مقدر ساز ».

از جمله مباحث افعال الهی بحث از قضا و قدر الهی است. قضاء الهی به معنای تعلق اراده حتمی خدا مشروط به شروط خاصی است که با اختیار انسان همراه است.



۱. مصباح الزائر، ص ۲۲۵.

۲. مصباح الزائر، ص ۵۶.

تقدیر هر موجودی به امر الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

« خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِتَقْدِيرٍ »^۱؛

« هر چیزی را با تقدیر آفریدی. »

خداوند متعال برای هر موجودی تقدیر و اندازه‌ای قرار داده و آن را اراده کرده و طبق آن موجودات را آفریده است.

قَدَرٌ غَيْرٌ مَغْلُوبٌ خَدَاوَنَد

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

« ... وَ لَكِنَّ أِقْدَارَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا تُغَالَبُ وَ ارَادَتُهُ لَا تُرَدُّ »^۲؛

« ... ولی قدرهای خداوند عزوجل مغلوب نمی‌گردد و اراده او رد نمی‌شود. »

ما معتقد به قضا و قدر الهی هستیم، به نحوی که با اراده و اختیار انسان منافاتی نداشته باشد. معتقدیم که خداوند برای هر چیز و کاری اندازه و ظرفی معین کرده و آن را اراده نموده است، و قبل از آن نزد او معلوم بوده است، که اولی را قدر عینی و دومی را قدر علمی می‌گویند. تقدیری که مغلوب هیچ کس واقع نمی‌شود، و اراده‌اش رد نمی‌گردد؛ چرا که اراده او غالب بر تمام اراده‌هاست.

تسليم قضا و قدر الهی بودن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

« اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْتَخِيرُكَ خِيَارَ مَنْ ... اسْتَسْلِمُ بِكَ فِيمَا نَزَلَ بِهِ أَمْرُهُ »^۳؛

۱. مهج الدعوات، ص ۲۸۱.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۰.

۳. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۳۹.

«بارخدا یا! همانا از تو طلب خیر می‌کنم، خیر خواهی کسی که ... در آنچه در
امورش پدید آمده تسلیم توست.»

و نیز در جای دیگر عرضه می‌دارد:

«وارضنی بقضائك و بارک لی فی قدرک»^۱؛

«مرا راضی به قضاء خود قرار ده، و برای من در تقدیرت برکت قرار ده.»

از جمله اعتقادات ما، اعتقاد به قضا و قدر الهی علمی و عینی خداوند متعال است.
ما معتقدیم که خداوند برای عموم موجودات عالم، از آن جمله انسان مقدراتی را
دانسته و اراده کرده و برای آن شرایطی مقرر فرموده و به امضا رسانده است، که با
تحقق آن مقدرات در خارج تحقق می‌یابند. و لذا باید از خداوند متعال بخواهیم که
مقدرات و قضاء خود را برای ما مبارک گردانده و ما را بر آن‌ها راضی گرداند.

حجت بالغة الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«یا من ... احتج فأبلغ»^۲؛

«ای کسی که ... احتجاج کرده و آن را رسانید.»

برخی استدلال و احتجاج بر مدعای خود می‌کنند ولی آن را ابلاغ نمی‌نمایند، ولی
خداوند متعال حجت‌های خود را به مردم می‌رساند و تبلیغ می‌کند، همان گونه که
ولایت حضرت علی علیه السلام را در غدیر خم به توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به مردم ابلاغ نمود.

۱. همان.

۲. اقبال الاعمال، ص ۶۴۴.

پیامبرشناسی از دیدگاه
حضرت مهدی علیه السلام

نبوت عامه از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

کتاب داشتن پیامبران

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«و انزل عليهم كتاباً و بعث اليهم ملائكة»^۱؛

«و بر پیامبران کتابی نازل کرده و به سوی آنان ملائکه را فرستاد».

از خصوصیات تمام انبیای الهی دو چیز بوده است؛ یکی فرستادن کتاب و وحی به سوی آنها و دیگری فرستادن فرشته‌های وحی بر آنها.

وظایف پیامبران

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«... ثم بعث اليهم النبيين مبشرين و منذرين، يأمرونهم بطاعته و

ينهونهم عن معصيته، و يعرفونهم ما جهلوه من امر خالقهم و دينهم»^۲؛

«... آن گاه به سوی مردم پیامبران را فرستاد که بشارت دهندند و بیم دهندند»

۱. غیبت، طوسی، ص ۲۸۷.

۲. همان.

بودند، مردم را به اطاعت خدا دستور داده و از معصیتش نهی می‌کردند، و به آنان آنچه را که از امر خالقشان و دینشان جاهل بودند را می‌شناساندند».

خداوند متعال پیامبران را به جهت اهدافی به سوی مردم فرستاد از قبیل:

- ۱- بشارت دادن به مؤمنان و موحدان به بهشت.
- ۲- ترساندن مخالفان و کافران و مشرکان از عذاب الهی.
- ۳- دستور دادن مردم به اطاعت فرمان خداوند متعال.
- ۴- دور ساختن مردم از معصیت و نافرمانی خداوند.
- ۵- شناساندن معارف الهی درباره خداوند که برای مردم مجهول است.
- ۶- شناساندن دین به مردم.



عهد و پیمان اطاعت به توسط انبیا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«... و صلّ علی جمیع النبیین و المرسلین، الذین بلغوا عنک الهدی، و عقدوا لك الموائیق بالطاعة»؛

«... و بر تمام پیامبران و فرستاده شدگان درود فرست، کسانی که از جانب تو هدایت را ابلاغ کرده و برای تو پیمان اطاعت بستند».

تمام پیامبران و رسولان الهی علیهم السلام نسخه هدایت بخش خداوند که همان هدایت جامعه بود را به مردم ابلاغ کرده و با آنان عهد و پیمان بر اطاعت خدا بستند که هر آنچه از جانب او می‌گویند را عمل نمایند.



شریعت داشتن هر پیامبر

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره پیامبران می فرماید:

«وکلّ شرعة له شریعة و نهجت له منهاجاً»^۱؛

«و از برای هر کدام آیینی پدید آوردی و شیوه‌ای ارائه دادی».

در کلام اسلامی بحث است که آیا هر پیامبری صاحب شریعت است یا این که تنها پیامبران اولوالعزمند که دارای شریعت می باشند؟ از جمله بالا استفاده می شود که هر پیامبری شریعت و راه و روش خاصی برای رساندن مردم به دین و اسلام و روحیه تسلیم داشته است.

وصی داشتن هر پیامبر

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره پیامبران می فرماید:

«وکلّ شرعة له شریعة و نهجت له منهاجاً، و تخیرت له اوصیاء»^۲؛

«و از برای هر کدام آیینی پدید آوردی و شیوه‌ای قرار دادی، و برای هر یک از آنها جانشینی اختیار کردی».

در این که آیا هر پیامبری اوصیا و جانشینانی داشته است یا خیر نزد متکلمان اسلامی اختلاف است ولی از جمله بالا استفاده می شود که تمام پیامبران الهی از حضرت آدم علیه السلام تا خاتم پیامبران محمد صلی الله علیه و آله نه تنها وصی بلکه اوصیایی داشته‌اند.

۱. مصباح الزائر، ص ۲۳۰.

۲. همان.

نبوت خاصه از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

لزوم ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«فنفسی مؤمنة بالله وحده لا شريك له، و برسوله»^۱؛

«دل من به خداوندی که تنهاست و شریک و همتایی ندارد و نیز به فرستاده‌اش ایمان دارد».

از جمله مسائلی که اعتقاد و ایمان قلبی به آن ضروری است ایمان به وحدانیت خداوند متعال و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، که در عبارت فوق نیز به آن تصریح شده است.

بشارت انبیا به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«و ائی اشهد انه النبى الذى ... بشارت الانبياء به، و دعت الى الاقرار

بما جاء به و حثت على تصديقه ...»^۲؛

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۳.

۲. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

«و من گواهی می‌دهم که او همان پیامبری است که... پیامبران به او بشارت داده و به اقرار بدانچه آورده فراخوانده و به تصدیق نمودن ایشان تشویق نموده‌اند...».

یکی از راه‌های اثبات نبوت پیامبران بشارت انبیای گذشته بر آمدن و بعثت آن‌هاست، که در حق پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز به توسط پیامبران پیشین همچون حضرت موسی و عیسی علیهما السلام صورت پذیرفته است و دعوت مردم خود را به اقرار و تصدیق به او و تعلیماتش نموده‌اند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برتر افراد بشر

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«فکان کما انتجبتہ سید من خلقتہ»^۱؛

«پس او همان گونه که او را برگزیدی، سرور مخلوقات می‌باشد».

ما معتقدیم که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برتر مخلوقات عالم از حضرت آدم علیه السلام تا پایان تاریخ بشریت است و به واسطه اوست که ادیان الهی به کمال رسیده و مردم نیز به نسخه تکامل بخش خود دست یافته‌اند، و این انتخاب خداوند متعال است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برتر انبیا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«فکان کما انتجبتہ... صفة من اصطفیتہ و افضل من اجتبتہ، و اکرم من

اعتمدته، قدّمته علی انبیائك»^۲؛

۱. مصباح الزائر، ص ۲۳۰.

۲. همان.

«پس او همان گونه که او را برگزیدی... عصاره برگزیدگان و برترین منتخبان و گرامی ترین معتمدان بود، او را بر پیامبران مقدم داشتی».

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برگزیده از تمام برگزیدگان انبیا و برتر و فاضل تر آنان است، که اگرچه در آخر همه آمده ولی در رتبه و شأن از دیگر انبیای الهی برتری دارد.

علم غیب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد علم غیب پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

«و اودعته علم ما كان الى انقضاء خلقك»^۱؛

«و علم آنچه بود و آنچه خواهد بود تا هنگام به آخر رسیدن آفرینش را به او سپردی».

برخی علم غیب پیامبر صلی الله علیه و آله را محصور در وحی قرآنی کرده و اعتقاد به علم غیب پیامبر صلی الله علیه و آله در امور دیگر از جمله حوادث گذشته و آینده را کفر می دانند، ولی ما معتقدیم که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عالم به حوادث گذشته و آینده تا روز قیامت بوده و الآن نیز در عالم برزخ عالم به غیب خواهد بود.

صفات رسول خدا صلی الله علیه و آله

امام زمان علیه السلام در دعایی که به شیعیانش تعلیم می دهد صفاتی را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر می کند آنجا که به خداوند عرضه می دارد:

«الهی و اسألك بالاسم الذی دعاک به عبدک و نبیک و صفیک و خیرتک من خلقک و امینک علی وحیک، و بعیشک الی بریتک، و رسولک الی خلقک، محمد صلی الله علیه و آله خاصتک و خالصتک صلی الله علیه و آله...»^۲؛

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۲. البلد الامین، ص ۳۹۳.

«بارخدا یا! و از تو می‌خواهم به اسمی که به بنده‌ات و پیامبرت و برگزیده‌ات و اختیارشده از خلقت و امین تو بر وحیت، و مبعوث شده تو به سوی مردمت و فرستاده تو به سوی خلقت، محمد صلی الله علیه و آله، فرد اختصاصی تو و خالص شده برای تو، تو را خوانند...».

در این جملات به صفاتی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره شده است از قبیل؛

- ۱- بنده خالص خدا
- ۲- رسیدن پیامبر صلی الله علیه و آله به مقام نبوت.
- ۳- تصفیه شدن و پاک گشتن پیامبر صلی الله علیه و آله از هر گناه و عیب و نقص.
- ۴- برگزیده شدن از بین مردم و برتر بودن او از همه.
- ۵- امین وحی الهی و عصمت در گرفتن وحی و ابلاغ آن به مردم.
- ۶- رسیدن به مقام رسالت و فرستاده شدن به سوی مردم.
- ۷- بنده خاص خداوند متعال.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پیامبر منتجب

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«المنتجب فی الميثاق»^۱؛

«پیامبری که در عالم میثاق [ذر] انتخاب گردیده است».

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ، پیامبر مصطفی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«... المصطفى فی الضلال...»^۲؛

«... او که در عالم اشباح و سایه‌ها برگزیده شده است».

۱. جمال الاسبوع، ص ۳۰۱.

۲. همان.

و نیز در جای دیگر می فرماید:

«اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى...»^۱؛

«بارخدایا! بر محمد مصطفی... درود فرست.»

عصمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال عرضه می دارد:

«اللّهُمَّ اِنِّی اَقْسِمُ عَلَیْكَ بِنَبِیِّكَ الْمُعْصُومِ»^۲؛

«بارخدایا! تو را قسم می دهم به پیامبر معصوم.»

یکی از اعتقادات ما در باب نبوت خاصه اعتقاد به عصمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است؛ اعتقاد به این که آن حضرت در گرفتن وحی و ابلاغ آن به مردم معصوم بوده و هیچ گناهی چه صغیره و چه کبیره انجام نداده است، و هرگز سهو و نسیان و اشتباه در هیچ کاری ننمود.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، مبرا از هر آفت و عیب

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«...المَطْهَرُ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، الْبَرِّیُّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ»^۳؛

«...کسی که از هر آفتی پاک و از هر عیبی منزّه می باشد.»

از جمله اعتقادات ما درباره پیامبران و خصوصاً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله این است که آن حضرت از هر آفت و عیبی مبرا است، و این مقتضای لطف الهی در حق بندگان است؛ زیرا در غیر این صورت مردم از او تنفر پیدا کرده و سبب بی توجهی به تعلیمات او

۱. همان، ص ۳۰۴.

۲. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۳. جمال الاسبوع، ص ۳۰۱.

می‌شوند، و لذا لطف الهی اقتضا می‌کند که پیامبران الهی از هرگونه آفت و عیبی که منشأ تنفر مردم از آنان گردد مبرا باشند.

امید شفاعت از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«...المؤمل للنجاة، المرتجى للشفاعة...»^۱؛

«...پیامبری که امید نجات و شفاعت به اوست...».

نجات مردم در روز قیامت به پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و امید مردم به شفاعت آن بزرگوار است؛ زیرا مشیت آن حضرت همان مشیت خداست و دعای او در نجات مردم از عذاب آخرت تأثیرگذار است. و این عقیده نمی‌تواند مردم را به دین بی تفاوت سازد؛ زیرا اگر درست تبیین گردد نه تنها مردم را از عمل باز نمی‌دارد بلکه مشوق عمل است، و کسی که امید و آرزوی شفاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله را دارد باید در راه او باشد و چندان گناه کار نباشد که روی درخواست شفاعت را نداشته باشد.

واگذاری دین خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«...المفوض الیه دین الله...»^۲؛

«...کسی که دین خدا به او واگذار شده است...».

دین خداوند متعال به پیامبرش واگذار شده تا آن را تبیین کند، و در هر جایی که احتیاج به تخصیص، تقیید، و توضیح دارد آن را بیان سازد، در عین این که از چهارچوب و اصول کلی آن دفاع می‌نماید.

۱. همان.

۲. همان.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ، وسیله بین خدا و خلق

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی به خداوند متعال چنین عرضه می‌دارد:

«...اللَّهُمَّ ... اعطه الفضل والفضيلة والوسيلة والدرجة الرفیعة ...»^۱؛

«...بارخدا یا! ... به او فضیلت و وسیله و درجه بلند عنایت فرما...».

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بزرگ‌ترین وسیله هدایت و کرامت بین خداوند متعال و مردم می‌باشد و به هدایت اوست که مردم به خدا هدایت یافته و با دعای اوست که مردم به مغفرت الهی دست می‌یابند.

رسیدن پیامبر صلی الله علیه و آله به مقام محمود

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی به خداوند متعال چنین عرضه می‌دارد:

«...وابعثه مقاماً محموداً یغبطه به الاولون و الآخرون»^۲؛

«...او را به مقام محمود برسان، مقامی که تمامی پیامبران به آن رشک برند».

مطابق آیات قرآن کریم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مأمور به نماز شب بوده تا از این راه به مقام محمود دست یابد آنجا که می‌فرماید:

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَجُدْ لَهُ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾^۳؛

«و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد».

۱. همان.

۲. همان.

۳. اسراء، آیه ۷۹.

و مقام محمود مقامی است که هیچ کسی به آن دست پیدا نکرده و لذا تمام افراد بر آن مقام غبطه می‌خورند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ، مظهر رحمت الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چنین عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا، نَبِيَّ رَحْمَتِكَ»^۱؛

«بارخدا یا! همانا من از تو می‌خواهم که بر محمد پیامبر رحمتت درود فرستی».

از این جمله و آیات الهی استفاده می‌شود که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مظهر رحمت خداوند متعال است، آنجا که می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^۲؛

«ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم».

و از رحمت او این که آن حضرت واسطه فیض تشریح بوده که بدان مردم را هدایت نموده است و نیز واسطه فیض تکوین نیز هست که خیرات و برکات از کانال او به مردم می‌رسد و در دعایش نیز برکت وجود دارد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ، مظهر نور الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره پیامبر صلی الله علیه و آله چنین تعبیر می‌کند:

«مُحَمَّدٌ نَبِيٌّ رَحْمَتِكَ وَ كَلِمَةُ نُورِكَ»^۳؛

«محمد صلی الله علیه و آله، پیامبر رحمت تو و کلمه نورت».

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۳.

۲. انبیاء، آیه ۱۰۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۳.

مطابق آیات قرآن خداوند متعال نور آسمانها و زمین است آنجا که می فرماید:

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۱؛

«خداوند نور آسمانها و زمین است».

همان گونه که کلام او هم نور است آنجا که می فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا﴾^۲؛

«و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم».

از جمله کلمات نوریۀ خداوند وجود نازنین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که وجودش و کلمات و حرکات و سکناش همگی نور بوده و منشأ نور و هدایت در جامعه است.

*

معراج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در جایی اشاره به معراج پیامبر صلی الله علیه و آله کرده و می فرماید:

«و اوطأته مشارقك و مغاربك و سخرت له البراق و عرجت به الى

سمائك»^۳؛

«و شرق و غرب زمین را در زیر گامهایش گذرانده و بُراق را برایش مسخر

ساختی، و او را به آسمان بالا بردی».

از الطاف خداوند متعال بر پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت تثبیت قلب نازنین او گرداندن شرق

و غرب عالم و تسخیر کردن براق برای او و عروج او به آسمانهاست تا حقایق عوالم

دیگر را نیز بازدید نماید که این امر برای اطمینان قلب او بسیار مؤثر بوده است.

*

۱. نور، آیه ۳۵.

۲. نساء، آیه ۱۷۴.

۳. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

خاتمیّت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

«ثم بعث محمداً رحمة للعالمین و تمّم به نعمته و ختم به انبیاءه»^۱؛
«آنگاه محمّد صلی الله علیه و آله را رحمت برای عالمیان فرستاد و نعمتش را به او تمام
کرده و پیامبرانش را به او ختم نمود».

خداوند متعال پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به جهت رحمت برای عالمیان فرستاد؛ چرا
که با فرستادن او به سوی مردم هم گرفتاری‌های دنیوی از آن‌ها برداشته شد و هم
آنان به سعادت دنیا و آخرت نایل شدند، و لذا از این جهت خداوند نعمت را بر
مردم تمام نمود، و به واسطه آن حضرت، نبوت را ختم کرد و لذا بعد از او پیامبر
دیگری نیامد.

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی عرضه می‌دارد:

«بسم الله الرحمن الرحیم، اللهم صلّ علی محمد سید المرسلین
وخاتم النبیین...»^۲؛

«به نام خداوند بخشنده بخشایشگر، پروردگارا! درود فرست بر محمّد
برترین فرستاده شده و آخرین پیامبر...».

و نیز از آن حضرت نقل شده که در جواب سؤال علی بن محمد سمري فرمود:

«... و لانی بعد نبینا»^۳؛

«... بعد از پیامبر ما رسول دیگری نخواهد بود».

۱. غیبت، طوسی، ص ۲۸۷.

۲. جمال الاسبوع، ص ۳۰۱.

۳. دلائل الإمامة، ص ۲۴، ح ۲۹۵.

مبعوث شدن پیامبر صلی الله علیه و آله به جن و انس

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حوزة بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

«... و بعثته الى الثقليين من عبادك»^۱؛

«... و او را به سوی جن و انس از بندگانت مبعوث کردی.»

رسول گرامی اسلام تنها مبعوث برای انسان‌ها و بندگان خدا نیست بلکه خداوند متعال او را برای بندگان خود از جن نیز مبعوث کرده است؛ همان گونه که در قرآن کریم هدف از جن و انس را عبادت و عبودیت دانسته، آنجا که می فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۲؛

«من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند).»

و نیز می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^۳؛

«ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.»

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

«و ارسله الى الناس كافة»^۴؛

«او را به سوی تمام مردم فرستاد.»

۱. مصباح الزائر، ص ۲۳۰.

۲. ذاریات، آیه ۵۶.

۳. انبیاء، آیه ۱۰۷.

۴. غیبت، طوسی، ص ۲۸۷.

امام‌شناسی از دیدگاه
حضرت مهدی علیه السلام

امامت عامه از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

ضرورت وجود حجّت در بین مؤمنین

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به ابراهیم بن مهزیار فرمود:

«یا بنی! انّ الله جلّ ثناؤه لم یکن لیُخْلِیَ اطباق ارضه و اهل الجَدّ فی طاعته و عبادته بلا حِجَّة یُسْتَعَلَى بها و امام یُؤْتَمُّ به و یُقْتَدَى بسبیل سنّته و منهاج قصده»؛

«ای فرزندم! همانا خداوند - جلّ ثناؤه - این طور نبوده که طبقات زمینش و اهل جدّیت در طاعت و عبادتش را بدون حجّت گذارد، حجتی که به واسطه او به کمال رسیده می‌شود، و امامی که به او اقتدا می‌گردد، اقتدا به سنت‌ها و راه‌هایی که مقصود اوست».

فلسفه وجود امام دو جهت است؛

- ۱- امام واسطه فیض تکوین می‌باشد و به وجود اوست که زمین و آسمان پابرجاست، چرا که او علت غایی خلقت است.
- ۲- امام معصوم حجّت خدا برای کسانی است که اهل جدّیت در طاعت و اطاعت

او هستند، و می‌خواهند به لقای الهی نایل شوند، و لذا امام معصوم علیه السلام می‌تواند راه‌گشای آنان به هدف والای خلقت باشند.

خالی نبودن زمین از حجت

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«أو ما رأيتم كيف جعل الله لكم معاقل تأرون إليها، وأعلاماً تهتدون بها من لدن آدم عليه السلام»؛^۱

«آیا ندیدید که چه گونه خداوند برای شما، ملجأهایی قرار داد که به آنان پناه برید، و علم‌هایی قرار داد تا با آنان هدایت شوید. (و این لطف حضرت حق) از زمان حضرت آدم علیه السلام تا کنون بوده است.»

علت وجوب نصّ الهی بر امام

سعد بن عبدالله اشعری می‌گوید:

«قلت: فاخبرني يا مولاي! عن العلة التي تمنع القوم من اختيار امام لأنفسهم؟ قال: مصلح او مفسد؟ قلت: مصلح. قال: فهل يجوز ان تقع خيّرُهم على المفسد بعد أن لا يعلم احد بما يخطر ببال غيره من صلاح او فساد؟ قلت: بلى، قال: فهي العلة»^۲؛

«گفتم: به من خبر بده ای مولای من! از علتی که مانع می‌شود که مردم برای خود امامی انتخاب کنند؟ حضرت فرمود: [مقصود امام] مصلح است یا مفسد؟ سعد عرض کرد: مقصود مصلح است. امام فرمود: آیا ممکن است که انتخاب مردم بر مفسد قرار گیرد بعد از این که هیچ کس آگاه نباشد از آنچه که به ذهن دیگری از صلاح یا فساد خطور می‌کند؟ گفتم: آری. حضرت فرمود: همین علت است.»

۱. الغيبة، شیخ طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹، ح ۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۷۸.

از آن جا که جانشین پیامبر باید همانند او معصوم باشد و بتواند ادامه دهنده راهش به جز تلقی وحی تشریحی گردد و مردم نمی‌توانند اتفاق بر شخص مصلح داشته و به طور صحیح او را از مفسد تشخیص دهند، همان‌گونه در خارج مشاهده می‌نماییم، لذا باید امام و جانشین پیامبر همانند خود او به انتخاب و نصب الهی باشد.

مقام امام، از جانب خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«سیدی! انت الذی مننت علیّ بهذا المقام و تفضّلت به علیّ دون کثیر من خلقک»^۱؛

«ای سرور من! تو کسی هستی که به من به این مقام منت نهادی و به این مقام بر من تفضّل نمودی، نه بسیاری از مخلوقات».

امامت منصب الهی است و کسی غیر از خداوند نمی‌تواند آن را به حاکم اسلامی عنایت کند گرچه اجماع خلق بر آن کس باشد، زیرا همه وظیفه دارند که تنها از خالق و رازق و مالک خود اطاعت کنند، و لذا امام زمان علیه السلام مقام امامت خود را منت و تفضلی از جانب خداوند متعال می‌داند و بر آن اعتراف می‌کند.

انتخاب اوصیا به اختیار خداوند متعال

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اوصیای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خطاب به خداوند متعال فرمود:

«و تخیرت له اوصیاء»^۲؛

«برای او جانشینانی اختیار نمودی».

۱. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۳۳.

۲. مصباح الزائر، ص ۲۳۰.

اهل سنت معتقدند که انتخاب جانشین برای پیامبر صلی الله علیه و آله به اختیار مردم واگذار شده است، ولی شیعه می‌گوید: مطابق حکم عقل و آیات و روایات فریقین، امر امامت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و حاکمیت جامعه بعد از آن حضرت به اختیار و انتخاب خداوند متعال است، و این همان چیزی است که امام زمان علیه السلام به آن تصریح کرده است.

عامل اختیار در رسیدن اولیای الهی به مقام خلافت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اللهم لك الحمد على ما جرى به قضاؤك في أوليائك الذين استخلصتهم لنفسك ودينك، إذ اخترت لهم جزيل ما عندك من النعيم المقيم الذي لا زوال له ولا اضمحلال، بعد أن شرطت عليهم الزهد في درجات هذه الدنيا الدنية و زخرفها و زبرجها، فشرطوا لك ذلك، و علمت منهم الوفاء به، فقبلتهم و قرّبتهم، و قدّرت لهم الذكر العلّيّ و الثناء الجليّ، و اهبطت عليهم ملائكتك، و كرّمتهم بروحيك، و رفدتهم بعلمك، و جعلتهم الذريعة اليك، و الوسيلة الى رضوانك»؛

«خداوندا! ستایش تو را سزااست بر آن چه حکم تو درباره اولیای جاری شده، کسانی که برای خود و دینت خالص کردی، آنگاه که بر ایشان فراوانی نعمت‌هایت را انتخاب نمودی، نعمت‌های پایداری که نیستی و از هم گسستگی در آن‌ها راه نمی‌یابد، پس از آن که بر آنان شرط کردی که نسبت به درجات و زور و زیورهای این دنیای فانی زهد ورزند، پس ایشان این شرط را پذیرفتند و دانستی که بدان‌ها وفادار خواهند ماند. از این رو ایشان را قبول فرموده و مقرب درگاه خویش ساختی، و یاد بلند و ستایش آشکاری را بر ایشان مقدر نمودی، و فرشتگانت را بر آنان فرو فرستادی و به وحی خویش گرامیش داشتی، و به علم خود یاریش نمودی، و ایشان

را سبب‌های به سوی خود و وسیله‌ای برای راه یابی به خشنودی خود قرار دادی».

درباره اولیای الهی و مقاماتی که به آنها رسیده‌اند بحث است که آیا همه آنها تفضلی بوده یا خودشان نیز زحمت کشیده و در رسیدن به آنها با الطاف الهی سهیم اند؟ از این جملات استفاده می‌شود که با اولیای الهی شرط شده که در این دنیا زهد را پیشه کنند و آنان نیز این شرط را پذیرفته و به آن وفادار بوده‌اند.

امام علیه السلام ، معصوم از گناه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«...عصمهم من الذنوب»^۱؛

«...آنان را از گناهان بازداشت».

از خصوصیات امامان که رهبری جامعه را بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله بر عهده گرفتند عصمت و دوری و مصونیت از گناه و سهو و نسیان است، عصمتی که در حقیقت لطفی از جانب پروردگار متعال بر بندگان صالح و شایسته خدا و رساندن او به مقام علم الیقین است که با آن هرگز به گناه میل نداشته بلکه از آن نیز منزجر و متنفر اند، و این لطف هرگز با اختیار او منافات ندارد.

امام، پاک از هر پلیدی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید:

«طهرهم من الدنس»^۲؛

«آنان را از هر پلیدی پاک کرد».

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۳.

۲. همان.

«دنس» هر رجس و پلیدی است، هر چیزی که موجب تنفر و انزجار خدا و انسان گردد؛ خواه گناه کبیره و صغیره باشد یا بت پرستی، و خواه اشتباه و سهو و نسیان و فراموشی که این‌ها نوعی از پلیدی و رجس است.

امام علیه السلام ، منزّه از اشتباه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام فرمود:

«نَزَّهُم مِنَ اللَّبْسِ»^۱؛

«آنان را از هرگونه اشتباه منزّه نمود».

کسی که می‌خواهد هدایت‌گر جامعه باشد و بشریت را به سر منزل کمال و مقصود و هدف خلقت برساند نباید اهل اشتباه و سهو و نسیان باشد تا به مردم در رساندن آن‌ها به کمال اطمینان خاطر داده و به طور حتم آن‌ها را سعادت‌مند کند.

امام علیه السلام ، مبرّای از عیوب

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«بَرَّأَهُم مِنَ الْعُيُوبِ»^۲؛

«آنان را از هر عیبی مبرّا ساخت».

از جمله اعتقادات ما در مورد امام و جانشینان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله مبرّا بودن آن‌ها از هر عیب و نقصی است که موجب تنفر و دوری مردم از امام شود؛ چرا که حکمت نصب امام، هدایت مردم است و لذا باید طوری نباشد که مردم از رفتن به نزد او متنفر گردند، و این طبق مقتضای لطف الهی است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۳.

۲. همان.

حجت‌های الهی پناه مردم

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«أَوْ مَا رَأَيْتُمْ كَيْفَ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَعَاوِلَ تَأْوِنُونَ إِلَيْهَا»^۱؛
«آیا ندیدید که چه گونه خداوند برای شما، ملجأهایی قرار داد که به آنان
پناه برید.»

عمل به سنت، مبنای مودت

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«إِجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ، فَقَدْ نَصَحْتُ لَكُمْ،
وَاللَّهُ شَاهِدٌ عَلَيَّ وَعَلَيْكُمْ»^۲؛

«هدف و قصد خویش را نسبت به محبت و دوستی ما - اهل بیت عصمت و
طهارت - بر مبنای عمل به سنت و اجرای احکام الهی قرار دهید، پس
همانا که موعظه‌ها و سفارشات لازم را نمودم، و خداوند متعال نسبت به
همه ما و شما گواه است.»

از این حدیث به خوبی استفاده می‌شود که ادعای محبت کافی نیست و باید به
دستورات اهل بیت علیهم السلام عمل کرد. محبّ حقیقی کسی است که به دستورات محبوب
خود عمل می‌کند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «مذاهب شما را دور نکند، به خدا سوگوئید، شیعیان ما
کسانی هستند که خدا را اطاعت می‌نمایند»^۳.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: شیعیان ما اهل ورع و کوشش، اهل وفا و امانت‌داری،

۱. الغيبة، شیخ طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹، ح ۹.

۲. الغيبة، طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹، ح ۹.

۳. کافی، ج ۲، ص ۷۳، ح ۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۲۳، ح ۲۰۲۶۰.

اهل زهد و عبادت و اصحاب پنجاه و یک رکعت در شبانه روزند. شب‌ها را بیدار و روزها را روزه دارند. زکات اموال خود را پرداخت کرده و حج خانه خدا را بجا می‌آورند و از هر کار حرامی اجتناب می‌کنند»^۱.

همچنین امام صادق علیه السلام در جایی دیگر می‌فرماید: «کسی که به زبان بگوید شیعه‌ام، ولی در عمل و آثار با ما مخالفت کند، از شیعیان ما نیست. شیعیان ما کسانی هستند که با زبان و قلب با ما موافقت نموده و آثار ما را متابعت کرده و به اعمال ما عمل نمایند»^۲.

بطلان تفویض در حق ائمه علیهم السلام

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«وَأَمَّا الْأَئِمَّةُ علیهم السلام فَإِنَّهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى فَيَخْلُقُ، وَيَسْأَلُونَهُ فَيَرْزُقُ،
إِجَابًا لِمَسْأَلَتِهِمْ وَإِعْظَامًا لِحَقِّهِمْ»^۳؛

«ائمه، چیزی را از خدا می‌خواهند و خدا نیز برای آنان خلق می‌کند. از خدا می‌خواهند، خدا هم روزی می‌دهد. خدا چنین می‌کند، چون بر خود حتم کرده که خواسته آنان را اجابت و منزلت و شأن آنها را عظیم گرداند».

شیخ طوسی رحمته الله، در کتاب الغیبه نقل می‌کند، جماعتی از شیعیان، در مقام اهل بیت علیهم السلام، اختلاف کردند. عده‌ای، قائل بودند که خداوند عزوجل، قدرت خلق و رزق را به امامان معصوم، واگذار کرده است. در مقابل، عده‌ای بر این عقیده معتقد بودند که این امر، محال است و بر خداوند متعال، جائز نیست که امر خلق و رزق را به ائمه واگذار کند؛ زیرا، تنها، خداوند متعال، قادر بر خلق اجسام است.

شیعیان، در این امر، به نزاع شدید برخاستند. شخصی که در آن مجلس حاضر

۱. بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۶۷، ح ۲۳؛ وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۵۷، ح ۴۴۹۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۶۴، ح ۱۳؛ وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۴۷، ح ۲۰۴۰۹.

۳. الغیبه، طوسی، ص ۲۹۴، ح ۲۴۸؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۲۹، ح ۴.

بود، گفت: «چرا نزد ابی جعفر محمد بن عثمان عمری (سفیر دوم حضرت) نمی‌روید و در این باره از او سؤال کنید تا حق بر شما روشن گردد؟ او تنها راه و واسطه به سوی حضرت صاحب الامر علیه السلام است.» شیعیان، بر این امر راضی شدند و نامه نوشتند و در آن از مسئله مورد نزاع سؤال نمودند. حضرت در جواب نامه مرقوم فرمودند: «خالق، نباید جسم و رازق نباید روزی خورنده باشد. در نتیجه، ما، چون جسم داریم و روزی می‌خوریم، پس نه خالق هستیم و نه رازق، ولی خداوند، حق ما را بزرگ قرار داده و درخواست ما را اجابت می‌کند. لذا دعایی که می‌کنیم، برآورده می‌شود، نه این که ما، خود، جدای از خواست الهی، توان این را داشته باشیم.»

اقسام علم امام

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«عِلْمُنَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ: مَاضٍ وَغَائِبٍ وَخَادِثٍ، أَمَّا الْمَاضِي فَتَفْسِيرٌ، وَأَمَّا الْغَائِبُ فَمَوْقُوفٌ، وَأَمَّا الْخَادِثُ فَكَذْفٌ فِي الْقُلُوبِ، وَتَقَرُّ فِي الْأَسْمَاعِ، وَهُوَ أَفْضَلُ عِلْمِنَا، وَلَا نَبِيَّ بَعْدَ نَبِيِّنَا!»^۱

«علم ما اهل بیت علیهم السلام بر سه نوع است: علم به گذشته و آینده و حادث. علم گذشته تفسیر است. علم آینده، موقوف است. علم حادث، انداختن در قلوب، و زمزمه در گوش‌ها است. این بخش، بهترین علم ما است. بعد از پیامبر ما، رسول دیگری نخواهد بود.»

این عبارت، بخشی از جواب امام زمان علیه السلام به سؤال علی بن محمد سمري درباره علم امام است.

مرحوم مجلسی رحمته الله در *مرآة العقول*، در تفسیر این سه نوع علم، می‌فرماید: «علم ماضی یعنی علمی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای اهل بیت علیهم السلام تفسیر کرده‌اند. نیز شامل

۱. دلائل الإمامة، ص ۵۲۴، ح ۴۹۵؛ مدينة المعاجز، ج ۸، ص ۱۰۵، ح ۲۷۲۰.

علمی است از وقایع گذشته در رابطه با انبیا و امت‌های پیشین، و حوادثی که برای آنان اتفاق افتاده و خبر از شروع امور و عوالم است.

مراد از «غابر»، علمی است که به امور آینده تعلق می‌گیرد؛ زیرا، غابر، به معنای «باقی» است. مراد از غابر خبرهای حتمی است که مربوط به آینده جهان است. این که امام آن را به «موقوف» تفسیر کرده‌اند، به جهت این است که علمی که تعلق به آینده جهان دارد، مختص به اهل بیت علیهم السلام است. موقوف، یعنی «مخصوص».

مراد از علم حادث، علمی است، که تجدد پیدا می‌کند به تجدد احوال موجودات و یا تفصیل مجملات است...

مراد از «قذف در قلوب»، الهام الهی بدون واسطه ملک است.

مراد از «نقر در اسماع» الهام الهی است به واسطه ملک.

افضلیت نوع سوم، به جهت این است که الهام، با واسطه یا بدون واسطه، اختصاص به اهل بیت علیهم السلام دارد.

از آن جا که ادعای الهام الهی، امکان دارد انسان را به توهم نبوت بیندازد، حضرت در پایان به این نکته اشاره دارد که پس از پیامبر ما، پیامبری نخواهد آمد.^۱

لزوم فرق بین امام معصوم و مأموم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد امامان می‌فرماید:

«و جعل بینهم و بین اخوانهم و بنی عتّم و الأدنین فالأدنین من ذوی ارحامهم فرقاناً بیناً يُعرَف به الحجة من المحجوج والامام من المأموم»^۲؛
«و بین امامان و برادران آنها و پسرعموها و پاییین ترها از ارحام آنان فرق آشکاری گذاشت که به واسطه آن حجت از احتجاج شده و امام از مأموم شناخته شود».

۱. ر.ک: مرآة العقول، ج ۳، ص ۱۳۶ و ۱۳۷.

۲. غیبت، طوسی، ص ۲۸۷.

خداوند متعال بین امام از طرفی و برادران و پسرعموها و افراد پایین‌تر از ارحام امام فرق آشکاری گذاشته تا به واسطه آن حجت خدا از غیر حجت و امام از مأموم معلوم شود، و آن عصمت و دارا بودن جمیع فضائل و کمالات است.

فلسفه امتیاز امام بر مأموم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امتیازات امام از قبیل عصمت و طهارت و علم و... فرمود:

«... و لولا ذلك لكان الناس على سواء، و لا ادعى امر الله عزوجل كل

احد، و لما عرف الحق من الباطل، و لا العالم من الجاهل»^۱؛

«... و اگر این گونه نبود مردم یکسان بوده و هرکس ادعای امر خداوند

عزوجل را می نمود، و حق از باطل و عالم از جاهل شناخته نمی شد».

اگر امام و هادی علی الاطلاق و جانشین واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله با دیگران فرقی نداشته

باشد در نتیجه همگی یکسان بوده و هرکسی می تواند ادعای ارتباط با خدا و امارت

مردم را نماید و دیگر حق از باطل و عالم از جاهل شناخته نمی شود.

امام علیه السلام، خزینه علم الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«و جعلهم خزائن علمه و مستودع حکمته و موضع سرّه»^۲؛

«و آنان را خزینه داران علمش و امانت داران حکمتش و محل سرش قرار داد».

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام خزینه داران علم الهی اند که از معدن علم او به

آنها سرازیر می گردد، و حکمت خداوند نیز به آنها به ودیعه گذاشته شده و آنان

صندوق اسرار خداوند متعال اند.

عدم اجتماع دو امام در یک عصر

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اوصیای از اولاد حضرت علی علیه السلام فرمود:

«...ثم الى الاوصياء من ولده واحداً واحداً»^۱؛

«... سپس [امر امامت] را به اوصیای از اولاد [حضرت علی علیه السلام] واگذار کرد، یکی یکی».

ما معتقدیم که در هر عصر و زمانی یک پیامبر یا رسول و یا یک حجت و امام صاحب امری بوده و خواهد بود، و تعدد حجت‌ها در عرض هم به دلیل نقلی و عقلی باطل است، و لذا اوصیا و امامان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله یکی پس از دیگری آمده و به مقام امامت رسیده‌اند، و الآن نیز که عصر غیبت است ما معتقد به امامت یک امام و آن امام زمان علیه السلام هستیم.

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«و قد أبى الله عزّوجلّ أن یکون الامامة فی اخوین بعد الحسن والحسین علیهما السلام»^۲؛

«و به طور حتم خداوند عزّوجلّ ابا کرده که امامت بعد حسن و حسین علیهما السلام در دو برادر باشد».

حجت باطن و حجت ظاهر

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خلقت انسان‌ها فرمود:

«...و جعل لهم اسماعاً و ابصاراً و قلوباً و ألباباً، ثم بعث اليهم النبيين مبشرين و منذرين»^۳؛

۱. غیبت، طوسی، ص ۲۸۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۳۰.

۳. غیبت، طوسی، ص ۲۸۷.

«...و برای انسان‌ها گوش و چشم و قلب و عقل قرار داد، سپس به سوی آنان پیامبران را فرستاد که بشارت دهنده و بیم دهنده‌اند».

مطابق آیات قرآن کریم، خداوند متعال انسان را که از شکم مادر آفرید هیچ نمی‌دانست، تا این که به او وسیله و ابزار علم عطا نمود که همان سمع و بصر و قلب و خرد باشد. و به این هم اکتفا نکرد بلکه غیر از حجت باطنی به سوی او حجت‌های ظاهری که انبیا بودند فرستاد تا هدایت بشر را تکمیل نمایند.

امام حاضر یا غایب

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«اما تعلمون ان الارض لا تخلو من حجة، اما ظاهراً و اما مغموراً»^۱؛
«آیا نمی‌دانید که زمین هرگز خالی از حجت نمی‌باشد، یا حجت ظاهر و یا حجت پنهان».

زمین هیچ‌گاه خالی از حجت نیست؛ ولی این به این معنا نیست که همیشه حجت خدا در بین مردم ظاهر باشد، بلکه عموم اوقات بین مردم ظاهر می‌باشد ولی برخی از مواقع به جهت مصالحی که وجود دارد از دیده مردم مخفی می‌گردد.

خالی نبودن زمین از حجت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیعیانش می‌فرماید:

«أَوَ مَا رَأَيْتُمْ كَيْفَ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ... أَعْلَاماً تَهْتَدُونَ بِهَا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى
انْ ظَهَرَ الْمَاضِي علیه السلام ...»^۲؛

«آیا ملاحظه نکردید که خداوند چگونه برای شما از زمان آدم علیه السلام تا

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۰.

۲. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۶۶.

زمان امام حسن عسکری علیه السلام [هدایت] قرار داد تا به واسطه آنها هدایت پیدا کنید».

آن حضرت نیز می‌فرماید:

«کَلَّمَا غَابَ بَدَا عِلْمٌ، وَ إِذَا أَفَلَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ»^۱؛

«هر زمان که نشانه‌ای غائب شود نشانه‌ای دیگر طلوع کرد، و هرگاه ستاره‌ای غروب کرد ستاره‌ای دیگر طلوع نمود».

ما معتقدیم که زمین هیچ‌گاه از زمان آدم علیه السلام تاکنون از حجت الهی خالی نبوده است؛ خواه رسول باشد یا نبی یا امام و یا وصی، همان‌گونه که در جای خود به آنها اشاره شده است.

قوام دین به قوام امام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«قَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ، وَ عَطَلُوا الصَّلَاةَ وَ الصِّيَامَ، وَ نَقَضُوا السُّنَنَ وَ

الْأَحْكَامَ، وَ هَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ، وَ حَرَّفُوا آيَاتَ الْقُرْآنِ»^۲؛

«به کشتنت اسلام را کشتند و نماز و روزه را بیهوده و مهمل گذاشتند و سنت‌ها و احکام را شکسته و پایه‌های ایمان را نابود کرده و آیات قرآن را تحریف نمودند».

و نیز نقل شده که فرمود:

«وَ قُفِدَ بِفُقْدِكَ التَّكْبِيرَ وَ التَّهْلِيلَ، وَ التَّحْرِيمَ وَ التَّحْلِيلَ، وَ التَّنْزِيلَ وَ

التَّأْوِيلَ، وَ ظَهَرَ بَعْدَكَ التَّغْيِيرَ وَ التَّبْدِيلَ، وَ الْإِلْحَادَ وَ التَّعْطِيلَ، وَ الْأَهْوَاءَ وَ

الْأَضَالِيلَ وَ الْفِتْنَ وَ الْأَبْطِيلَ»^۳؛

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۶۶.

۲. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۳. همان.

«با کشته شدن تکبیر و تهلیل، و تحریم و تحلیل، و تنزیل و تأویل از بین رفت، و پس از تو تغییر و تبدیل و بی‌دینی و کفر و خواهش‌های نفسانی، و گمراهی‌ها و آشوب‌ها و بیهودگی‌ها و باطل‌ها آشکار گردید.»

قوام دین و احکام آن به وجود امام معصوم است. با وجود امام است که قواعد اسلام پابرجاست و آیات قرآن به طور صریح تبیین می‌شود، و با الحاد و هواهای نفسانی و ضلالت و گمراهی مقابله گردد، و لذا با کشتن امام خواستند تا اسلام را نابود کرده و احکام دین را تعطیل نمایند و آیات قرآن را تحریف کنند، و به جای آن کفر و الحاد و ضلالت را جایگزین سازند، گرچه با کشتن آن حضرت بعد از مدتی نه چندان دور اسلام زنده شد.

امام، تذکر دهنده به خدا و رسول

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش چنین تعلیم داده‌اند:

«اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَيْكَ وَلِيَّكَ الْمَذْكُورُ بِكَ وَبَنِيَّكَ»؛

«بارالها! ما بندگان تو شیفته ولی توایم که یادآور تو و پیامبرت می‌باشد.»

امام معصوم علیه السلام وظیفه‌اش توجه دادن مردم به خدا و پیامبرش می‌باشد؛ زیرا به او وحی تشریحی نمی‌شود و لذا به خدا و رسولش دعوت می‌نماید و در حقیقت بیان‌کننده کتاب و سنت می‌باشد.

امام علیه السلام، نگهبان و پناه مردم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش تعلیم داده تا این گونه به خداوند متعال عرضه بدارند:

«اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَيْكَ وَلِيَّكَ الْمَذْكُورُ بِكَ وَبَنِيَّكَ، خَلَقْتَهُ

لنا عصمة و ملاذاً»^۱؛

«بارالها! او ما بندگان تو که مشتاق ولی توایم، او که مردم را به سوی تو و پیامبرت راهنمایی می‌کند، و او را برای ما [سبب] نگاه داری و پناه خلق کردی».

وظیفه امام معصوم نگه داری مردم از افتادن در گناه و معصیت و نافرمانی خداوند است، و او پناه مردم در تمام امور می‌باشد.

رفتن به سوی خدا از راه امام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود چنین تعبیر می‌کند:

«باب الله الذی منه یؤتی»^۲؛

«درگاه خدا که از آن در وارد شوند».

کسی که می‌خواهد به سوی خداوند تقرب یابد تنها باید از راه امام معصوم باشد که او را به بیراهه و انحراف نکشاند، و امام معصوم در این عصر و زمان کسی جز امام زمان، حضرت مهدی علیه السلام نیست.

توجه به خدا از راه امام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود چنین تعبیر فرموده‌اند:

«وجه الله الذی الیه یتوجه الاولیاء»^۳؛

«وجه خدا که اولیا به سوی او توجه کنند».

امام زمان علیه السلام به جهت قرب معنوی به خداوند مظهر صفات جمال و کمال الهی است

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۲. همان.

۳. همان.

و لذا کسانی که بخواهند سیر و سلوک به سوی خدا داشته باشند باید به سوی او روی کرده و از طریق او و با دستگیری آن حضرت راه قرب به خدا را پیمایند.

✽

امام علیه السلام ، سبب اتصال دهنده بین آسمان و زمین

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود این چنین تعبیر فرموده‌اند:

«السبب المتصل بين الارض و السماء»^۱؛

«سبب اتصال دهنده بین آسمان و زمین».

امام زمان علیه السلام تنها وسیله و واسطه فیض تکوین و فیض تشریح است که بین عالم ربوبی و عالم ناپسوت را به هم متصل می‌گرداند، و اوست که فیض را از حضرت سبحانه و تعالی گرفته و به خلق خداوند افاضه می‌کند؛ چرا که عالم مادیات و معنویات عالم اسباب و مسببات است.

✽

اقامة دين خدا، از وظایف اوصیا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره فلسفه نصب اوصیا می‌فرماید:

« و تخیرت له اوصیاء ... اقامة لدينك »^۲؛

«و برای هر یک از پیامبران وصی انتخاب کرده... به جهت برپایی دینت».

خداوند متعال برای پیامبر صلی الله علیه و آله و تمام انبیاء، علی الخصوص انبیای اولوالعزم جانشینانی قرار داده تا دین خدا و تعالیم و دستورات آن را برپا سازند.

✽

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۲. مصباح الزائر، ص ۲۳۰.

تمام شدن حجت بر بندگان، از اهداف نصب اوصیا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره فلسفه نصب اوصیا می‌فرماید:

«و تخیرت له اوصیاء... حجة علی عبادك»^۱؛

«و برای هر یک از پیامبران اوصیا را اختیار کردی... تا حجت بر بندگان تمام گردد».

یکی دیگر از اهداف برگزیدن اوصیا برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دیگر پیامبران الهی اتمام حجت بر بندگان خداست تا عذر نیاورند که کسی نبود تا ما را به سنت واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله هدایت و رهنمون سازد.

*

جلوگیری از تحریف، از اهداف نصب اوصیا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره فلسفه نصب امامان و اوصیا می‌فرماید:

«و تخیرت له اوصیاء... لئلا یزول الحق عن مقرّه»^۲؛

«و برای هر یک از پیامبران اوصیا اختیار کردی... تا حق از جایگاهش کنار زده نشود».

بعد از هر پیامبری عده‌ای از مغرضان یا بی‌خبران حق را از مسیر اصلی اش منحرف کرده و به بیراهه کشاندند، و لذا یکی از اهداف انتخاب جانشینان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دیگر انبیا، جلوگیری از انحراف حق از جایگاه آن است.

*

۱. مصباح الزائر، ص ۲۳۰.

۲. همان.

جلوگیری از غلبه باطل، از اهداف نصب اوصیا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره فلسفه نصب امامان می‌فرماید:

«و تخیرت له اوصیاء... لئلا... یغلب الباطل علی اهل»^۱؛

«و برای هر پیامبری اوصیا اختیار کردی... تا باطل بر اهلش چیره نگردد».

بعد از هر پیامبری و از آن جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخی از اهل باطل در صدد غلبه دادن باطل خود بر اهل حق برآمده و اسباب ضلالت و گمراهی جامعه را فراهم می‌سازند، و یکی از اهداف انتخاب اوصیا جلوگیری از غلبه باطل بر حق و اهل حق است.

جلوگیری از عذرتراشی، از اهداف اوصیا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره یکی از اهداف نصب اوصیا می‌فرماید:

«... و لایقول احد لولا ارسلت الینا رسولاً منذراً، و اقامت لنا علماً

هادیاً، فتتبع آیاتک من قبل ان نذلّ و نخزی»^۲؛

«... و تا این که کسی نگوید: چرا فرستاده هشدار دهنده‌ای بسوی ما

نفرستادی و نشانه راهنمایی برایمان بر پای نداشتی، تا پیش از آن که به ذلت و

خواری در افتیم از آیات پیروی کنیم».

برخی به دنبال عذرتراشی برای عملکرد نابخردانه خود هستند، و اگر حجت‌های الهی برای آنان انتخاب نگردد بهانه آورده و می‌گویند: اگر آن حجت‌ها بودند ما از آیات خدا پیروی می‌کردیم، و لذا فرستادن رسولان و نصب امامان به جهت اتمام حجت ضرورت دارد.

۱. مصباح الزائر، ص ۲۳۰.

۲. همان.

امام علیه السلام ، بنده ذلیل خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«...فأنتی عبدك، ابن امتك، أسیر بین یدیک»^۱؛

«...همانا من بنده تو، فرزند بنده تو، فرزند کنیز تو، و اسیر نزد توام».

امامان علیهم السلام گرچه دارای مقامات عالی بوده و هستند ولی همه آنها به برکت مقام عبودیت برای پروردگار عالمیان بوده است، نه آن که به طور استقلال آنها را داشته باشند، و لذا هرچه به درجات بالاتر نایل شده‌اند مقام عزت خداوند را بیشتر درک کرده و در نتیجه به عبودیت خود بیش تر اعتراف نموده‌اند.



اولیای الهی، واسطه فیض خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به پیامبر و حضرت علی علیهما السلام می‌فرماید:

«اکفیانى فانکما کافیانى، و انصرانى فانکما ناصرانى»^۲؛

«مرا کفایت کنید؛ چرا که شما کفایت کننده من هستید، و مرا یاری کنید؛ چرا

که شما یاری رسان من می‌باشید».

گرچه نصرت از جانب خداوند متعال است همان گونه که در قرآن نیز به آن اشاره شده است، و نیز خداوند متعال انسان را کفایت می‌کند، ولی از آن جا که عالم، عالم اسباب و مسببات است و فیض الهی از کانال اسباب به عالم دنیا می‌رسد لذا در جملات بالا چنین آمده که خطاب به پیامبر و حضرت علی علیهما السلام عرضه می‌دارد که شما دو نفر مرا کفایت کرده و یاری نمایید.

۱. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۳۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۷۵.

حفظ دین پیامبر صلی الله علیه و آله ، از وظایف هر وصی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره هر یک از پیامبران الهی می‌فرماید:

«... و تخیرت له اوصیاء، مستحفظاً بعد مستحفظ من مدّة الی مدّة»^۱؛

«... و برای هر یک از آنان جانشینانی اختیار کردی که یکی پس از دیگری

نگهبان آن آیین باشند و مدت معینی این مسئولیت را بپذیرند».

در این که آیا هر پیامبری وصی دارد و وظایف او چیست نزد متکلمان اسلامی اختلاف است؛ اهل سنت ضرورت اوصیای معصوم را قبول ندارند، ولی شیعه معتقد به ضرورت اوصیا برای انبیای الهی است و از وظایف آنها حفظ دین پیامبران الهی از زیاده و نقیصه و تحریف می‌دانند، همان گونه که از جملات بالا استفاده می‌شود.

*

انتظام امر امامت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا انتظام أئمتهم بعد نبيهم صلی الله علیه و آله واحداً بعد واحد الی ان

افضى الأمر بأمر الله عزوجلّ الی الماضي یعنی الحسن بن علیّ صلوات

الله علیه، فقام مقام آبائه علیهم السلام»^۲؛

«آیا ندانستند که امامانشان بعد از پیامبرشان یکی پس از دیگری به طور

منظم می‌آمد تا آن که امر [امامت] به امر خداوند عزوجلّ به ماضی یعنی

حسن بن علیّ صلوات الله علیه منتقل شد، و او به جای پدرانش علیهم السلام

قرار گرفت».

۱. مصباح الزائر، ص ۲۳۰.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۰.

نظام امر مردم بعد از هر پیامبری به امامت و رهبری صحیح جامعه است که بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به امر خداوند متعال به اهل بیت علیهم السلام محوّل شده است، گرچه مخالفان، این نظام را در ظاهر برهم زدند ولی اهل بیت علیهم السلام صحنه را خالی نکرده و حافظ دین و شریعت بودند.

اهل بیت علیهم السلام تربیت شدگان خداوند

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا»^۱؛

«ما دست پرورده‌های پروردگار می‌باشیم».

مردم، تربیت شدگان اهل بیت علیهم السلام

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«الْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا»^۲؛

«مخلوقین خداوند، دست پرورده‌های ما خواهند بود».

اهل بیت علیهم السلام، صاحبان امر امامت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به جماعتی از شیعه که در مورد جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله شک کرده بودند فرمود:

«...أَوْ مَا سَمِعْتُمْ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾»^۳؛

«...آیا از خداوند عزوجل نشنیدید که می‌فرماید: (ای کسانی که ایمان آوردید خدا را اطاعت کنید و نیز رسول و اولی الامر از بین خود را اطاعت نمایید)».

یکی از آیاتی که دلالت بر امامت و عصمت اهل بیت علیهم السلام دارد آیه «اولی الامر» است؛ زیرا در این آیه دستور به اطاعت به طور مطلق و بدون قید از آن‌ها شده است،

۱. القیبة، شیخ طوسی، ص ۲۸۵، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸، ح ۹.

۲. همان.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

همان گونه که به طور مطلق امر به اطاعت از خدا و رسولش شده است، و لزوم اطاعت مطلق مستلزم عصمت می باشد.

عصمت اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«فالحق ما رضيتموه، و الباطل ما اسخطتموه، و المعروف ما امرتم به، و المنكر ما نهيتم عنه»^۱؛

«پس حق آن چیزی است که شما از آن راضی بوده و باطل چیزی است که شما از آن ناراضی هستید، و معروف هر چیزی است که شما به آن امر کرده و منکر هر چیزی است که شما از آن نهی نمایید».

«ما» برای موصول است و افاده عموم می کند، و اگر هرآنچه را که اهل بیت علیهم السلام انجام می دهند حق بوده و مطابق با واقع است و از آن تخلف بردار نیست، در نتیجه آن بزرگواران از مقام عصمت برخوردارند، و این همان چیزی است که از عبارت فوق استفاده می شود.

اهل بیت علیهم السلام پناه و وسیله مردم به سوی خداوند متعال

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی درباره اهل بیت علیهم السلام عرضه می دارد:

«اللهم فهولاء معاقلی اليك في طلباتي و وسائلی»^۲؛

«بارالها! اینان پناهان من در خواسته‌هایم و وسایل من به سوی تو اند».

انسان برای تقرب و نزدیکی به خداوند متعال و درخواست حاجاتش از خدا به وسایلی نیاز دارد که او را به آن مقصد اعلی برساند و آن کسانی جز افراد معصوم سفر

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۲.

کرده به آن مقصد نیستند، یعنی همان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام.

اهل بیت علیهم السلام ، مردان مقرب درگاه الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام چنین تعبیری فرمودند:

«السادة المقربین»^۱؛

«سروران مقرب [درگاه الهی]».

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بزرگ مردانی بودند که به مقام قرب معنوی الهی نایل شده و لذا مظهر صفات جمال و کمال او شدند، گرچه هرچه دارند از آن خداوند متعال می‌باشد.

اهل بیت علیهم السلام ، هادیان هدایت یافته

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام چنین تعبیری فرمودند:

«الهداة المهدیین»^۲؛

«هدایت‌گران هدایت یافته».

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هم هدایت شده و هم هدایت‌گر جامعه هستند، بر خلاف برخی دیگر که بدون آن که به هدایت رسیده باشند در صدد هدایت جامعه برآمدند که ضرر آنان بیش از دیگران است. و لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۲. مصباح الزائر، ص ۲۳۰.

كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟^۱؛

«آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟ شمارا چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟!».

اهل بیت علیهم السلام ، دریا‌های پر جود و کرم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام چنین تعبیری فرمودند:

«القمامة الأکرمین»^۲؛

«بزرگان و سرورانی که همانند دریا‌های پر جود و کرم‌اند».

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بزرگ مردانی هستند که مورد تکریم خاص خداوند متعال بوده و دریا‌هایی از جود و کرم برای دیگران‌اند، چرا که به معدن عظمت خداوندی رسیده و خزینه دار صفات کمال و جمال الهی‌اند.

راه اهل بیت علیهم السلام ، راه روشن و آشکار

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام چنین تعبیری فرمودند:

«السبیل الواضحة ... الاعلام اللاتحة»^۳؛

«راه‌های روشن ... نشانه‌های آشکار».

بسیاری از مصلحان و بزرگان و دانشمندانی هستند که رئیس مذهب بوده و مردم

۱. یونس، آیه ۳۵.

۲. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۳. مصباح الزائر، ص ۲۳۰.

را به سوی خود و افکارشان دعوت نمودند، ولی راه آن‌ها پر پیچ و خم بوده و انحراف داشته است، به جز اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که راهشان روشن و نشانه‌هایشان آشکار بوده و هست.

اهل بیت علیهم السلام ، صاحبان علوم کامل

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام چنین تعبیری فرمودند:

«العلوم الكاملة»^۱؛

«آنان علوم کامل اند».

بسیاری از دانشمندان و صاحبان مذهب بوده‌اند که از علوم چندانی برخوردار بوده و مردم را به آیین خود دعوت کرده‌اند ولی علم کاملی نداشته و در بین راه بریده و نتوانسته‌اند که مردم را قانع سازند، ولی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام صاحبان علوم کاملی بوده‌اند که حاجات علمی مردم را برآورده و از معدن گوارای علمشان آنان را سیراب کرده‌اند.

احیای دین به اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«احیا بهم دینه»^۲؛

«دین را به وجود آنان زنده کرد».

خداوند متعال دین خود را به دست افرادی لایق می‌سپارد و به وسیله این افراد مردم را هدایت می‌کند، آنان که معصوم بوده و از هر عیب و نقصی مبرا هستند،

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۲. غیبت، طوسی، ص ۲۸۷.

و دیگران یا نمی‌توانند احیاگر دین به طور کامل باشند و یا این که بر عکس، کارشان در حقیقت به نابودی دین منجر می‌شود.

✽

وجوب مودت اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام فرمودند:

«و جعلت اجر محمد صلی الله علیه و آله مودتهم فی کتابک و قلت: ﴿ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ﴾، و قلت: ﴿ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ﴾، و قلت: ﴿ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴾، و كانوا هم السبیل الیک و المسلك الی رضوانک»؛

«آن‌گاه پاداش محمد صلی الله علیه و آله را مودت آنان مقرر ساخته و در کتابت فرمود: (بگو ای پیامبر! که بر رسالت خود پاداشی جز مودت در حق نزدیکانم از شما نمی‌خواهم). و فرمودی: (آنچه به عنوان مزد رسالت از شما خواستم به سود خود شماست)، و فرمودی: (من از شما مزدی نمی‌خواهم مگر این که کسی بخواهد به سوی پروردگارش راهی در پیش گیرد) پس آنان راهی به سوی تو و وسیله رسیدن به خشنودی تو بودند».

از جمله آیاتی که درباره فضایل اهل بیت علیهم السلام به آن استدلال می‌شود آیه «مودت» است که در آن اشاره به اجر و مزد رسالت که همان مودت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است شده است، اجر و مزدی که در آن شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله بهره‌ای نمی‌برد و هرچه هست به نفع کسانی است که مودت آن‌ها را دارند، و لذا هر کس که می‌خواهد راهی را به سوی خداوند متعال انتخاب کند جز راه مودت و محبت همراه با پیروی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نیست.

✽

حق با اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«...وليعلموا ان الحق معنا و فينا، لا يقول ذلك سوانا الا كذاب مفتر، و

لا يدعيه غيرنا الا ضالّ غويّ»^۱؛

«...و باید بداند که حق با ماست و در بین ما می‌باشد، این مطلب را غیر از ما

نمی‌گوید جز کسی که دروغگو و افترا زننده است، و غیر ما ادعا نمی‌کند جز

کسی که گمراه و اهل باطل است.»

حق با اهل بیت علیهم السلام و در طریق آنهاست، همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت

علی علیه السلام را با حق و قرآن معرفی کرده و حق و قرآن را نیز با امام علی علیه السلام دانسته است،

و هیچ کس جز کذاب و افترا زننده نمی‌تواند ادعا کند که تمام حق نزد من است؛ چرا

که تنها معصوم می‌تواند چنین ادعایی داشته باشد.

تسلیم اهل بیت علیهم السلام بودن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیعیانش فرمود:

«فاتقوا الله و سلّموا لنا، و ردّوا الامر الينا»^۲؛

«از خدا بترسید و تسلیم [دستورات و اوامر] ما باشید، و امر را به ما

بازگردانید.»

اگر می‌خواهیم به کمال برسیم و رضایت خدا را کسب نماییم و اهل بهشت باشیم

باید تسلیم کسانی باشیم که خداوند آنان را به عنوان راهنما به ما معرفی کرده است و

هر آنچه را که نمی‌دانیم امرش را به آن بزرگواران ردّ کنیم نه آن که انکار نماییم.

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۰.

۲. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۶۶.

مأموریت‌های مختلف اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیعیانش فرمود:

«أَوْ مَا عَلِمْتُمْ مَا جَاءَتْ بِهِ الْأَثَارُ مِمَّا يَكُونُ وَيُحْدِثُ فِي أَيْمَتِكُمْ عَلِيٌّ

الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ مِنْهُمْ علیهم السلام؟»^۱؛

«آیا علم پیدا نکردید به آنچه که از آثار [و اخبار بر شما] رسیده در

مورد اموری که خواهد بود، در مورد امامان گذشته و باقی از شما علیهم السلام

رخ می‌دهد؟».

هریک از امامان اهل بیت علیهم السلام به ملاحظه شرایط زمانی که برایشان بود مأمور به

وظیفه خاصی بوده‌اند که به خوبی و به نحو احسن از عهده آن برآمدند، گرچه برخی

از آنان تکلیف سخت‌تری نسبت به دیگری داشته و از پاداش بیش‌تری نزد خدا

برخوردار بوده‌اند، همان‌گونه که برای امام حسین علیه السلام اتفاق افتاد.

*

اهل بیت علیهم السلام ، مخلوق خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند عرضه می‌دارد:

«أَنْتَ الْخَالِقُ وَنَحْنُ الْمَخْلُوقُونَ»^۲؛

«تو آفریننده‌ای و همه ما آفریده توایم».

تنها کسی که مخلوق نبوده و حادث نیست خداوند متعال است و دیگران حتی

اهل بیت علیهم السلام نیز مخلوق خداوند بوده و حادث اند و لذا نمی‌توان ادعا کرد که آنان هم

چون خداوند متعال قدیم می‌باشند، مگر آن که قائل به قدم زمانی آنان شویم.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

۲. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۲۶۶.

اهل بیت علیهم السلام ، مختار خلق خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اسألك ان تصلى على محمد و آل محمد، خيرتك من خلقك...»^۱؛

«از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد که انتخاب شده‌اند از بین خلق توست درود فرستی».

از آن جا که قرار بود اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برای جامعه اسلامی الگو باشند لذا خداوند متعال قبل از آن که آن‌ها را به جامعه معرفی کند برگزید و مورد عنایت خاص خود قرار داد گرچه آنان نیز در رسیدن به این مقام سهم به‌سزایی داشته و مختار بوده‌اند.



پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام ، بهترین دوست

از آن حضرت نقل شده که درباره‌ی پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام فرمود:

«لا حبيب الا هو و اهله»^۲؛

«دوستی به جز او و اهل بیتش نیست».

پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام پدران شفیق و مهربان معنوی این امت بوده‌اند که برای نجات مردم از گمراهی و هدایت به راه سعادت همه‌گونه زحمات و شداید را نیز تحمل کردند و این تنها به جهت آن بوده که مردم را دوست داشته و به آن‌ها محبت می‌ورزیدند و طبق آیات قرآن بر این کار هیچ اجر و مزدی از آن‌ها نخواستند.



۱. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۳۳.

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۹۳.

سپاس خدا به جهت حقوق اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

« الحمد لله الذی ... اوجب علينا من حقهم ما قد وجب »^۱؛

« ستایش خداوندی را سزااست که آنچه از حق اهل بیت علیهم السلام بر ما واجب بود فرض کرد ».

ممکن است که برخی گمان کنند این که حقوقی از اهل بیت علیهم السلام بر عهده ما می باشد برای ما زحمت بوده و بر آن‌ها منت گذارده‌ایم در حالی که مطابق آنچه از امام زمان علیه السلام نقل شده، باید خداوند متعال را شکرگزار باشیم از این که حقوقی را بر عهده ما نسبت به اهل بیت علیهم السلام قرار داده است که با انجام آن‌ها به کمال خود نزدیک‌تر می‌شویم.

اهل بیت علیهم السلام ، هادیان امت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

« اللهم صلّ علی محمد و اهل بیته ، الأئمة الهادین »^۲؛

« بارخدا یا! بر محمد و اهل بیتش، امامان هدایت‌گر درود فرست ».

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام امامان هدایت‌گر مردم به سوی حق و حقیقت‌اند، همان‌گونه که خداوند متعال خطاب به پیامبرش می‌فرماید:

﴿ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ﴾^۳؛

« تو فقط بیم‌دهنده‌ای! و برای هر گروهی هدایت‌کننده‌ای است (؛ و این‌ها همه بهانه است، نه برای جستجوی حقیقت) ».

۱. اقبال الاعمال، ص ۶۳۱.

۲. جمال الاسبوع، ص ۳۰۲.

۳. رعد، آیه ۷.

اهل بیت علیهم السلام ، علمای راستگو

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید:

«...و العلماء الصادقین»^۱؛

«...آنان که عالمان راستگویند».

خیلی افراد هستند که عالم اند ولی صادق و راستگو نیستند، چه بسیار افرادی که به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت‌های ناروا دادند، ولی اهل بیت علیهم السلام عالمانی بودند که در عین حال از صداقت تام و کامل برخوردارند.

اهل بیت علیهم السلام ، نیکان پرهیزکار

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید:

«الابرار المتقین»^۲؛

«آنان که نیکان پرهیزکارند».

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از آن جهت که خداترس و متقی بودند تقوایشان در عمل و کردار نیز تأثیر گذاشته و نیک کردار بودند.

اهل بیت علیهم السلام ، ستون‌های دین

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید:

«دعائم دینک»^۳؛

«آنان که ستون‌های دینت می‌باشند».

۱. جمال الاسبوع، ص ۳۰۲.

۲. همان.

۳. همان.

قوام و پایه‌های دین به وجود امامان معصوم است که آن را از خراب شدن و فرو ریختن نگه دارد، و اگر وجود آنان نبود تا دین را گرچه در محدوده‌ای خاص حفظ کنند از دین ناب اسلام بعد از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله عین و اثری نبود.

✽

اهل بیت علیهم السلام ، ارکان توحید خداوند

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام عرضه می‌دارد:

« و ارکان توحیدك »^۱؛

« آنان که ارکان توحید تواند ».

قوام توحید، اهل بیت علیهم السلام بودند که با مجاهدت‌های علمی و نهضت‌های فرهنگی که داشتند ارکان و دعائم توحید را بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله برپا نگه داشتند.

✽

اهل بیت علیهم السلام ، حجت‌های بر مردم

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام عرضه می‌دارد:

« و حججك علی خلقك »^۲؛

« و حجت‌های تو بر خلقت می‌باشند ».

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام حجت‌های الهی بر خلق اند که خداوند متعال با اتمام حجت از طریق آنها بر مردم در روز قیامت احتجاج خواهد کرد و کسی با وجود آنها هیچ عذری در عدم پذیرش حق و حقیقت ندارد.

✽

۱. جمال الاسبوع، ص ۳۰۲.

۲. همان.

اهل بیت علیهم السلام ، جانشینان خداوند در روی زمین

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید:

«و خلیفتک فی ارضک»^۱؛

«و جانشینان تو در روی زمینت می‌باشند».

مطابق آیات و روایات فراوان هیچ‌گاه زمین خالی از حجت و خلیفه خداوند نبوده است، که بعد از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله جانشینان خدا در روی زمین اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بوده‌اند که یکی پس از دیگری به خلافت رسیده و الآن نوبت به خلافت امام زمان علیه السلام است.

*

اهل بیت علیهم السلام ، اختیار شده برای خداوند

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«...الذین اخترتهم لنفسک»^۲؛

«...کسانی که آن‌ها را برای خود انتخاب نمودی».

از بهترین حالات انسان رسیدن به مقام خلوص است، به این که سالک راه خدا کارهایش را برای خدا انجام داده تا به حدی رسد که خودش نیز خالص برای او گردد، و این جز با لطف و عنایت خداوندی همراه با اختیار و تشریک مساعی از طرف خود انسان سالک میسر نیست. و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از جمله کسانی هستند که خداوند متعال این لطف را در حق آنان نموده و آنان را برای خودش اختیار کرده است.

*

۱. جمال الاسبوع، ص ۳۰۲.

۲. همان.

اهل بیت علیهم السلام ، برگزیده بر مردم

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید:

«... و اصطفیتهم علی عبادك»^۱؛

«... و برای بندگانت انتخاب کردی.»

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را خداوند متعال به جهت هدایت بندگانش برگزید و آن‌ها را تصفیه و خالص از هرگونه رجس و پلیدی و شک و اشتباه نمود.

اهل بیت علیهم السلام ، حافظ دین خدا

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«... و ارتضیتهم لدینك»^۲؛

«... و برای [حفظ] دینت به آنان رضایت دادی.»

خداوند متعال با امتحانی که قبل از این عالم و نیز بعد از خلقت اهل بیت علیهم السلام از آنان گرفت رضایت داد که آن بزرگواران حافظان و مبینان دین رسولش باشند.

اهل بیت علیهم السلام ، عارفان حقیقی خداوند

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«... و خصصتهم بمعرفتك»^۳؛

«... و آنان را به معرفت خود اختصاص دادی.»

اهل بیت علیهم السلام تنها کسانی هستند که خداوند متعال را آن گونه که شاید و باید

۱. جمال الاسبوع، ص ۲۰۲.

۲. همان.

۳. همان.

شناخته و به لطف و مرحمتش به او معرفت پیدا کنند، گرچه معرفت به کنه ذات خدا بر کسی به جز خودش مقدور نیست.

اکرام مخصوص خداوند به اهل بیت علیهم السلام

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«... وَ جَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ»^۱؛

«... و به کرامتت تجلیل نمودی.»

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام مشمول تکریم خاص خداوند متعال شده و به آن تجلیل یافته‌اند، گرچه عموم مردم مشمول تکریم عام خداوند قرار گرفته‌اند آن جا که قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾^۲؛

«ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم.»

اهل بیت علیهم السلام، مشمول رحمت خاص الهی

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«... وَ غَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ»^۳؛

«... و آنان را مشمول رحمت نمودی.»

خداوند متعال گرچه رحمتش را شامل عموم مردم نموده ولی اهل بیت علیهم السلام را مشمول رحمت خاص خود قرار داده و سرتاپای آنان را مظهر این صفت خود قرار داده است.

۱. جمال‌الاسبوع، ص ۳۰۲.

۲. اسراء، آیه ۷۰.

۳. جمال‌الاسبوع، ص ۳۰۲.

قرار گرفتن اهل بیت علیهم السلام تحت تربیت خاص خداوند
و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام به خداوند متعال عرضه می‌دارد:
«... و رَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ»^۱؛
«... و آنان را به نعمت تربیت کردی».

گرچه همه خلائق تحت تربیت خداوند متعال قرار دارند ولی اهل بیت علیهم السلام را
مشمول تربیت خاص خود به نعمتش نموده است.

*

بهره‌مندی اهل بیت علیهم السلام از حکمت الهی
و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام به خداوند متعال عرضه می‌دارد:
«... و غَذَيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ»^۲؛
«... و از حکمت آنان را سیر کردی».

حکمت، غذای روح و روان است که طبق نصّ قرآن کریم به هر کس داده شود
خیر کثیر به او عنایت شده است، آنجا که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾^۳؛

«و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است».

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام کسانی هستند که خداوند متعال به طور مستقیم
و به واسطه رسولش از حکمتش به آنان عنایت کرده است.

*

۱. جمال الاسبوع، ص ۳۰۲.

۲. همان.

۳. بقره، آیه ۲۶۹.

اهل بیت علیهم السلام ، متجلی به نور خدا

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«...و البستهم نورك»^۱؛

«...و نور خود را به آنان پوشاندی.»

اهل بیت علیهم السلام به جهت قرب معنوی به خداوند متعال مظهر نور صفات جلال و کمال اویند، گرچه در این صفات استقلال ندارند و لذا در این جمله تعبیر به لباس شده است که عاریتی است.

وارد شدن اهل بیت علیهم السلام در ملکوت خداوند

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«...و رفعتهم فی ملکوتك»^۲؛

«...و در ملکوت آنان را رفعت دادی.»

اهل بیت علیهم السلام کسانی هستند که با لطف و عنایت خداوند متعال به ملکوت اعلی راه یافته و به جنّة الذات و الصفات رسیده‌اند.

اهل بیت علیهم السلام مرتبط با ملائکه

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«...و حققتهم بملائکتك»^۳؛

«...و با ملائکهات آنان را تأیید نمودی.»

۱. جمال الاسبوع، ص ۲۰۲.

۲. همان.

۳. همان.

نزول ملائکه و فرشتگان اختصاص به انبیا و رسولان ندارد بلکه به جهاتی بر اوصیا و اولیای الهی نیز نازل می‌شوند، گرچه نزول وحی به توسط فرشته اختصاص به انبیا و رسولان دارد، و لذا در این جمله آمده که خداوند اهل بیت علیهم السلام را محفوف به ملائکه کرده است که همیشه آنان را احاطه کرده‌اند.

*

شرافت اهل بیت علیهم السلام با انتساب به پیامبر صلی الله علیه و آله

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«... و شرفتهم بنبيك صلواتك عليه و آله»^۱؛

«... و به پیامبرت - که درود خدا بر او و آتش باد - آنان را شرف دادی.»

اهل بیت علیهم السلام از دو جهت شرف و کمال دارند؛ یکی به جهت کمالات ذاتی و دیگری به جهت انتساب به وجود نازنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، که این هم به نوبه خود شرف بزرگی است.

*

اهل بیت علیهم السلام ، چراغان هدایت در تاریکی

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام عرضه می‌دارد:

«... و جميع الاوصياء ، مصايح الدجى»^۲؛

«... و تمام اوصیا که چراغ‌های هدایت در تاریکی‌اند.»

هنگامی که ظلمت و تاریکی جهل و ضلالت همه جا را فرا گرفته تنها چراغان هدایت و راهنمایی کسانی هستند که علم‌های هدایت و باب مدینه علم پیامبرند.

*

۱. جمال الاسبوع، ص ۳۰۲.

۲. جمال الاسبوع، ص ۳۰۴.

اهل بیت علیهم السلام ، نشانه‌های هدایت

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام عرضه می‌دارد:

« و جميع الاوصياء ... اعلام الهدى »^۱؛

« و تمام اوصیاء... که پرچم‌های هدایت‌اند ».

در قدیم که نیروی برق نبوده و جاده‌ها نیز هیچ علامت و نشانه‌ای نداشته‌اند آتش‌هایی را به صورت علم بر سر کوه‌ها در راه، نصب می‌کردند تا مسافران، راه خود را تشخیص داده و گمراه نگردند، و نیز در برخی مکان‌ها پرچم‌هایی نصب می‌شد که گویای آن است که در این مکان مجلسی برپاست و اهل بیت علیهم السلام علم‌های هدایت در بین مردمی هستند که در سیر سفر به سوی خداوند می‌باشند.

✽

اهل بیت علیهم السلام ، ریسمان محکم الهی

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام عرضه می‌دارد:

« و جميع الاوصياء ... و العروة الوثقى و الحبل المتين »^۲؛

« و تمام اوصیاء... که ریسمان مورد اعتماد و محکم‌اند ».

هر کس برای رسیدن به هدف و سرمنزل مقصود و بیرون آمدن از چاه دنیا به ریسمانی تمسک کرده است، ولی در بین تمام ریسمان‌ها تنها ریسمان محکم و مورد اعتماد که در بین راه نمی‌برد ریسمان ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است.

✽

۱. جمال الاسبوع، ص ۲۰۴.

۲. همان.

اهل بیت علیهم السلام ، راه مستقیم به سوی خدا

و نیز درباره اهل بیت علیهم السلام عرضه می‌دارد:

«و جميع الاوصياء... و الصراط المستقیم»^۱؛

«و تمام اوصیا... که راه مستقیم‌اند».

هرکس برای رسیدن به دین حق و حقیقت قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله راهی را ترسیم می‌کند که تمام راه‌ها غیر از راه اهل بیت علیهم السلام اعوجاج داشته و راه مستقیم نمی‌باشد.

خلقت شیعیان از شعاع اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی عرضه می‌دارد:

«اللهم انّ شیعتنا خلقت من شعاع انوارنا و بقية طینتنا...»^۲؛

«پروردگارا! شیعیان ما از شعاع انوارمان و باقیمانده طینت ما آفریده شده‌اند...».

هرکس در این دنیا هوای هرکسی را که داشته باشد، خلقت او در عالم قبل از این دنیا از همان انسانی است که هوای او را در دل دارد؛ زیرا طبق قاعده معروف بین عقلا هر چیز به لحاظ مبدء به اصل خودش بازمی‌گردد همان گونه که به لحاظ منتهی نیز به آن اصل بازمی‌گردد، و این قاعده در مورد شیعیان اهل بیت علیهم السلام جاری است.

اهل بیت علیهم السلام ، امینان وحی الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«انتم... امنائوه»^۳؛

«شما... امینان خدایید».

۱. جمال الاسبوع، ص ۳۰۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۰۲.

اهل بیت علیهم السلام نه تنها با وحی الهی مخالفت نکردند، بلکه حافظان و امینان وحی بوده و با تحریفات ناصحیح و غیر صواب از دین و وحی الهی مقابله نمودند.

اهل بیت علیهم السلام ، سیاست مدار بندگان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرمود:

« و انتم ... ساسة العباد »^۱؛

« و شما ... سیاستمداران و راهنمایان بر بندگان خدایید ».

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله گرچه غالب آن‌ها به حکومت ظاهری نرسیدند ولی همه آنان از جانب خداوند متعال به عنوان سیاست مدار و رهبر معرفی شده و در محدوده خود بندگان خدا را تربیت و سیاست می‌کردند، و سیاست حقیقی کاری بود که آن بزرگواران و در رأس آن حضرت علی علیه السلام انجام می‌داد.

اهل بیت علیهم السلام ، عصارة انبیا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرمود:

« و سلالة النبیین و صفوة المرسلین »^۲؛

« و شما عصارة پیامبران و برگزیده انبیای مرسلی می‌باشند ».

از آنجا که هر پیامبری وصی داشته که ادامه دهنده راه آن پیامبر بوده و نیز هر پیامبری که مبعوث می‌شد کامل کننده دین و شریعت پیامبر سابق بوده است، لذا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله کامل‌ترین دین و شریعت را داشته و در نتیجه نزد اوصیای او کامل‌ترین دین بوده است و با این مقدمات به دست می‌آید که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام عصارة همه پیامبران و رسولان اند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۵.

۲. مصباح الزائر، ص ۲۲۵.

اهل بیت علیهم السلام ، سبب خیرات

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«فما شیء منا الا و انتم له السبب»^۱؛

«هیچ چیز از ما نیست جز آن که سبب شما هستید».

از آن جهت که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام واسطه فیض تشریح و تکوین هستند لذا هرچه از خیرات به ما می‌رسد به سبب و واسطه و برکت آن بزرگواران است.

*

اهل بیت علیهم السلام ، پناه مردم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«فلا نجات و لا مفزع الا انتم»^۲؛

«نجات و پناهی به جز شما نیست».

گرچه منجی و پناه حقیقی خداست ولی خود خداوند متعال در این عالم منجی‌ها و پناه‌هایی گذاشته که مردم را به اذن او از هلاکت نجات داده و آنان را پناه می‌دهند، و پناه آنان در حقیقت پناه خداست.

وانگهی حصر در این جمله اضافی است در مقابل دیگران که منجی و پناه واقعی در این عالم نیستند، و لذا پناه و منجی واقعی که مردم را به سوی خدا هدایت کرده و در پناه خداوند قرار می‌دهد و پناه او پناه خداست، تنها اهل بیت علیهم السلام هستند.

*

۱. مصباح الزائر، ص ۲۲۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

عدم گذر از اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«و لا مُذْهِبَ عنکم»^۱؛

«گذر از شما امکان‌پذیر نیست».

بعضی‌ها می‌گویند: این گزینه را نمی‌پسندیم و لذا از او گذر می‌کنیم، ولی درباره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام چنین تعبیر و کار و اقدامی معنا ندارد؛ زیرا گزینه آنان گزینه خدایی است و عدول به دیگری عین گمراهی و ضلالت است.

اهل بیت علیهم السلام چشم بینای خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«یا اعینَ الله الناظرة»^۲؛

«ای چشم‌های خدا که نظارت کننده‌اید».

از آن جا که عالم طبیعت عالم اسباب و مسببات است و هر آنچه در این عالم اتفاق می‌افتد و جاری می‌گردد بر اساس تدبیر الهی است، لذا اگر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام شاهد و ناظر بر اعمال بندگان اند در حقیقت خداست که این نظاره‌گری را دارد، و جریان نظارت خداوند به واسطه اهل بیت علیهم السلام است.

اهل بیت علیهم السلام ، حاملان معرفت الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«حملة معرفته و مساکن توحیده فی ارضه و سمائه»^۳؛

«حاملان معرفت خدا و مسکن‌های توحید او در زمین و آسمانش».

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام عارفان حقیقی به خداوند متعال بوده و معارف الهی نیز به طور کامل و خالص نزد آنان است و لذا هرکس که در آسمان یا زمین است اگر می‌خواهد به معرفت خدا نایل گردد و به توحید ناب برسد باید از آن بزرگواران استفاده نماید.

اهل بیت علیهم السلام ، عالم به مقدرات الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«...قد اتاكم الله يا آل يس خلافته و علم مجاری امره فیما قضاة و دبره و رتبه و اراده من ملکوتہ، فکشف لکم الغطاء»^۱؛

«...ای آل یس! خداوند به شما حق جانشینی خود را داده و نیز شما را از مجاری امرش در آنچه حکم و تدبیر و ترتیب و از ملکوتش اراده کرده عالم نموده است و برای شما پرده‌ها را برداشته است».

خداوند متعال از ازل برای هرکس مقدراتی قرار داده و بر او قضا و تدبیر نموده و آن را مرتب کرده و تحت مشیت و اراده خود قرار داده است، و تنها اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هستند که از قضای الهی نسبت به مخلوقات خدا آگاهی کامل دارند، و این عنایتی است که خداوند در حقشان کرده است.

اهل بیت علیهم السلام ، خزائن علم خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«اتم خزنته»^۲؛

«شما خزینه‌داران خدایید».

خداوند متعال گرچه معدن عظمت و تمام کمالات و صفات حسنه است ولی

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

۲. مصباح الزائر، ص ۲۲۴.

فیض و کمال از این سرچشمه و معدن حقیقی و اصلی به خزینه وسیع اهل بیت علیهم السلام در این دنیا سرازیر شده و به واسطه آن مردم سیراب گشته‌اند، و لذا گفته شده که آن ذوات مقدسه واسطه فیض تکوین و تشریح‌اند.

اهل بیت علیهم السلام ، شاهدان بر این امت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرمود:

« اتمم ... شهداؤه »^۱؛

« شما ... شاهدان و گواهان خدا بر امت می‌باشید ».

مطابق عبارات فوق و آیات قرآن امامان معصوم و اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله شاهدان بر امت‌اند، و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز شاهد بر آنان است. لذا در قرآن می‌خوانیم:

﴿ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ
الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ﴾^۲؛

« شما را نیز، امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط) تا بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر هم بر شما گواه است ».

وجوب اطاعت از اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

« اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَّائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ... »^۳؛
« بارخدا یا ابر و ولایت و فرزند اولیائت درود فرست، کسانی که اطاعت از آنان را بر مردم واجب کردی و... ».

۱. همان.

۲. بقره، آیه ۱۴۳.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴ ...

اهل بیت علیهم السلام و از آن جمله امام زمان علیه السلام کسانی هستند که مطابق آیات قرآن کریم و روایات نبوی که در مصادر شیعه و سنی نیز آمده و نیز مطابق روایات آن بزرگواران اطاعتشان به طور مطلق فرض و واجب است، که از این فرض اطاعت مطلق می‌توان عصمت آنان را ثابت کرد.

عصمت اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«الذین فرضت طاعتهم و اوجببت حقهم و اذهببت عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً»^۱؛

«کسانی که اطاعت آنان را بر مردم فرض کرده و حقشان را واجب نمودی، و همه نوع پلیدی را از آنان دور کرده و برای همیشه پاکشان نمودی».

از آن جهت که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام اطاعتشان واجب گردیده لذا خداوند متعال آنان را از مقام عصمت و طهارت برخوردار نموده و از هر گناه و عیب و نقصی مصون داشته است.

نورانیت مودت با موالات اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش فرمود تا از خداوند این گونه درخواست کنند:

«و ان تملأ... مودتی نور الموالاة لمحمد و آله علیهم السلام»^۲؛

«و این که مودت‌م را با نور دوستی با محمد و آلش علیهم السلام پر نمایی».

خیلی‌ها مودت و محبت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست دارند ولی ولایت آنان را

۱. همان.

۲. مصباح الزائر، ص ۲۲۲.

نپذیرفته اند، ولی مودت و محبت آن‌ها وقتی نورانی می‌شود که همراه با پذیرش ولایت آن بزرگواران باشد.
و ممکن است که مقصود نور ولایت اهل بیت علیهم السلام باشد.

نور ولای اهل بیت علیهم السلام، راهنمای انسان برای لقای الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش فرمود تا از خداوند این گونه درخواست کنند:

«و ان تملأ... مودتی نور الموالاة لمحمد و آله علیهم السلام حتی القاک»^۱؛

«و این که مودتم را با نور محمد و آلش علیهم السلام پر نمایی تا به ملاقات تو برسم».

ممکن است که مقصود از جمله فوق این باشد که نور ولای حضرت محمد و اهل بیت او علیهم السلام همراه با محبت و مودت آن بزرگواران می‌تواند راهنمای انسان به هدف عالی خلقت او باشد که همان لقای الهی است، و کسی که می‌خواهد به این هدف والا برسد باید همراه با مودت و ولایت آن بزرگواران تا به سر منزل مقصود قدم بردارد.

آمادگی برای یاری نصرت اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش چنین تعلیم می‌دهد:

«نصرتی معدة لکم»^۲؛

«من آماده یاری و نصرت شما هستم».

از آن جا که ما شیعه امام زمان علیه السلام هستیم و امامت و ولایت او را پذیرفته‌ایم، گرچه از دیده‌ها غائب می‌باشند، ولی از آن جا که هر لحظه احتمال ظهور حضرت داده

۱. مصباح الزائر، ص ۲۲۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۳.

می‌شود و او نیاز به یار و یاور دارد لذا باید همیشه آماده نصرت و یاری آن حضرت باشیم که بخشی از این آمادگی در خودسازی است.

لزوم اخلاص در مودت اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش چنین تعلیم می‌دهد که درباره اهل بیت علیهم السلام بگویند:

«و مودتی خالصة لکم»^۱؛

«و دوستیم خالص برای شماست».

ما مسلمانان دو وظیفه در حق اهل بیت علیهم السلام داریم؛ یکی مودت آن بزرگواران که عبارت است از از دوستی همراه با اطاعت، و دیگری اخلاص در محبت که ممکن است به دو معنا باشد؛ یکی این که تمام مودت‌م را در طبق اخلاص برای شما گذاشته‌ام و دیگری این که مودتی که به شما بزرگواران دارم به جهات مادی نیست، بلکه از جهت قرب به خدا و جنبه ذاتی شما اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

لزوم ایمان به اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«فنفسی مؤمنة بالله وحده لا شريك له، و برسوله و بامير المؤمنين، و

بکم یا مولای، اولکم و آخرکم»^۲؛

«دل من به خداوندی که تنهاست و شریک و همتایی ندارد، و نیز به

فرستاده‌اش صلی الله علیه و آله و به امیر مؤمنان علیه السلام ایمان دارد. و به شما ای مولای من! به

اول از شما و آخر از شما نیز مؤمن است».

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۳.

۲. همان.

از جمله مسائلی که اعتقاد به آن ضروری است ایمان به ولایت حضرت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام اوست که در عبارت فوق به آن اشاره شده است.

سعادت در اطاعت از اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد مخالفان اهل بیت علیهم السلام و مخالفت با آنان می‌فرماید:

«سَعِدَ مَنْ اطَاعَكُمْ»^۱؛

«هرکس که از شما فرمانبرداری کند باسعادت است».

از آن جا که اهل بیت علیهم السلام به کمال مطلق رسیده و راه سعادت را طی کرده‌اند؛ لذا هرکس که خودش را به آنان بسپارد و در راه آنان قدم نهد به طور حتم به سر منزل مقصود رسیده و به سعادت خواهد رسید.

شقاوت مخالفان اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«شَقِيَ مَنْ خَالَفَكُمْ»^۲؛

«هرکس که با شما مخالفت کند با شقاوت است».

از آن جا که خداوند متعال حجت را بر مردم تمام می‌کند و صاحبان حق و حقیقت را به آنان معرفی می‌نماید و کسی در این زمینه معذور نیست، و لذا هرکس که با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به مخالفت پردازد او شقی است.



۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۳.

۲. همان.

حق اولیا بر خداوند متعال

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی به خداوند متعال چنین عرضه می‌دارد:

«وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ»^۱؛

«و از تو می‌خواهم به حق محمد و خاندانش».

وهابیان معتقدند که کسی بر عهده خداوند متعال حقی ندارد، و تنها اوست که بر همه حق دارد، ولی ما معتقدیم که برخی از حقوق را خداوند بر عهده خود گذاشته که از آن جمله یاری و نصرت مؤمنان است؛ و لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۲؛

«و یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما».

و از آن جمله حقوقی که خداوند بر عهده خود گذاشته - مطابق عبارت فوق - حق محمد و اهل بیت او علیهم السلام است.

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَيَّ نَفْسِكَ...»^۳؛

«و از تو می‌خواهم بحق محمد و خاندانش، و به حق ایشان که بر خود لازم کردی».

اهل بیت علیهم السلام، بهترین شفیعان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«... وَ لَأَشْفِيعَ لِي إِلَيْكَ أَوْجَهَ مَنْ هُوَ لَاءٌ، فَأَتِيكَ بِشَفِيعٍ وَدِيدٍ»^۴؛

«... و شیعانی آبرومندتر جز این گروه ندارم تا شفیع مهربانی نزد تو آورم».

۱. منتخب الاثر، ص ۵۲۱.

۲. روم، آیه ۴۷.

۳. بلد الامین، ص ۳۳۳.

۴. منتخب الاثر، ص ۵۲۱.

مطابق روایاتی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده روز قیامت افرادی هستند که گناه کاران امت را شفاعت می‌کنند و سردمداران و بهترین آنها اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می‌باشند.

اهل بیت علیهم السلام ، امانت داران سرّ خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«... المأمونون علی سرّك»^۱؛

«... کسانی که امانت دار بر سرّ و راز تواند».

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام معدن اسرار الهی اند، و تنها آن را بر اهلش ابلاغ می‌کنند و از نااهلان کتمان می‌نمایند و لذا امین اسرار خداوند به شمار می‌آیند.

اهل بیت علیهم السلام ، والیان امر

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اللّهم فصلّ علی محمّد و آل محمّد؛ اولی الامر الذین فرضت علینا طاعتهم»^۲؛

«بارخدا یا! بر محمّد و آل محمّد علیهم السلام درود فرست؛ والیان امرت، کسانی که اطاعتشان را بر ما واجب کردی».

اهل سنت والیان امر را بر هر حاکم و امیری اطلاق می‌کنند گرچه فاسد و فاجر باشد، ولی شیعه دوازده امامی معتقد است که اولی الامر و جانشینان بعد از پیامبر که اطاعتشان به طور مطلق واجب است تنها امامان معصوم از اهل بیت پیامبر علیهم السلام می‌باشند.

۱. اقبال الاعمال، ص ۶۴۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۷۵.

اهل بیت علیهم السلام ، معادن کلمات الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«... فجعلتهم معادن لكلماتك»^۱؛

«... پس ایشان را گنجینه‌های همیشگی جلوه‌های خود قرار دادی.»

اهل بیت علیهم السلام نه تنها معادن کلمات تشریحی خداوند از جانب او هستند بلکه معادن کلمات فعلی خداوند که افعال الهی است نیز می‌باشند؛ زیرا که آنان واسطه فیض تشریح و تکوین اند، گرچه این معادن‌ها از آن جهت که به خداوند متعال مرتبط و وصل اند معادن شده‌اند و اوست که آن‌ها را تبدیل به معدن کرده است.

عظمت مقام خدادادی اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی به خداوند متعال چنین عرضه می‌دارد:

«اسألك بما نطق فيهم من مشيتك»^۲؛

«از تو می‌خواهم به آنچه از مشیت و اراده‌ات که درباره آن‌ها - اهل بیت علیهم السلام - ظهور و بروز کرده است.»

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هرچه از مقامات و کمالات دارند از جانب خداوند بوده و به مشیت و اراده اوست.

اهل بیت علیهم السلام ، نشانه‌های قدرت خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«الواصفون لقدرتك»^۳؛

«آنان نشانه‌های قدرت تو اند.»

این جمله را به دو گونه می‌توان معنا کرد؛

۱- این که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از آن جا که خداوند متعال را کما هو حقه شناخته و از قدرت بی‌نهایت او آگاهی دارند لذا می‌توانند او را توصیف کنند همان گونه که توصیف کرده‌اند.

۲- این که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از آن جا که بهترین افراد خلق خدایند لذا وجودشان توصیف کننده قدرت بی‌پایان و کامل الهی است.

اهل بیت علیهم السلام ، نمایانگر عظمت خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام عرضه می‌دارد:

«المعلنون لعظمتك»^۱؛

«آنان نمایانگر بزرگی تواند».

این جمله بربر دو گونه می‌توان تفسیر کرد؛

۱- این که اهل بیت علیهم السلام بهترین افرادی هستند که عظمت خداوند متعال را به مردم رسانده و اعلان کرده‌اند.

۲- این که اهل بیت علیهم السلام از آنجا که بهترین مخلوقات خدایند لذا بهترین معرف عظمت او می‌باشند.

اهل بیت علیهم السلام ، راهی به سوی خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام عرضه می‌دارد:

«... و جعلتهم الذریعة الیک و الوسیلة الی رضوانک»^۲؛

«... و ایشان را سبب‌هایی به سوی خویش و وسیله‌ای برای راهیابی به

خشنودی خود قرار دادی».

۲. مصباح الزائر، ص ۲۳۰.

۱. اقبال الاعمال، ص ۶۴۶.

از آن جا که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به حق رسیده‌اند و او و دستوراتش را به طور صحیح می‌دانند، لذا آنان بهترین راه و وسیله بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی او و خشنودی اش می‌باشند.

اهل بیت علیهم السلام ، ارکان توحید خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید:

« فجعلتهم ... و ارکاناً لتوحیدك و آیاتك و مقاماتك »^۱؛

«... و پایه‌های استوار یکتاشناسی و نشانه‌ها و مقامات خود قرار دادی.»

اهل بیت علیهم السلام به جهت قرب تام به خداوند متعال و معرفت کامل به او، خدا را شناخته و به طور صحیح و معقول توحید و آیات و مقامات او را تبیین کرده‌اند، و اگر آنان نبودند هرگز کسی قابلیت نداشت تا حجر اساسی برای توحید و آیات و مقامات خداوند گردد.

عدم امتثال دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امت پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از وفات آن حضرت فرمود:

« لم یمثل امر رسول الله صلی الله علیه و آله فی الهادین بعد الهادین »^۲؛

« فرمان پیامبر - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - در مورد هدایت گران

پی در پی، اطاعت و امتثال نگردید.»

پیامبر صلی الله علیه و آله در حق امامان معصوم و هادیان بعد از خود سفارش اکید و بسیاری نمود و حتی اجر و مزد رسالتش را دوستی و مودت آنان قرار داد. ولی غالب مردم دستور رسول خدا را اطاعت نکرده و بالعکس هرچه در توان داشتند در راه آزار و اذیت آنان به کار گرفتند.

۱. اقبال الاعمال، ص ۶۴۶.

۲. مصباح الزائر، ص ۲۳۰.

حکومت عدل جهانی، جزای شهادت اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرمود:

« قتل من قتل، و سببی من سببی، و أقصى من أقصى، و جرى القضاء لهم بما يرجی له حسن المثوبة، اذ كانت الأرض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین، و سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولاً، و لن یخلف الله وعده و هو العزیز الحکیم»^۱؛

« پس کشته شد هر آن که کشته شد، و اسیر گردید هر که به اسارت درآمد، و تبعید شد هر آنکه تبعید گردید، و سرنوشت بر آنان به گونه‌ای جریان یافت که امید پاداش نیک برای آن هست، چه این که زمین از آن خداست به هرکسی از بندگان که بخواهد آن را به ارث می‌دهد و سرانجام کار با تقوا پیشگان است، و خداوند از هر گونه نقص و آرایش منزّه است و وعده خداوند حتمی است، و به هیچ وجه تخلفی در وعده الهی نیست، و اوست خدای عزیز و حکیم».

گرچه هر کدام از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به شهادت رسیده و جان خود را در راه تبلیغ اسلام فدا کرده‌اند ولی خداوند متعال نیز در عوض این فداکاری‌ها وعده حکومت و رهبری جهانی را در عصر ظهور در آخرالزمان به آن‌ها داده است، و این مطلبی است که از عبارت فوق استفاده می‌شود؛ زیرا آن حضرت موضوع شهادت امامان را به وراثت زمین به توسط بندگان صالح خداوند مرتبط ساخته است.

گریه با صدای بلند در سوگ اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرمود:

« فعلى الأطائب من اهل بیت محمد و علی صلی الله علیهما و آلهما،

فلیبک الباکون، و ایاهم فلیتدب النادیون، و لمثلهم فلتذرف الدموع،
ولیصرخ الصارخون و یضجّ الضاجّون، و یعیجّ العاجّون»^۱؛
«پس بر پاکان از خاندان محمد و علی - که درود خداوند بر آنان و خاندانشان
باد - باید که گریه کنندگان بگریند، و مویه کنندگان مویه کنند، و به خاطر چنان
بزرگوارانی باید که اشک‌ها ریخته شود، و ضجّه کنندگان ضجّه کنند، و ناله
سردهندگان ناله سر دهند».

از عبارات فوق استفاده می‌شود که ندبه کردن و اشک ریختن و فریاد کشیدن و
ضجّه زدن و ناله کردن در سوگ اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و مصائب آنان نه تنها
اشکالی ندارد بلکه مطابق نص بالا به آن نیز دستور داده شده است.

امام علی علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

نصب جانشین، هنگام منقضی شدن ایام نبوت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«فلما انقضت ایامه اقام ولیه علی بن ابی طالب صلواتک علیهما
وآلهما هادياً»؛

«چون دوران رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله به سر آمد ولی خودش علی بن
ابی طالب که درود تو بر ایشان و خاندانشان باد - را برای هدایت گری
قرار داد».

گرچه پیامبر صلی الله علیه و آله در طول ایام بعثتش هر جا که مناسب می دیدند حضرت علی علیه السلام را
به عنوان هادی جامعه معرفی می کردند، ولی هنگامی که ایام بعثتش به سر آمد از
جانب خداوند متعال مأمور شد تا حضرت علی علیه السلام را به عنوان هادی بعد از خودش
اقامه کرده و به مردم معرفی نماید.

✽

امام علی علیه السلام ، خلیفه بلافصل پیامبر صلی الله علیه و آله

از امام زمان علیه السلام نقل شده که می‌فرماید:

« و جعل الأمر بعده الی اخیه و ابن عمّه و وصیّه و وارثه علی بن

ابی طالب علیه السلام »^۱؛

« و امر امامت را بعد از خود به برادر و پسرعمو و وصی و وارثش علی بن ابی

طالب علیه السلام واگذار کرد. »

مطابق روایات بسیار و متواتر بین شیعه و اهل سنت، خلیفه بلافصل رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام است، که به نص آن حضرت برای جانشینی منصوب شده است، کسی که برادر پیامبر صلی الله علیه و آله و پسرعمو و وصی و وارث آن حضرت بوده است.

امامت حضرت علی علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره صلوات بر امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین عرضه می‌دارد:

«... و صلّ علی امیرالمؤمنین و وارث المرسلین و قائد الغرّ المحجلین و

سید الوصیین و حجّة ربّ العالمین»^۲؛

«... و بر امیرمؤمنان و وارث فرستادگان و پیشتاز پیشانی سفیدان، و سید

اوصیا و حجّت پروردگار عالمین درود فرست.»

در این جملات به صفاتی از امیرمؤمنان علیه السلام اشاره شده است؛

۱- امیرمؤمنان.

۲- وارث علم تمام انبیای مرسل.

۳- رهبر و راهبر تمام انسان‌های متدین و پیشانی سفید.

۱. غیبت، طوسی، ص ۲۸۷.

۲. جمال الاسبوع، ص ۳۰۱.

۴- سید و آقا و سرور تمام اوصیای الهی.

۵- حجت پروردگار عالمیان برای خلق.

امام علی علیه السلام وصی پیامبر صلی الله علیه و آله

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى عَلِيٍّ اميرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيِّ رَسُوْلِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ»^۱؛

«بارخدايا! و بر علی امیر مؤمنان و وصی فرستاده پروردگار عالمیان درود فرست.».

حضرت علی علیه السلام تنها جانشین بلافصل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است که از جانب رب العالمین برای هدایت مردم به جامعه معرفی شده است.

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«ثم قال له: انت اخي و وصيي»^۲؛

«تو برادر من و جانشین من هستی.».

«وصایت» به معنای عهد و پیمان است، و مطابق روایات متواتر، تنها کسی که

رسول خدا صلی الله علیه و آله با او عهد و پیمان مطلق بر سر جانشینی خود بست حضرت علی علیه السلام بوده است.

استدلال به حدیث «مدینه علم»

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«ثم اودعه علمه و حکمته فقال: انا مدینه العلم و علی بابها، فمن اراد

المدینه فلیأتها من بابها»^۳؛

۱. زاد المعاد، ص ۱۱۰.

۲. مصباح الزائر، ص ۲۳۰.

۳. همان.

«آن گاه علم و حکمتش را در او به ودیعت سپرد و فرمود: من شهر علم هستم و علی علیه السلام دروازه آن است، هر که حکمت می‌خواهد باید که از آن درب داخل شود».

از آن جهت که رسول خدا صلی الله علیه و آله علم و حکمتش را که مطابق نص قرآن کریم خیر کثیر است به حضرت علی علیه السلام سپرده بود لذا او را دروازه علم خود معرفی کرده و فرمود: هر کس که می‌خواهد به شهر علم و حکمت من وارد شود باید از راهش که همان دروازه علم است یعنی حضرت علی علیه السلام وارد شود.

امام علی علیه السلام ، هادی امت بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«فلما انقضت ایامه اقام ولیه علی بن ابی طالب صلواتک علیهما وآلهما هادياً؛ اذ کان هو المنذر و لكل قوم هاد»^۱؛

«چون دوران رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله به سر آمد ولی خودش علی بن ابی طالب - که درود تو بر ایشان و خاندانش باد - را برای هدایت گری اقامه نمود؛ چرا که او هشدار دهنده بود و برای هر قومی هدایت گر می‌باشد».

مطابق نص آیه قرآن، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیم دهنده مردم و برای هر قومی در هر زمانی یک هادی است، و لذا امت اسلامی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در هر زمان احتیاج به یک هادی به حق و حقیقت دارد که اولین آن‌ها حضرت علی علیه السلام بوده است.

امام علی علیه السلام وارث پیامبر صلی الله علیه و آله

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«ثم قال له: انت اخي و وصی و وارثی»^۲؛

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۲. همان.

«آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود: تو برادر و جانشین و وارث [علم] من هستی.»

امام علی علیه السلام وارث مطلق پیامبر صلی الله علیه و آله به جز در اموال آن حضرت بوده است؛ چرا که اموال او به وارث حضرت زهرا علیها السلام رسیده است، ولی سایر امور پیامبر صلی الله علیه و آله که از آن جمله زعامت مسلمین و علم و حکمت آن حضرت بوده همگی به امام علی علیه السلام منتقل شده است.

امام علی علیه السلام مولای مؤمنان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«فقال - و المأ امامه - : من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه، وانصر من نصره، و اخذل من خذله»^۱؛

«سپس در حالی که انبوه جمعیت پیشاپیش او بودند چنین فرمود: هرکس را من مولای اویم پس علی نیز مولای اوست، بارالها! دوست بدار هر که را که از او پیروی کند و دشمن بدار هر که را که با او به ستیز برخیزد، و پیروزمند گردان هر که را یاریش کند، و خوار نما هر که خوارش نماید.»

حدیث «غدیر» از جمله احادیثی است که نزد شیعه و اهل سنت متواتر و صحیح السند بوده و دلالت بر امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام دارد.

امام علی علیه السلام ، امیر مؤمنان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«و قال : من كنت انا نبيّه فعلى اميره»^۲؛

«و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس که من پیامبر اویم پس علی امیر اوست.»

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۲. همان.

از جمله نصوص جلی بر امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نص «امارت» است، نصی که احتمال خلاف در آن داده نمی‌شود و صریح در امامت و حاکمیت بر مردم می‌باشد.

امام علی علیه السلام به منزله هارون نزد موسی علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

« و اهلّه محلّ هارون من موسی فقال: انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی »^۱؛

« و او را نسبت به خود همانند منزلت هارون به موسی قرار داده و فرمود: تو نسبت به من در منزلت و رتبه هارون علیه السلام به موسی علیه السلام هستی جز آن که پیامبری پس از من نیست ».

از جمله احادیثی که بر امامت و وصایت امام علی علیه السلام استدلال می‌شود حدیث «منزلت» است؛ زیرا همان گونه که هارون علیه السلام وصی و جانشین موسی علیه السلام در زمان حیات او بود و اگر زنده می‌بود جانشین بعد از او به شمار می‌آمد، حضرت علی علیه السلام نیز این چنین بوده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام از نور واحد

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

« و قال: انا و علی من شجرة واحدة و سائر الناس من شجرة شتى »^۲؛
« و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من و علی از یک درخت بوده و دیگر مردم از درختان پراکنده و متفاوت اند ».

مطابق روایات فریقین رسول خدا و امام علی علیه السلام از یک نور واحد بوده‌اند، و لذا

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۲. مضیاح الزائر، ص ۲۳۰.

خداوند متعال در آیه «مباهله» می‌فرماید:

﴿ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا
وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ... ﴾^۱

«هرگاه بعد از علم و دانشی که (در باره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: «بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود...».

امام علی علیه السلام، منبع اسرار پیامبر صلی الله علیه و آله

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی عرضه می‌دارد:

«اتقرب اليك ... بمن جعلته لنوره مغرباً، و عن مكنون سرّه مغرباً: سيّد
الأوصياء...»^۲

«به تو نزدیکی می‌جویم... به کسی که او را خواستگاه نور پیامبرت کرده و
بیانگر سر او نمودی: سرور اوصیا...».

اسرار مخفی و معارف و حکمت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله را تنها کسی می‌تواند بیان
کند که دروازه علم پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و آن حضرت برای او کشف کرده است، و او کسی
جز سرور اوصیا، امیر مؤمنان علی علیه السلام نیست.

صفات امام علی علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که حضرت علی علیه السلام را این‌گونه توصیف می‌کند:

«... سيّد الاوصياء، و امام الاتقياء، يعسوب الدين، و قائد الغرّ

۱. آل عمران، آیه ۶۱.

۲. مهج الدعوات، ص ۳۳۹.

المحجّلین، ابی الأئمة الراشدین، علیّ امیرالمؤمنین علیه السلام؛^۱
«...سرور اوصیا، و پیشوای پرهیزکاران، و رهنمای دین، و پیشوای سپید
رویان، پدر امامان راهنما؛ علیّ امیرمؤمنان».

در عبارات فوق حضرت مهدی علیه السلام برای امام علی علیه السلام صفاتی را ذکر فرموده‌اند؛
۱- سرور اوصیا از اولین تا آخرین.
۲- پیشوای پرهیزکاران
۳- رهبر دینی مردم
۴- امام و مقتدای اولیای الهی.
۶- پدر امامان به هدایت رسیده.
۶- امیر مؤمنان

*

امام علی علیه السلام، خواستگاه نور پیامبر صلی الله علیه و آله

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال چنین عرضه می‌دارد:

«اتقرب الیک... بمن جعلته لتوره مغرباً... سید الاوصیاء...»^۲؛

«به تو نزدیکی می‌جویم... به کسی که خواستگاه نور او - پیامبر صلی الله علیه و آله قرار
داده‌ای... سرور اوصیا...».

حضرت علی علیه السلام باب مدینه علم و حکمت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و نور او در وجود
حضرت علی علیه السلام غروب کرده است، و لذا هرکس که می‌خواهد به علم و حکمت
پیامبر صلی الله علیه و آله برسد باید از دروازه آن حضرت وارد شود.

*

۱- مهج الدعوات، ص ۳۳۹.

۲- همان.

اتحاد بین پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام علی علیه السلام فرمود:

«ثم قال له: ... لحمك من لحمي، و دمك من دمي، و سلمك سلمی، و حربك حربی، و الايمان مخالط لحمك و دمك كما خالط لحمی و دمی»^۱؛
«آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود: ... گوشت تو از گوشت من، خون تو از خون من، همدردی با تو همدردی با من، و جنگ با تو جنگ با من است، و ایمان با گوشت و خون تو آمیخته همان گونه که با گوشت و خون من آمیزش یافته است.»

بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام اتحاد همه جانبه و هماهنگی در تمام جهات بوده است اعم از مادی و معنوی، و لذا قرآن از حضرت علی علیه السلام در آیه «مباهله» به نفس پیامبر صلی الله علیه و آله تعبیر کرده است.»

*

امام علی علیه السلام، معیار شناخت مؤمن از منافق

از امام زمان علیه السلام نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حضرت علی علیه السلام فرمود:

«و لو لا انت يا علی لم يعرف المؤمنون بعدی»^۲؛

«ای علی! اگر تو نبودی پس از من مؤمنان شناخته نمی شدند.»

مطابق احادیث فریقین؛ شیعه و سنی، محبت حضرت علی علیه السلام محور و میزان ایمان و بغض و دشمنی با آن حضرت محور و میزان نفاق از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی شده، لذا معیار شناخت مؤمن از منافق بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام است.

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۲. مصباح الزائر، ص ۲۳۰.

امام علی علیه السلام ، روشنگر جامعه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله

از امام علی علیه السلام نقل شده که درباره حضرت علی علیه السلام فرمود:

«وكان بعده... نوراً من العمى»^۱؛

«حضرت علی علیه السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله ... روشنگر از نابینایی بود.»

حضرت علی علیه السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم جاهل و نادان را به نور هدایت قرآن و سنت واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله رهنمون ساخت.

امام علی علیه السلام ، ریسمان محکم الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حضرت علی علیه السلام فرمود:

«وكان بعده... حبل الله المتين»^۲؛

«حضرت علی علیه السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله ... ریسمان محکم خداوند بود.»

حضرت علی علیه السلام ریسمان محکمی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که هر کس به او تمسک می‌کرد به طور حتم از چاه ضلالت و گمراهی نجات یافته و به قرب خدا می‌رسید؛ بر خلاف دیگران که اگر ریسمانی داشتند محکم نبوده و مردمی را که به آن چنگ می‌زدند در وسط راه به سقوط می‌کشاند.

امام علی علیه السلام ، راه مستقیم به سوی خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حضرت علی علیه السلام فرمود:

«وكان بعده... صراطه المستقیم»^۳؛

«حضرت علی علیه السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله ... راه مستقیم به سوی او بود.»

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۲ و ۳. همان.

بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله راه‌های مختلفی برای رسیدن به سنت آن حضرت و اهداف بلند او که همان اهداف بلند اسلام ناب محمدی است ترسیم شد، که هر کدام دارای انحرافات گوناگون و متعددی بود به جز راه حضرت علی علیه السلام که مستقیم بوده و مردم را به طور حتم به مقصد می‌رسانید.

امام علی علیه السلام ، نزدیک‌ترین فرد به پیامبر صلی الله علیه و آله

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حضرت علی علیه السلام فرمود:

« لا يُسْبِقُ بِقَرَابَةِ فِي رَحْمٍ »^۱؛

«کسی در نزدیکی به پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت علی علیه السلام نزدیک‌تر نبود».

بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله عده‌ای خود را مستحق خلافت و جانشینی او دانستند به این بهانه که ما از نزدیکان آن حضرت هستیم، گرچه این دلیل بهانه‌ای بیش نبود و هیچ توجیه عقلایی نداشت، ولی اگر این بهانه دلیل آن‌ها بوده آیا حضرت علی علیه السلام از دیگران در این جهت مقدم‌تر نبوده است؟ چرا او به سمت خلافت برگزیده شد؟ ...

امام علی علیه السلام ، اولین مؤمن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حضرت علی علیه السلام فرمود:

« لا يُسْبِقُ بِقَرَابَةِ فِي رَحْمٍ وَ لا بِسَابِقَةِ فِي دِينٍ »^۲؛

«او کسی است که در نزدیکی به پیامبر صلی الله علیه و آله از او مقدم‌تر و در دین از او با سابقه‌تر نبود».

امام علی علیه السلام مطابق روایات شیعه و اهل سنت اولین مسلمان و مؤمن و سبقت‌گیرنده در دین بوده است. او کسی بود که از ابتدای طفولیت در دامان رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۲. همان.

بزرگ شد و با آن حضرت به غار حرا می‌رفت و در آنجا به مناجات با خداوند متعال می‌پرداخت، هنگامی که دیگران به بت پرستی مشغول بودند.

امام علی علیه السلام ، ادامه دهنده راه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حضرت علی علیه السلام فرمود:

« یحذو حذو الرسول صلی الله علیه و آله و سلم »^۱؛

« او در جای پای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پای نهاد. »

تنها کسی که از صحابه از ابتدای ولادت تا شهادت مطیع رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود و هرگز از خط و مشی او عدول نکرد حضرت علی علیه السلام بود، وگرنه دیگران هر کدام لغزش‌ها و انحرافات داشتند، گرچه تعداد اندکی هم بوده‌اند که دستورات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را اطاعت کرده و بعد از او از شیعیان حضرت علی علیه السلام شدند.

قتال امام علی علیه السلام بر سر تأویل قرآن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حضرت علی علیه السلام فرمود:

« و یقاتل علی التأویل »^۲؛

« و بر اساس تأویل قرآن [با پیمان شکنان] جنگ می‌کرد. »

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمود: ای علی! تو بر سر تأویل قرآن قتال می‌کنی همان گونه که من بر سر تنزیل قرآن قتال نمودم، و این به جهت اختلاف در موقعیت سیاسی آن دو بزرگوار بوده است. و لذا اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حضرت علی علیه السلام و خلافت او بود همین کاری را می‌کرد که علی علیه السلام انجام داد، همان گونه که اگر حضرت علی علیه السلام در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود او نیز همان کاری را انجام می‌داد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انجام داد.

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۲. همان.

امام علی علیه السلام ، آیه کبرای الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حضرت علی علیه السلام چنین تعبیری را فرمود:

«و آیتک الکبری»^۱؛

«و او که نشانه بزرگ توست».

گرچه همه موجودات و مخلوقات به یک معنا آیه و نشانه قدرت الهی هستند ولی هر موجودی که کامل تر و جامع تر باشد نشانه قوی تری بر وجود خداوند است، و امام علی علیه السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگ ترین آیه و نشانه قدرت و عظمت الهی است که خدا را به او می توان شناخت همان گونه که شهریار می گوید: (به علی شناختم من به خدا قسم خدا را).

رسیدن امام علی علیه السلام به مقام رضا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی چنین عرضه می دارد:

«... و علی المرتضی»^۲؛

«... علی علیه السلام که به مقام رضا رسیده است».

یکی از بهترین مقامات و حالات انسان رسیدن به مقام رضاست، و آن این است که انسان به درجه ای برسد که هم خدا از او راضی باشد و هم او از خدا راضی گردد.

و لذا خداوند متعال درباره اولیای الهی می فرماید:

﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ﴾^۳؛

«(هم) خدا از آنها خشنود است و (هم) آنها از خدا خشنودند؛ و این (مقام

والا) برای کسی است که از پروردگارش بترسد».

و مطابق جمله فوق حضرت علی علیه السلام به این مقام رسیده است.

۱. مصباح، کفعمی، ص ۷۷۰.

۲. جمال الاسبوع، ص ۳۰۴.

۳. بیته، آیه ۸.

باز بودن درب مسجد به خانه امام علی علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حضرت علی علیه السلام فرمود:

«و احلّ له من مسجده ما حلّ له، و سدّ الابواب الا بابہ»^۱؛

«و آنچه از مسجدش برایش حلال بود را برای او حلال کرد، و تمام درب‌ها

[که به مسجد باز می‌شد] به جز درب [منزل] او را بست».

یکی از احادیثی که دلالت بر امتیاز بالای حضرت علی علیه السلام و طهارت ظاهری و باطنی او از هر عیب و نقصی دارد حدیث «سدّ ابواب» است. پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام اجازه داد تا در حال جنابت وارد مسجدش شود؛ چرا که برای آن حضرت محذور به حساب نمی‌آمده است، و نیز دستور داد تا تمام کسانی که دری از خانه خود به طرف مسجد باز کرده‌اند و این را برای خود امتیاز به شمار می‌آوردند بسته شود و تنها درب خانه حضرت علی علیه السلام به سوی مسجد باز بماند و این کار را نیز پیامبر صلی الله علیه و آله به دستور خداوند متعال انجام داد و لذا این امتیاز تنها برای حضرت علی علیه السلام ثبت گردید.

امام علی علیه السلام تنها برادر معنوی پیامبر صلی الله علیه و آله

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حضرت علی علیه السلام فرمود:

«ثم قال له: انت اخي...»^۲؛

«آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود: تو برادر من هستی...».

از جمله فضایل حضرت علی علیه السلام عقد اخوتی است که دو بار رسول خدا صلی الله علیه و آله بین او و خودش بست، و هر دو نفر از بقیه صحابه را نیز بینشان عقد اخوت و برادری بست؛ و از آن جا که باید بین دو شخصی که عقد برادری می‌بندند سنخیت باشد لذا می‌توان

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۲. همان.

گفت که تنها شخصی که با پیامبر صلی الله علیه و آله سنخیت داشته حضرت علی علیه السلام بوده است.
و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«السلام علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، المخصوص بأخوته»^۱؛
«سلام بر امیرمؤمنان علی بن ابی طالب، که به برادری با او -رسول خدا صلی الله علیه و آله-
اختصاص یافت».

برخی از صحابه، وفادار به پیمان با امام علی علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره وضعیت امت بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:
«و الامّة مصرة علی قتله، مجتمعة علی قطیعة رحمة و اقضاء ولده، الّا
القلیل ممّن وفی لرعاية الحق فیهم»^۲؛
«و امت بر دشمنی با او اصرار داشته و متحد شدند که رحم او را قطع نموده و
فرزندانش را [از شهر و دیارشان] دور سازند، جز عده اندکی از [امت] که به
علت رعایت حق در موردشان وفادار ماندند».

تعداد اندکی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله سفارش آن حضرت را در حق اهل بیتش
پذیرفته و به آن عمل کردند، که از جمله آنها سلمان، مقداد، اباذر، و... برخی دیگر از
صحابه بودند.

امام علی علیه السلام، قاتل گردنکشان شرور

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حضرت علی علیه السلام فرمود:

«قد وتر فیہ صنادید العرب، و قتل ابطالهم، و ناوش ذؤبانهم، و اودع
قلوبهم احقاداً، بدریة و خیبریة و حنینیة و غیرهن»^۳؛

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۸.

۲. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۳. همان.

«در راه خدا گردنکشان عرب را بی‌کس گذارده و پهلوانان آنان را کشت، و گرگ‌هایشان را به هلاکت رسانید، و در دل‌های آنان از جهت جنگ‌های بدر و خیبر و حنین و غیر آن‌ها کینه‌ها برجای گذارد».

تنها امام علی علیه السلام بود که توانست در غالب جنگ‌هایی که شرکت داشت سرکردگان سرکش عرب و گردن‌کشان شرور را سرکوب ساخته و آنان را رام گرداند، و لذا اگر شمشیر آن حضرت نبود هرگز اسلام پیشرفت نمی‌کرد و نمی‌توانست موانع را از سر راه خود بردارد.

امام علی علیه السلام و قتال با ناکشان و مارقان و قاسطان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حضرت علی علیه السلام فرمود:

«فاضبت علی عداوته و اکبت علی منابذته، حتی قتل الناکثین و القاسطین و المارقین»^۱؛

«از این رو به دشمنیش برخواسته و در پی نابودی او متحد شدند تا آن که پیمان شکنان و منحرفان و سرکشان را به قتل رسانید».

بعد از آن که حضرت علی علیه السلام به مقام خلافت ظاهری رسید معاندان و سرکشان سه جنگ را بر او تحمیل کردند، یکی جنگ جمل به سرکردگی عایشه و طلحه و زبیر و دیگری جنگ صفین به سرکردگی معاویه و سومی جنگ با خوارج نهروان که در آن حضرت علی علیه السلام با عده‌ای متحجر و ظاهربین که به جنگ با حضرت درآمده بودند مقابله نمود، و این کاری بود که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن خبر داده بود.

جایگاه شیعیان در روز قیامت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد شیعیان حضرت علی علیه السلام و موقعیت آن‌ها در

روز قیامت می‌فرماید:

«و شيعتك علي منابر من نور مبيضة وجوههم و هم جیرانی!»
«و شیعیان تو در بهشت بر منبرهایی از نور و با چهره‌های سپید پیرامون من
بوده و همسایگان منند.»

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در روایات بسیاری پیروان حضرت علی علیه السلام را تمجید کرده و در
حقیقت آنان را تشویق به پیروی از او بعد از وفات خود نموده است، و این روایات
مضمونی دارد که با احادیث دیگر همچون حدیث غدیر و منزلت و دیگر احادیث
صحیح‌السند نزد فریقین مورد تأیید است.

امام حسن علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

امامت امام حسن علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسن مجتبی علیه السلام عرضه می‌دارد:

«و صلّ علی الحسن بن علی، امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجة رب العالمین»^۱؛

«و بر حسن بن علی، امام مؤمنان، و وارث فرستاده شدگان و حجت پروردگار عالمیان درود فرست».

در جملات فوق صفاتی برای امام حسن علیه السلام بیان شده است؛

۱- امام مؤمنان

۲- وارث علم پیامبران مرسل

۳- حجت پروردگار عالمیان بر خلق

صفات امام حسن و امام حسین علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که امام حسن و امام حسین علیه السلام را این چنین توصیف کرده

۱. جمال الاسبوع، ص ۲۰۱.

و به آن دو توسل جسته اند:

« و اتقرب اليك ... بقرتي عين الرسول ، و ثمرتي فؤاد البتول ، السيدين ،

الامامين : ابي محمد الحسن و ابي عبدالله الحسين عليهما السلام »^۱؛

« و به تو نزدیکی می‌جویم ... به دو نور دیده پیامبر صلی الله علیه و آله و دو میوه قلب [زهرای]

بتول، دو سرور، دو امام، ابو محمد حسن، و ابو عبدالله حسین علیهما السلام ».

امام زمان علیه السلام در عبارت فوق به صفاتی از امام حسن و امام حسین علیهما السلام اشاره می‌کند؛

۱- نور چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله.

۲- میوه دل زهرای اطهر.

۳- دو سرور جوانان بهشت.

۴- امام و رهبران جامعه

امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو سرور جوانان بهشت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

« و صلّ علی سبطی الرحمة و امامی الهدی الحسن و الحسين سیدی

شباب اهل الجنة »^۲؛

« و بر دو سبط رحمت و دو امام هدایت؛ حسن و حسین، دو سرور جوانان اهل

بهشت، درود فرست ».

در روایات فریقین؛ شیعه و سنی آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله امام حسن و امام حسین علیهما السلام را

دو سرور جوانان اهل بهشت معرفی کرده است، گرچه اهل سنت خواسته‌اند شبیه آن

رانیز برای ابوبکر و عمر جعل کنند که این دو سرور پیرمردان بهشت اند، در حالی که

نمی‌دانند همه اهل بهشت جوان هستند.

۱. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۷۸.

۲. مصباح المتعجد، ص ۵۷۷.

امام حسین علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

امامت امام حسین علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام عرضه می‌دارد:

« و صلّ علی الحسین بن علی امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجة ربّ العالمین »^۱؛

« و بر حسین بن علی، امام مؤمنان، و وارث پیامبران و حجت پروردگار عالمیان درود فرست ».

در این فقرات نیز سه عنوان برای امام حسین علیه السلام ذکر شده است؛

۱- امام مؤمنان، ۲- وارث علم انبیاء مرسل، ۳- حجت پروردگار عالمیان

اخلاص در ولایت امام حسین علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

« السلام علیک، سلام ... المخلص فی ولایتک »^۲؛

« سلام بر تو، سلام ... کسی که در ولایت و دوستی تو خالص است ».

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۲۸.

۱. جمال الاسبوع، ص ۳۰۱.

امام حسین علیه السلام از جمله دوازده امامی است که از جانب خداوند متعال به امامت رسیده و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به امامت و وصایت او تصریح نموده است، و لذا بر عموم مسلمین خصوصاً دوستانش ولایت دارد، و بر ماست که بر ولایت او اخلاص داشته باشیم تا از برکات آن بهره‌مند شویم؛ زیرا پذیرش ولایت آن بزرگوار در حقیقت به نفع خودمان می‌باشد.

امام حسین علیه السلام ؛ مرجع دینی مردم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«اشهد أنك ... كنت ... معدن الاحكام»^۱؛

«گواهی می‌دهم که تو ... معدن حکم‌ها بودی».

امام حسین علیه السلام کسی بود که از سرچشمه علم پیامبر صلی الله علیه و آله شهر علم او یعنی حضرت علی علیه السلام سیراب شده و در دامان آنان پرورش یافته بود و لذا مرجع دینی مردم به حساب می‌آمد. و نیز میراث علمی رسول خدا صلی الله علیه و آله که نزد پدرش حضرت علی علیه السلام بود و از او به برادرش امام حسن علیه السلام منتقل شد، بعد از شهادت او به امام حسین علیه السلام منتقل گشت.

حرمت امام حسین علیه السلام نزد خداوند متعال

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد امام حسین علیه السلام می‌فرمود:

«السلام عليك ، سلام العارف بحرمتك»^۲؛

«سلام بر تو، سلام آگاه به حرمت و احترامت».

امام حسین علیه السلام هم امام است و هم معصوم و هم دارای فضایل و مناقب بی‌شمار، از آن جمله رسیدن به مقام شهدا و شهید شهیدان، لذا بدین جهت دارای حرمت و احترام ویژه و خاصی نزد خداوند متعال است، و بر ماست که به حرمت او معرفت پیدا کرده و آن را پاس بداریم.

امامان از ذریهٔ امام حسین علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«السلام علی من الائمه من ذریته»^۱؛
«سلام بر کسی که امامان از فرزندان اوست».

مطابق روایتی که آمده از خصلت‌ها و خصوصیات امام حسین علیه السلام که عوض شهادتش خداوند متعال به او عنایت کرده این که امامت از ذریهٔ امام حسن علیه السلام به ذریهٔ امام حسین علیه السلام منتقل شد و این کرامتی بس بزرگ است که منشأ آن شهادت و فداکاری آن حضرت بوده است.

امام حسین علیه السلام از اصحاب کساء

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«السلام علی خامس اصحاب الکساء»^۲؛
«سلام بر پنجمین فرد از آل عبا».

آیه «تطهیر» که دلالت بر طهارت و عصمت از گناه و سهو و اشتباه و نسیان دارد بر پنج تن آل عبا نازل شد که یکی از آن‌ها حضرت امام حسین علیه السلام بوده است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيراً ﴾^۳

«خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً
شما را پاک سازد».

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۸.

۲. همان.

۳. احزاب، آیه ۳۳.

امام حسین علیه السلام ، سید شهدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«السلام علی شهید الشهداء»^۱؛

«سلام بر سید شهداء».

در طول تاریخ بشریت خیلی‌ها در راه حق و حقیقت و پیاده شدن احکام الهی و مبارزه با مستکبران به شهادت رسیده و جان خود را فدا کردند ولی کاری که امام حسین علیه السلام انجام داد هرگز قابل مقایسه با دیگران نیست، و لذا هیچ روزی به مانند روز عاشورا نبوده و نخواهد بود، و بدین جهت است که او را سید و سرور شهیدان و شهید شهدا لقب داده‌اند.

*

امام حسین علیه السلام ، فریاد برآورنده به حق و بی‌ینه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«... و صدعت بالحق و البیئة»^۲؛

«... و به حق و بی‌ینه فریاد برآوردی».

گاهی باطل چنان در جامعه گسترش می‌یابد که برای امر به معروف و نهی از منکر باید فریاد برآورد و با بی‌ینه و برهان مردم را به سوی حق دعوت نمود، همان گونه که امام حسین علیه السلام چنین نمود.

*

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۲۸.

۲. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

قیام امام حسین علیه السلام با اهل بیت و یاران، در راه حق

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«... فسرت فی اولادك و اهالك و شيعتك و مواليك»^۱؛

«... و با فرزندان و خاندان و پیروان و دوستانت به راه افتادی.»

گاهی مصالح اقتضا می‌کند که انسان با اهل بیت و اولاد و شیعیان و موالی خود قیامی را شروع کند و آنان نیز در نهی از منکر و امر به معروفش شریک باشند و حتی خون آن‌ها هم با خون خودشان در راه اهداف بلند اسلام مخلوط شود، همان‌گونه که امام حسین علیه السلام در قیام خود در صحرای کربلا چنین نمود.



تقرّب به سوی خدا با محبت امام حسین علیه السلام و برائت از دشمنان او

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«السلام عليك، سلام ... المتقرّب الى الله بمحبّتك، البريء من اعدائك»^۲؛

«سلام بر تو، سلام کسی که ... خواهان نزدیکی به خدا با محبت تو، و بیزار از دشمنانت می‌باشد.»

تقرّب به سوی خدا با محبت و دشمنی است، محبت به اولیای الهی از آن جمله امام حسین علیه السلام و بغض و دشمنی نسبت به دشمنان اولیای الهی از آن جمله قاتلان امام حسین علیه السلام، و دین هم جز حبّ و بغض حقیقی و به مورد نیست، و این حبّ و بغض است که انسان را پیرو محبوب حقیقی و مخالف افراد پست می‌کند.

۱. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۸.

شفا در تربت امام حسین علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«السلام علی من جعل الشفاء فی تربته»^۱؛

«سلام بر کسی که خداوند شفا را در تربت او قرار داد».

در روایات آمده که خداوند متعال در عوض شهادت امام حسین علیه السلام سه امتیاز به او داد که به دیگران نداده است؛ یکی آن که شفا را در تربتش قرار داده، و لذا هرگاه مریضی از آن به اندازه یک نخود به نیت شفا بخورد به اذن خداوند متعال اگر صلاح باشد شفا پیدا می‌کند.

*

اجابت دعا زیر گنبد امام حسین علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«السلام علی من الاجابة تحت قبته»^۲؛

«سلام بر کسی که اجابت دعا در زیر گنبد اوست».

در روایت آمده که خداوند متعال عوض شهادت امام حسین علیه السلام به او سه خصلت داده است؛ یکی از آن‌ها اجابت دعا زیر قبه ایشان است، اگر مصلحت باشد. و ممکن است که معنای حدیث این باشد که هر دعایی هر جای عالم می‌شود و صلاح است که به اجابت برسد زیر قبه امام حسین علیه السلام به هدف اجابت نایل می‌گردد.

*

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۲۸.

۲. همان.

برپایی عزا در سوگ امام حسین علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«واختلفت جنود الملائكة المقرّبين، تُعزّي اباك امير المؤمنين و اقيمت

لك المآتم في اعلى عليين»^۱؛

«فرشتگان مقرب برای سوگواری و تسلیت گفتن به پدرت امیرمؤمنان نزد او

می‌رفتند و در اعلی علیین برایت مجلس عزا و ماتم برپا شد».

از آداب دعا، تعزیت گفتن به صاحبان آن و برپایی مراسم عزاداری است، همان کاری که بین مردم مرسوم بوده و حتی صحابه آن را در سوگ امواتشان انجام می‌دادند و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به آن تشویق کرده است. کاری که ملائکه آسمان در اعلی علیین برای امام حسین علیه السلام انجام دادند.



شکسته شدن دل در مصیبت امام حسین علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«السلام عليك ... سلام من قلبه بمصائبك مقروح»^۲؛

«سلام بر تو... سلام کسی که قلبش در مصیبت تو مجروح است».

کاری که امام حسین علیه السلام کرد و جانفشانی که او با اهل بیتش در راه خدا و دینش نمود، دل هر انسانی را جریحه دار می‌کند گرچه مسلمان هم نباشد. و لذا مشاهده می‌کنیم که بسیاری از افراد غیر مسلمان هستند که وقتی واقعه و حوادث کربلا را می‌شنوند متأثر شده و دلشان شکسته و قلبشان جریحه دار می‌گردد.

۱. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۸.

گریه در ذکر امام حسین علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«السلام عليك ... سلام من دَمْعَةٌ عند ذكرك مسفوح»^۱؛

«سلام بر تو... سلام کسی که... اشکهایش هنگام ذکر [مصیبت تو] ریزان است».

گریه ناشی از سوز دل و شکستن و جریحه دار شدن آن است. گریه در سوگ اولیا و جانفشانی آن‌ها نه تنها تأثیر منفی روانی نداشته و حالت افسردگی ایجاد نمی‌کند بلکه می‌تواند حالت معنوی عجیبی در روح و روان انسان داشته باشد، و قلب زنگار دیده انسان گناهکار را شستشو دهد.

همه عالم گریان در سوگ امام حسین علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره مصیبت امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

«بکت السماء و سكانها و الجنان و خزائنها و الهضاب و اقطارها، و البحار و حياتها، و الجنان و ولدانها و البيت و المقام، و المشعر الحرام، و الحلّ و الحرام»^۲؛

«آسمان و ساکنانش، و بهشت و خزینه دارانش، و کوه‌های گسترده بر روی زمین و کرانه‌هایش، و دریاها و ماهیان‌ش، و جنیان و فرزندان‌شان، و خانه خدا و مقام ابراهیم، و مشعر الحرام، و حلّ و احرام، بر او گریستند».

کاری که امام حسین علیه السلام انجام داد دوست و دشمن را به گریه در آورده و به تحسین واداشت و نه تنها موجودات ذی شعور بلکه تمام موجودات عالم و ذرات آن بر آن حضرت گریه کردند.

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۸.

۲. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

سینه زنی در سوگ امام حسین علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

« و لطمت عليك الحور العين »^۱؛

« و به خاطر تو حور العین بر سینه زد ».

یکی از انواع عزاداری‌ها و سوگواری در مصیبت امام حسین علیه السلام سینه زنی یا صورت زنی است، کاری که حتی ملائکه در سوگ امام حسین علیه السلام انجام دادند.

زنا زاده بودن قاتلان امام حسین علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

« السلام علی قتیل الادعیاء »^۲؛

« سلام بر کشته شده به دست زنازادگان ».

یکی از عوامل شقاوت انسان‌ها و عاقبت به شری زنازادگی و زناکاری است، و لذا هنگامی که به تاریخ زندگی سرکردگان لشکر عمر بن سعد و عبیدالله بن زیاد رجوع می‌کنیم پی می‌بریم که بسیاری از آنها این کاره بوده‌اند.

۱. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۸.

امام سجاد علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

امامت امام سجاد علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام سجاد علیه السلام به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

« و صلّ علی علی بن الحسین امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجة ربّ العالمین »^۱؛

« و بر علی بن حسین، امام مؤمنان و وارث پیامبران و حجت پروردگار عالمیان درود فرست ».

صفات امام سجاد علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که امام سجاد علیه السلام را این گونه توصیف کرده است:

« و اتقرّب الیک ... بالسجاد، زین العابدین، ذی الثغفات، راهب العرب، علی بن الحسین علیه السلام »^۲؛

« و به تو نزدیکی می‌جویم... به سجاد، زینت عبادت‌کنندگان، کسی که بر اثر

۱. جمال الاسبوع، ص ۳۰۲.

۲. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۷۸.

کثرت عبادت بر جبینش علامت سجده رقم خورده بود، راهب عرب، علی بن الحسین علیه السلام».

امام زمان علیه السلام به صفاتی از امام سجاد علیه السلام اشاره کرده است؛

۱- صاحب سجده‌های فراوان

۲- زینت عبادت کنندگان

۳- کثرت سجده به حدی که پیشانی او پینه بسته بود.

۴- کسی که در گوشه‌های خلوت با خدای خود راز و نیاز داشته و در بین عرب در

این جهت نمونه بوده است.

امام باقر علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

امامت امام باقر علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام باقر علیه السلام به خداوند متعال عرضه می‌دارد:
«و صلّ علی محمد بن علی امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجة ربّ العالمین»^۱؛
«و بر محمد بن علی، امام مؤمنان و وارث پیامبران و حجت پروردگار عالمیان درود فرست.»

صفات امام باقر علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که امام باقر علیه السلام را این گونه توصیف کرده و به او توسل جسته است:

«و اتقرّب الیک... بالامام العالم، و السید الحاکم، النجم الزاهر، و القمر الباهر، مولای محمد بن علی الباقر علیه السلام»^۲؛

۱. جمال الاسبوع، ص ۲۰۲.

۲. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۷۸.

«و به تو تقرب می‌جویم... به امام دانا، و سرور حاکم، ستارهٔ پرفروغ، و ماه تابان، محمد بن علی باقر علیه السلام».

امام زمان علیه السلام در عبارت فوق به صفاتی از امام باقر علیه السلام اشاره کرده است؛

- ۱- امامت و رهبری جامعه؛
- ۲- علم امام باقر علیه السلام؛
- ۳- سیادت و بزرگواری؛
- ۴- حاکم جامعه؛
- ۵- ستارهٔ درخشان آسمان ولایت و امامت؛
- ۶- ماه نورانی بخش شب‌های ظلمت؛
- ۷- ولایت امام باقر علیه السلام.

امام صادق علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

امامت امام صادق علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام صادق علیه السلام در دعایی به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«و صلّ علی جعفر بن محمّد امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجة ربّ العالمین»^۱؛

«و بر جعفر بن محمّد، امام مؤمنان، و وارث پیامبران و حجت پروردگار عالمیان درود فرست.»

صفات امام صادق علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که امام صادق علیه السلام را این چنین توصیف نموده و به او توسل جسته است:

«و اتقرّب الیک ... بالامام الصادق، مبین المشکلات، مُظهر الحقایق، المُفحّم بحجته کلّ ناطق، مُخرس ألسنة اهل الجدل، مسکن الشقاشق،

۱. جمال الاسبوع، ص ۳۰۲.

مولای جعفر بن محمد علیه السلام؛^۱

«و به تو نزدیکی می‌جویم... به امام راستگو، بیان‌کننده مشکلات، نمایانگر حقایق، پاسخ‌دهنده به هر گوینده با دلیل و برهان، به سکوت و ادارنده هر جدال‌کننده، ساکن‌کننده هر حرکت، مولای من جعفر بن محمد».

امام زمان علیه السلام در عبارت فوق به صفاتی از امام صادق علیه السلام اشاره کرده است؛

- ۱- رهبر جامعه؛
- ۲- راستگویی به تمام معنا؛
- ۳- بیان‌کننده مشکلات علوم؛
- ۴- کاشف حقایق علوم؛
- ۵- غلبه‌کننده بر ادله هر گوینده.
- ۶- ساکت‌کننده زبان‌های اهل جدل؛
- ۷- آرام‌کننده سخن دل‌ها؛
- ۸- ولایت حضرت صادق علیه السلام.

امام کاظم علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

امامت امام کاظم علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام کاظم علیه السلام در دعایی به خداوند متعال چنین عرضه می‌دارد:

«و صلّ علی موسی بن جعفر، امام المومنین و وارث المرسلین و حجة ربّ العالمین»^۱؛

«و بر موسی بن جعفر، امام مومنان، و وارث پیامبران و حجت پروردگار عالمیان درود فرست.»

صفات امام کاظم علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که امام کاظم علیه السلام را این گونه توصیف کرده و به او توسل جسته است:

«و اتقرّب الیک... بالامام التقیّ، و المخلص الصفیّ، و النور الاحمدی، و النور الانوار، و الضیاء الأزهر، مولای موسی بن جعفر علیه السلام»^۲؛

۲. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۷۸.

۱. جمال الاسبوع، ص ۳۰۲.

«و به تو تقرب می‌جویم... به امام پرهیزکار، و خالص و مخلص، و نو احمدی، و نور انوار، و پرتو شکوفا، مولای من موسی بن جعفر علیه السلام».

امام زمان علیه السلام در عبارت فوق به صفاتی از امام موسی کاظم علیه السلام اشاره کرده است؛

- ۱- رهبری جامعه؛
- ۲- تقوا و پرهیزکاری در حدّ اعلیٰ؛
- ۳- اخلاص در عمل؛
- ۴- پاک شده از گناه و هر عیب و نقص؛
- ۵- مظهر نور پیامبر صلی الله علیه و آله؛
- ۶- خلاصه همه نورها؛
- ۷- ولایت امام موسی کاظم علیه السلام.

امام رضا علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

امامت امام رضا علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام رضا علیه السلام به خداوند متعال عرضه می‌دارد:
«اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۱؛
«بارخدا یا! بر علی بن موسی، امام مؤمنان، و وارث پیامبران و حجت پروردگار عالمیان درود فرست.»

صفات امام رضا علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که امام رضا علیه السلام را این گونه توصیف کرده و به او توسل جسته است:

«و اتقرب اليك ... بالامام المرتضى، و السيف المنتضى، مولای علی بن موسی الرضا علیه السلام»^۲؛

۱. جمال الاسبوع، ص ۲۰۲.

۲. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۷۸.

«و به تو تقرب می‌جویم... به امام مرتضی، و شمشیر از نیام برکشیده، مولایم
علی بن موسی الرضا علیه السلام».

امام زمان علیه السلام در عبارت فوق به صفاتی از امام رضا علیه السلام اشاره کرده است؛

- ۱- رهبر جامعه؛
- ۲- پسندیده و مورد رضایت خداوند متعال؛
- ۳- شمشیر از نیام برکشیده و تمام کننده حجت‌های خداوند؛
- ۴- ولایت امام رضا علیه السلام.

امام جواد علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

امامت امام جواد علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حضرت جواد علیه السلام به خداوند متعال چنین عرضه می‌دارد:

«و صلّ علی محمد بن علی، امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجة ربّ العالمین»^۱؛

«و بر محمد بن علی، امام مؤمنان، و وارث پیامبران و حجت پروردگار عالمیان درود فرست.»

صفات امام جواد علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که امام جواد علیه السلام را این گونه توصیف کرده و به او توسل جسته است:

«و اتقرّب الیک ... بالامام الأمجد، و الباب الأقصد، و الطریق الارشد، و العالم المؤید، یتبوع الحکم، و مصباح الظلم، سید العرب والعجم،

۱. جمال الاسبوع، ص ۳۰۲.

الهادی الی الرشاد، و الموفق بالتأیید و السداد، مولانا محمد بن
علی الجواد علیه السلام؛^۱

«و به تو نزدیکی می‌جویم... به امام گرامی‌تر، و درگاه امیدواران، و راه و
روش، و دانای مؤید، سرچشمه حکمت‌ها، و چراغ تاریکی‌ها، سرور عرب
و عجم، هدایت‌گر به راه راست، و موفق به تأیید و تسدید، مولای من محمد
بن علی جواد علیه السلام».

امام زمان علیه السلام در عبارت فوق به صفاتی از امام جواد علیه السلام اشاره کرده است؛

- ۱- رهبری جامعه؛
- ۲- دارای مجد و شرف؛
- ۳- درگاه امیدواران به رحمت الهی؛
- ۴- راهی که انسان را به رشد و صلاح می‌رساند؛
- ۵- عالم و دانشمند؛
- ۶- عالمی که مورد تأیید و تسدید خداوند متعال است؛
- ۷- چشمه‌های حکمت؛
- ۸- چراغ تاریکی‌ها هنگام هدایت؛
- ۹- سرور عرب و عجم؛
- ۱۰- هدایت‌کننده به رشد و صلاح؛
- ۱۱- موفق از جانب خداوند به تأیید و ثبات قدم؛
- ۱۲- ولایت حضرت جواد علیه السلام.

امام هادی علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

امامت امام هادی علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام هادی علیه السلام به خداوند متعال چنین عرضه می‌دارد:

«و صلّ علی علی بن محمّد، امام المؤمنین و وارث المرسلین، و حجّة ربّ العالمین»^۱؛

«و بر علی بن محمّد، امام مؤمنان و وارث پیامبران و حجّت خدا بر عالمیان درود فرست.»

صفات امام هادی علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که امام هادی علیه السلام را این گونه توصیف کرده و به او توسّل جسته است:

«و اتقرّب الیک ... بالامام، منحة الجبّار، والد الائمة الأطهار، المولود بالعسکر، الذی حذر بمواعظه و انذر»^۲؛

۱. جمال الاسبوع، ص ۳۰۲.

۲. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۷۸.

«و به تو نزدیکی می‌جویم... به امام، عطای خداوند، و پدر پیشوایان پاک، علی بن محمد علیه السلام، آن‌که در یادگان متولد شد، و با پندها بشارت داد و ترسانند».

امام زمان علیه السلام به صفاتی از امام هادی علیه السلام اشاره کرده است؛

- ۱- امامت و رهبری جامعه؛
- ۲- لطف بودن برای جامعه؛
- ۳- پدر امامان معصوم؛
- ۴- ولادت در سخت‌ترین مکان‌ها؛
- ۵- موعظه‌کننده جامعه؛
- ۶- ترساننده مردم از عذاب خداوند متعال.

امام حسن عسکری علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

امامت امام عسکری علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام عسکری علیه السلام به خداوند متعال چنین عرضه می‌دارد:

«و صلّ علی الحسن بن علیّ امام المؤمنین، و وارث المرسلین و حجّة ربّ العالمین»^۱؛

«و بر حسن بن علیّ، امام مؤمنان و وارث پیامبران و حجت پروردگار عالمیان درود فرست.»

صفات امام عسکری علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که امام حسن عسکری علیه السلام را این گونه توصیف کرده و به او توسل جسته است:

«و اتقرّب الیک... بالإمام المنزّه عن المآثم، المطهّر من المظالم، الحبر العالم، بدر الظلام، و ربیع الأنام، التقیّ النقیّ، الطاهر الزکیّ،

۱. جمال الاسبوع، ص ۳۰۲.

مولای ابا محمد الحسن بن علیّ العسكري علیه السلام؛^۱

«و به تو نزدیکی می‌جویم... به امام منزّه از گناه، پاکیزه از هر ستم و ظلم، دانشمند دانا، ماه تابان، بهار مردان، و متقی و بخشنده و پاکیزه و پاک».

امام زمان علیه السلام در عبارت فوق به صفاتی از امام عسکری علیه السلام اشاره کرده است؛

۱- رهبری جامعه؛

۲- عصمت از گناهان؛

۳- طهارت از هرگونه ظلم و تجاوز به حقوق دیگران؛

۴- عالمی دانشمند؛

۵- ماه روشنایی بخش در تاریکی‌ها؛

۶- بهار سبز و باطروات مردم؛

۷- تقوا و پرهیزکاری؛

۸- پاک و پاکیزه از هر عیب و نقص؛

۹- تزکیه شده؛

۱۰- ولایت امام عسکری علیه السلام.

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره پدرش امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

«...الی ان افضی الأمر بأمر الله عزوجلّ الی الماضی یعنی الحسن بن

علیّ صلوات الله علیه، فقام مقام آبائه علیهم السلام، یهدی الی الحق و الی

طریق المستقیم، کان نوراً ساطعاً، و قمرأ زاهراً، اختار الله عزوجلّ له

ما عنده...»^۲؛

«...تا این که امر [امامت] به دستور خداوند عزوجلّ به ماضی یعنی

حسن بن علی صلوات الله علیه منتقل شد، و او به جای پدرانش علیهم السلام

نشست و مردم را به حق و راه مستقیم هدایت نمود، او نوری گسترده

۱. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۷۸.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۰.

و ماهی درخشان بود که خداوند عزوجل برای او آنچه نزدش بود
اختیار کرد...».

در این جملات حضرت مهدی علیه السلام پدر خود را این گونه توصیف می‌کند:

۱- قائم مقام پدر و اجدادش در امامت و زعامت مردم؛

۲- هدایت‌گر به حق و راه مستقیم؛

۳- نورگسترده و ماه درخشان در بین جامعه؛

۴- اختیار شده به توسط خداوند از بین خلقش؛

۵- دارای اسرار و شریعت الهی.

موعودشناسی از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام

وصیت امام حسن علیه السلام بر امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره پدرش می فرماید:

«...مضى على منهاج آباؤه عليهم السلام حذو النعل بالنعل على عهد عهده و

وصية اوصى بها الى وصي...»^۱

«...او به روش پدرانش علیهم السلام بدون کم و زیاد رفتار کرده و عمر خود را سپری

نمود، و لذا عهد و پیمان کرده و وصیتی برای وصی نمود...».

امام حسن عسکری علیه السلام کسی بود که به روش پدر و اجدادش علیهم السلام در هدایت مردم

عمل کرد بدون آن که از مواضع آنان عدول کرده باشد و به عهد و پیمانی که امامان قبل

با او کرده بودند وفادار بود، و در پایان عمر مردم را از وصی و جانشین خود آگاه نمود

و بر او وصیت کرد.

ولایت امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور داده تا این گونه ارادت خود را به

ساحت آن حضرت ابراز کنند:

«انا ولیّ لك، بریءٌ من عدوك»^۱؛

«من ولایت شما را پذیرفته و از دشمنانتان بیزارم».

اساس دین بر محبت و دشمنی است؛ دوستی و محبت نسبت به ولی خدا و بیزاری و دشمنی از دشمنان ولی خدا، و این دو عامل است که می‌تواند انسان را پیرو ولی کامل کرده و با بیزاری از دشمنان خدا راه حق و حقیقت را به طور مستقیم بییماید.

امامت حضرت مهدی علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خودش به خداوند متعال چنین عرضه می‌دارد:

«و صلّ اللهم علی الخلف الهادی المهدی امام المؤمنین و وارث

المرسلین و حجّة رب العالمین»^۲؛

«و درود فرست - بارخدا یا! - بر جانشین، هادی، مهدی، امام مؤمنان

و وارث پیامبران و حجت پروردگار بر عالمیان».

امام زمان علیه السلام، مایه ایمنی برای اهل زمین

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«إِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ»^۳؛

«همانا، من، امان و مایه ایمنی برای اهل زمین‌ام، همان‌گونه که ستاره‌ها،

سبب ایمنی اهل آسمان‌اند».

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۳.

۲. جمال الاسبوع، ص ۳۰۲.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۱۰؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۹۲، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ إغلام

الوری، ج ۲، ص ۲۷۲؛ كشف الغمة، ج ۳، ص ۳۴۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۵؛ بحار الانوار، ج ۵۳،

ص ۱۸۱، ح ۱۰.

این کلام، قسمتی از جواب‌هایی است که امام زمان علیه السلام، در پاسخ به نامه اسحاق بن یعقوب فرموده است. اسحاق در این نامه، از علت غیبت سؤال می‌کند. حضرت بعد از جواب و بیان علت غیبت، به این نکته اشاره دارد که وجود امام در غیبت، بی‌فایده و اثر نیست؛ زیرا، از فوائد امام، این است که وجود او، سبب ایمنی برای اهل زمین خواهد بود، همان‌گونه که ستارگان آسمان، مایه ایمنی برای اهل آسمان‌اند. همین مضمون نیز در روایات صحیح دیگری به آن اشاره شده است. در آن‌ها آمده است، اگر در زمین، حجت نباشد، زمین و اهل اش، دگرگون و مضطرب خواهد شد.

در تشبیه جمله به جمله یعنی امان بودن امام زمان علیه السلام برای اهل زمین به امان بودن ستارگان برای اهل آسمان وجوه تشابهی نهفته است که به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- همان‌گونه که از جهت تکوینی، وجود ستارگان و کیفیت وضع آن‌ها موجب امان و آرامش کرات و سیارات و کهکشان‌ها است، وجود امام زمان علیه السلام نیز نسبت به موجودات زمین چنین است.

۲- همان‌گونه که به سبب ستارگان شیاطین از آسمان‌ها رانده شدند و امان و آرامش برای اهالی آسمان‌ها از جمله ملانکه فراهم شد، وجود امام زمان علیه السلام نیز تکویناً و تشریحاً سبب طرد شیاطین از اهل زمین خصوصاً انسان‌ها خواهد بود.

کارهای موجب خوشنودی و یا غضب امام زمان علیه السلام

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا، وَيَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَسَخَطِنَا»؛

«پس هر یک از شما باید کاری کند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک سازد، و از آن‌چه که خوشایند ما نبوده و باعث کراهت و خشم ما است دوری گزیند.»

روشن است محبت و کراهت اهل بیت علیهم السلام، جنبه فردی و شخصی ندارد، بلکه به ملاک خدایی و الهی است؛ زیرا، هر گاه اهل بیت علیهم السلام، مشاهده کنند که شیعیان و منتسبان به آنان، کارهایی را انجام می‌دهند که مورد رضایت الهی است، و نیز از کارهایی که مورد سخط و غضب خداوند است، اجتناب می‌کنند، خوش حال می‌شوند و به آنان می‌بالند.

بر ما است که اگر به دنبال جلب محبت آقا امام زمان علیه السلام، و دوری از سخط و غضب آن حضرت هستیم، کاری نکنیم که از ایشان دور شده تا از عنایاتش محروم گردیم. و از طرف دیگر سعی ما بر این باشد که اعمال و رفتاری را انجام دهیم که هر چه بیشتر ما را به ایشان نزدیک گرداند.

حکم منکر امام زمان علیه السلام

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَبَيْنَ أَحَدٍ قِرَابَةٌ، وَمَنْ أَنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي،
وَسَبِيلُهُ سَبِيلُ ابْنِ نُوحٍ»؛

«بین خداوند عزوجل و هیچ کس قرابت و خویشاوندی نیست، هر که مرا انکار کند از من نیست، و راه، او راه فرزند نوح است.»

این عبارت، بخشی از جواب‌های امام زمان علیه السلام، به پرسش‌های اسحاق بن یعقوب است. از جمله آن سؤال‌ها، سؤال از حکم کسانی است که از اهل بیت و نسل پیامبرانند و از فرزندان عموی آن حضرت شمرده می‌شوند، ولی منکر امام زمان‌اند. او می‌پرسد: «آیا با وجود این که منکران حضرت، از ذراری پیامبرند، گمراه‌اند یا نه؟». حضرت علیه السلام، در جواب به نکته‌ای اشاره می‌کند و می‌فرماید: «میان خدا و هیچ کس،

۱. کمال الدین، ص ۴۸۴، ح ۳؛ الغیبه، طوسی، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۲؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۳۹؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰.

قرابت و خویشاوندی وجود ندارد که به جهت آن، دربارهاش ملاحظه خاصی صورت گیرد. لذا اگر فردی نافرمانی خدا را کند، هر کس که باشد، سرنوشت‌اش دوزخ است.

یکی از موارد نافرمانی خدا، انکار امامت امام زمان یا انکار وجود اوست. آن‌که این نظر را داشته باشد، راهی را که می‌پیماید، راه فرزند نوح است. او، به هر جا پناه برد، نجات نیابد، همان‌گونه که کوه بلند، فرزند حضرت نوح را نجات نداد. این حدیث را روایتی که شیعه و سنی، در کتب روایی خود آورده‌اند، تأیید می‌کند. که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مثل اهل بیت من، مثل کشتی نوح است، هر کس سوار بر آن شود، نجات یافته و کسی که از آن تخلف کند، غرق شود»^۱.

آزار دهندگان امام زمان علیه السلام

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«قَدْ آذَانَا جُهْلَاءُ الشَّيْعَةِ وَحُمَقَاؤُهُمْ، وَمَنْ دَيْبَنُهُ جِنَاحُ الْبِعُوضَةِ
أَزَجَّ مِنْهُ»^۲؛

«نادانان و کم‌خردان شیعه و کسانی که پروبال پشه از دینداری آنان برتر و محکم‌تر است، ما را آزار می‌دهند».

این عبارت، بخشی از توقیعی است که حضرت علیه السلام در جواب نامه محمد بن علی بن هلال کرخی فرستاده است. این توقیع، در ردّ طائفه‌ای از غالیان است که به شرکت ائمه علیهم السلام با خداوند در علم و قدرت او، معتقدند!

یکی از وظایف شیعه، این است که امامان را همان‌طور که هستند، بشناسد، نه این‌که آنان را در سطح افراد عادی پایین آورند و یا در قدرت و... شریک خداوند

۱. بصائر الدرجات، ص ۳۱۷، ج ۴؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۱.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۶۷، ج ۹.

یک‌تا قرار دهند. گاهی برخی از افراد نادان، مطالبی را به معصومین علیهم السلام نسبت می‌دهند که شایسته افراد عادی هم نیست تا چه رسد به آن بزرگواران.

در روایات فراوان، مقام امامان و وظیفه‌شان به خوبی بیان شده است و لازم است با مراجعه به آنها، تفکر خویش را درباره امامان اصلاح کنیم و آنان را در مقامی قرار دهیم که خود گفته‌اند.

اعمال و رفتار و اعتقاد غالیان، سبب تکفیر شیعه از سوی مخالفان شده است و گروهی از آنان نیز به نجاست و واجب‌القتل بودن شیعه فتوا داده‌اند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج‌البلاغه، در کلامی می‌فرماید: «دو کس در مورد من، هلاک می‌گردد: یکی آن کس که در دوستی با من به راه افراط می‌رود و زیاده‌روی می‌کند، دیگری آن که در دشمنی با من، سخت به تفریط می‌افتد»^۱.

مراعات شیعه از جانب امام زمان علیه السلام

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاغَاتِكُمْ، وَلَا نَاسِبِينَ لِذِكْرِكُمْ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ
الْأَلْوَاءُ وَاضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»^۲؛

«ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم که اگر جز این بود دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان شما را ریشه‌کن می‌نمودند».

برای شیخ مفید رحمته الله، دو توفیق از سوی حضرت علیه السلام، صادر شده است. در توفیق اول، حضرت، به شیعیان خود این بشارت را می‌دهد که شما، دائماً، تحت نظر و مراعات ما هستید و هرگز فراموش نمی‌شوید. از این رو از خطر دشمنان در امانید.

۱. نهج‌البلاغه، حکمت ۴۶۹؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۹۵، ح ۹۶.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳؛ الخرائج و الحرائج، ج ۲، ص ۹۰۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷.

شیعه به جهت ظلم ستیزی و پیرو حق و حقیقت بودن، دائماً، مورد تعرض حکام جور و معاندان و مخالفان خود بوده است. لذا، به کسی نیاز دارد که در سختی‌ها و گرفتاری‌ها، او را یاری کند و از نابودی نجات‌اش دهد. در این توفیق، حضرت علیه السلام، به شیعه، این بشارت را می‌دهد که با وجود غایب بودن شما را حمایت خواهم کرد و هرگز نخواهم گذاشت، نقشه دشمنان حق و حقیقت، به ثمر نشیند و مذهب شیعه و شیعیان نابود شوند. گره‌گشایی‌هایی که حضرت در طول دوران امامت خویش انجام داده است، نمونه‌هایی رسا برای صحت وعده حضرت است.

دفع بلا از شیعه به واسطه امام زمان علیه السلام

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ، وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِ وَشِيعَتِي»؛
«من، خاتم اوصیایم.. خداوند، به سبب من، بلا، را از اهل و شیعیان‌ام دفع می‌کند».

در این حدیث، حضرت علیه السلام، به دو نکته اشاره کرده‌اند:

۱- آن حضرت، خاتم اوصیاء هستند و وصایت و امامت، به وجود ایشان ختم شده است، منظور از وصایت در این جا می‌تواند، وصایتی باشد که از فرزند حضرت آدم علیه السلام، هابیل یا شیث شروع شده است و به امام زمان علیه السلام ختم خواهد شد. و نیز ممکن است که مراد از «خاتمیت در وصایت» در قبال وصایتی باشد که از علی ابن ابی طالب علیه السلام، شروع شده است. در هر صورت، پس از ایشان، هیچ امامی نخواهد بود و هرکس ادعای امامت کند، باطل و مدعی آن دروغ‌گو است.

۲- شیعیان حضرت، در طول تاریخ، گرفتار انواع بلاها و مصائب خواهند شد، امام زمان علیه السلام، در این حدیث شریف می‌فرماید: «تنها به سبب من است که خداوند

اهل بیت و شیعیان‌ام را از گرفتاری و بلاها نجات خواهد داد». این کلام، دو احتمال دارد:
 الف) اینکه مراد، عصر غیبت باشد. در این صورت، منظور حضرت این است که در دوران غیبت، شیعیان، تنها با توسل به حضرت، می‌توانند گرفتاری‌ها را از خود دفع کنند. حضرت علیه السلام، در توقیع خود به شیخ مفید رحمته الله، فرمود: «ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم که اگر جز این بود دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان شما را ریشه کن می‌نمودند»^۱.
 ب) احتمال دیگر، این است، که مراد حضرت، عصر ظهور باشد. در این صورت، مقصود این است که خداوند متعال با ظهور حضرت و غلبه ایشان بر تمام ظالمان، بلاها و مصائب را از اهل ایشان و شیعیان‌اش دور می‌کند.
 جمع بین این دو احتمال نیز ممکن است، به این معنا که حضرت علیه السلام در غیبت خود و هنگام ظهورش گرفتاری را از شیعیان دور می‌سازد.

بهره‌مندی انسان از امام غائب

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ
 الْأَبْصَارِ السَّخَابُ»^۲؛

«اما کیفیت و چگونگی استفاده از من در غیبت‌ام، همانند استفاده از خورشید است هنگامی که ابرها آن را از دیدگان پنهان نگاه دارد».

در این حدیث شریف وجود حضرت در عصر غیبت کبرابه خورشید در پس ابر تشبیه شده است.

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۰۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷.
 ۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۱۰؛ الغيبة، شیخ طوسی، ص ۲۹۲، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۲؛ كشف الغمة، ج ۳، ص ۳۴۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰.

در این تشبیه، نکات جالبی نهفته است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- حضرت وجود خود را به خورشید مثال زده است. پرواضح است که خورشید منشأ حیات موجودات است؛ زیرا مایه گرمی و حرارت و نور و حرکت در جامعه و... است و با نبود آن، حیات و زندگانی از موجودات رخت برمی‌بندد. وجود امام زمان علیه السلام، نیز چنین است. وجودش، مایه حیات معنوی جامعه است و بقای آن نیز به بقای وجود آن حضرت وابسته است. در روایات اسلامی وارد شده است که امامان معصوم علیهم السلام، اهداف غایی برای ایجاد مخلوقات‌اند.

۲- همان‌گونه که خورشید یکی از مخلوقات و در عین حال واسطه بهره‌گیری موجودات از نور و حرارت است. امام نیز واسطه اعلا برای فیض‌بری موجودات است و فیض الهی، مانند، نعمت و هدایت و...، به واسطه او به عموم خلایق می‌رسد.

۳- همان‌گونه که مردم، هر آن انتظار خارج شدن خورشید را از پس ابرها دارند، تا تمام و کامل، از وجود و ظهورش استفاده برند، در ایام غیبت آن حضرت نیز مردم، منتظر ظهور و خروج اویند و از ظهورش مأیوس نمی‌گردند.

۴- منکر وجود آن حضرت با وفور و کثرت آثار و برکات‌اش، همانند منکر وجود خورشید است، هنگامی که در پشت ابرها از دیده‌ها پنهان گردد.

۵- همان‌گونه که ابر، کاملاً خورشید را نمی‌پوشاند و نور خورشید، به زمین و زمینیان می‌رسد، غیبت هم مانع کامل و تمامی برای بهره‌دهی حضرت نیست، در زمان غیبت، هر چند دیدگان، حضرت را نمی‌بینند، اما از وجود حضرت بهره می‌برند. توصل یکی از راه‌های بهره بردن از حضرت است.

۶- همان‌گونه که در مناطقی که غالباً هوا ابری است، گاهی خورشید، ابرها را می‌شکافد و خود را از لابه‌لای آن‌ها بیرون می‌آورد، و به عده‌ای از مردم نشان می‌دهد، امام زمان علیه السلام، نیز هر از چند گاهی، عده‌ای شرف‌یاب محضرش می‌شوند و از وجودش استفاده می‌برند، و از این راه، وجودش را برای عموم مردم به اثبات می‌رساند.

۷- همان‌گونه که از خورشید، همه‌گان، از دین‌دار و بی‌دین، نفع می‌برند، آثار

و برکات امام عصر علیه السلام، همه عالم را در بر می‌گیرد، هر چند مردم او را نشناسند و قدرش را ندانند.

۸- همان‌گونه که شعاع خورشید، به مقدار روزنه‌ها و اندازه پنجره‌ها، داخل اتاق‌ها می‌شود و به همان اندازه، مردم از آن بهره می‌برند، مقدار بهره مردم از وجود و آثار و برکات آن حضرت، به اندازه قابلیت انسان‌ها است. انسان، هر اندازه، موانع را از خود دور کند و قلب خود را گشایش بیشتری دهد، از وجود و آثار و برکات بیش‌تری بهره می‌گیرد.

۹- همان‌گونه که ابرها، خورشید را نابود نمی‌کنند، و تنها مانع رؤیت اویند، غیبت امام زمان علیه السلام، تنها، مانع رؤیت اوست.

غیبت امام زمان علیه السلام از مقدرات الهی

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«أَقْدَارُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا تُغَالَبُ وَإِرَادَتُهُ لَا تُرَدُّ وَتَوْفِيقُهُ لَا يُسْبَقُ»؛

«تقدیرهای خداوند عز و جل مغلوب نمی‌شود، و اراده‌اش برگشت ندارد، و بر توفیق او هیچ چیز پیشی نمی‌گیرد».

این عبارت، بخشی از کلمات امام زمان علیه السلام است که در توقیعی به دو سفیر خود، عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان فرستاده است. امام علیه السلام در این توقیع به مسئله غیبت خود اشاره کرده و می‌فرماید: این موضوع، از تقدیرهای الهی است و اراده حتمی‌اش به آن تعلق گرفته است.

امام علیه السلام در این توقیع، به چند نکته اشاره دارند:

۱- هیچ کس نمی‌تواند بر تقدیر الهی پیروز و غالب شود؛ زیرا، او، «مقدر کل قدر» است و قدرت او، فوق همه قدرت‌ها است.

۲- اگر اراده حتمی خداوند متعال، به چیزی تعلق گیرد، کسی نمی‌تواند بر اراده او غلبه کند و جلوی اجرایش را بگیرد؛ زیرا، اراده‌ای فوق اراده او نیست. در دعایی از امام سجّاد علیه السلام می‌خوانیم: «پروردگارا! حمد، تنها، مخصوص تو است که مقتدری هستی که هرگز مغلوب نمی‌شود»^۱.

۳- کارسازی تنها، برای خدا است. تا خدا نخواهد، هیچ تدبیری و تلاشی سود ندهد. برای انجام دادن هر کاری، باید چشم امید به خدا داشت و از او مدد گرفت و با واسطه قرار دادن محبوبان درگاه‌اش، موفق شدن را خواست.

امام زمان علیه السلام خلیفه خدا بر روی زمین

از امام زمان علیه السلام نقل شده که از خداوند متعال برای خود چنین می‌خواهد:

«استخلفه فی الارض کما استخلفت الذین من قبله»^۲؛

«او را جانشین خود بر روی زمین قرار بده همان گونه که کسانی قبل از او را جانشین خود نمودی».

مطابق روایات متواتر و صحیح‌السند هیچ‌گاه زمین خالی از حجت و خلیفه خداوند نبوده است و در این زمان خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین حضرت مهدی علیه السلام است.

از عوامل غیبت امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به اسحاق بن یعقوب فرمود:

«...انه لم یکن احد من آبائی الا و قد وقعت فی عنقه بیعة لطاغیة زمانه

وانی اخرج حین اخرج و لا بیعة لأحد من الطواغیت فی عنقی»^۳؛

۱. صحیفه سجّادیه، دعای ۴۹، رقم ۱۴، مهج الدعوات، ص ۲۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۴۲۸، ح ۴۳.

۲. مصباح، کفعمی، ص ۷۷۰.

۳. احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۹.

«...همانا هیچ یک از پدر و اجدادم نبوده‌اند جز آن که در گردنشان بیعتی برای طاغوت زمانشان بوده است، ولی هنگامی که من خروج می‌کنم بیعت هیچ گونه طاغوتی را در گردنم ندارم».

یکی از حکمت‌های غیبت امام زمان علیه السلام این است که بر گردن آن حضرت بیعت حاکمی نباشد؛ چرا که التزام به پیمان بیعت لازم است، و از آن جا که هر لحظه‌ای ممکن است آن حضرت قیام نماید، لذا نباید بر گردن او بیعت کسی باشد، ولی هر یک از امامان قبل از آن حضرت یک نوع بیعتی در ذمه خود با حاکمان ظالم داشتند، گرچه بیعت آن‌ها به ترک مخاصمه و جنگ بوده است، نه آن که بیعت بر مشروعیت خلافت آن‌ها باشد؛ زیرا که تمام حاکمان در عصر امامان اهل بیت علیهم السلام از ظلمه و فاسقان بوده‌اند.

*

فرج، در دعا برای تعجیل فرج

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به اسحاق بن یعقوب فرمود:

«اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج، فانّ ذلك فرجکم»؛

«زیاد برای تعجیل فرج دعا کنید؛ زیرا که فرج شما در آن است».

قوم حضرت یونس علیه السلام هنگامی که آن حضرت از بینشان رفت و عذاب را مشاهده کردند به تضرع و زاری افتاده و به درگاه خدا دعا کردند که همین امر باعث شد که عذاب از آن‌ها برداشته شود و برایشان فرج حاصل گردد.

لذا ما نیز می‌توانیم با دعای به تعجیل فرج عذاب فراق و دوری در عصر غیبت را دور کرده و ظهور آن حضرت را نزدیک گردانیم.

*

امر ظهور فرج به فرمان خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«أما ظهور الفرج فأنه إلى الله»^۱؛

«اما ظهور فرج پس به طور حتم به فرمان خداوند می‌باشد».

وقت ظهور فرج امام زمان علیه السلام را فقط خدا می‌داند؛ زیرا که به شرایط و مصالحی وابسته و مرتبط است که تنها خداوند از آن آگاه است و هر زمان که مصلحت بدانند ولی خود را فرمان می‌دهد که ظهور کرده و عالم را از عدل و داد پر گرداند.

✽

تعیین وقت ظهور، ممنوع

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«كذب الوقاتون»^۲؛

«کسانی که وقت تعیین می‌کنند دروغ گفته‌اند».

وقت ظهور را تنها خدا می‌داند؛ چرا که مشروط به عوامل و مصالحی است که با تحقق آن‌ها دستور به قیام امام زمان علیه السلام صادر می‌شود، و لذا کسانی که هر از چندگاهی خبر از زمان ظهور حضرت می‌دهند دروغ می‌گویند، گرچه ممکن است از افراد صالحی باشند که یک روی سکه را دیده‌اند و از تمام خصوصیات و شرایط ظهور اطلاعی ندارند. گاهی یک طرف قضیه را می‌بینند و می‌گویند که حضرت ظهور می‌کند در حالی که این سکه طرف‌های دیگر نیز دارد، و یا ممکن است شرایط موجود باشد و بدا شده در ظهور تأخیر شود.

۱. اعلام الوری، ص ۴۵۲.

۲. همان.

گمراهی منکر امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«من انكرني فليس مني و سبيله سبيل ابن نوح»^۱؛

«هرکس مرا انکار کند از من نیست و راه او همان راه فرزند نوح است».

اعتقاد به وجود امام زمان علیه السلام و امامت او بر همه کس واجب است و هرکس که آن حضرت را انکار کند همانند فرزند نوح علیه السلام هلاک خواهد شد گرچه از نزدیک‌ترین افراد به امام زمان علیه السلام باشد.

توبه جعفر کذاب

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«اما سبيل جعفر و ولده فسبيل اخوة يوسف علیه السلام»^۲؛

«اما راه جعفر و فرزندش همان راه برادران یوسف علیه السلام است».

از این عبارت امام زمان علیه السلام استفاده می‌شود که جعفر گرچه دروغگو بوده و می‌خواست خود را جانشین امام عسکری علیه السلام جازند و جان امام زمان علیه السلام را نیز در معرض خطر قرار داده است، ولی همان گونه که برادران حضرت یوسف علیه السلام با او چنین کردند و در آخر توبه نموده و از کار خود پشیمان شدند، جعفر نیز چنین کرد.

گناه، مانع رؤیت امام عصر علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیخ مفید رحمته الله فرمود:

«...فما يحبسنا عنهم الا ما يتصل بنا مما نكرهه و لا تؤثره منهم»^۳؛

۱ و ۲. اعلام الوری، ص ۴۵۲.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

«... ما را از آن‌ها محبوس نمی‌دارد جز خبرهایی که از ناحیه آن‌ها به ما می‌رسد که ما کراحت داشته و توقع آن را از شیعیانمان نداریم.»

امام زمان علیه السلام از گناهایی که شیعیانش انجام می‌دهند و چنین توقعی از آن‌ها ندارد، کراحت داشته و ناراحت می‌شود و مانع ملاقات حضرت چیزی جز گناه نیست.

اطلاع کامل امام زمان علیه السلام از اخبار شیعیان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیعیانش فرمود:

«... فَاَنَا يَحِيطُ عَلَمْنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَعْزِبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»^۱؛

«... ما اطلاع کامل از خبرهای شما داریم و چیزی از خبرهای شما برای ما مخفی نمی‌ماند.»

امام زمان علیه السلام گرچه در عصر غیبت کبرا مأمور است که از مردم دور شده و در جای دور دست و در بیابان زندگی کند، ولی از آن جا که از غیب اطلاع دارد هیچ گاه از احوال و اخبار شیعیانش غافل نیست و در فکر مصالح آن‌ها و دفع مفسدات از شیعیانش می‌باشد، و اگر غیر از این بود تا به حال شیعیان را نابود کرده بودند.

کارهای امام زمان علیه السلام به اذن خداوند متعال

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیخ مفید رحمته الله فرمود:

«أَنَّهُ قَدْ أُذِنَ لَنَا فِي تَشْرِيفِكَ بِالْمَكَاتِبَةِ...»^۲؛

«همانا به ما اجازه داده شده که شما را مشرف به نامه نگاری [به خود] نماییم...».

کارهایی که امام زمان علیه السلام در عصر غیبت انجام می‌دهند همگی به اذن و اراده

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

۲. همان.

و مشیت خداوند متعال است و لذا آن حضرت به شیخ مفید رحمته الله علیه می‌فرماید: به ما اجازه داده شده که با تو مکاتبه نماییم.

وظیفهٔ علما در عصر غیبت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به ابراهیم بن مهزیار فرمود:

«ارجو یا بنی! ان تكون احد من اعدۀ الله لنشر الحق و طیّ الباطل و اعلاء الدين و اطفاء الضلال»؛

«ای فرزندم! امیدوارم که تو یکی از کسانی باشی که خداوند او را برای نشر حق و نابودی باطل و بلند کردن شأن دین و خاموش کردن گمراهی آماده ساخته است».

وظیفهٔ علما در عصر غیبت چند چیز است که امام زمان علیه السلام به علی بن مهزیار سفارش کرده است؛

۱- نشر و بیان حق؛

۲- نابودی و زیرپا گذاشتن باطل؛

۳- اعلا و سربلند کردن دین اسلام؛

۴- خاموش کردن فتنهٔ گمراهی و ضلالت؛

و این وظایف تنها با لطف و عنایت خداست که انجام می‌پذیرد و این سمت از ناحیهٔ خداوند متعال به افراد افاضه می‌گردد.

دروغ گو بودن مدعی مشاهده در عصر غیبت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به علی بن محمد سمری می‌فرماید:

«و سیأتی شیعتی من یدعی المشاهدة، ألا فمن ادعی المشاهدة قبل

خروج السفیانی و الصیحة فهو کذاب مفتر»^۱؛

«و زود است که در بین شیعیانم کسانی پیدا شوند که ادعای مشاهده کنند، آگاه باشید! پس هرکس قبل از خروج سفیانی و صیحة [آسمانی] ادعای مشاهده کرد او بسیار دروغگو و افترا زننده است».

مقصود به ادعای مشاهده در این توطیع آن است که کسی ادعا کند من هرگاه بخواهم خدمت حضرت می‌رسم و او را می‌بینم و از او دستور می‌گیرم و در حقیقت من دربان و نائب خاص او هستم، که چنین ادعایی را باید در عصر غیبت کبرا تکذیب کرد، و این با رؤیت کمی از افراد در عصر غیبت و رسیدن خدمت امام زمان علیه السلام منافاتی ندارد.

زندگی کردن امام زمان علیه السلام در مکان مخفی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به ابراهیم بن مهزیار فرمود:

«انّ ابی صلی الله علیه عهد الیّ ان لا أوطن من الارض الا اخفاها و اقصاها؛ اسراراً لأمری و تحصیناً لمحلیّ من مکائد اهل الضلال و المردة...»^۲؛

«همانا پدرم - که درود خدا بر او باد - به من سفارش کرده که تنها در مکان‌های مخفی و دور از زمین سکنی‌گزینم؛ به جهت مخفی کردن امرم و حفظ نمودن محلّم از کیدهای اهل گمراهی و سرکشی...».

درباره غیبت و مخفی بودن امام زمان علیه السلام بحث است که آیا خفای آن حضرت شخصی است یا نوعی؛ یعنی هیچ کس او را مشاهده نمی‌کند مگر در برخی از موارد ضروری یا این که مردم او را می‌بینند و آن حضرت نیز در بین آنها زندگی می‌کند ولی

۱. غیبت، طوسی، ص ۳۹۵.

۲. الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۲.

کسی او را نمی‌شناسد؟ از حدیث فوق استفاده می‌شود که خفای حضرت مهدی علیه السلام شخصی بوده و در سرزمین‌های دور و پنهان به سر می‌برد، و هر از چندی که مصلحت باشد با طغی الارض به حاجتمندان سرکشی کرده و حاجات آنان را برآورده می‌نماید، و این به جهت حفظ و مخفی نمودن امر آن حضرت از دست دشمنان است.

علمای دین، مرجع مردم در عصر غیبت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا؛ فانهم حجتي عليكم و انا حجة الله»^۱؛

«در مورد حوادثی که بر شما اتفاق می‌افتد به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا که آنها بر شما از طرف من حجّت اند و من حجّت خدایم».

مردم در هر عصر و زمانی احتیاج به کسی دارند که در حوادث جدید و مسایل مستحدثه جوابگوی مسایل آنها باشند، و از آن جا که امام زمان علیه السلام در عصر غیبت ارتباط مستقیم با مردم ندارد لذا علمای امت از طرف آن حضرت حجّت بر مردم می‌باشند همان گونه که آن حضرت حجّت مطلق خدا بر علماست.

غیبت امام زمان علیه السلام تا زمان خاص

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره وصیت پدرش به او فرمود:

«...وصیّة اوصی بها الى وصیّ ستره الله عزوجل بأمره الى غاية»^۲؛

«... وصیّتی که با آن بر وصیّی نمودم که خداوند عزوجل او را به امرش تا زمان خاصی مستور داشت».

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۴۰.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۰.

غیبت حجت خدا نمی‌تواند دائمی باشد و تنها به جهت مصالح است که اتفاق می‌افتد و تا مدت محدودی است، همان گونه که غیبت وصی و جانشین امام حسن عسکری علیه السلام به امر خدا بوده و تا حد معینی است که خدا تعیین کرده و تنها او می‌داند.

مخفی بودن مکان امام زمان علیه السلام در عصر غیبت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود فرمود:

«...ستره الله عزوجل بأمره الى غاية و اخفى مكانه بمشيته، للقضاء

السابق، و القدر النافذ»^۱؛

«...خداوند متعال او را به امرش تا زمانی خاص مستور کرد، و به مشیت و

اراده‌اش مکان او را مخفی نمود، به جهت قضاء سابق و قدر نافذ [خداوند]».

قضا و قدر الهی براین تعلق گرفته که امام زمان علیه السلام از دیده‌های مردم تا زمان معینی مخفی باشد و به اراده خداوند کسی از مکان او اطلاع نداشته باشد؛ به جهت مصلحتی که در آن ملاحظه شده است.

امام زمان علیه السلام و غصه خوردن بر شیعیان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره شیعیانش فرمود:

«انه أنهي إلى ارتياب جماعة منكم في الدين و ما دخلهم من الشك و

الحيرة في ولاة امرهم، فغمنا ذلك لكم لا لنا و سأؤنا فيكم لا فينا...»^۲؛

«به من خبر رسیده که گروهی از شما در دین شک کرده و در مورد والیان امرشان

شک و حیرت بر آنها وارد شده است، این امر بر من اندوه وارد کرده، آن هم

به جهت شما نه خودم، چرا که ما در مورد شما ناراحت می‌شویم نه خودمان...».

۱. همان.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۸.

بزرگان دین و اولیای الهی بعد از آن که خودشان را اصلاح کرده و به کمال رسیده‌اند عمده هم و غم آن‌ها درباره مردم می‌باشد؛ از این که مردم در دین خود شک داشته و متحیر گردند و به والیان به حق خود یقین و معرفت نداشته باشند؛ و این غم و غصه به خاطر مردم است نه خودشان و این چیزی است که دل آن حضرت را به درد می‌آورد.

امام زمان علیه السلام ، غایبی در بین ما

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود چنین تعبیر فرمودند:

«مغیب لم یخل منا»^۱؛

«پنهانی که از بین ما بیرون نیست».

امام زمان علیه السلام گرچه از دیدگان ما غایب است ولی از بین ما بیرون نیست و به شیعیانش سر می‌زند و از احوال آن‌ها باخبر است.

امام زمان علیه السلام ، از جمله عترت پیامبر صلی الله علیه و آله

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود فرمودند:

«أین بقية الله التي لاتخلو من العترة الطاهرة»^۲؛

«کجاست باقی مانده خدا که از عترت هدایت‌گر بیرون نیست».

این که حضرت مهدی علیه السلام که در آخر الزمان ظهور کرده و زمین را پر از عدل و داد می‌کند از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله است، از جمله مسائلی است که مورد اتفاق علمای شیعه و سنی می‌باشد؛ گرچه عترت طاهره بودن و عصمت آن بزرگواران را اهل سنت قبول ندارند، ولی مطابق نص بالا و آیات و روایات فریقین، عصمت آن‌ها از مسایل حتمی است.

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۲. همان.

امام زمان علیه السلام ، سخنگو در گهواره

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خود را این گونه توصیف کرده است:

« مکلم الناس فی المهد »^۱؛

« سخنگو با مردم در گهواره ».

امام زمان علیه السلام همانند حضرت عیسی علیه السلام است که برای اثبات امامت خود در

گهواره با مردم سخن گفت.

امام زمان علیه السلام ، غائب از دیدگان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خود را این گونه توصیف کرده است:

« الغائب عن الأبصار ، الحاضر فی الامصار »^۲؛

« پوشیده از دیدگان ، حاضر در شهرها ».

امام زمان علیه السلام گرچه به جهت مصالحی که بخشی از آن‌ها معلوم و بخشی دیگرش

نامعلوم است به امر خداوند متعال از دیدگان مردم غایب و مخفی است، ولی در

شهرها و بین مردم حاضر می‌باشد.

امام زمان علیه السلام ، غائب از اوهام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خود را این گونه توصیف کرده است:

« الغائب عن العیون ، الحاضر فی الأفكار »^۳؛

« پوشیده از دیده‌ها [ی تیز اوهام] و حاضر در افکار [تیز] ».

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۲.

۲. همان.

۳. همان.

کسی با وهم و خیال نمی‌تواند امام زمان علیه السلام و مقام و منزلت او را درک نماید، گرچه افرادی که فکر تیز دارند آن حضرت را حاضر نزد خود می‌بینند.

امام زمان علیه السلام ، باقی مانده نیکان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود فرمود:

«بقیة الأخیار»^۱؛

«باقی مانده نیکان».

امام زمان علیه السلام آخرین وصی از اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله است که خداوند متعال او را به جهت برپایی حکومت عدل جهانی توحید در سطح کره زمین باقی گذارده و از او نگهداری کرده است.

حق داشتن امام زمان علیه السلام بر مردم

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اللهم ... و استأصل من جحدته حقّه، و استهان بأمره و سعی فی اطفاء

نوره و اراد اخماد ذکره»^۲؛

«بار خدایا! ... هرکس که حق او را انکار کرده و امرش را سست شمرده و در

خاموش کردن نورش کوشش نموده و قصد خاموش کردن ذکرش را نموده

ریشه کن ساز».

امام زمان علیه السلام از جانب خداوند متعال بر عهده ما حقوقی را دارد که از جمله آنها

اطاعت از دستورات و گسترش پرتو نور او در سطح جامعه و زنده کردن یاد اوست.

*

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۲.

۲. همان.

امام زمان علیه السلام ، باب خداوند

و نیز درباره خود می‌فرماید:

«...السلام عليك يا باب الله»^۱؛

«...درود بر تو ای باب خدا».

امام زمان علیه السلام در این عصر و زمان باب خداوند است که هر کس می‌خواهد از فیض تکوین و تشریح الهی استفاده کند باید از باب او وارد شود، و او وابطه بین خلق و خالق است.

امام زمان علیه السلام ، آرزوی مردم

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود فرمود:

«السلام عليك ايها المقدم المأمول»^۲؛

«درود بر تو ای پیشتازی که آرزوی مردمی».

همه مستضعفان عالم در طول تاریخ آرزوی روزی را داشتند که شخصی بیاید و ظالمان را سرکوب نماید و عدالت را در سطح جهان گسترش دهد و آنان را از زیر بار ظلم و ستمشان رهایی دهد و تنها کسی که مصداق واقعی آن است امام زمان علیه السلام می‌باشد که با ظهورش در آخرالزمان این خواسته عمومی را برآورده می‌گرداند.

امام زمان علیه السلام ، باقی مانده حجت‌های الهی

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود فرمود:

«السلام عليك يا بقية الله في ارضه»^۳؛

«درود بر تو ای باقی مانده خدا در روی زمین».

در هیچ عصر و زمانی زمین از حجت خدا خالی نبوده است و تنها حجت باقی مانده خداوند از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله امام زمان علیه السلام است.

پیمان خداوند با خلق درباره حضرت مهدی علیه السلام

در دعای آل یاسین از حضرت مهدی علیه السلام آمده است:

«السلام عليك يا ميثاق الله الذي اخذه و وكنده»^۱؛

«درود بر تو ای پیمان خدا که آن را گرفته و بر آن تأکید کرده است».

خداوند متعال از مردم عهد و پیمان گرفته که از صاحبان امر امامت و ولایت پیروی کنند و بر آن نیز تأکید کرده است، که از جمله آنان امام زمان علیه السلام است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ ﴾^۲؛

«اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر [= اوصیای پیامبر] را».

ظهور حضرت مهدی علیه السلام، و عده تضمین شده خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود از قول خداوند متعال می‌فرماید:

«السلام عليك يا وعد الله الذي ضمنه»^۳؛

«درود بر تو ای وعده خدا که آن را تضمین کرده است».

خداوند متعال وعده داده که مستضعفان عالم به رهبری حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان پیروز گشته و بر جهان حکومت کنند، و این وعده خود را تضمین کرده

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۹۴.

۲. نساء، آیه ۵۹.

۳. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۹۲.

و آن را حتمی نموده است، آنجا که می‌فرماید:

﴿ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ... ﴾^۱؛

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد...».

امام زمان علیه السلام، پناه مردم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود از قول خداوند متعال فرمود:

«السلام عليك ايها... الغوث»^۲؛

«درود بر تو ای... پناه مردم».

امام زمان علیه السلام، رحمت گسترده الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود از قول خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«السلام عليك ايها... الرحمة الواسعة»^۳؛

«درود بر تو ای... رحمت گسترده خدا».

خداوند متعال دارای رحمت گسترده و همه جانبه بوده و امام زمان علیه السلام مظهر آن رحمت واسعه است، و این مقام را به جهت قرب به خداوند به دست آورده و از خود به استقلال چیزی ندارد و هرچه از رحمتش را به مردم افاضه می‌کند همه به اذن و اراده و مشیت الهی است.

*

۱. نور، آیه ۵۵.

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۹۲.

۳. همان.

امام زمان علیه السلام ، منتظر فرج خود

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«... و لإنجاز وعدك مرتقبون، و لحلول وعيدك بأعدائك متوقعون»^۱؛

«... و برای منجز شدن وعده‌ات مراقب و بر رسیدن عذابت به دشمنانت متوقعیم».

همان گونه که امام زمان علیه السلام منتظر منجز شدن وعده خدا در نجات مستضعفان و وارد شدن عذاب خدا بر دشمنانش است ما نیز باید همیشه چنین انتظاری را داشته باشیم.

اکرام اولیا با ظهور امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«... و اکرم اوليائك بإنجاز وعدك»^۲؛

«... و با منجز کردن وعده‌ات [به ظهور امام زمان علیه السلام] اولیانت را اکرام گردان».

اولیای الهی گرچه الآن که عصر غیبت است در شدت و گرفتاری به سر برده و مورد اذیت و آزار و بی‌احترامی دیگران هستند و لا اقل قدرشان ناشناخته است ولی با انجام وعده حتمی خداوند متعال در ظهور حضرت مهدی علیه السلام تمام اولیای الهی تکریم خواهند شد.

امام زمان علیه السلام ، ولی خدا

امام زمان علیه السلام در دعایی عرضه می‌دارد:

«اللهم و صلّ علی ولیک...»^۳؛

«بار خدایا درود فرست بر ولیت...».

۱. البلد الامین، ص ۵۷۰.

۲. مهج الدعوات، ص ۶۷.

۳. جمال الاسبوع، ص ۳۰۳.

امام زمان علیه السلام کسی است که به جهت قرب به خداوند متعال مظهر صفات جمال و جلال و کمال الهی شده که از آن جمله ولایت بر خلق است و او نیز بدین جهت ولی بر عموم خلق و به طور خصوص بر مؤمنین می‌باشد.

امام زمان علیه السلام ، کمال نعمت خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود فرمود:

«و کمال نعمته»^۱؛

«و کمال نعمت خداوند».

همه نعمت‌های خداوند متعال در حد خود کامل است ولی هنگامی که با نعمت‌های دیگر مقایسه شود برخی از نعمت‌ها مکمل نعمت‌های دیگر می‌باشد، که از آن جمله وجود پربرکت و پرفیض امام زمان علیه السلام می‌باشد، و آن کامل‌ترین نعمت خدایی بوده و مکمل نعمت‌های دیگر است و بدون وجود او نعمت‌های دیگر لغو می‌باشد؛ چرا که او علت غایی در خلقت است.

امام زمان علیه السلام ، بهترین ولی زمان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خود را این چنین توصیف می‌کند:

«... خیر من تقمص و ارتدی...»^۲؛

«... او که بهترین کسی است که لباس و رداء را به تن کرده است...».

امام زمان علیه السلام بهترین فردی است که خداوند متعال بر قامتش لباس و ردای خلافت و جانشینی خود و پیامبرش را کرده و او را آماده انقلابی در سطح جهان نموده است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۳.

امام زمان علیه السلام ، برپاکننده عدالت در سطح زمین

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خود را این چنین توصیف می‌کند:

«...الذی یملاً الأرض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً!»^۱

«... او که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد آن گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.»

خیلی‌ها مدعی عدالت هستند و با سعی و تلاش خود ممکن است که تا حدودی گرچه بسیار محدود عدالت را پیاده کنند، ولی امام زمان علیه السلام تنها کسی است که به کمک و یاری خداوند متعال، عدالت را در سطح کل کره زمین پیاده کرده و آن را پر از عدل و داد خواهد کرد همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.

✽

عدم حرمت ذکر نام امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهد تا این گونه بر او درود فرستند:

«اللهم صلّ علی محمد بن الحسن...»^۲

«بارخدا یا! بر محمد بن حسن درود فرست...»

از این که در این جمله امام مهدی علیه السلام به نام مخصوص خود (محمد) تصریح کرده، معلوم می‌شود که بردن نام ایشان حرمت مطلق و دائمی ندارد.

✽

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۳.

۲. مصباح الزائر، ص ۲۲۳.

امام زمان علیه السلام ، احیا کننده سنت الهی

و نیز امام زمان علیه السلام درباره خود این چنین عرضه می‌دارد:

«... المحیی سنتک»^۱؛

«او که زنده کننده سنت توست».

امام زمان علیه السلام کسی است که بعد از ظهورش، سنت‌های فراموش شده را احیا خواهد کرد.

امام زمان علیه السلام ، دعوت کننده به راه خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود می‌فرماید:

«...الداعی الی سبیلک»^۲؛

«...او که دعوت کننده به راه توست».

هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور نمود سر لوحه دستورات او دعوت مردم به راه خداست، یعنی آن حضرت مردم را ارائه طریق کرده و در راهی قرار می‌دهد که خودشان بتوانند طی طریق کرده و خود را به سر منزل مقصود برسانند، و این همان وظایف انبیا و اوصیای الهی است؛ زیرا هر کس وظیفه دارد تا با قدرت و اختیار خود راه را بپیماید و وظیفه انبیا و اوصیا نشان دادن راه صحیح است.

امام زمان علیه السلام ، مظهر عدل خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود فرمود:

«القائم بقسطک»^۳؛

«او که قیام کننده به عدالت توست».

حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهورش نه تنها اهل قسط و عدل است، بلکه قیام به آن می‌نماید و سعی و کوشش در پیاده کردن عدالت در سطح کره زمین می‌کند.

امام زمان علیه السلام ، برطرف کننده ظلمت‌ها

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود فرمود:

«...و مجلّی الظلمة»^۱؛

«...او که برطرف کننده ظلمت است».

در عصر غیبت امام زمان علیه السلام، ظلمت همه جا را فرا گرفته و تنها اوست که با ظهور و پیاده کردن تعالیم الهی و دور ساختن مردم از انحرافات و تحریفات، ظلمت را از سطح جامعه برطرف می‌کند.

امام زمان علیه السلام ، ناطق به حکمت و صدق

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود فرمود:

«الناطق بالحكمة و الصدق»^۲؛

«او که نطق کننده به حکمت و راستگویی است».

هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند تنها سخن از حکمت می‌گوید و به صداقت رفتار کرده و تمام سخنانش بر اساس صدق و راستی است.

امام زمان علیه السلام ، کلمه تامّة خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود فرمود:

«...و کلمتك التامة فی ارضك»^۳؛

«...او که کلمه تامّ تو در روی زمینت می‌باشد».

کلمه خداوند متعال بر دو قسم است؛ یکی کلمه قولی که از جانب او ایجاد می‌شود و دیگری کلمه فعلی که همان ایجاد خداوند است که همانند کلمه قولی گویای حقایقی است، و یکی از آن‌ها که کلمه تامه خدا در روی زمین است وجود نازنین امام زمان علیه السلام می‌باشد، و این نوع کلمه اختصاص به آن حضرت ندارد بلکه تمام پیامبران الهی و اوصیای آن‌ها دارای این عنوان می‌باشند همان‌گونه که خداوند متعال درباره حضرت عیسی علیه السلام این تعبیر را در قرآن به کار برده است.

امام زمان علیه السلام ، ولی خیرخواه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خود را چنین توصیف فرمود:

«الولی الناصح»^۱؛

«او که ولی و سرپرست نصیحت خواه است».

خیلی‌ها رهبر و سرپرست جامعه هستند ولی خیرخواه و نصیحت خواه نیستند و تنها به فکر مطامع خود می‌باشند، ولی امام زمان علیه السلام ولی و سرپرستی است که خیرخواه و نصیحت خواه شیعیانش می‌باشد و هیچ‌گاه امتش را فراموش نمی‌کند.

امام زمان علیه السلام ، کشتی نجات امت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خود را چنین توصیف کرده است:

«...سفينة النجاة»^۲؛

«...او که کشتی نجات است».

کشتی‌ها بر چند قسم هستند؛ برخی باربری و برخی تفریحی و... و برخی تنها برای نجات افراد از غرق شدن خلق شده است و لذا همیشه آماده نجات هستند.

۱. مصباح الزائر، ص ۲۲۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۳.

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و علی الخصوص امام زمان علیه السلام کشتی نجات کل بشر از منجلاب و جزر و مدهای پرتلاطم دنیا هستند که خداوند متعال آن‌ها را برای این کار آماده کرده است.

*

امام زمان علیه السلام ، احیا کننده احکام الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«و أخی بی ما درس من فروضك و سننك»^۱؛

«و آنچه از احکامت که در گذشت روزگار به فراموشی سپرده شده را به وسیله من احیا کن».

از آن جا که تا وقت ظهور حضرت مهدی علیه السلام بسیاری از احکام الهی تغییر کرده یا به آن عمل نمی‌شود لذا وقتی که حضرت ظهور کند زمینه برای آن‌ها فراهم می‌شود و احکام فراموش شده را زنده خواهد کرد.

*

امام زمان علیه السلام ، در هم شکننده شوکت و عظمت متجاوزان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود فرمود:

«أین قاصم شوكة المعتدین»^۲؛

«کجاست در هم شکننده شوکت و عظمت تجاوزگران؟».

گرچه در طول تاریخ بشریت متجاوزان به حقوق یکدیگر دارای شوکت و هیمنه بوده‌اند ولی با ظهور امام زمان علیه السلام این شوکت شکسته شده و مؤمنان عزیز خواهند شد.

۱. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۷۸.

۲. مصباح الزائر، ص ۲۳۰.

دعا برای برطرف شدن موانع ظهور

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد ظهور خود به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اللّٰهُمَّ... و افتح طُرُقَاتِهِ و سهل خروجه و وطّئ مسالكه»^۱؛

«بارخدا یا!... راه‌هایش را باز و خروجش را تسهیل و زمینه‌هایش را

هموار گردان.»

ظهور حضرت مهدی علیه السلام راه‌ها و مسلک‌هایی دارد که تنها خداوند متعال می‌تواند آن‌ها را باز کرده و تسهیل نماید و زمینه را برای ظهورش فراهم سازد. و لذا حضرت مهدی علیه السلام از خداوند متعال می‌خواهد تا زمینه را برای ظهورش آماده سازد و ما نیز باید این حاجت را از خداوند خواستار باشیم.

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اللّٰهُمَّ فَأُذِنْ بِذٰلِكَ»^۲؛

«بارخدا یا! به این امر [ظهور] اذن فرما.»

ظهور حضرت مهدی علیه السلام به اذن و اراده و مشیت خداوند متعال است، و لذا امام زمان علیه السلام از او می‌خواهد تا در ظهورش فرمان دهد و ما نیز باید این حاجت را از خداوند درخواست نماییم.

ظهور به اذن خداست

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در توقیعی به علی بن محمد سمري می‌فرماید:

«فقد وقعت الغيبة التامة، فلا ظهور الا بعد اذن الله تعالى ذكره»^۳؛

۱. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۳۳.

۲. بلد الامین، ص ۵۷۰.

۳. کشف الغمّه، ج ۲، ص ۵۳۰.

«پس به تحقیق غیبت تام واقع شد، پس ظهوری نیست مگر بعد از اذن خداوندی که ذکرش متعالی است».

امر فرج و ظهور امام زمان علیه السلام به فرمان هیچ کس نیست و کسی هم از آن مطلع نمی‌باشد و تنها با تحقق شرایط ظهور و رفع موانع از آن است که به اذن و مشیت و اراده الهی ظهور منجی عالم بشریت تحقق می‌یابد.

از علائم ظهور

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به علی بن محمد سمری فرمود:

«...فلا ظهور الا بعد اذن الله تعالى ذكره، و ذلك بعد طول الأمد و قسوة القلب و امتلاء الأرض جوراً»؛^۱

«...پس ظهوری نیست مگر بعد از اذن خداوندی که ذکرش متعالی است، و این بعد از مدت طولانی و قساوت قلب و پر شدن زمین از جور اتفاق می‌افتد».

مطابق حدیث فوق از جمله نشانه‌های قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام عبارت است از؛

- ۱- طولانی شدن غیبت حضرت مهدی علیه السلام
- ۲- قساوت قلب پیدا کردن مردم در دوری از حضرت.
- ۳- پر شدن زمین از ظلم و جور قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام.

عصر ظهور، عصر پیروزی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود چنین تعبیری فرمودند:

«صاحب يوم الفتح»^۲؛

«صاحب روز پیروزی».

۲. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۱. کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۰.

گرچه بسیاری از پیامبران الهی و اوصیا و مصلحان جامعه قیام به حق کرده و با دشمنان جنگیدند که در برخی موارد پیروز شده و در برخی دیگر در ظاهر شکست خوردند، ولی وعده حتمی الهی آن است که در آخرالزمان هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام به اذن او ظهور کرد جهان به دستان با کفایت او فتح شود.

امام زمان علیه السلام ، ریشه کن کننده ظالمان

از امام زمان نقل شده که در مورد خود می‌فرماید:

«أين المعدّ لقطع دابر الظلمة»^۱؛

«کجاست آن که آماده شده برای برکندن ریشه ستمگران».

گرچه برخی در صدد مبارزه و مقابله با ظلم و ظالمان برآمده و با آن به ستیز برخواستند ولی هیچ کس تاکنون نتوانسته ظلم را ریشه کن نماید، و این کار تنها با کمک الهی به دست با کفایت حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان و عصر آن حضرت تحقق می‌یابد.

امام زمان علیه السلام ، برطرف کننده انحرافات

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد خود فرمود:

«این المنتظر لإقامة الأمت و العوج»^۲؛

«کجاست آن انتظار کشیده شده برای برطرف ساختن کژی‌ها و انحرافات؟».

بسیاری از افراد بوده و هستند که ادعای مبارزه و مقابله با انحرافات و کژی‌ها را داشته و دست به اقدام هم زده‌اند ولی نتوانسته‌اند که به طور کامل و یا در سطح جهان

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۲. همان.

به این هدف خود نایل آیند، و تنها کسی که خداوند متعال وعده داده که این کار را انجام دهد امام زمان علیه السلام است، و لذا همه مردم انتظار آمدن آن را دارند.

امام زمان علیه السلام، زنده کننده قرآن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد خود فرمود:

«این المؤمن لایحیاء الکتاب و حدوده»^۱؛

«کجاست آن که برای زنده کردن کتاب خدا و حدود آن به او آرزوست».

در عصر غیبت امام زمان علیه السلام و حتی بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشی از آیات قرآن و حدود آن بر زمین ماند و مورد اعراض و بی توجهی مردم قرار گرفت، و تنها کسی که به کمک و نصرت خداوند متعال می تواند احیای کتاب خدا و حدود آن باشد امام زمان علیه السلام در عصر ظهور است و لذا همه مردم انتظار و امید ظهور او را بر این کار مهم دارند.

امام زمان علیه السلام، عزیز کننده اولیا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«این معزّ الأولیاء و مذلّ الأعداء»^۲؛

«کجاست عزت دهنده اولیا و خوار کننده دشمنان».

اولیای الهی در عصر غیبت امام زمان علیه السلام مورد اذیت و آزار از طرف دشمنان قرار داشته و دارند، و به عکس، دشمنان اسلام در اوج عزت و احترام به سر می برند، و این حالت برای هر دو دسته در طول تاریخ بشریت بوده و خواهد بود تا امام زمان علیه السلام ظهور کند و اولیای الهی را عزیز کرده و دشمنان را خوار و ذلیل گرداند.

۱. مصباح الزائر، ص ۲۳۰.

۲. همان.

امام زمان علیه السلام ، نگهبان دانا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خود را این گونه توصیف کرده است:

«الحفیظ العلیم، الذی جعلته خزائن الارض»^۱؛

«نگهبان دانایی که او را بر خزینه‌های زمین منسوب کرده‌ای».

خیلی‌ها نگهبان هستند ولی به امور دانا نیستند و نمی‌دانند که چگونه از امور محافظت کنند، ولی امام زمان علیه السلام همچون حضرت یوسف علیه السلام حافظ و نگهبانی دانا است که خداوند متعال او را مسئول حفظ خزینه‌های گرانبهای زمین قرار داده است.

امام زمان علیه السلام ، پدر مهربان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در جایی خود را این گونه توصیف کرده است:

«الاب الرحیم، الذی ملکتُهُ ازمة البسط و القبض»^۲؛

«و پدر مهربانی که بسط و قبض را به دست قدرت او قرار دادی».

برخی از پدرها هستند که مهربان نیستند و لذا اموالی را که به دست می‌آورند نمی‌دانند که کجا به کار برده و کجا محافظت کنند، ولی امام زمان علیه السلام پدر مهربان این امت است که خداوند متعال زمام قبض و بسط امور مردم را به دست با کفایت او سپرده است.

امام زمان علیه السلام ، صاحب مناقب

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در جایی خود را این گونه توصیف کرده است:

«صاحب النقیبة المیمونة»^۳؛

«دارای مناقب نیکو».

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۲.

۳. همان.

امام زمان علیه السلام کسی است که دارای مناقب و کرامت‌های بسیار مبارکی است، و نمونه‌هایی از آن در کتاب‌های مناقب و کرامات آن حضرت بیان شده است.

امام زمان علیه السلام ، راهنما به راه صواب

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در جایی خود را این‌گونه توصیف کرده است:

«الدالّ علی منهاج الرشید»^۱؛

«رهنمای به سوی راه صواب و راست».

بشر را باید در راه راست و صواب قرار داد تا خودش با اختیار به سر منزل مقصود برسد و این همان کاری است که امام زمان علیه السلام بعد از ظهورش انجام می‌دهد.

امام زمان علیه السلام ، وارث ذوالفقار

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در جایی خود را این‌گونه توصیف کرده است:

«الوارث لذی الفقار»^۲؛

«وارث شمشیر ذوالفقار».

امام زمان علیه السلام وارث ذوالفقار جدش امیرمؤمنان علی علیه السلام است که با آن دشمنان را قلع و قمع و نابود می‌گرداند.

ظهور امام زمان علیه السلام از بیت الله الحرام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در جایی خود را این‌گونه توصیف کرده است:

«الذی یظهر فی بیت الله ذی الاستار»^۳؛

«آن‌که در خانه خدا که دارای پرده‌هاست ظهور می‌کند».

بزرگان کارهای مهم خود را با تکیه بر خداوند متعال و از شریف‌ترین مکان‌ها شروع می‌کنند؛ جایی که مورد توجه همه مردم است؛ جایی که مرکز هدف بزرگ آنان می‌باشد. امام زمان علیه السلام نیز قیام و ظهور خود را از خانه خدا که مرکز توحید است آغاز می‌کند.

حقانیت رجعت اهل بیت علیهم السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره رجعت اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«و ان رجعتکم حق لاریب فیها، یوم لاینفع نفساً ایمانها، لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیراً»^۱؛
«و همانا رجعت شما حق است و در آن شکی نیست، روزی که ایمان در آن به هیچ کس نفعی نمی‌دهد در صورتی که از قبل ایمان نیاورده و در ایمانش خیری کسب نکرده است».

یکی از اعتقادات شیعه موضوع رجعت برخی از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام خصوصاً امام حسین علیه السلام بعد از ظهور امام زمان علیه السلام به دنیا است، و مطابق برخی دیگر از روایات، عموم اهل بیت علیهم السلام به دنیا بازگشته و حکومت خواهند کرد و این عقیده‌ای است که روایات متواتر بر آن تأکید کرده است.

امام زمان علیه السلام، قائم به امر الهی

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود عرضه می‌دارد:

«...القائم بأمرک»^۲؛

«...او که قیام کننده به امر توست».

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۹۳.

۲. همان.

امام زمان علیه السلام ، دعوت‌کننده و راهنما به سوی خدا
و نیز درباره خود عرضه می‌دارد:

«...الداعی الیک ، الدلیل علیک»^۱؛

«...او که دعوت‌کننده به سوی تو و راهنمای برتوست».

و نیز در دعای آل یاسین از قول حضرت مهدی علیه السلام آمده است:

«السلام علیک یا داعی الله...»^۲؛

«درود بر تو ای دعوت‌کننده خدا...».

امام زمان علیه السلام دعوت‌کننده صحیح و به حق مردم به سوی خداوند متعال و از جانب
او و راهنمای به سوی اوست، کسی که در دعوت خود هیچ گونه اشتباه و سهو نکرده
و به طور حتم و قطع مردم را به سرمنزل مقصود خواهد رسانید.

*

امام زمان علیه السلام ، حجت و خلیفه خدا بر روی زمین
و نیز درباره خود عرضه می‌دارد:

«...حجتک علی خلقک و خلیفتک فی ارضک»^۳؛

«...حجت تو بر خلقت و جانشین تو بر روی زمینت».

زمین هیچ گاه از حجت و جانشین خداوند و رسولش خالی نمی‌ماند، و حجت و
خلیفه به حق در این عصر و زمان در روی زمین امام زمان علیه السلام است.

*

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۳.

۲. الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۲.

۳. همان.

امام زمان علیه السلام ، شاهد بر بندگان

و نیز درباره خود عرضه می‌دارد:

«... و شاهدك على خلقك...»^۱؛

«... و گواه تو بر خلقت...».

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ
الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ﴾^۲؛

«همان‌گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط؛) تا بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر هم بر شما گواه است».

شاهد و گواه بر امت هم اکنون امام زمان علیه السلام است که رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز شاهد و گواه بر او می‌باشد.

امام زمان علیه السلام ، مجدد دین خدا

و نیز درباره خود به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِي مَا أَمْتَحَى مِنْ دِينِكَ»^۳؛

«بارخدایا! به واسطه او آنچه که از دینت محو شده تجدید نما».

از جمله کارهایی که امام زمان علیه السلام بعد از ظهور انجام می‌دهد آن است که آنچه از دین خداوند متعال محو و نابود شده تجدید خواهد کرد.

۱. الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۲.

۲. بقره، آیه ۱۴۳.

۳. الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۲.

امام زمان علیه السلام ، احیا کننده کتاب الهی

و نیز عرضه می‌دارد:

«و أحيى به ما بدل من كتابك»^۱؛

«و به واسطه او آنچه از کتابت تبدیل شده زنده کن».

مطابق برخی از روایات، در آخرالزمان فقط از رسم قرآن چیزی باقی می‌ماند و از حقیقت آن و پیاده نمودن دستوراتش خبری نیست، و چه بسیار از احکام آن که تحریف و تبدیل می‌شود، ولی بعد از ظهور امام زمان علیه السلام آنچه که تغییر یافته یا به آن عمل نشده احیا می‌گردد.

*

امام زمان علیه السلام ، برپا کننده حکم الهی

و نیز عرضه می‌دارد:

«و اظهر به ما غیر من حکمک ، حتی يعود دینک به و علی یدیه غصاً

جدیداً»^۲؛

«به واسطه او آنچه که از حکمت تغییر کرده ظاهر کن تا آن که دینت به واسطه

او برگشته و به دست او تازه و نو گردد».

در عصر غیبت دین خدا به جهت عمل نشدن به آن و احکامش پژمرده شده و از سطح جامعه کنار گذاشته می‌شود و مورد اعراض مردم قرار می‌گیرد، ولی با آمدن امام زمان علیه السلام و ظهور او آنچه از احکام خداوند تغییر یافته ظاهر می‌گردد تا به حدی که دین خدا به دست آن حضرت تازه و جدید می‌شود.

۱. الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۲.

۲. همان.

امام زمان علیه السلام ، آورنده دین خالص و بدون شک و شبهه

و نیز عرضه می‌دارد:

«... و اظهر به ما غیر من حکمک ، حتی يعود دینک به و علی یدیه ، غصاً

جدیداً ، خالصاً مُخْلِصاً لاشک فیهِ و لاشبهة معه»؛

«... و به واسطه او آنچه از حکمت تغییر کرده ظاهر کن تا دینت به وسیله او

برگشته و به دستش تازه و نو گردد، دینی خالص و پیراسته که در آن شک و با

آن شبهه‌ای نباشد».

بسیاری از افراد مدعی اصلاح جامعه و دین اند ولی دینی را عرضه می‌کنند که

خالص و پیراسته از انحرافات نیست و یا لااقل همراه با شک و شبهه است، و تنها اهل

بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و در رأس آنها امام زمان علیه السلام است که دین خالص از شک

و شبهه را به جامعه عرضه خواهند داشت.

امام زمان علیه السلام ، مبارزه کننده با باطل و بدعت

و نیز عرضه می‌دارد:

«... و لا باطل عنده و لا بدعة لده ... اللهم ... و هدُّ برکنه و اهدم بعزته

کلّ ضلالة»^۲؛

«... و باطل و بدعتی نزد او نیست... بارخدا یا!... به رکن او هر بدعتی را خراب

و به عزتش هر گمراهی را ریشه کن گردان».

امام زمان علیه السلام نه تنها باطل و بدعت در او راه ندارد، بلکه خداوند به توسط آن

حضرت با چارچوب‌هایی که ترسیم کرده و پیاده می‌کند با هر بدعتی مبارزه کرده

۱. الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۲.

۲. همان، ص ۳۰۴.

و ریشه کن می‌سازد، و به عزت آن حضرت هر گمراهی را خراب می‌کند.

امام زمان علیه السلام ، روشنی بخش تاریکی‌ها

و نیز عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ نَوِّرْ نَوْرَهُ بِنَوْرِ كُلِّ ظُلْمَةٍ»^۱؛

«بارخدایا! با نور او هر تاریکی را نورانی ساز».

همان گونه که نور ظاهر هر تاریکی را روشن می‌سازد، نور امام زمان علیه السلام و هدایتش که به مردم عرضه می‌دارد نیز دل هر مؤمنی را در سطح جهان روشن ساخته و عالم را به نور توحید نورانی می‌سازد.

امام زمان علیه السلام ، شکننده کمر سرکشان

و نیز عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ... وَ اقْصِمْ بِهٖ كُلَّ جَبَّارٍ»^۲؛

«بارخدایا!... کمر هر سرکش را به وسیله او بشکن».

تا قبل از ظهور امام زمان علیه السلام سرکشان بر جهان حکمرانی می‌کنند ولی خداوند متعال اراده کرده که نه تنها به واسطه امام زمان علیه السلام کمر هر سرکشی خرد و شکسته شود.

امام زمان علیه السلام ، خاموش کننده فتنه‌ها

و نیز عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ... وَ اُخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ»^۳؛

«بارخدایا!... با شمشیرش هر آتش [فتنه‌ای] را خاموش کن».

تا عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام آتش فتنه در سطح جهان شعله ور بوده و وجود داشته و خواهد داشت و فقط به واسطه آن حضرت است که آتش فتنه‌ها خاموش خواهد شد.

*

امام زمان علیه السلام ، برچیننده ظلم ظالم با گسترش عدل

و نیز عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ ... و أَهْلِكَ بَعْدَهُ كُلِّ جَائِرٍ»^۱؛

«بارخدایا! ... به عدل او هر ظالمی را هلاک گردان.»

تنها با اقامه عدل و گسترش آن در زمین است که می‌توان ظلم و جور را نابود کرد نه این که خود نیز با ظلم و جور به مبارزه با ظلم و ستم رویم.

*

امام زمان علیه السلام ، غالب بر همه

و نیز عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ ... و أَجْرِ حَكْمِهِ عَلَى كُلِّ حَكْمٍ و أذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ»^۲؛

«بارخدایا! حکمش را بر هر حکمی جاری ساز و به سلطنتش هر سلطنتی را

خوار و ذلیل گردان.»

با ظهور امام زمان علیه السلام و برپایی احکام الهی به کمک خداوند متعال هر حکمی غیر از حکم او مغلوب گشته و با غلبه سلطنت و حکومتش، سلطنت و حکومت هر کس غیر از او ذلیل و خوار خواهد شد.

۱. الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۳۰۴.

۲. همان.

امام زمان علیه السلام ، تربیت شده آیات الهی

در دعای آل یاسین از قول امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خودش فرمود:

«اذا اردتم التوجه بنا الى الله تعالى و الينا فقولوا كما قال الله تعالى:

(سلام على آل يس ، السلام عليك يا داعي الله و رباني آياته...)^۱؛

«هرگاه خواستید به وسیله ما به خداوند متعال و ما توجه کنید پس آن گونه که

خداوند متعال فرموده بگویید: (درود بر آل یس ، درود بر تو ای دعوت کننده

خدا و تربیت شده آیات خدا...».

ممکن است که مقصود از «ربانی آیات خدا» این باشد که آن حضرت تربیت شده

و پرورش یافته آیات خدا باشد و یا این که اوست که آیات خداوند را پرورش داده و

به جامعه معرفی می کند.

امام زمان علیه السلام ، برپا دارنده دین خدا

و نیز فرمود:

«...السلام عليك يا باب الله و ديّان دينه»^۲؛

«...درود بر تو ای باب خدا و برپا کننده دین او».

امام زمان علیه السلام دین دار واقعی بوده و دین خدا را آن گونه که هست برپا خواهد کرد.

امام زمان علیه السلام ، مدافع حق خدا

و نیز فرمود:

«السلام عليك يا خليفة الله و ناصر حقه»^۳؛

«درود بر تو ای جانشین خدا و مدافع حق او».

خداوند متعال بر عهده مردم حقوقی دارد که امام زمان علیه السلام از آن جهت که خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین است ناصر دین اوست و حقش را از مردم می‌ستاند.

امام زمان علیه السلام ، راهنما به مقصود خداوند

و نیز درباره خود می‌فرماید:

«السلام عليك يا حجة الله و دليل ارادته»^۱؛

«درود بر تو ای حجت خدا و راهنمای به مقصود او».

تنها امام و رهبر معصوم است که می‌تواند راهنما به مقصود و مراد خداوند متعال باشد که در این عصر و زمان تنها کسی که می‌تواند چنین کاری را انجام دهد امام زمان علیه السلام است.

امام زمان علیه السلام ، تلاوت کننده و مفسر قرآن

و نیز فرمود:

«السلام عليك يا تالی کتاب الله و ترجمانه»^۲؛

«درود بر تو ای تلاوت کننده و مفسر کتاب خدا».

هم تلاوت قرآن خوب است و هم ترجمه و تفسیر آن، و لذا امام زمان علیه السلام بعد از آن که ظهور کرد به تلاوت قرآن پرداخته و آن را آن گونه که باید و شاید ترجمه و تفسیر خواهد کرد.

امام زمان علیه السلام ، مبین احکام الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خود از قول خداوند متعال نقل می‌کند

۱. الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۲.

۲. همان.

که فرمود:

«السلام عليك حين تقرأ و تبين»^۱؛

«درود بر تو آن زمان که قرائت می‌کنی و [آیات خدا را] تبیین می‌نمایی».

امام زمان علیه السلام بعد از ظهورش قرآن را قرائت کرده و مفاد آن را تبیین می‌نماید، همان گونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در صدر اسلام چنین کرده است، و لذا در قرآن می‌فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾^۲؛

«و ما این ذکر [=قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آن‌ها روشن سازی».

امام زمان علیه السلام، ایمنی بخش مردم

و نیز از حضرت نقل شده که درباره خود فرمود:

«السلام عليك ايها الامام المأمون»^۳؛

«درود بر تو ای امام ایمنی بخش».

امام زمان علیه السلام بعد از آن که ظهور کرد امنیت را در سطح جامعه و کره زمین برقرار خواهد کرد، همان گونه که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ

كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ

وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...﴾^۴؛

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۹۳.

۲. نحل، آیه ۴۴.

۳. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۹۳.

۴. نور، آیه ۵۵.

و عده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت....».

رهبران جهان بعد از امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی این چنین عرضه می‌دارد:

«... و صلّ علی ولیک و ولایة عهده و الأئمة من ولده...»؛

«... و بر ولایت و جانشینان عهدش و امامان از اولاد او... درود فرست...».

از عبارت فوق استفاده می‌شود که والیان عهد امام زمان علیه السلام و امامان بعد از او از

اولاد اویند و این منافاتی با رجعت اهل بیت علیهم السلام خصوصاً امام حسین علیه السلام ندارد.

حضرت زهرا علیها السلام از دیدگاه
حضرت مهدی علیه السلام

فاطمه زهرا علیها السلام ، سرور زنان عالم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

« و زوجه اینته سیده نساء العالمین »^۱؛

« پیامبر صلی الله علیه و آله ، دخترش سرور زنان عالم را به نکاح او - حضرت علی علیه السلام -
درآورد.»

فاطمه زهرا علیها السلام به اعتراف برخی از علمای اهل سنت و اجماع شیعه دوازده امامی
برتر زنان عالم حتی از حضرت مریم علیها السلام و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است، و کسی تا روز قیامت
همتا و همانند او نخواهد بود.

صفات حضرت زهرا علیها السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می دارد:

«... و اتقرب الیک بخیرة الأخیار، و امّ الانوار، و الانسیة الحوراء،

البتول العذراء، فاطمة الزهراء»^۲؛

« و به تو نزدیکی می جویم به برگزیده برگزیدگان، و مادر انوار، و انسیه حورا،

بتول عذراء، فاطمه زهرا علیها السلام.»

۲. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۷۸.

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

امام زمان علیه السلام برای مادرش حضرت زهرا علیها السلام صفاتی را ذکر کرده است؛

- ۱- بهترین انتخاب شده‌ها.
- ۲- مادر امامانی که همگی نور هدایت اند.
- ۳- انسانی که همچون حورالعین است.
- ۴- قطع شده و بریده شده از عادات زنانگی.
- ۵- دوشیزه و باکره بودن.
- ۶- پرتوافکنی و نورافشانی.
- ۷- بازگرفته از آتش دوزخ.

حضرت زهرا علیها السلام الگوی حضرت مهدی علیه السلام

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

« وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ! »

«دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله (فاطمه زهرا علیها السلام) برای من، اسوه و الگویی نیکو است.»

شیخ طوسی رحمته الله، در کتاب *الغیبة خویش*، قصه مشاجره ابن ابی غانم قزوینی با جماعتی از شیعه، درباره امر جانشینی امام عسکری علیه السلام، را نقل کرده است. ابن ابی غانم، به جانشینی برای حضرت امام عسکری، اعتقادی نداشت. عده‌ای از شیعیان، به حضرت نامه‌ای می‌نویسند و در آن، مشاجره‌ای را که میان ابن ابی غانم و جماعت شیعه ایجاد شده، یادآور می‌شوند.

حضرت، در جواب نامه، به خط مبارک خود، بعد از دعا برای عاقبت شیعیان از ضلالت و فتنه‌ها، و درخواست روح یقین و عاقبت به خیری آنان، و تذکره به اموری چند، می‌فرماید: «فاطمه زهرا، دختر رسول خدا، برای من، در این مسئله، الگوی خوبی است.»

۱. الغیبة طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۹.

در این که حضرت چه گفتار یا رفتاری از حضرت زهرا علیها السلام، را سرمشق خویش قرار داده، احتمال‌های مختلفی بیان شده است. که در این جا، به سه مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- حضرت زهرا علیها السلام، تا پایان عمر شریفشان، با هیچ حاکم ظالمی بیعت نکرد. حضرت مهدی علیه السلام، هم بیعت هیچ سلطان ستمگری را بر گردن ندارد.

۲- شأن صدور این نامه این است که برخی از شیعیان، امامت ایشان را نپذیرفته‌اند. حضرت می‌فرمایند: «اگر می‌توانستم و مُجاز بودم، آن‌چنان می‌کردم که حق بر شما کاملاً آشکار شود به گونه‌ای که هیچ شکی برای شما باقی نماند، ولی مقتدای من حضرت زهرا علیها السلام است. ایشان، با این که حق حکومت از حضرت علی علیه السلام، سلب شد، ولی هیچ‌گاه برای بازگرداندن خلافت، از اسباب غیرعادی استفاده نکرد. من نیز از ایشان پیروی می‌کنم، و برای احقاق حق‌ام، در این دوران، راه‌های غیرعادی را نمی‌پیمایم.»

۳- حضرت در پاسخ نامه، فرموده است: «اگر علاقه و اشتیاق فراوان ما به هدایت و دست‌گیری از شما نبود، به سبب ظلم‌هایی که دیده‌ایم، از شما مردمان روی‌گردان بودیم.» حضرت، با اشاره به حضرت زهرا علیها السلام، می‌خواهند بفرمایند، همان‌طوری که اذیت و آزاری که دشمنان نسبت به حضرت فاطمه علیها السلام، روا داشتند، و سکوتی که مسلمانان پیشه کردند، هیچ کدام سبب نشد که ایشان از دعا برای مسلمانان دست بکشند، بلکه آن حضرت، دیگران را بر خود مقدم می‌داشت، من نیز این ظلم‌ها و انکارها را تحمل می‌کنم و از دل سوزی و راهنمایی و دعا و... برای شما، چیزی فرو نمی‌گذارم.

توسل امام زمان علیه السلام به جدّه اش فاطمه علیها السلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی عرضه می‌دارد:

«و اتقرّب اليك بخيرة الأخيار، و أمّ الانوار، الانسية الحوراء، البتول

العذراء، فاطمة الزهراء علیها السلام؛

«و به تو نزدیکی می‌جویم به برگزیده برگزیدگان، و مادر انوار، و آنسینه حوراء، بتول عذراء، فاطمة زهرا».

فاطمه زهرا علیها السلام از چنان عظمتی برخوردار است که حتی امام زمان علیه السلام به وسیله او به سوی خداوند متعال تقرّب می‌جوید».

معادشناسی از دیدگاه
حضرت مهدی علیه السلام

حقانیت مرگ

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«انّ الموت حق»^۱؛

«و همانا مرگ حق است».

یکی از اعتقادات ما که با واقعیت خارجی نیز مطابقت دارد موضوع مرگ است، و قرآن نیز بر آن تأکید دارد آنجا که می‌فرماید:

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾^۲؛

«هر کسی مرگ را می‌چشد».

و می‌دانیم که اعتراف به حقانیت مرگ در زندگی انسان اثر تربیتی فراوان دارد؛ زیرا کسی که می‌داند مرگ در پیش رو دارد دل بستگی به دنیا پیدا نمی‌کند تا مانع رسیدن او به کمال باشد، بلکه همیشه به دنبال زاد و توشه برای آخرت است گرچه نباید نصیبش از دنیا را فراموش نماید، ولی باید در نظر او دنیا استقلال نداشته باشد.

✱

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۹۳.

۲. آل عمران، آیه ۱۸۵.

لزوم اقرار به حقانیت برزخ و معاد

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«و انّ الموت حق و انّ ناکراً و نکیراً حق، و اشهد انّ النّشر حق...»^۱؛
«و همانا مرگ حق است و این که ناکر و نکیر نیز حق می‌باشند، و گواهی
می‌دهم که انتشار [نامه اعمال انسان در روز قیامت] حق است...».

ما معتقدیم که انسان‌ها در این دنیا نخواهند ماند بلکه همگی طعم مرگ را خواهند چشید و نکیر و منکر در عالم برزخ از آن‌ها سؤال خواهند کرد و پس از عالم برزخ همگی در صحنه قیامت محشور شده و نامه‌های اعمالشان منتشر خواهد شد.

*

مبشر و بشیر برزخی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که از خداوند متعال چنین تقاضا می‌کند:

«و ادراً عتی منکراً و نکیراً، و اری عینی مبشراً و بشیراً»^۲؛
«و از من منکر و نکیر را دور کرده و [به جای آن] مبشر و بشیر را به
من بنمایان».

از این جملات استفاده می‌شود که دو ملک دیگر در عالم برزخ بعد از مرگ انسان وجود دارند که گاهی برای برخی از افراد جایگزین نکیر و منکر شده و او را بشارت به بهشت و جایگاه برین می‌دهند.

*

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۹۳.

۲. مصباح الزائر، ص ۵۶.

سؤال در برزخ

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«و تولّ انت نجاتی من مسأله البرزخ»^۱؛

«و حسابرسی برزخ مرا خود به عهده گیر».

از جمله اموری که پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به آن خبر داده‌اند مسأله سؤال در برزخ از اموات است که بعد از آن، افرادی که نیک کردار بوده‌اند جایگاه خوبی داشته و افراد زشت کار در جایگاه بد به سر می‌برند.

سؤال مُنکر و نکیر در برزخ

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«و تولّ انت نجاتی فی مسأله البرزخ، و ادراً عنی مُنکراً و نکیراً»^۲؛

«و حسابرسی برزخی مرا خود بر عهده گیر، و نکیر و منکر را از من دور کن».

از جمله اموری که پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به آن خبر داده‌اند مسأله سؤال در برزخ توسط دو ملک به نام نکیر و منکر است که ما نیز باید به آن اعتقاد کلی داشته باشیم، گرچه ممکن است کس دیگری متکفل آن شده و کار آن دو را انجام دهد، که در این دعا از خداوند متعال خواسته شده که خودش متکفل آن شود.

پایان پذیرفتن خلقت عالم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«و اودعته علم ما کان و ما یكون الی انقضاء خلقک»^۳؛

«و علم آنچه بود و آنچه خواهد بود تا هنگام به آخر رسیدن آفرینش را به او سپردی».

۳. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

۱ و ۲. مصباح الزائر، ص ۵۶.

در علم کلام به اثبات رسیده که هر چه مبدأ و ابتدایی دارد، انتهایی نیز دارد، و از آن جا که عالم حادث است و خداوند متعال علت محدثه آن می‌باشد لذا انتهایی هم دارد.

احیای موتی به واسطه روح القدس

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حضرت عیسی علیه السلام به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

« اذ ایتده بروح القدس، و انطقته فی المهد، فاحیی به الموتی، و ابرأ به

الاکمة و الأبرص باذنک»^۱؛

« آن هنگام که او را به روح القدس تأیید کرده و او را در گهواره به سخن

درآوردی، و به واسطه او مرده را زنده کردی و [مرض] گنگی و پستی را به

اذن تو بهبودی داد.»

از جملات فوق استفاده می‌شود که حضرت عیسی علیه السلام کارهای خارق‌العاده‌ای از آن جمله زنده کردن مرده‌ها را به سبب و عامل خاصی انجام داده است که روح القدس باشد، همان عاملی که موجب تأیید حضرت عیسی علیه السلام گردیده و به آن، امراض دشوار را علاج می‌کرد.

عقیده به معاد

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

« انت الله الذی مبدء الخلق و معیدهم»^۲؛

« تو خداوندی هستی که آغازگر خلق و اعدها کننده آنانی.»

۱. بلد الامین، ص ۳۹۳.

۲. منتخب الاثر، ص ۵۲۱.

و نیز در ادامه درباره خداوند متعال می‌فرماید:

«... و باعث من فی القبور»^۱؛

«... و مبعوث کننده دفن شده‌های در قبرها می‌باشی».

یکی از اصول دین اعتقاد به معاد و بازگشت مردم به عالمی دیگر برای حساب و کتاب و جزاست، و این عالم به اراده و قدرت لایزال و حتمی او انجام می‌گیرد.

حقانیت قیامت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«البعث حق»^۲؛

«برانگیخته شدن مردم [در روز قیامت] حق است».

از جمله اعتقادات اسلامی و نیز همه ادیان الهی عقیده به معاد و برانگیخته شدن به جهت حساب است، که بعد از آن برخی به جهنم رفته و عده‌ای نیز به بهشت خواهند رفت.

حقانیت محشور شدن مردم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«و الحشر حق»^۳؛

«و محشور شدن مردم حق است».

ما معتقدیم که در قیامت همه مردم برای حساب و کتاب محشور می‌شوند تا پس از محاسبه‌ای دقیق و توزین اعمال به جزای خیر یا شرّ خود نایل گردند و این از

۱. منتخب الاثر، ص ۵۲۱.

۲. الاحتجاج، ج ۲، ۳۹۳.

۳. همان.

مسائل حقی است که امام زمان علیه السلام نیز بر آن اذعان کرده و عقل و قرآن و روایات متواتر نیز بر آن دلالت دارند.

آخرت، بزرگ‌ترین همت انسان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه کنیم:

«و لا تجعل ... الدنيا اكبر همی»^۱؛

«و دنیا را بزرگ‌ترین همت من قرار ندهی».

از آنجا که دنیا مزرعه آخرت است و انسان در همین دنیا می‌تواند توشه آخرت را بردارد، لذا باید هم و غم آن را داشته باشد، ولی نباید دنیا برای انسان بزرگ‌ترین هدف و آرزویش باشد، و لذا باید از خداوند متعال بخواهد تا به او لطف کرده و آخرت را بزرگ‌ترین همت او قرار دهد و یا لا اقل با دنیا مساوی گرداند.

حقانیت «صراط»

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«ان الصراط حق»^۲؛

«همانا صراط حق است».

یکی از مواضع قیامت موقف «صراط» است؛ به این معنا که بر روی جهنم پلی قرار دارد که همه افراد باید از روی آن عبور کنند؛ بهشتی‌ها از آن گذر کرده و وارد بهشت می‌شوند و جهنمی‌ها از آن سقوط کرده و در دوزخ می‌افتند. این آن معنایی است که متکلمان اسلامی به آن اشاره کرده و از ظاهر برخی از روایات استفاده می‌شود؛ گرچه برخی آن را به معنای دنیا گرفته‌اند.

۱. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۲۶۶.

۲. همان.

حَقَانِیَّت «مرصاد»

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«و المرصادَ حقَّ»^۱؛

«و مرصاد حق است».

برای این واژه دو گونه می توان تفسیر کرد؛

- ۱- این که خداوند در این دنیا در کمین افراد خطاکار است و تمام رفتار و کردارشان را زیر نظر دارد.
- ۲- این که خداوند متعال در قیامت و هنگام حساب و کتاب در کمین افراد خطاکار است و همه را زیر نظر دارد و کسی نمی تواند بدون حساب و کتاب از آن مواقف بگذرد.

حَقَانِیَّت «میزان»

از امام زمان علیه السلام نقل شده که می فرماید:

«و المیزانَ حقَّ»^۲؛

«و میزان حق است».

یکی از اعتقاداتی که در قرآن و روایات نیز به آن اشاره شده مسأله «میزان» است؛ به این معنا که در قیامت تمام اعمال خوب و بد انسان ها به صورت دقیق، وزن و اندازه گیری می شود تا به کسی ظلم نشود، گرچه می توان گفت که این توزین و اندازه گیری خداوند به صورت توزین دنیوی و امور مادی نیست بلکه از آن جهت که اعمال جنبه غیرمادی دارد لذا توزین هم به صورت غیرمادی است.

۱. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۲۶۶.

۲. همان.

حقانیت « حساب »

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

« و الحساب حق »^۱؛

« و حساب حق است ».

یکی از اعتقادات ما در مورد قیامت و مواقف آن موقف حساب و کتاب اعمال است تا کسی که نیکی کرده به جزای نیک خود برسد و کسی که بدی کرده به جزای کارهای زشت خود نایل گردد، و این عقیده از عقاید حقی است که امام زمان علیه السلام نیز به آن اشاره کرده و از آیات و روایات متواتر نیز استفاده می‌شود.

✽

سرعت در حسابرسی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

« یا ... اسرع الحاسبین »^۲؛

« ای سریع‌ترین حساب‌رسان ».

یکی از مواقف قیامت، موقف حسابرسی اعمال است و از انسان‌های خوب و بد حساب کشیده می‌شود و از آن جا که خداوند متعال عالم به حقایق امور از گذشته و حال و آینده است، و هیچ چیز مانع او نمی‌گردد، لذا در حسابرسی از همه سریع‌تر می‌باشد.

✽

۱. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۲۶۶.

۲. مصباح الزائر، ص ۵۶.

حقانیت بهشت و دوزخ

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«و الجنة و النار حق و الوعد و الوعيد بهما حق»^۱؛

«و بهشت و دوزخ حق است و وعده و وعید به بهشت و دوزخ نیز حق است».

از جمله اعتقادات ما، اعتقاد به بهشت و جهنم است؛ بهشت برای نیکوکاران، و دوزخ برای بدکاران، و این دو وعد و وعیدی است که خداوند متعال به آن خبر داده و مطابق نص قرآن کریم او هرگز خلف وعده نمی‌کند، و این اعتقادی است که امام زمان علیه السلام نیز بر آن تأکید نموده است.

سؤال از ولادت در بهشت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد زاد و ولد در بهشت از بهشتیان فرمود:

«... اذا انتهى المؤمن ولداً خلقه الله عزوجل بغير حمل و لا ولادة علی

الصورة التي يريد»^۲؛

«... هرگاه که مؤمن فرزندی را خواست خداوند متعال بدون حمل و ولادت،

به آن صورتی که خواسته آن را برای او خلق می‌کند».

۱. مصباح الزائر، ص ۵۶.

۲. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۸۷.

احکام از دیدگاه
حضرت مهدی علیه السلام

حرمت نماز در پوست سمور و انواع روباه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«...أما السَّمُور و الثعالب فحرام عليك و على غيرك الصلاة فيه»^۱؛

«...اما سمور و انواع روباه، پس حرام است بر تو و غیر تو نماز در [پوست] آنها».

لباس نمازگزار باید پاک باشد و از مال غضبی تهیه نگردیده و از پوست حیوان حلال گوشت باشد، و لذا نمازگزاردن در پوست سمور و انواع روباه‌ها جایز نمی‌باشد و حرمت در آن به معنای حرمت وضعی است که مرادف با بطلان نماز است.

حکم پوست حیوان مأكول اللحم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در جواب شخصی فرمود:

«...یحلّ لك جلود المأكول من اللحم اذا لم یکن فیہ غیره»^۲؛

«...بر تو پوست‌های حیوانات مأكول اللحم حلال است در صورتی که در آن [پوست] غیر مأكول اللحم نباشد».

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۹۷.

۲. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۰۲.

از شرایط صحت نماز آن است که لباس نمازگزار اگر از پوست حیوان است، حیوانی باشد که گوشتش حلال است، و از اجزای حیوان حرام گوشت در آن نباشد، وگرنه نماز او باطل می‌باشد.

حکم مسّ میت در حال گرمی بدن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره کسی که مرده‌ای را در حال گرمی بدنش مس کرده فرمود:

«اذا مسّه علی هذه الحال لم یکن علیه الا غسل یدیه»^۱؛

«هرگاه او را در این حال مس کند تنها بر او شستن دستش واجب می‌شود».

در فقه اسلامی با روایات به اثبات رسیده که هرگاه میت را در حالی که بدنش گرم است مس کنیم و بدنمان یا بدن میت رطوبتی داشته باشد تنها شستن بدن کافی است، ولی در صورتی که بدن میت سرد شده و به او دست بگذاریم، غسل مس میت لازم است.

رکوع و سجود طولانی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«اشهد أنّك ... كنت ... تطویل الركوع و السجود»^۲؛

«گواهی می‌دهم که تو ... رکوع و سجود طولانی داشتی».

امام حسین علیه السلام عاشق عبادت و رکوع و سجود برای خداوند متعال بود. او نماز را با رکوع‌ها و سجده‌های طولانی به جای می‌آورد، و همین مناجات‌ها و ارتباط او با خدا بود که از او مردی با عظمت ساخت و لذا در برابر تمام مصائب هم چون کوهی استوار ایستاد و خم به ابرو نیاورد، و به استقبال مصائب و مشکلات رفت و سرافراز

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۸۱.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۸.

بیرون آمد. ما نیز باید از امام حسین علیه السلام درس گرفته و او را الگویی خود در تمام کارهایمان قرار دهیم.

نماز خواندن پشت قبور امامان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حکم نماز در مشاهد امامان معصوم علیهم السلام و نحوه آن فرمود:

«أما الصلاة فأنها خلفه و يجعل القبر امامه، و لا يجوز أن يصلّي بين يديه و لا عن يمينه و لا عن يساره؛ لأنّ الامام علیه السلام لا يتقدّم عليه و لا يساوي»^۱؛
«أما نماز باید پشت امام باشد به نحوی که قبر جلوی او قرار گیرد، و جایز نیست که جلوی امام یا طرف راست و یا چپ او نماز گذارد؛ زیرا نمی توان بر امام پیشی گرفت یا مساوی او نماز به جای آورد».

حکم گرداندن تسبیح در حال نماز

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حکم گرداندن تسبیح در حال نماز واجب و یا مستحب فرمود:

«يجوز ذلك اذا خاف السهو و الغلط»^۲؛
«اگر خوف سهو و غلط دارد می تواند این کار را انجام دهد».

حکم تسبیح با دست چپ

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره تسبیح گرداندن با دست چپ فرمود:

«يجوز ذلك و الحمد لله»^۳؛
«این کار جایز است، و ستایش مخصوص خداوند است».

حکم سجده بر تربت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره سجده بر لوحی از تربت قبر امام حسین علیه السلام فرمود:

«يجوز ذلك و فيه الفضل»^۱؛
«این کار جایز بوده و در آن فضیلت است».

حکم سجده بر قبور امامان در حال نماز

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره سجده بر قبور امامان علیهم السلام فرمود:

«أما السجود على القبر فلا يجوز في نافلة ولا فريضة ولا زيارة، والذي عليه العمل ان يضع خده الايمن على القبر»^۲؛
«اما سجده بر قبر نه در نافله و نه در فريضة، و نه در زیارت جایز نیست، و آنچه بر آن است عمل این که صورت راستش را بر روی قبر بگذارد».

حکم ملحق شدن به امام جماعت در حال رکوع

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره کسی که به امام جماعت در حال رکوع ملحق شده و تکبیر رکوع را نشنیده فرمود:

«إذا لحق مع الامام من تسبیح الركوع تسبیحة واحدة اعتدّ بتلك الركعة، وان لم يسمع تكبيرة الركوع»^۳؛
«اگر به یک تسبیح امام از تسبیحات رکوع رسید به آن رکعت اعتنا کرده و یک رکعت به حساب آورد، گرچه تکبیر رکوع را نشنیده باشد».

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۸۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۶۲.

۳. همان.

حکم یقین به عدم انجام نماز ظهر به طور کامل در حال نماز عصر

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره کسی که نماز ظهر را خوانده و بعد از دخول در نماز عصر و به جای آوردن دو رکعت از آن یقین پیدا می کند که دو رکعت از نماز ظهر را نخوانده فرمود:

«ان كان احدث بين الصلاتين حادثة يقطع بها الصلاة اعاد الصلاتين، و اذا لم يكن احدث حادثة جعل الركعتين الاخيرتين تتمّة لصلاة الظهر و صلّى العصر بعد ذلك»^۱؛

«اگر در بین دو نماز کاری را انجام داد که نماز را با آن قطع می کند هر دو نماز را اعاده می نماید، ولی اگر کاری انجام نداده، دو رکعت آخر را تتمّة نماز ظهر کرده و بعد از آن نماز عصر را به جای می آورد».

حکم نماز در مرکب هنگام شدت برف

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره کسی که در محملی است و برف زیادی آمده و از پیاده شدن خوف دارد، آیا می تواند در محمل نماز بخواند فرمود:

«لا بأس به عند الضرورة و الشدة»^۲؛
«هنگام ضرورت و گرفتاری اشکالی در آن نیست».

سنت، هنگام ورود در نماز

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره سنت هنگام توجه به نماز فرمود:

«التوجه كلّه ليس فريضة، و السنة المؤكّدة فيه التي هي كالإجماع الذي

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۶۲.

۲. الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۸۷.

لا خلاف فيه: (وجّهت وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفاً مسلماً علی ملّة ابراهیم و دین محمد و هدی امیرالمؤمنین و ما انا من المشرکین. انّ صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله ربّ العالمین، لا شریک له، و بذلك امرت و انا من المسلمین ...)^۱؛

«هیچ گونه از انواع توجه واجب نیست، و سنت مؤکّد در آن که همانند اجماعی است که در آن خلافتی نیست این که بگوید: (رویم را به طرف کسی کردم که آسمان‌ها و زمین را خلق کرده و به سوی توحید تمایل دارم و تسلیم اویم، بر ملت ابراهیم علیه السلام و دین محمد صلی الله علیه و آله، و هدایت امیرالمؤمنین علیه السلام و من از مشرکان نخواهم بود. همانا نماز و مناسک و زندگی و مرگم [همگی] برای خداوندی است که پروردگار عالمیان است، خداوندی که برای او شریکی نمی‌باشد، و من به آن دستور داده شده‌ام و از مسلمانان می‌باشم...».

مستحب است که قبل از تکبیر نماز این جملات گفته شود.

ثواب سوره‌هایی که در نماز خوانده می‌شود

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره کسی که در نمازش سوره «قدر» و «حمد» را ترک کرده و سوره دیگر را قرائت کرده فرمود:

«الثواب فی السور علی ما قد رُوی، و اذا ترک سورة ممّا فیها الثواب و قرأ «قل هو الله أحد» و «انا انزلناه»؛ لفضلهما، اعطى ثواب ما قرأ و ثواب السورة التي ترک، و يجوز ان یقرأ غیر هاتین السورتین و تكون صلاته تامّة، ولكن یكون قد ترک الفضل»^۲؛

«ثواب در سوره‌ها آن گونه است که روایت شده. و هرگاه سوره‌ای را ترک کرد که در آن ثواب است و (قل هو الله احد) و (انا انزلناه) را قرائت نمود، به جهت

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۹.

۲. غیبت، طوسی، ص ۲۷۴.

فضیلتی که دارند، به او هم ثواب سوره‌ای داده می‌شود که قرائت کرده و هم ثواب سوره‌ای که آن را ترک کرده است. و نیز جایز است که غیر این دو سوره را قرائت کند و در عین حال نمازش کامل است، و تنها فضیلتی را رها کرده است».

خواندن سوره «حمد» و «قدر» آن قدر در نماز ثواب دارد که اگر کسی در نماز سوره‌های دیگر را رها کرده و به یکی از این دو بپردازد هم ثواب این دو سوره را دارد و هم سوره‌هایی که به خاطر این دو آن‌ها را رها کرده است.

حکم قنوت در نماز جعفر طیار

امام زمان علیه السلام درباره موقع قنوت در نماز جعفر طیار علیه السلام می‌فرماید:

«و القنوت مرتان فی الثانية قبل الركوع و الرابعة»^۱؛

«و قنوت دو بار است یکی در رکعت دوم قبل از رکوع و دیگری در رکعت چهارم».

نماز جعفر طیار چهار رکعت است که دو رکعت دو رکعت خوانده می‌شود و در رکعت دوم هر کدام، قبل از رکوع قنوت خوانده می‌شود که مجموعاً دو قنوت دارد.

حکم نماز جعفر طیار در سفر

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حکم خواندن نماز جعفر طیار در سفر فرمود:

«يجوز ذلك»^۲؛

«این کار جایز می‌باشد».

از این حدیث استفاده می‌شود که مسافر می‌تواند نماز جعفر طیار را نیز در سفر بخواند و به ثواب عظیم آن نایل گردد.

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۸۷.

۲. همان.

وقت فضیلت نماز جعفر طیار

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره فضیلت نماز جعفر طیار فرمود:

«افضل اوقاتھا صدر النهار من یوم الجمعة، ثم فی ایّ الايام شئت و ایّ

وقت صلّیتھا من لیل او نهار»^۱؛

«بهترین اوقات این نماز اول روز جمعه است، سپس در هر روز از روزها

که خواست و هر وقتی که اراده کرد از شب یا روز می‌تواند این نماز را

به جای آورد.»

حکم سهو در تسبیحات نماز جعفر طیار

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره کسی که در تسبیحات نماز جعفر طیار شک

می‌کند فرمود:

«اذا سهی فی حالة من ذلك ثم ذکر فی حالة اخرى قضی ما فاتھ فی

الحالة التي ذکر»^۲؛

«هرگاه در حالتی از آن سهو کرد و در حالت دیگر یادش آمد آنچه را که از او

در حالتی که ذکر شد فوت شده را قضا نماید.»

اگر تسبیحات نماز جعفر طیار را در رکعتی از آن نماز سهو کرده و به جای نیاورد،

هرگاه در رکعت دیگر یادش آمد می‌تواند آن تسبیحات فراموش شده را تدارک کند.

حکم سجده اشتباهی در نماز شب

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره سجده اشتباهی بر غیر زمین و آنچه از آن

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۶۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۱.

می‌روید در شب تاریک در نماز شب فرمود:

« ما لم یستوِ جالساً فلاشیء علیه فی رفع رأسه لطلب الخُمرۃ »^۱؛

« تا مادامی که به طور کامل ننشسته چیزی بر او به جهت برداشتن سرش برای پیدا کردن سجاده نیست ».

پاک شدن اموال با پرداخت زکات

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیعیانش فرمود:

« اما اموالکم فما قبلها الا لتطهروا »^۲؛

« ما اموالتان را تنها به جهت پاک کردنش می‌پذیریم ».

یکی از فروع دین و تکالیف مالی که متوجه کشاورزان است مسأله زکات می‌باشد، که با پرداخت آن مال زکوی پاک شده و رشد و نمو پیدا می‌کند. انسان هرچه از اموال خود را در راه خدا بدهد اما قبل از آن زکات مالش را نپرداخته باشد هیچ‌گاه مورد قبول خدا و اهل بیت علیهم السلام قرار نمی‌گیرد، و لذا این امر امتحان بزرگی برای انسان است.

برکت داشتن توشه و خرجی سفر حج و زیارت

امام زمان بر زاد و توشه و نفقه حجّاج و زائران اماکن مقدسه و مراقب مشرفه دعا به برکت کرده آنجا که به خداوند عرضه می‌دارد:

« و باریک للحجّاج و الزوّار فی الزاد و النفقة »^۳؛

« و به توشه و سرمایه حجّاج برکت عنایت کن ».

ممکن است که معنای جمله بالا این باشد که خداوند متعال به مال افراد برکت دهد

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۴.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۶۹.

۳. البلد الامین، ص ۳۴۹.

تا خرجی و توشه سفر حج و زیارت خود را از مال برکت دار کسب نمایند.
و نیز ممکن است که معنای آن این باشد که خداوند متعال به زاد و توشه حجّاج و
زوّار که به حج آورده‌اند برکت دهد تا در جای خوب مصرف شود.

قسمت بودن حج

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی از خداوند متعال می‌خواهد تا حج را به فضل
و کرمش قسمت مسلمانان کند؛ آنجا که عرضه می‌دارد:

« و اقض ما اوجبت عليهم من الحجّ و العمرة بفضلك و رحمتك يا ارحم
الراحمين »^۱؛

« و حج و عمره‌ای را که بر آنان واجب کرده‌ای قسمتشان گردان. »

خداوند متعال گرچه حج را بر عموم مردم واجب کرده ولی باید دانست که انجام و
به جای آوردن آن فریضه به قسمت است، و در این قسمت اراده و خواست خود
انسان نیز سهم است؛ زیرا قضای الهی با شرایطی است که با اراده انسان همراه است.

حکم احرام در لباس خنز

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره احرام در لباس خنز فرمود:

« لا بأس ذلك، و قد فعله قوم صالحون »^۲؛

« اشکالی ندارد، و اقوام صالحی این کار را انجام داده‌اند. »

حکم نیت در حج نیابتی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره حج نیابتی و این که آیا احتیاج نیت انجام آن از

۱. المصباح، ص ۲۰۸.

۲. غیبت، طوسی، ص ۳۷۸.

طرف منوب عنه دارد یا خیر فرمود:

« یذکره و ان لم یفعل فلا بأس »^۱؛

« باید نام او را به یاد آورد، ولی اگر این کار را نکرد اشکالی ندارد ».

حکم حرمت رفتن به سایه بان در حال احرام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که دربارهٔ محرمی که برای خود حفاظی از باران گرفته تا لباسش خیس نشود و محملش مرطوب نگردد فرمود:

« اذا فعل ذلك في المحمل في طريقه فعليه دم »^۲؛

« هرگاه این کار را در محمل در بین راه انجام داد باید یک قربانی بدهد ».

حکم نحر از کسی که اسمش را فراموش کرده

از امام زمان علیه السلام نقل شده که دربارهٔ کسی که شتری برای کسی خریده که غائب است و هنگام نحر از طرف او نامش را فراموش کرده فرمود:

« لا بأس بذلك و قد اجزأ عن صاحبه »^۳؛

« مشکلی در آن نیست و از طرف صاحبش مجزی است ».

در عمل نیابتی، ذکر نام کسی که عمل را نیابتی از طرف او انجام می‌دهد لازم نیست و همین که عمل را از طرف کسی که او نایبش می‌باشد انجام دهد کافی است.

حکم بستن لنگ احرام از پشت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که دربارهٔ حکم بستن لنگ احرام از پشت فرمود:

« جائز ان یتزر الانسان کیف شاء اذا لم یُخْدِث فی المئزر حدثاً بمقراض

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲ و ۳. غیبت، طوسی، ص ۳۷۸.

و لا ابرة يخرج به عن حد المئزر... فان السنة المجمع عليها بغير خلاف
تغطية السرة و الركبتين، و الاحب الينا و الافضل لكل احد شده على
السبيل المعروفة للناس ان شاء الله»^۱؛

«جایز است بر انسان که هرگونه که خواست حوله [احرام] را ببندد، در
صورتی که در آن چیزی را با قیچی و سوزن ایجاد نکرده باشد که از حد حوله
بودن خارج سازد... زیرا سنتی که بر آن اجماع بوده و در آن خلافتی نیست
عبارت است از پوشاندن ناف تا دوزانو، و بهتر نزد ما و برتر برای هرکس آن
گونه‌ای است که بین مردم معروف است، اگر خدا بخواهد».

مقدار واجب در لنگ احرام آن است که ما بین ناف و زانو را بپوشاند، و در کیفیت
بستن آن باید طوری لنگ را ببندد که مردم می‌بندند و نباید کاری کند که بین مردم
شناخته گشته و بر خلاف همه باشد؛ زیرا در آن مکان شریف باید از طرفی یکپارچگی
را حفظ کرده و دیگر این که نباید بین مردم مشهور شد.

*

حکم بستن لنگ احرام با وسیله خارجی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره بستن لنگ با چیزی غیر از لنگ فرمود:

«لا يجوز شد المئزر بشيء سواه من تكة و لا غيرها»^۲؛

«بستن حوله [احرام] با چیزی غیر از آن از تکه یا چیز دیگر جایز نیست».

مطابق این روایت بستن لنگ احرام یا تکه یا وسیله‌ای دیگر به غیر از خود لنگ
جایز نیست.

*

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۹.

جهاد، بعد از هدایت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام می فرماید:

«...فجاهدتم بعد الإيعاز لهم و تأكيد الحجّة عليهم...»^۱؛

«...پس از آن که آنان را از کار خود بازداشته، و حجت و دلیل را برایشان تأکید نمودی، با آنان کارزار کردی...».

هدف اصلی هدایت مردم است و لذا تا حدّ توان قبل از آن که دست به اقدام عملی بزنیم باید در صدد هدایت گمراهان باشیم، و در صورتی که از هدایت آنها ناامید شدیم و آنان را موعظه کرده و حجت را بر آنان تمام نمودیم اقدام عملی را شروع کرده و با آنها مقابله نماییم، همان گونه که امام حسین علیه السلام چنین نمود.

*

شروع کننده نبودن به جنگ

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«فجاهدتم... و بدؤوك بالحرب»^۲؛

«با آنان جهاد کردی... و آنان با تو شروع به جنگ کردند».

اسلام هیچ گاه اجازه نمی دهد که شروع کننده جنگ باشیم؛ زیرا هدف در اسلام هدایت مردم است نه کشتن آنها، و لذا جنگ را در جایی اجازه می دهد که حجت بر مخالفان تمام شده و دست از عناد و سرکشی برندارند، و این کاری بود که امام حسین علیه السلام در صحرای کربلا انجام داد.

*

۱. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۲. همان.

حکم گواهی صاحب برص و جذام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره گواهی کسی که برص و جذام داشته یا فلج است فرمود:

«ان كان ما بهم حادثاً جازت شهادتهم، و ان كان ولادة لم تجز»^۱؛
«اگر آنچه بر آنان است نبوده و حادث شده، گواهی آنان جایز است، ولی اگر مادرزادی بوده جایز نیست».

حکم ازدواج بین زنی و نوه دختری آن زن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره ازدواج با زنی و نوه دختری آن زن فرمود:

«قد نهی عن ذلك»^۲؛
«از آن نهی شده است».

حکم گذاشتن تربت با میت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره گذاشتن تربت با میت در قبرش فرمود:

«يُوضَع مع الميت في قبره و يُخَلَطُ بحنوطه ان شاء الله»^۳؛
«با میت در قبرش گذاشته می‌شود و با حنوطش نیز مخلوط می‌گردد، ان شاء الله».

حکم نوشتن با تربت به کفن میت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره نوشتن تربت که میت شهادت به وحدانیت خدا

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۸۷.

۲. همان.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۶۲.

می دهد فرمود:

«يجوز ذلك»^۱؛

«این کار جایز است».



حکم تسبیح با تربت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره تسبیح با تربت قبر امام حسین علیه السلام فرمود:

«يسبح به، فما من شيء من التسبيح افضل منه، و من فضله ان الرجل

يُتْسَى التسبيح و يدير السُّبْحَةَ فَيُكْتَبُ له التسبيح»^۲؛

«با آن تسبیح می شود، و هیچ تسبیحی برتر و بافضیلت تر از آن نیست. و از

فضیلت تسبیح تربت این که کسی ذکر را فراموش می کند ولی تسبیح را

می چرخاند، با این کار برای او تسبیح و ذکر نوشته می شود».



حکم شرکت زن در تشییع جنازه همسرش

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره جواز شرکت زن در تشییع جنازه همسرش

فرمود:

«تخرج في جنازته»^۳؛

«با جنازه او از خانه خارج می شود».

گرچه زن باید در عده وفات در خانه شوهر باشد ولی طبق این روایت شرکت در

تشییع جنازه شوهرش اشکال ندارد و ناقض حکم مذکور نخواهد بود.

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۸۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۶۲.

۳. غیبت، طوسی، ص ۳۷۴.

حکم به زیارت قبر شوهر رفتن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره رفتن زن در حال عده وفات به زیارت قبر شوهرش فرمود:

«تزور قبر زوجها و لاتبیت عن بیتها»^۱؛

«می‌تواند به زیارت قبر همسرش برود ولی در غیر خانه‌اش بیتوته نکند».

گرچه زن در عده وفات شوهرش باید در خانه او بماند ولی این حکم با زیارت قبر شوهرش نقض نمی‌گردد و لذا - طبق این روایت - می‌تواند هرگاه که خواست به زیارت قبر او برود ولی شب را باید در خانه شوهر وفات یافته‌اش بیتوته کند.



حکم خروج زن در حال عده به جهت حوائج

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خروج زن از خانه‌اش در حال عده وفات شوهرش فرمود:

«ان كان حقّ خرجت و قضته، و ان كانت لها حاجة لم يكن لها من ينظر

فيها خرجت لها حتى تقضى و لا يبیت عن منزلها»^۲؛

«اگر حق است خارج شود و آن را قضا نماید، و اگر به آن احتیاج دارد و کسی نیست که در آن نظر نماید می‌تواند به جهت آن از خانه خارج شده و به جای آورد ولی در غیر خانه‌اش بیتوته نکند».

گرچه زن باید در زمان عده وفات در خانه شوهرش بماند ولی این حکم با بیرون رفتن زن به جهت برطرف کردن حاجاتش منافاتی ندارد.

۱. غیبت، طوسی، ص ۳۷۴.

۲. همان.

وقت خواندن دعای وداع ماه رمضان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره وقت خواندن دعای وداع ماه رمضان که آخر شب ماه رمضان است یا آخر روز آن هنگام رؤیت هلال ماه سؤال فرمود:

«العمل فی شهر رمضان فی لیالیه و الوداع یقع فی آخر لیلة منه، فان خاف ان ینقص جعله فی لیلین»^۱؛

«عمل در ماه رمضان در شب‌های آن است و وداع در آخرین شب از ماه رمضان انجام می‌گیرد، و اگر خوف داشت که نقصان پذیرد آن را در دو شب قرار دهد».

اعمالی که درباره ماه رمضان رسیده در شب‌ها انجام می‌پذیرد و لذا باید دعای وداع ماه رمضان در شب آخر ماه خوانده شود، ولی اگر خوف دارد که به جهت شبهه و شک در شب آخر ماه این دعاها از او فوت شود در دو شب آن را قرائت نماید.



ملکیت در اسلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره خرید ملکی فرمود:

«الضیعة لا یجوز ابتیاعها الا من مالکها او بأمره و رضاً منه»^۲؛

«آن ملک را نمی‌توان جز از مالکش یا به دستور و رضایتش خرید».

ملک را باید از خود مالکش خرید و یا این که به توسط کسی خرید که از ناحیه صاحبش دستور فروش دارد و او راضی به فروش ملکش می‌باشد.



۱. غیبت، طوسی، ص ۲۷۴.

۲. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۸۵.

حکم دو حدیث متعارض

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره دو حدیث متعارض فرمود:

«...بایّهما اخذت من جهة التسليم كان صواباً»^۱؛

«...به هر کدام از آن دو از جهت تسلیم اخذ نمایی صحیح است».

مطابق این روایت هرگاه دو روایت که هر دو حجت اند با یکدیگر در مفادشان تعارض بود و نتوان آن‌ها را جمع عرفی کرد می‌توان به هر کدام عمل کرده و برابر آن تسلیم شد.

حکم لباس‌های خریداری شده از کفار

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره لباس‌هایی که از مجوس خریداری شده و آن‌ها مردار و حیوان غیر مذکّی می‌خورند و غسل جنابت نمی‌کنند، که آیا می‌شود در آن‌ها نماز خواند؟ فرمود:

«لا بأس بالصلاة فيها»^۲؛

«نماز در آن‌ها اشکال ندارد».

حکم استفاده از اموال حرام خوار

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره وکیلان و قف که آنچه را در اختیارشان است بر خود حلال می‌شمرند و انسان را به طعامشان دعوت کرده و هدیه می‌دهند فرمود:

«ان كان لهذا الرجل مال او معاش غير ما في يده فكلّ طعامه و اقبل برّه

و الا فلا»^۳؛

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۴.

۲. احتجاج، طبرسی، ص ۳۷۸.

۳. غیبت، طوسی، ص ۳۷۸.

«اگر برای آن مرد مال یا معیشتی غیر از آنچه در دست اوست می باشد از
غذایش بخور و هدیه اش را بپذیر، وگرنه چنین مکن.»

حجیت خبر ثقه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«أما محمد بن عثمان العمری رضی الله عنه و عن ابیه من قبل؛ فأنه
ثقتی و کتابه کتابی»^۱؛

«أما محمد بن عثمان عمری - خداوند از او و از پدرش از قبل راضی باشد - او
مورد اعتماد من است و نامه او نامه من محسوب می شود.»

یکی از مباحثی که در علم اصول و علم حدیث مطرح است بحث از حجیت خبر
ثقه می باشد. علما برای مدعای خود به آیات، روایات، اجماع، درک عقل و بنای
عقلا استدلال کرده اند که یکی از روایات، توثیق امام زمان علیه السلام و تأیید محمد بن عثمان
عمری است، و توثیق او در حقیقت به معنای حجیت خبر هر شخص ثقه است و لذا
باید به مفاد خبر او عمل کرد.

قبول شدن اموال حلال و پاک

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به اسحاق بن یعقوب فرمود:

«و اما ما وصلتنا به فلا قبول الا لما طاب و طهر»^۲؛

«آنچه را که [از اموال] به ما می رسانی تنها مواردی قبول است که حلال و
پاک باشد.»

انسان هرچه مال در راه خدا بدهد و برای کار خیر مصرف کند باید بداند مالی

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

۲. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۶۹.

مورد رضایت خدا و قبول اهل بیت علیهم السلام واقع می‌شود که پاک و حلال باشد و از راه حرام و شبهه ناک به دست نیامده باشد، و لذا مقدار کمی از مال حلال که در راه خدا داده می‌شود از مقدار زیاد که حرام و شبهه ناک است بهتر است که در این راه داده شود.

*

حرام بودن پول آوازه خوان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«ثمن المغنیة حرام»^۱؛

«اجرت زن آوازه خوان حرام است».

از آنجا که آوازه خوانی حرام است، لذا اگر کسی خود را اجیر برای این کار حرام کند و از این راه پولی به دست آورد برای او حرام بوده و مالک آن نمی‌شود.

*

حرمت آشامیدن آب جو

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«اما الفقاع فشریه حرام»^۲؛

«اما آب جو، پس آشامیدنش حرام است».

آب جو نیز در اسلام همانند شراب حرام شده گرچه ماده سکرآورش از شراب کمتر است. و لذا در روایات آمده که فقاع و آب جو نیز همان شراب است که مردم آن را کوچک شمرده‌اند.

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۶۹.

۲. اعلام الوری، ص ۴۵۲.

وجوب ختان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«...إِنَّ الْأَرْضَ تَضِجُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ بَوْلِ الْأَغْلَفِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً»^۱؛
«... همانا زمین به سوی خداوند عزوجل از بول کسی که ختنه نکرده تا چهل
صبح ضجه می زند».

از واجباتی که به مرد اختصاص دارد و باید قبل از رسیدن به حد بلوغ باید انجام
دهد ختنه کردن است، و در صورت ختنه نکردن، در موقع بول کردن، زمین تا چهل
روز فریاد برمی آورد.

*

لزوم غلبه مسلمین بر کفار

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی عرضه می دارد:

«و تَفَضَّلْ ... عَلَى الْغَزَاةِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلْبَةِ»^۲؛
«و به رزمندگان نصرت و غلبه عنایت فرما».

مسلمانان وظیفه دارند که هنگام هجوم دشمنان اسلام بر آنها به مبارزه برخاسته
و سعی بلیغ داشته باشند تا بر آنها نصرت یافته و غلبه کنند و هرگز زیر سلطه اسارت
و چکمه آنها نروند، چرا که اسلام هرگز نخواسته که مسلمانان ذلیل و خوار و
زیر دست کفار باشند.

*

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰.

۲. المصباح، ص ۲۰۸.

حرمت سرقت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«و اکفف ایدینا عن الظلم و السرقة»^۱؛

«دست ما را از ظلم و تعدی و تجاوز بازدار».

یکی از محرمات الهی سرقت است. سرقت با دست‌انواع و اقسامی دارد که یکی از آنها سرقت اموال مردم با دست است و نوع دیگر سرقت احادیث و اخبار و روایاتی است که - مع الاسف - برخی از متعصبان به جهت مخالفت آنها با عقایدشان با آن که صحیح‌السند است از کتاب‌هایشان حذف می‌کنند.

✽

مقابله با تجاوزکنندگان به حدود الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که از خداوند متعال این گونه می‌خواهد:

«... و انصرنی علی من تعدی محدودک»^۲؛

«... مرا به جهت مقابله با کسانی که از حدودت تجاوز کرده‌اند یاری فرما».

برخی از افراد هستند که حدود الهی را که همان تکالیف خداوند متعال است شکسته و به آن تجاوز می‌کنند، و وظیفه هر مسلمانی است که با آنان مقابله نماید، ولی باید در این کار مهم از خداوند متعال یاری بجوییم، همان گونه که امام زمان علیه السلام از خداوند در این امر مهم یاری می‌طلبد.

✽

۱. المصباح، ص ۲۰۸.

۲. مهج الدعوات، ص ۳۰۲.

ضرورت برپایی حدود الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«... و وقفنی لإقامة حدودك»^۱؛

«... و مرا بر اقامه حدودت موفق گردان».

حدود الهی باید پیاده شود و از آن جا که کار بزرگی است لذا احتیاج به توفیق خداوند متعال دارد، و بدین جهت است که باید از خداوند متعال بخواهیم که ما را بر انجام آن موفق گرداند، همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام از خداوند خواستار است.

بنای بر قبور

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«السلام علی صاحب القبة السامیة»^۲؛

«سلام بر صاحب گنبد بلند».

و نیز می‌فرماید:

«السلام علیک یا مولای، و علی الملائكة المرفوعین حول قبّتك»^۳؛

«سلام بر تو ای مولای من، و بر فرشتگانی که گرداگرد قبر تو هستند».

گرچه وهابیان بنای بر قبور را بدعت و آن را مظهر شرک می‌دانند، ولی در جای خود ثابت شده که این عمل مصداق تعظیم شعائر الهی و ترفیع بیوتی است که خداوند متعال اذن آن را داده است، و تأیید آن این که مطابق حدیث دوم ملائکه به گرداگرد قبه امام حسین علیه السلام می‌گردند.

۱. مهج الدعوات، ص ۳۰۲.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۸.

۳. همان.

زیارت قبور

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«السلام عليك و على الملائكة... الواردین لزیارتك»^۱؛

«سلام بر تو و بر فرشتگانی که... به جهت زیارتت بر تو وارد می‌شوند».

وهابیان گرچه سفر به جهت زیارت قبور حتی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله را بدعت می‌دانند و آن را جایز نمی‌شمارند، ولی مطابق روایات بسیار و در حد تواتر و بعضاً صحیح‌السند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردم را به زیارت قبرش تشویق و ترغیب کرده است، و در جملات فوق اشاره شده که ملائکه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می‌آیند.

✽

امر به معروف و نهی از منکر

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«... و امرت باقامة الحدود و الطاعة للمعبود، و نهیت عن الخبائث و

الطغیان»^۲؛

«... و به برپا داشتن حدود و فرمانبری از معبود امر نمودی، و از پلیدی و

سرکشی بازداشتی».

یکی از وظایف عموم مسلمانان امر به معروف بلکه برپاداشتن آن و اطاعت خداوند متعال است، و نیز باید مردم را عملاً از پلیدی‌ها و سرکشی‌ها بازداشت، همان‌گونه که امام حسین علیه السلام چنین نمود.

✽

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۲۸.

۲. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

نهی از تشکیک در نقل راویان ثقه

امام مهدی علیه السلام می فرماید:

«لَا عُدْرَ لِأَحَدٍ مِنْ مَوَالِينَا فِي التَّشْكِيكِ فِيمَا يُؤَدِّيهِ عَنَّا ثِقَاتُنَا»^۱

«در تشکیک نسبت به روایاتی که موثقان از ما برای شما نقل می کنند، احدی از شیعیان ما عذری ندارند.»

فقهای عظام، در کتاب های استدلالی اصول، برای حجیت خبر ثقه، به این روایت تمسک کرده اند؛ زیرا، در این روایت، حضرت در واقع، به متابعت و قبول روایات کسانی امر کرده است که مورد وثوق اند و سنت اهل بیت علیهم السلام را نقل می کنند. مفاد حدیث، آن است که کسی حق ندارد، در روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام به واسطه اصحاب مورد وثوق نقل شده، تشکیک کند و به آنها ترتیب اثر ندهد، مگر در صورتی که علم به خطای آن داشته باشد یا این که مفاد خبر، مخالف با کتاب و یا سنت قطعی یا عقل سلیم باشد؛ زیرا، این ثقات از اصحاب اند که واسطه نشر معارف اهل بیت علیهم السلام، هستند و تشکیک در روایات آنان، سبب می شود که چیزی از معارف اهل بیت علیهم السلام، به دست ما نرسد.

لازم به تذکر است که وثاقت، درجاتی دارد که بعضی از مراتب آن، ملازم با عدالت، بلکه فوق عدالت است. تعبیری که امام حسین علیه السلام، برای حضرت مسلم بن عقیل در نامه خود به اهل کوفه بیان داشته اند: «و من به سوی شما برادر و پسر عمو و مورد وثوق از خاندانم، مسلم بن عقیل را نزد شما می فرستم»^۲. مرتبه فوق عدالت را می رساند.

*

۱. رجال کشی، ج ۲، ص ۸۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۳۱۸ و ۳۱۹، ح ۱۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۸، ح ۶۱.

۲. الإرشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۹؛ إعلام الوری، ج ۱، ص ۴۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۴.

حکم وقف

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الْوَقْفِ عَلَيَّ نَاحِيَّتِنَا وَمَا يَجْعَلُ لَنَا ثُمَّ يَخْتِاجُ إِلَيْهِ ضَاجِبُهُ، فَكُلُّ مَا لَمْ يُسَلِّمْ فَضَاجِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ، وَكُلُّ مَا سَلَّمَ فَلَا خِيَارَ فِيهِ لِضَاجِبِهِ، إِخْتِاجَ إِلَيْهِ ضَاجِبُهُ أَوْ لَمْ يَخْتِجْ^۱»؛

«از ما درباره این که فردی چیزی را برای ما وقف کرده؛ ولی خودش به آن محتاج شده، پرسیده‌ای. حکم این چنین فردی، این است که در آن چه برای ما وقف کرده، ولی تسلیم ما نکرده، مختار است و می‌تواند وقف را به هم بزند، ولی آن چه را به جهت تسلیم وقف‌اش مسلم شده، دیگر نمی‌تواند آن را برگرداند، خواه به آن احتیاج داشته باشد یا نداشته باشد.»

حکم وقف با معاملات دیگر، تفاوت دارد. اگر کسی چیزی را بفروشد و پول‌اش را از مشتری بگیرد، ولی پشیمان شده و از معامله صرف نظر کند، می‌تواند پول را پس دهد و معامله را به هم زند، اما وقف این‌گونه نیست. وقتی چیزی وقف شد، اگر واقف، آن را به موقوف علیه (کسانی که آن چیز برای آنان وقف شده) تسلیم نکرده باشد، می‌تواند وقف را بر هم زده و به دارایی‌های خودش بازگرداند، ولی اگر مال موقوف را در اختیار موقوف علیه قرار داد، آن وقف حتمیت پیدا می‌کند و واقف نمی‌تواند به هیچ عنوان آن را به اموال خود بازگرداند.

در این حکم، فرق نمی‌کند که موقوف علیه چه کسی باشد، امام معصوم باشد یا فرد عادی. نیز تفاوتی ندارد که مال موقوف چه مقدار باشد، کم یا زیاد.



۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰، ج ۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲، ح ۱۱.

حرمت اموال مردم

امام مهدی علیه السلام می فرماید:

«فَلَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ مِنْ مَالٍ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ^۱»؛

«برای هیچ کس جایز نیست که بدون اذن صاحب مال، در مالش تصرف کند.»

حضرت، به مطلبی اشاره می کنند که در آیه شریفه: ﴿لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ﴾^۲ به آن اشاره شده است. خداوند در این آیه فرموده است: «اموال خود را بین خود به باطل نخورید، بلکه تصرف شما، به واسطه تجارتی باشد که با رضایت شما، در میان تان متداول است». همان گونه که آبروی مسلمان باید حفظ شود و جانس محفوظ باشد، مالش نیز باید چنین باشد، و دیگران چشم سوئی به آن نداشته باشند. مالک مال دیگران شدن، اگر بدون اسباب شرعی و عرفی از قبیل تجارت با رضایت، بخشش، ارث، اجاره و یا سایر اسباب شرعی که در فقه اسلامی به آن ها اشاره شده باشد، نتیجه ای جز جامعه ای پر هرج و مرج در پی ندارد. در این آیه و نیز حدیث شریف، این گونه دستور داده شده که تصرف در مال دیگران، به هر گونه که باشد، باید با رضایت یا اذن یا اجازه صاحب مال باشد و کسی حق ندارد با زور، مال دیگری را از دست اش بیرون آورد و خود را صاحب آن داند.

زکات، پاک کننده نفس

امام مهدی علیه السلام می فرماید:

«أَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَلَا تَقْبَلُهَا إِلَّا لِتَطَهَّرُوا، فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ،

۱. کمال الدین، ص ۵۲۱، ح ۴۹؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۳، ح ۱۱؛ وسائل الشیعة،

ج ۹، ص ۵۴۰ و ۵۴۱، ح ۱۲۶۷۰.

۲. سوره نساء، آیه ۲۹.

فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ^۱؛

«اما اموال شما، پس آن‌ها را نمی‌پذیریم، مگر به خاطر این که پاک شوید. پس هر که می‌خواهد، بپردازد، و هر که نمی‌خواهد، نپردازد. آنچه را که خدا به ما عطا کرده، از آنچه به شما عطا نموده بهتر است.»

حضرت علیه السلام، در این کلام مبارک خود، به این نکته اشاره می‌کند که ثمره پرداخت حقوق مالی واجب، به خود انسان برمی‌گردد و گرفته شدن این اموال از سوی امام، برای پاک شدن نفس پرداخت‌کنندگان است، نه این که امام به آن‌ها محتاج باشد. قرآن کریم نیز در آیه زکات به این نکته اشاره کرده است: ﴿ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ ﴾^۲؛ از اموال آنان، صدقه (زکات) اخذ کن تا آنان را پاک گردانی و تزکیه کنی. و بر آنان درود فرستاده و دعا کن که دعای تو مایه آرامش آنان خواهد بود.»

دوری از شیطان به وسیله نماز

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

« مَا أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ، فَصَلِّهَا وَأَرْغِمِ أَنْفَ الشَّيْطَانِ »^۳؛

«هیچ چیز به مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌ساید، پس نماز بگذار و بینی ابلیس را به خاک بمال.»

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۴، ح ۴؛ الغيبة، طوسی، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۳؛ إعلام‌الوری، ج ۲، ص ۲۷۱؛ کشف‌الغمة، ج ۳، ص ۳۳۹؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۴؛ بحار‌الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰.

۲. سوره توبه، آیه ۱۰۳.

۳. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۵۲۰، ح ۴۹؛ فقیه، ج ۱، ص ۴۹۸، ح ۱۴۲۷؛ تهذیب‌الأحكام، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۱۵۵؛ الإستبصار، ج ۱، ص ۲۹۱، ح ۱۰؛ الغيبة، طوسی، ص ۲۹۶، ح ۲۵۰؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۸؛ بحار‌الأنوار، ج ۵۳، ح ۱۸۲، ح ۱۱؛ وسائل‌الشیعة، ج ۴، ص ۲۳۶، ح ۵۰۲۳.

این کلام، از پاسخ‌هایی است که از ناحیه مقدّس امام زمان علیه السلام، در جواب مسائل ابی‌الحسین جعفر بن محمد اسدی، صادر شده است. از این حدیث استفاده می‌شود که به خاک مالیدن بینی شیطان - که در حقیقت غلبه بر شیطان است - اسباب متعدّدی دارد که بهترین راه و سبب این کار، نماز است. سرّ آن، این است که نماز، بر ذکر و یاد خدا و انقطاع از خلق و توجه تامّ به خداوند متعال مشتمل است. زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «**أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدِكْرِي**»؛ نماز را برای یاد من برپا دار. نمازی که چنین باشد، انسان را از فحشا و منکرات باز می‌دارد، و در نتیجه، انسان، بر هوای نفس و شیطان غلبه پیدا می‌کند. و همچنین نماز متصل شدن قطره ناچیز به دریای بی‌کران و استفاده از آن است.

اثر تأخیر نماز از اول وقت

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«**مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْغَدَاةَ إِلَيَّ أَنْ تَنْقُضِيَ النُّجُومَ**»^۱؛

«ملعون و نفرین شده است آن کسی که نماز صبح را عمداً تأخیر بیندازد تا موقعی که ستارگان ناپدید شوند».

از این حدیث و احادیث دیگر استفاده می‌شود که نماز سه وقت دارد:

۱ - وقت فضیلت: که همان اول وقت نماز است و از آن در روایات با تعبیر

«رضوان الله» آمده است. و بهترین وقت برای نماز همین وقت است؛ زیرا:

الف - در این وقت است که دستور بجای آوردن نماز از جانب خداوند متعال صادر

شده است، و اهمیّت دادن به دستورات الهی و فوری انجام دادن آن مطلوب است.

ب - نماز در حقیقت ارتباط موجود محدود و سر تا پا احتیاج با نامحدود و

۱. سوره طه، آیه ۱۴.

۲. الغیبة، طوسی، ص ۲۷۱، ح ۲۳۶؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۶، ح ۱۲؛ وسائل

الشیعة، ج ۴، ص ۲۰۱، ح ۴۹۱۹.

بهره‌برداری از اوست، که این در حقیقت به نفع انسان است، و سرعت و فوریت در آن مطلوب است.

ج - در اول وقت است که امام زمان علیه السلام نماز می‌خواند، و کسانی که در این موقع نماز بخوانند، به برکت نماز حضرت علیه السلام، نمازشان مقبول درگاه خداوند خواهد شد. البته اختلاف افق‌ها تأثیری در این موضوع ندارد، و به عبارت دیگر، منظور انجام نمازها در یک زمان واحد نیست، بلکه مقصود اتحاد در یک عنوان واحد یعنی «ادای نماز در اول وقت» است، منتها هر کسی بر حسب افق خودش.

۲ - آخر وقت: که در روایات با تعبیر «غفران الله» آمده است. تأخیر نماز از اول وقت به آخر وقت مذموم است و لذا امام زمان علیه السلام این چنین شخصی را مورد لعن و نفرین خود قرار داده و از رحمت خدا دور نموده است. در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «بجای آوردن نماز در اول وقت موجب خشنودی خدا است و بجای آوردن آن در آخر وقت گناه داشته ولی مورد عفو و مغفرت و بخشش خداوند است»^۱.

۳ - خارج از وقت: بجا آوردن نماز در خارج از وقت آن است، که اصطلاحاً از آن به «قضا» تعبیر می‌شود. اگر کسی نماز خود را در اول وقت و یا آخر وقت بجای نیاورد باید قضای آن را بجای آورد، و این به امر و دستور جدید است، حال اگر عمداً تأخیر انداخته تا وقت گذشته است، معصیت کرده و باید از آن توبه کند و الا مورد عقوبت خداوند متعال است، ولی اگر از روی سهو و نسیان بوده و در آن قصوری نداشته است، مورد عقوبت الهی نخواهد بود.

سجده شکر

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنْ أَلْزَمِ السُّنَنِ وَأَوْجِبِهَا... فَإِنَّ فَضْلَ الدُّعَاءِ وَالتَّنْبِيحِ

۱. فقیه، ج ۱، ص ۲۱۷، ح ۶۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۵۱، ح ۲۳.

بَعْدَ الْقَرَائِضِ عَلَى الدُّعَاءِ بِعَقِيبِ التَّوَائِلِ، كَفَضْلِ الْقَرَائِضِ عَلَى التَّوَائِلِ،
وَالسَّجْدَةَ دُعَاءً وَتَسْبِيحًا؛^۱

«سجده شکر، از لازم‌ترین و واجب‌ترین مستحبات الهی است... همانا، فضیلت دعا و تسبیح پس از واجبات، بر دعا بعد از نوافل، همانند فضیلت واجبات بر نوافل است. سجده، دعا و تسبیح است.»

حضرت، در این کلام، به اهمیت یکی از مستحبات، یعنی سجده شکر اشاره می‌کند و بعد از آن به دعا و تسبیح بعد از فرائض پرداخته و فضیلت آن را به مانند فضیلت فریضه بر نوافل می‌داند و نیز اصل سجده و قرار دادن پیشانی بر خاک را در اجر و ثواب به منزله دعا و تسبیح می‌داند.

آنچه از بررسی آیات و احادیث به دست می‌آید این است که همه واجبات و یا همه مستحبات، در یک سطح و اندازه نیستند، مثلاً نماز، در میان واجبات، اهمیت‌اش از همه بیشتر است؛ زیرا، قبولی اعمال، به قبول شدن نماز بستگی دارد. در میان مستحبات، برابر این حدیث، سجده شکر، از همه مستحبات، بااهمیت‌تر است. شاید علت، این باشد که سجده شکر، کلید افزایش و تداوم نعمت است؛ یعنی، هرگاه انسان، با دیدن و یا رسیدن نعمتی، شکر گزارد، آن نعمت تداوم یابد و نعمت‌های دیگر نیز نازل گردد. این نکته در قرآن به صراحت آمده است: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾^۲؛ اگر شکر نعمت به جای آورید بر نعمت شما می‌افزایم.»

حضرت علیه السلام، در این حدیث، به چند نکته اشاره می‌فرماید:

۱- سجده شکر، زمان و مکان خاصی ندارد ولی با توجه به این حدیث بهترین زمان برای این کار بعد از نمازهای واجب و نوافل است.

۲- سجده کمال انسان و نهایت خضوع در برابر خداوند متعال است، در این هنگام است که انسان خود را نخواهد دید و هر چه عظمت و بزرگی می‌بیند از آن خداوند

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۳۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۶۱، ح ۳؛ وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۸۵۱۴.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۷.

است، لذا این حالت، بهترین حالت برای بنده است، خصوصاً هنگامی که توأم با ذکر و شکرگذاری لفظی و قلبی باشد

۳- دعا و تسبیح بعد از نمازهای واجب، ثواب زیادی دارد، و از ثواب دعا و تسبیح پس از نمازهای نافله، ثوابش خیلی بیش‌تر است، همان‌گونه که فضیلت فرائض از نوافل بیشتر است.

۴- حضرت علیه السلام، با بیان این که سجده، دعا و تسبیح است، می‌فهماند که خود سجده هم یک نوع تسبیح و دعا است و همان‌گونه که ذکر پس از نماز، مطلوب است، سجده کردن هم کاری مستحب است؛ زیرا، غایت و هدف از دعا و تسبیح، خضوع و خشوع و تذلل برای خداوند متعال است، و شکی نیست که این غایت، در سجده، به نحو اتم و اکمل، است.

فضیلت تسبیح تربت سیدالشهداء علیهم السلام

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«مِنْ فَضْلِهِ، أَنَّ الرَّجُلَ يَنْسِي التَّسْبِيحَ وَيُدِيرُ السُّبْحَةَ فَيُكْتَبُ لَهُ
التَّسْبِيحُ»^۱؛

«از فضائل تربت حضرت سیدالشهداء علیهم السلام آن است که چنان‌چه تسبیح تربت حضرت در دست گرفته شود ثواب تسبیح و ذکر را دارد، گر چه دعایی هم خوانده نشود».

درباره فضیلت تسبیح با تربت حسینی ذکر دو نکته ضروری است که به آنها اشاره می‌کنیم:

۱- تربت امام حسین علیه السلام از جمله تربت‌هایی است که خداوند متعال آن را مبارک گردانیده است؛ زیرا از قطعه زمینی است که جسد پاک و مطهر حضرت سیدالشهداء علیه السلام

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۶۵، ح ۴.

را در برگرفته است. از جمله اغراض و مقاصد عالی در استحباب تسبیح با تربت حسینی آن است که شخص تسبیح کننده با تربت هنگامی که آن را در دست می گیرد به یاد فداکاری امام حسین علیه السلام در پیشگاه خداوند می افتد و این که چگونه یک انسان می تواند در راه عقیده و مبدأ این گونه فداکاری کرده و با ظالمان مقابله نماید. انسان در این حال به یاد آن ارواح پاک و مقدس و مطهری می افتد که جان خود را در راه معشوق حقیقی فدا کرده و در نتیجه ارواح آنان به ملکوت اعلی پرکشیده است. در این هنگام و با این تفکر، حالت خضوع و خشوع در او ظاهر شده، دنیا و آنچه در آن است در نظر او حقیر جلوه می کند، و یک حالت عرفانی و معنوی خاصی در نفس او پدید می آید. و این به جهت توسل و ارتباط با امام حسین علیه السلام از طریق تربت اوست. و به همین جهت است که در روایات می خوانیم سجود بر تربت حسینی حجاب های هفت گانه را پاره می کند.

۲- یکی دیگر از آثار و برکات تسبیح با تربت امام حسین علیه السلام که اهل بیت علیهم السلام با سفارش به آن دنبال می کردند شناساندن مظلومیت امام حسین علیه السلام به مردم است؛ زیرا شخص نماز گزار هر روز بعد از نماز و بهره مندی از آن، هنگامی که چشمش به تربت حسینی می افتد، به یاد امام حسین علیه السلام و فداکاری های او و اصحاب و اهل بیتش می افتد. و معلوم است که یادآوری این چنین الگوهای - از حیث روان شناسی - اثر تربیتی و معنوی عجیبی در نفس انسان خواهد گذاشت، انسان ها را حسینی بار خواهد آورد، روح و خون حماسه حسینی را در وجود انسان به حرکت در خواهد آورد.

Vertical text or markings along the left edge of the page.

اخلاق از دیدگاه
حضرت مهدی علیه السلام

ضرورت وحدت بین شیعیان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیخ مفید رحمته الله علیه فرمود:

«...شملهم الله ببرکتنا و دعائنا ان شاء الله»^۱؛

«...خداوند آنان را به برکت و دعای ما جمع نماید اگر خداوند بخواهد».

امام زمان علیه السلام آرزو دارد که به دعا و برکت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام شیعیانش وحدت داشته و یکپارچه و یک صدا باشند و از پراکندگی و اختلاف پرهیزند.

عدم خویشاوندی خداوند با کسی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«انه ليس بين الله عزوجلّ و بين احد قرابة»^۲؛

«به طور حتم بین خداوند عزوجلّ و بین هیچ کس قوم و خویشی نیست».

کریم ترین فرد نزد خداوند متعال کسی است که تقوای بیش تری داشته باشد؛ چرا که خداوند با کسی و یا قومی خویشی ندارد، و حتی پیامبرش را در صورت مخالفت

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۲. اعلام الوری، ص ۴۵۲.

با دستوراتش تهدید می‌کند آنجا که می‌فرماید:

﴿ وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ... ﴾^۱؛

«اگر او سخنی دروغ بر ما می‌بست، * ما او را با قدرت می‌گرفتیم، * سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم...».

تقوا، منشأ امان از فتنه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیخ مفید رحمته الله فرمود:

«أَنَّ مِنْ اتَّقَى رَبَّهُ مِنْ اخْوَانِكَ فِي الدِّينِ وَ خَرَجَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ مُسْتَحَقُّهُ
كَانَ آمِنًا مِنَ الْفِتْنَةِ الْمُظَلَّةِ»^۲؛

«همانا هرکس از برادران دینی تو تقوای پروردگارش را داشته باشد و بر آن به طوری که مستحق است اقدام کند او از فتنه گمراه کننده در امان است.».

هنگام وقوع فتنه که بسیاری را به کام خود فرو می‌برد تنها کسی می‌تواند از تبعات و مفسدات آن در امان باشد که شیعه خداترس بوده و اهل تقوا و پرهیزکاری باشد.

نعمت‌های خدا، عاریه‌ای به دست ما

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

« وَ مِنْ بَخِلَ مِنْهُمْ بِمَا آعَارَهُ اللَّهُ مِنْ شِيعَتِهِ عَلِيٌّ مِنْ أَمْرِهِ بِصَلْتِهِ، فَإِنَّهُ
يَكُونُ خَاسِرًا بِذَلِكَ لِأَوْلَاهِ وَ آخِرْتِهِ»^۳؛

«و هرکس از شیعیان به آنچه خداوند به او عاریه داده، از آن کس که دستور به صلهاش داده بخل ورزد، به این کارش در دنیا و آخرت زیان خواهد دید.».

۱. حاقه، آیات ۴۴-۴۶.

۲. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

اموالی که در دنیا به دست آوردیم گرچه بر آن زحمت فراوان کشیده‌ایم ولی همگی از آن خداست که به عاریه در اختیار ما قرار داده و به ما فرمان داده که به دیگران نیز عطا کنیم، و کسی که چنین نکند در دنیا و آخرت خسارت خواهد دید.

سخاوت نسبت به ارحام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«و من بخل منهم بما اعاره الله من نعمته علی من امره بصلته فانه خاسراً بذلك لأولاه و آخرته»^۱؛

«و هرکس به آنچه خداوند به او عاریه داده، از آن کس که دستور به صله‌اش داده، بخل ورزد، به این کارش در دنیا و آخرت زیان خواهد دید».

برخی را باید به طور مخصوص مورد توجه قرار داد و به آنها جود و سخاوت نمود و آنها، همان کسانی هستند که رحم انسان‌ها به حساب می‌آیند و ارتباط با آنها لازم است، و لذا باید به طور مخصوص مورد جود و سخاوت انسان واقع شوند.

موفقیت انسان در اطاعت از خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیخ مفید رحمته الله علیه فرمود:

«و لو انّ اشیاعنا وقفهم الله لطاعته»^۲؛

«و اگر شیعیان ما که خداوند آنها را به اطاعتش موقّق دارد...».

توفیق پیدا کردن انسان در اطاعت از دستورات و فرمان خداوند متعال است که این موفقیت نیز با دعاهای امام زمان علیه السلام میسر خواهد شد.

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۸.

۲. همان.

شرف علمای امت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیخ مفید رحمته الله فرمود:

«انّه قد أُذِنَ لنا فی تشریفک بالمکاتبة و تکلیفک ماتوّدیه الی موالینا قبّلك»^۱؛

«همانا به ما اجازه داده شده که شما را به نامه نگاری مشرف نموده و به چیزی تکلیف کنیم که از ناحیه خود به دوست داران ما می‌رسانی».

شرف علمای دین همین بس که واسطه رساندن فیض هدایت بین امام معصوم علیه السلام و مردم‌اند؛ آنان احادیث را از امام گرفته و به مردم می‌رسانند و برای آن‌ها تشریح می‌کنند.

عزت انسان در اطاعت از خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که برای شیعیانش دعا کرده و عرضه می‌دارند:

«اعزّهم الله بطاعته»^۲؛

«خداوند آنان را به سبب اطاعتش عزیز گرداند».

عزت و کرامت انسان در اطاعت از فرامین خداوند متعال است، که این عزت نیز با لطف و عنایات الهی در حق انسان انجام می‌پذیرد.

اخلاص در دین

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیخ مفید رحمته الله فرمود:

«امّا بعد، سلام عليك ايّها المولى المخلص فى الدين، المخصوص فينا باليقين»^۳؛

۱ و ۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

۳. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۵.

«اما بعد، سلام بر تو ای یاور مخلص در دین، که به یقین در راه ما اختصاص یافته‌ای».

شیخ مفید رحمته الله از آن جهت که مدافع مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بوده لذا مورد تمجید فراوان از ناحیه امام زمان علیه السلام قرار گرفته است، و این تمجید به جهت اخلاصی بود که آن مرد بزرگ در کارهایش داشته است، و لذا اگر ما نیز می‌خواهیم مورد توجه امام زمان علیه السلام قرار گیریم باید در کارهایمان اخلاص داشته باشیم.

*

توفیق به جهت یاری حق

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیخ مفید رحمته الله فرمود:

«ادام الله توفيقك لنصرة الحق و اجزل مشوبتك على نطقك عنا بالصدق»^۱؛

«خداوند توفیقت را برای یاری حق ادامه دهد و در این که از طرف ما به راستی سخن می‌گویی ثوابت را زیاد گرداند».

یاری حق و مظهر آن امیر مؤمنان علیه السلام توفیق می‌خواهد که این هم با دعای ولی اعظم خداوند متعال امام زمان علیه السلام میسر خواهد شد؛ همان گونه که آن حضرت برای شیخ مفید چنین دعایی کرده است. خوشا به حال کسی که هر چه نفس می‌زند و با صداقت می‌گوید در راه دفاع از ولایت اهل بیت علیهم السلام است.

*

شروع نامه به نام خدا

احمد بن اسحاق می‌گوید: در جواب نامه‌ام که به امام زمان علیه السلام نوشتم نامه‌ای از

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۵.

طرف آن حضرت به من این گونه آمد:

«بسم الله الرحمن الرحيم، أتاني كتابك...»^۱؛

«به نام خداوند بخشنده مهربان، نامه توبه من رسید...».

مطابق برخی از روایات، هرکاری که بدون نام خدا شروع شود ناتمام خواهد ماند؛ چرا که هیچ کس بی نیاز استعانت از خداوند متعال نیست و اوست که به انسان‌ها در کارهایش نیرو می‌دهد و او را در رسیدن به اهدافش یاری می‌کند.

امکان گمراهی بعد از هدایت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«و انا اعوذ بالله من العمى بعد الجلاء، و من الضلالة بعد الهدى»^۲؛

«و من به خدا پناه می‌برم از کوری بعد از بینایی، و از گمراهی بعد از هدایت».

کسی به هدایت خود نباید دل ببندد و خیالش تا آخر عمر راحت باشد، که هرگز به انحراف کشیده نمی‌شود؛ چرا که چه بسیار افرادی بوده‌اند که بعد از هدایت به ضلالت و انحراف افتادند و لذا باید از این امر به خدا پناه برد.

عدم پیگیری اموری که از ما خواسته نشده

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیعیانش فرمود:

«... و لا تحاولوا كشف ما عَطَىٰ عنكم»^۳؛

«... چیزهایی که از شما پوشیده شده را نخواهید که کشف شود».

ما نباید دایه مهربان‌تر از مادر و یا کاسه از آتش داغ‌تر باشیم و چیزهایی که بر ما

۱. غیبت، طوسی، ص ۲۸۷.

۲. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۵۱۰.

۳. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۲۶۶.

امرش پوشیده شده و از ما نخواسته‌اند پی چویی نماییم تا تکلیف خود را زیاد کنیم، چرا که همین اموری که برای ما بیان شده در رساندن به کمال ما را کفایت می‌کند.

قرار گرفتن در راه راست

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیعیانش فرمود:

«... و لا تمیلوا عن الیمین و لا تعدلوا الی الیسار»^۱؛

«... از راه راست اعراض نکنید و به طرف چپ عدول ننمایید».

خیر و صلاح انسان در آن است که در راه راست قرار گیرد و به راه نادرست منحرف نشود، و راه راست هم راه مستقیم است که در سوره «حمد» به آن اشاره شده و مصداق اتم و اکمل آن بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله راه امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام است.

دوری از شک و تردید

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیعیانش فرمود:

«یا هؤلاء! ما لکم فی الریب ترددون»^۲؛

«ای جماعت شیعه! شما را چه شده که در شک تردد می‌کنید».

یکی از موانع رشد و کمال و ترقی انسان، افتادن در شک و تردید است؛ زیرا علم و معرفت و یقین است که انسان را به عمل واداشته و به نتیجه و اثر واقعی خواهد رسانید. وانگهی شک و تردید است که می‌تواند انسان را به بیراهه بکشد و به بی‌دینی و بی‌بند و باری برساند. و لذا گرچه شک مقدس نیز داریم و آن شکی است که منشأ تحول و تعقل برای انسان شده و در آخر انسان را با کوششی که می‌کند به یقین می‌رساند، ولی اگر برای از بین بردن آن کوشش نشود می‌تواند خطر آفرین نیز باشد.

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۲۶۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

روح یقین

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیعیانش فرمود:

«و هب لنا و لكم روح اليقين»^۱؛

«خداوند به ما و شما روح یقین عنایت فرماید».

بهترین حالت برای انسان، رسیدن به مقام یقین است که کمترین چیزی است که بین انسان‌ها تقسیم شده است. یقین در تمام امور، نسبت به قضا و قدر الهی، نسبت به وجود خدا و توحید و معاد و حساب و کتاب و... که بهترین عامل تأثیرگذار در رشد و تکامل انسانی است.

*

روزی، قوام زندگی و مایه صلاح خانواده

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«و نسألك... ادرار الرزق الذي به قوام حياتنا و صلاح احوال عيالتنا»^۲؛

«از تو می‌خواهم... روزی پیوسته‌ای را که قوام زندگی و آسایش خانواده ما

درگرو آن است».

مال و ثروتی به درد می‌خورد که قوام زندگی انسان بر آن بوده و مصلحت حال عیالات ما در آن است، نه هر ثروتی و در هر جایی که مصرف شود. و لذا از خداوند انسان مالی را بنخواهیم که در این راه خرج شود، نه در راهی که موجب تباهی خانواده گردد.

*

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۸.

۲. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

روزی، صلاح دنیا و تأثیر در آخرت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«و نحن نسألك من الرزق ما يكون صلاحاً للدين و بلاغاً للآخرة»^۱؛

«و ما از تو روزی می‌خواهیم که در آن صلاح دنیا و رسیدن به آخرت در است».

مالی به انسان نفع می‌رساند که هم با آن مصلحت دنیوی تأمین گردد و هم بتوان با آن آخرت خود را آباد نمود. این نوع مال بابرکت است و لذا باید از خداوند متعال چنین مالی را بخواهیم.

شکر بر عافیت و نعمت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اللهم انى اسألك ... الشكر على العافية و النعماء»^۲؛

«بارخدا یا! همانا از تو می‌خواهم ... شکر کردن بر سلامتی و نعمت‌ها را».

از آن جا که نعمت عافیت و سلامتی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند متعال بر ماست لذا در جمله بالا جداگانه ذکر شده که باید بر آن و دیگر نعمت‌های خدا که بر ما ارزانی داده شده شکرگزار باشیم.

قرس از دنیا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اللهم صلّ على محمد و آل محمد، و أوحشني من الدنيا»^۳؛

«بارخدا یا! بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از دنیا بترسان».

انسان اگر واقعاً از چیزی بترسد مواظب و مراقب است که مبادا گرفتارش شود و
گرنه اقدامی در برابر آن هم انجام نمی‌دهد.
اگر کسی دنیا را دوست خود بداند در حالی که همانند مار خوش خط و خال است
او را در بغل می‌گیرد ولی ناگهان بدون آن که ملتفت باشد او را نیش می‌زند، اما اگر از
آن گریزان باشد مواظب است که از او نیش نخورد.

انس با آخرت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ... وَآنْسِنِي بِالْآخِرَةِ»^۱؛

«بارخدا یا! بر محمد و آل او درود فرست... و مرا به آخرت مأنوس بدار».

انسان نباید به دنیا دل ببندد؛ زیرا که فانی و زودگذر است، بلکه به مقدار ضروری
از آن بهره‌برد و برای جایگاه ابدیش در آن چاره‌اندیشی کند، و انس خود را با
آخرت داشته باشد؛ زیرا که تنها امور مربوط به آخرت است که می‌تواند دل انسان را
آرام بخشد.

ترس از خدا، علت وحشت از دنیا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«فَأَنَّهُ لَا يُؤَخِّسُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا خَوْفُكَ»^۲؛

«همانا چیزی جز خوف و ترس از تو [ما را] از دنیا به وحشت نینداخته است».

کسانی که از خدا می‌ترسند و از او خائف‌اند از دنیا وحشت دارند؛ می‌ترسند که مبادا دنیا
آن‌ها را در خود غوطه‌ور کرده و از خدا بازدارد و در نتیجه او را به عذاب دوزخ بکشاند.

۱. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۲. همان.

امید به خدا، علت انس با آخرت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

« لا يُؤْتَسُّ بِالْآخِرَةِ إِلَّا رَجَاؤُكَ »^۱؛

« چیزی جز امیدواری به تو [مارا] به آخرت مانوس نمی‌دارد ».

کسی که به خدا دل بسته و به او امید دارد و دل به دنیا نبسته و در آن غوطه ورنشده است همیشه با آخرت مانوس بوده و به آن دل خوش کرده است، و آخرت و بهشت رضوان الهی است که می‌تواند قلب انسان را آرام کند.

کم حیایی استغفار کننده با اصرار بر گناه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

« اللَّهُمَّ اِنَّ اسْتِغْفَارِي اِيَّاكَ وَاَنَا مُصِرٌّ عَلٰى مَا نَهَيْتَ ، قَلَّةٌ حَيَاءٌ »^۲؛

« بارالها! طلب بخشایشم، در حالی که بر آنچه نهی فرموده‌ای اصرار و پافشاری می‌کنم، براساس کم حیائی‌ام می‌باشد ».

کسی که توبه می‌کند و استغفار می‌نماید ولی در عین حال بر محرّمات الهی و گناهان اصرار می‌ورزد او کم حیاست، چرا که کمی حیای او باعث شده که استغفار کند، ولی از آن جهت که دست از گناه برنمی‌دارد و بر آن اصرار می‌ورزد معلوم می‌شود که حیای به اندازه کافی و لازم ندارد بلکه حیایش کم است.

ضایع شدن حق رجاء با ترک استغفار

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

« اللَّهُمَّ اِنَّ... تَرْكِي الْاسْتِغْفَارَ مَعَ عِلْمِي بِسَعَةِ حِلْمِكَ ، تَضْيِيعٌ

لحق الرجاء»^۱؛

«بارخدا یا! همانا... ترک آمرزش طلبی‌ام از تو با این که به بردباری گسترده‌ات آگاهم، زایل کردن امیدواری است.»

برخی قلبشان فقط شوقی است و دست به هر کاری می‌زنند، چرا که معتقد به وسعت حلم خدا بوده و همیشه در اوج امید به سر می‌برند و در قلبشان از خوف و ترس از عذاب الهی خبری نیست، در حالی که چنین کسی حق رجا و امید را ضایع کرده و از آن تجاوز نموده است. و حق حیا آن است که همیشه همراه با خوف باشد.

پشیمانی از ضایع شدن عمر

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«و اجعلنی ممن یندم علی ما ضیعه فی امسه»^۲؛

«و قرار بده مرا از کسانی که بر آنچه روز قبل آن را ضایع کرده پشیمان است.»

انسان اگر کارهایی را که برخلاف عقل و شرع است انجام داده و پشیمان شود می‌تواند خود را از نو بازسازی کرده و حتی گذشته خود را جبران کند، وگرنه روز به روز در افول و سراسیمگی سقوط به سر می‌برد، و لذا پشیمانی از ضایع شدن عمر انسان در گذشته منشأ برکت و خیرات برای انسان است.

محروم نشدن از بهره‌برداری هر روز

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«و اجعلنی ممن ... لا یغبنُ حظّه فی یومه»^۳؛

«و قرار بده مرا از جمله کسانی که... از بهره‌روزش محروم و مغبون نگردد.»

انسان باید نقد را از دست ندهد و به فکر امروزش باشد و بهره‌اش را از روزی همان روز بردارد، گرچه نباید از گذشته‌ها غافل شده و به فکر آینده خود نیز باشد، ولی تمام همش باید این باشد که در بهره برداری از روزی که در آن است هرگز مغبون نگردد.

غصه نخوردن برای روزی فردا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

« و اجعلنی ممن ... لایهم لرزق غده »^۱؛

« و قرار بده مرا از کسانی که ... غصه روزی فردای خود را نمی‌خورند ».

روزی رسان خداست و نباید غصه فردا را خورد که چه می‌شود. اگر به فکر امروزمان باشیم که به وظیفه خود عمل کنیم و فردا که شد به دنبال روزی رویم به وظیفه خود عمل کرده‌ایم بدون آن که در روزی که در آن قرار داریم بار سنگینی که برای روز دیگر است به دوش کشیده باشیم.

بی‌نیازی در دنیا به خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

« اللهم انّ الغنی من استغنی بک و افتقر الیک »^۲؛

« بارخدا یا! همانا بی‌نیاز کسی است که به تو بی‌نیازی جسته و به تو محتاج است ».

بی‌نیاز کسی است که به خدا بی‌نیاز شده و از هرچه غیر از اوست قطع امید کرده و تنها دست نیاز خود را به سوی خدا دراز کرده است؛ زیرا که او غنی علی‌الاطلاق

۱. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۲. همان.

بوده و هرگز خزانهاش از فیض تهی نخواهد شد، و بخیل کسی است که جود خود را از دیگران دریغ دارد.

فقر در نیاز به مردم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ اِنَّ... الْفَقِيرَ مِنْ اسْتِغْنَى بِخَلْقِكَ عَنْكَ»^۱؛

«بارخدا یا! همانا... فقیر کسی است که تو را رها کرده و طلب بی‌نیازی از خلقت را نموده است».

فقیر کسی است که بخواهد بی‌نیازی خود را با دست دراز کردن به سوی مردم به دست آورد و از خدا بریده و تمام توجه خود را به غیر او کند. انسان‌ها در یک حال نیستند، و لذا اگر انسان به غیر خدا وابسته شود نیز متغیر خواهد بود، ولی خداوند متعال غنی علی‌الاطلاقی است که بخیل نمی‌باشد و لذا کسی را که به او دست دراز کرده هرگز از خود نمی‌راند.

پی‌جویی علم نافع

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا»^۲؛

«بارخدا یا! از تو دانش بهره‌دهنده می‌خواهم».

خیلی‌ها به دنبال علم می‌گردند و عمر خود را در به دست آوردن آن صرف می‌کنند ولی آن علم برای او خیر دنیا و آخرت نداشته و به او نفع نمی‌رساند، گرچه ممکن است منشأ بهره‌دنیوی و مادی بر او برگردد، ولی علمی به درد

۱. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۲. همان.

می خورد که در نهایت به درد آخرت او بخورد گرچه با منافع دنیوی خود و مردم نیز همراه باشد.

✽

قلب خاشع

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می دارد:

«اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ ... قَلْباً خَاشِعاً»^۱؛

«بارخدا یا! از تو قلب خاشع می طلبم».

از خداوند متعال بخواهیم که به ما قلبی خدا ترس دهد که با وجود آن به گناه نزدیک نشویم و از مخالفت دستورات او هراسان باشیم و اگر این چنین قلبی داشته باشیم به طور حتم همانند پلیس مخفی است که در بین ما بوده و ما را از گناه باز می دارد.

✽

کردار پاکیزه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می دارد:

«اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ ... عَمَلًا زَاكِيًا»^۲؛

«بارخدا یا! از تو عمل پاکیزه می خواهم».

خیلی ها نماز به جای آورده و کارهایی را انجام می دهند و روزه می گیرند و... ولی عملشان از پاکیزگی لازم برخوردار نیست، با ریا آن را مخلوط کرده و بر دیگران منت می گذارند و لذا نه عملشان پاک است و نه این که می تواند نفس و روح و روان انسان را پاک گرداند. و لذا باید از خداوند بخواهیم که ما را به اعمال پاکیزه موفق گرداند.

۱. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۲. همان.

صبر جمیل

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ ... صَبْرًا جَمِیْلًا»^۱؛

«بارخدا یا! از تو صبر جمیل می‌خواهم».

برخی صبر در مصائب و شداید و مشکلات دارند، ولی دلشان آرام نیست و مصیبت آن‌ها در راه حق و حقیقت نمی‌باشد، صبری ارزش دارد که انسان برای مصیبتی داشته باشد که به خاطر خداوند به او رسیده است، صبری که همراه با آرامش دل و بدون شکوه لفظی و قلبی باشد، صبری که دارای ثواب عظیم از جانب خداوند متعال است.

شکر نعمت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِیْ شُکْرَ نِعْمَتِکَ عَلَیَّ»^۲؛

«بارخدا یا! به من شکر نعمت را روزی گردان».

خداوند متعال به ما روزی‌های فراوان داده است، و عقل انسان حکم می‌کند که خدا را بر این نعمت‌هایش شکر نماییم، ولی ما عاجز از شکر اویم و لذا از او می‌خواهیم تا به ما این لطف را بکند که بتوانیم از عهده شکرش برآیم.

پیش قدم بودن در سختی‌ها در راه اسلام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«... و انت مقدّم فی الهبّوات و محتمل للأذیّات، قد عَجَبْتُ من صبرک

۱. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۲. همان.

ملائكة السماوات»^۱؛

«...تو پیش قدم در سختی‌ها و تحمل‌کننده آزار و اذیت‌ها بودی، و فرشتگان آسمان از صبر و شکیبایی‌ات در شگفت شدند».

برخی راحت طلب اند و همین که سر و صدایی ایجاد شود در خانه خود مخفی می‌شوند و هرگز تن به مشکلات نمی‌دهند. ولی برخی آماده هرگونه جانفشانی و فداکاری در شداید و موقعیت‌های حساس و سخت هستند و هیچ‌گاه تن پرور نبوده، بلکه سبک‌بالتند، و این کاری است که امام حسین علیه السلام انجام داد.

*

صبر در مصیبت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«...و لم یبق لك ناصر، و انت محتسب صابر، تذبُّ عن نسوتك واولادك»^۲؛

«...و در حالی که بر تو یآوری نمانده بود تو متحمل رنج‌ها بوده و صبور و شکیبا بودی و از زنان و فرزندان دفاع می‌کردی».

برخی هنگامی که شداید و مصائب به آن‌ها روی می‌آورد خود را می‌بازند و صبور نیستند و از جا در می‌روند و گاهی کفر می‌گویند، ولی امام حسین علیه السلام در روز عاشورا این چنین نبود، و با آن همه مصائب و نبود یار و یاور به خاطر خدا صبر نمود و تا آخرین نفس از دین اسلام و نیز از زنان و اولادش دفاع کرد.

*

۱. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۲. همان.

همیشه جود کردن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«السلام عليك... كنت... حليف الإنعام»^۱؛

«سلام بر تو... که هم پیمان بخشش و جود بودی».

امام حسین علیه السلام هیچ محتاجی را از درب خانه خود رد نکرد و هر حاجتمندی را با جود و بخششی که به او می‌کرد خوشحال می‌نمود، حتی هنگام دادن هدایا بعضاً پشت درب خانه قرار می‌گرفت تا شخص حاجتمند خجالت نکشد. ما نیز باید از سیره و روش امام حسین علیه السلام درس گرفته و در حدّ توان خود اهل جود و سخاوت باشیم.



وفای به عهد

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«اشهد أنك كنت... وَفِيَّ الذَّمُّ»^۲؛

«گواهی می‌دهم که تو... وفادار به عهدها و ذمه‌ها بودی».

امام حسین علیه السلام هیچ‌گاه عهد و پیمان شکن نبود، اگر با کسی پیمان می‌بست به طور حتم به آن وفادار بود، و لذا به جهت شرکت در صلح نامه با معاویه تا او زنده بود دست به اقدام عملی نزد تا آن که معاویه از دنیا رفت و یزید به خلافت رسید، آن وقت بود که با او بیعت نکرد و به مقابله با او پرداخت. ما نیز باید از امام حسین علیه السلام درس گرفته و به عهد و پیمان خود وفادار باشیم.

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۸.

۲. همان.

نماز شب در تاریکی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«اشهد أنك ... كنت ... متهجّداً في الظلم»^۱؛

«گواهی می‌دهم که تو... در تاریکی‌های شب نماز شب را به جای می‌آوردی».

امام حسین علیه السلام همانند جدّ و پدرش حضرت علی علیه السلام اهل تهجّد و نماز شب در شب‌های تاریک بود، عملی که او را به مقام محمد رسانید، و حتی در سخت‌ترین اوقات در شب عاشورا آن را ترک نکرد؛ زیرا نماز در شب تاریک و ظلمانی، وقتی که همه مردم در خواب به سر می‌برند و همه درها بسته است به جز درب الهی چه لذتی دارد، ما نیز باید به حضرت اقتدا کنیم.

*

یاور امت اسلامی بودن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«اشهد أنك ... كنت ... للأمة عضداً»^۲؛

«گواهی می‌دهم که تو... یاور امت بودی».

انسان باید همیشه به فکر امت اسلامی بوده و در صدد عزّت بخشیدن به مسلمانان باشد و در صدد فرقه‌گرایی و تجزیه و پاره پاره کردن امت و تقسیم آن نباشد، همان گونه که امام حسین علیه السلام بازوی کمک کار امت بود.

*

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۸.

۲. همان.

کوشش در راه اطاعت خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«اشهد أنك ... كنت ... فی الطاعة مجتهداً»^۱؛

«گواهی می‌دهم که تو ... کوشا در راه اطاعت خداوند متعال بودی».

سعی کنیم در راه اطاعت خدا از هیچ کوششی فروگذار نباشیم و برای عمل به فرامین او هر نوع زحمت و گرفتاری را تحمل کنیم، همان گونه که امام حسین علیه السلام با قیام خود نهایت کوشش را در بیداری امت به کار گرفت و جان شریفش را در راستای اهداف بلند اسلام تقدیم خداوند متعال نمود.

✽

دوری گزیدن از راه فاسقان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«اشهد أنك ... كنت ... ناكباً عن سبيل الفساق»^۲؛

«گواهی می‌دهم که تو ... کناره گیرنده از راه‌های فاسقان بودی».

انسان در زندگی خود باید راه را بشناسد و از راه فاسقان خود را جدا کرده و در صف آنان قرار نگیرد بلکه در مقابل آن‌ها باشد، همان گونه که امام حسین علیه السلام راه خود را از راه فاسقان زمان خود جدا کرده و در مقابل آن‌ها صف آرایی نمود و سرسختانه ایستاد و تا پای شهادت استقامت نمود.

✽

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۸.

۲. همان.

تلاشگر تا حدّ توان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«اشهد أنّك ... كنت ... باذلاً للمجهود»^۱؛

«گواهی می‌دهم که تو ... تلاشگر تا در حدّ توان بودی».

انسان وظیفه دارد تا در حدّ توان خود در راستای پیاده کردن اهداف اسلام تلاش کرده و کوشا باشد؛ زیرا ما مأمور به انجام وظیفه هستیم نه نتیجه، و نتیجه به دست خداست تا چه صلاح بداند، همان گونه که امام حسین علیه السلام هرچه توان داشت در راه پیاده کردن اهداف بلند اسلام دریغ نکرده و از آن فروگذار ننمود.

زهد در دنیا و میل به آخرت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«اشهد أنّك ... كنت ... زاهداً في الدنيا زهد الراحل عنها، ناظراً إليها بعين

المستوحشين منها، آمالك عنها مكفوفة، و همّتك عن زينتها مصروفة،

و ألحاظك عن بهجتها مطروفة، و رغبتك في الآخرة معروفة ...»^۲؛

«گواهی می‌دهم که تو ... زاهد در دنیا همچون شخص کوچ کسندۀ از آن،

نگرندۀ به آن به دیدۀ ترسندگان از آن بودی که آرزوهایش از آن بازداشته شده

و همّتش از زینت‌هایش برگرفته شده است. تو که نگرندۀ زرق و برق‌هایش با

گوشۀ چشم بوده و رغبت و میل به آخرت شناخته شده بود ...».

سعی کنیم که نسبت به دنیا دل‌بستگی نداشته باشیم و به مانند کسی زندگی کنیم که

هر لحظه آماده کوچ کردن از آن است و با چشم ترسناک به او بنگریم که مبادا ما را در

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۸.

۲. همان.

آن غوطه ور سازد، و آرزوهای طول و دراز در دنیا نداشته باشیم تا ما را از فکر در آخرت بازدارد، و عمده میل و رغبت خود را به آخرت و امر آن مصروف داریم، همان گونه که امام حسین علیه السلام چنین بود.

نهی از منکر به قلب و زبان به مقدار ممکن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«... تَنْكِرُ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَ لِسَانِكَ، عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ وَ امْكَانِكَ»^۱؛

«... با قلب و زبانت به مقدار توانت زشتی را زشت می‌شمردی.»

مرحله اول نهی از منکر، تنفر و انزجار قلبی از انجام منکر در جامعه است و در مرحله دوم باید با زبان نهی از منکر کرد و به مردم گفت، و در مرحله سوم به حسب امکان و طاقت خود باید دست به اقدام عملی زد با در نظر گرفتن شرایط آن، همان گونه که امام حسین علیه السلام این چنین نمود.

قیام، هنگام فراهم شدن شرایط

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام خطاب به او فرمود:

«ثم اقتضاك العلم للإنكار، و لزمك ان تجاهد الفجار»^۲؛

«آنگاه که موقعیت مقتضی گردید پرچم مخالفت برداشته و با مخالفان کارزار کردی.»

گاهی منکر به حدی در جامعه شیوع می‌یابد که با سخن گفتن و نهی کردن برچیده نمی‌شود و احتیاج به یک تحول و دگرگونی کلی است و این احتیاج به یک عملی بزرگ دارد گرچه به شهادت خود و اهل بیت و اصحاب باوفایش منجر شود، همان گونه که امام حسین علیه السلام این چنین کرد.

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۸.

۲. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

دعوت به سوی خدا با برهان و خطابه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

«... و دعوت الی الله بالحکمة و الموعظة الحسنة»^۱؛

«... و مردم را به سوی خدا با حکمت [برهان] و موعظه حسنه [خطابه] دعوت نمودی».

امام حسین علیه السلام در قیام خود از هر راهی برای ارشاد و بیداری مردم استفاده کرد؛ هم اقامه برهان نمود و هم مردم را موعظه کرد و در آخر هم که حجت بر آنها تمام شد و آن که بنا بود حق را بپذیرد پذیرفت و بدکاران نیز باطن و طینت خود را رو کردند، با آنان به مقابله پرداخت. مانیز باید از آن حضرت درس بگیریم.

مساوات در قضاوت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«اشهد أنك... تُساوی فی الحکم بین القویّ و الضعیف»^۲؛

«گواهی می‌دهم که تو... بین قوی و ضعیف در قضاوت به مساوات رفتار کردی».

امام حسین علیه السلام کسی بود که قوی و ضعیف را به یک چشم می‌دید و هیچ‌گاه قوت قوی باعث نمی‌شد که نگاه خاص و فوق العاده به او داشته باشد و در مقابل به ضعیف با دید حقارت نگاه کند، و این امری است که با مراجعه به سیره عملی امام حسین علیه السلام استفاده می‌شود، همان‌گونه که در کلام فوق نیز به آن اشاره شده است. ما نیز باید در این امر از امام حسین علیه السلام الگو بگیریم.

۱. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۸.

تکفل ایتام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«اشهد أنك ... كنتَ ربيع الايتام»^۱؛

«گواهی می‌دهم که تو ... پرورنده و متکفل یتیمان بودی».

امام حسین علیه السلام بسیار یتیم نواز بود و امور آنان را شخصاً تکفل می‌نمود و همانند پدرش امام علی علیه السلام امور آنان را سرپرستی می‌نمود، و لذا برای یتیمان همانند رویش تازه بهار بود. ما نیز باید امام حسین علیه السلام را الگوی خود قرار داده و از او درس بگیریم و با یتیم نوازی خشم خدا را فرو نشانیم.

پناه مردم بودن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«اشهد أنك ... كنتَ ... عصمة الأنام»^۲؛

«گواهی می‌دهم که تو ... ملجأ و پناه مردم بودی».

امام حسین علیه السلام در شداید و گرفتاری‌ها ملجأ و پناه مردم بود و لذا هرکس حاجتی داشت به او مراجعه می‌کرد و او نیز با گشاده رویی در صورت امکان حاجاتش را برآورده می‌نمود، ما نیز باید از امام حسین علیه السلام درس گرفته و او را در این امر الگوی خود قرار دهیم.

عزت اسلام بودن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«اشهد أنك ... كنتَ ... عزّاً الاسلام»^۳؛

«گواهی می‌دهم که تو ... مایه عزت اسلام بودی».

سعی کنیم همان گونه که امام حسین علیه السلام با کاری که کرد و باعث عزت و آبروی اسلام شد ما نیز در راستای عزت بخشیدن به اسلام کوشا باشیم و کاری نکنیم که آبروی پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام ریخته شود و اسلام زیر سوال برود.

جلوگیری از بازیچه شمردن دین

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

«اشهد أنك ... تكفّ العايب و تزجره»^۱؛

«گواهی می‌دهم که تو... بازیچه شمرنده دین را از کارش بازداشته و او را منع نمودی».

یزید بن معاویه کسی بود که به طور علنی دین را به مسخره و بازیچه گرفته و با آن به مبارزه پرداخت، و کاری که امام حسین علیه السلام کرد یزید و یزیدیان را از کارشان بازداشته و آن‌ها را از اهدافش بازداشت. مانیز باید همچون امام حسین علیه السلام با کسانی که دین را بازیچه گرفته‌اند به مقابله پردازیم.

لزوم اطاعت از خدا در پنهان و آشکار

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«السلام علی من اطاع الله فی سرّه و علانیته»^۲؛

«سلام بر کسی که - امام حسین علیه السلام - در پنهان و آشکار خداوند را اطاعت نمود».

خداوند متعال همه جا بوده و هست و از اسرار و پنهان باخبر می‌باشد، و لذا نمی‌توان در مکان‌های مخفی او را نافرمانی نمود.

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۸.

۲. همان.

افتخار اولیا به شهادت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«السلام علی یحیی الذی ازلفه الله بشهادته»^۱؛

«سلام بر یحیی که خداوند او را به شهادت مفتخر ساخت».

مرگ بر چند نوع است؛ یکی مرگ طبیعی که عنوانی بر آن منطبق نیست تا موجب افتخار و شرف او گردد، و دیگری مرگ در راه خدا که شهادت نامیده می‌شود، این مرگ از آن جهت که باعث حیات خود و دیگران است افتخار و شرف است، و لذا بزرگان و افراد فهمیده آرزوی چنین مرگی را داشته و به آن افتخار می‌کردند.

امکان فصلحت در تأخیر اجابت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش تعلیم می‌دهد که چنین خداوند متعال را خطاب کنند و از او اجابت بخواهند:

«... فان ابطأ عني عتبت بجهلي عليك و لعل الذي ابطأ عني هو خير لي؛

لعلمك بعاقبة الامور»^۲؛

«... پس اگر به تأخیر انداختی [اجابت را] از من، به جهت جهالتم بر تو سرزنش نمایم، در حالی که شاید آنچه را که از من تأخیر انداختی خیر برایم باشد؛ زیرا تو به عاقبت امور آگاهی داری».

برخی چون دعایشان دیر به اجابت می‌رسد جهالت کرده و خدا را سرزنش می‌کنند در حالی که نمی‌دانند شاید خیر برای او در تأخیر اجابت باشد؛ زیرا خداوند عالم و دانا به عواقب امور است.

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۸.

۲. زاد المعاد، ص ۱۱۰.

صبر خداوند بر پستی بندگان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می دهد تا به خداوند متعال عرضه بدارند:

«... فلم أر مولیّ کریماً اصبر علی عبد لئیم منک علیّ یا ربّ، انک تدعونی فأولّی عنک، و تتحبّب الّیّ فأتبغض الیک، و تتودّد الّیّ فلا اقبل منک، کأنّ لی التطوّل علیک، فلم یمنعک ذلك من الرحمة لی و الاحسان الّیّ و التفضّل علیّ بجودک و کرمک»^۱؛

«... من مولای کریمی را صبورت تر بر بنده پست از تو بر خودم سراغ ندارم، ای پروردگار من! تو مرا می خوانی ولی من از تو روی برگردانم، تو به من محبت می کنی ولی من با تو دشمنی می ورزم، تو به من طرح دوستی می دهی ولی من از تو قبول نمی نمایم، گویا که منت از من بر توست، ولی [در عین حال] این امور تو را مانع از رحمت و احسان و تفضّل به جود و کرمت بر من نشده است».

بسیاری از مردم هستند که صبر و تحملشان در برابر پستی افراد شرور کم است و لذا زود غضب کرده و عکس العمل نشان می دهند، ولی خداوند در این باره صبر زیادی دارد و به زودی افراد شرور را مجازات نمی کند، ولی هرگاه کار زشت افراد شرور به نهایت رسید و غضب خدا برانگیخته شد چنان عذاب بر او وارد می شود که او را ریشه کن می سازد.

نهراسیدن از ملامت ملامت گران

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام علی علیه السلام فرمود:

«و لا تأخذ فی الله لومة لائم»^۲؛

«و در راه خدا ملامت هیچ ملامت کننده ای در او اثر نداشت».

۱. مصباح، کفعمی، ص ۷۷۰.

۲. اقبال الاعمال، ص ۲۹۰.

مطابق روایتی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده حضرت علی علیه السلام در راه خدا هیچ ملاحظه‌ای نداشت و با مخالفان شدیداً برخورد می‌نمود، و همان گونه که در عبارت فوق آمده از ملامت هیچ ملامت‌گری نمی‌هراسید؛ زیرا خود را در حال انجام وظیفه می‌دید.

خداوند، بهترین تکیه‌گاه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی این چنین عرضه می‌دارد:

«الهی! لا رکن لی اشدّ منک، فأوی الی رکن شدید»^۱؛

«بارخدا یا! تکیه‌گاهی برای من محکم‌تر از تو نیست، پس به تکیه‌گاه محکمی پناه می‌برم».

بهترین پناه و مدافع و حافظ و نگهبان انسان خداوند متعال است که باید به او پناه برد و اگر ما به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام متوسل می‌شویم بدین جهت است که ما را به این پناه و رکن محکم رهنمون می‌کنند.

انسان، و غریزه‌های خدایی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی این چنین عرضه می‌دارد:

«الهی! فحفظاً لحفظاً لغرائز غرسها و شربها بید الرحمن»^۲؛

«بارالها! حفظ کن آن غریزه‌ها و امیالی را که ایجاد و بقاء آن به دست رحمن [توست]».

خداوند متعال در وجود انسان امیال و غرایزی را به مقتضای رحمانیتش کاشته و آن را آب یاری کرده است که در راستای حفظ نوع او و تکاملش مؤثر بوده است، و لذا باید از خداوند متعال بخواهیم تا آن غرایز را برای ما محفوظ بدارد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۲.

۲. مهج الدعوات، ص ۳۲۹.

لزوم محافظت از غرایز درونی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«الهی! فحفظاً لحفظاً لغرائز غزسها و شربها بید الرحمن... ان تکون بید الشیطان تُحَزُّ و بفاسه تُقَطَّع و تُجَزُّ»^۱؛

«بارالها! اغراض و امیالی که ایجاد و بقای آن به دست رحمتت توست... آن را از دسترسی شیطان که آن را حرکت دهد، و با وسیله‌اش آن را قطع کرده و ببرد، حفظ نما».

گاهی غرایز و امیال انسان که می‌تواند در راستای کمال ما قرار گیرد به دست شیطان می‌افتد و او آن‌ها را به حرکت درآورده و با ابزارهایی که دارد قطع کرده و می‌برد، و لذا باید از خداوند بخواهیم که امیال و غرائزمان را حفظ کرده و در راه مستقیم و صحیح قرار دهد.

پناه به خدا از دلبستگان به دنیا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش فرمود تا از خداوند متعال این گونه درخواست حاجت کنند:

«... و تحفظنی فی هذه الدنيا الدنیه من شرّ سلاطینها و فجّارها و شرارها و محبّیها، و العاملين لها فیها»^۲؛
«... و مرا در این دنیای پست از شرّ سلاطین و فجّار و اشرار و دوستداران دنیا و عمل‌کنندگان در دنیا برای دنیا، حفظ فرما».

اگر به دنیا به دید استقلال‌نگریسته شود و مزرعه بودن آن برای آخرت ملاحظه

۱. مهج الدعوات، ص ۳۲۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰۷.

نگردد به طور حتم پست خواهد بود و انسان را به اوج ذلت خواهد کشانید؛ و لذا کسی که دوستدار دنیا است و در آن فقط برای دنیا کار می‌کند شرور خواهد بود و باید از شر او به خداوند پناه برد.

گمان نیک به خدا داشتن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که می‌فرماید:

«... و ان يقول العبد بنیة صادقة و لسان صادق: (یا ربّ)، فتكون عند ظنّ عبدك بك»^۱؛

«... و این که بنده با نیت راستین و زبان پاک بگوید: (ای پروردگار من!)، و تو نزد گمان بنده‌ات به تو می‌باشی».

بنده هرگاه به درگاه الهی روی آورد باید با نیتی پاک و زبانی راستگو، خدا را صدا زند و از او حاجت خود را بخواهد، و گمان نیک به او داشته باشد که در هر حال خیر خواه و مصلحت اندیش اوست و هرگز بر او بدی را نمی‌خواهد، و بداند که اگر مصلحت باشد خواسته‌اش برآورده می‌گردد یا حداقل عنایتی به او خواهد شد و او را دست خالی باز نمی‌گرداند.

ناامید نشدن مظلوم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال فرمود:

«انت الذی ... تَرُدُّ الْمَغْلُوبَ غَالِباً، وَ الْمَطْلُوبَ طَالِباً، وَ الْمَقْهُورَ قَاهِراً، وَ الْمَقْدُورَ قَادِراً»^۲؛

«تو کسی هستی که ... ستم کشیده را مسلط، و طلب شده را طلب کننده، و مظلوم را زورمند، و کسی که در معرض تعرض باشد را قادر می‌گردانی».

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰۷.

۲. بلد الامین، ص ۳۳۳.

انسان در هیچ حال نباید از رحمت الهی مأیوس باشد گرچه مغلوب و مقهور و مظلوم واقع شده است؛ و اگر در رفع غلبه و ظلم از خود کوشا باشد بداند که خداوند نیز او را یاری کرده و روزی فرامی‌رسد که ورق برگشته و او غالب شده و ظالم در دستانش گرفتار خواهد شد، و این یک سنت همیشگی خداوند است.

امید در ناامیدی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی به خداوند متعال این چنین عرضه می‌دارد:

«یا من اذا ولج العبد فی لیلٍ من حیرته بهیم، و لم یسجد له صریحاً یصرخه من ولیّ حمیم، وجد من معونتك صریحاً مفیثاً»^۱؛

«ای آن که هرگاه بنده در تاریکی شب متحیرانه تو را بخواند و دوست مهربانی برای یاری و پناه نداشته باشد، از یاری تو پناه و دادرسی می‌یابد...».

برخی مواقع می‌شود که انسان گرفتار شده و به حدی این گرفتاری شدید می‌شود که مأیوس می‌گردد و هر که را صدا می‌زند کسی به فریادش نمی‌رسد، در آنجاست که خداوند متعال به فریاد او رسیده و او را نصرت می‌دهد؛ چرا که اوست که هرگز بنده‌اش را رها نخواهد کرد گرچه گاهی مصلحت در تأدیب او باشد.

امکان زیاد شدن مال از حلال

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهد تا از خداوند متعال این گونه بخواهند:

«... و اکثر من الحلال مالی»^۲؛

«... از [راه] حلال مالم را زیاد گردان.»

۱. بلد الامین، ص ۳۳۳.

۲. مهج الدعوات، ص ۲۸.

برخی می‌گویند: ممکن نیست که مال انسان از راه حلال زیاد گردد، ولی می‌توان گفت که اگر خداوند عنایت و لطف نماید انسان می‌تواند مال حلال خود را زیاد کند، و در غیر این صورت مال‌های فراوانی که انسان جمع می‌کند در کنارش حقوق مستضعفان است که او ضایع کرده است.

راضی به رضای الهی بودن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهد تا از خداوند متعال این‌گونه بخواهند:

«... و خیر لی فی جمیع اموری و افعالی، و رضنی بها»^۱؛

«... و برای من در تمام امور و کردارم تو اختیار بنما، و مرا به آن راضی گردان».

انسان باید در عین این که مشغول انجام وظایف خود است امورش را به خداوند واگذارد و از آنچه بر او مقدر می‌شود راضی باشد، و همه این‌ها را از خدا بخواهد تا به او لطف و عنایت نماید.

استحقاق ثواب و بهشت با نیکی به والدین

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهد تا از خداوند متعال این‌گونه بخواهند:

«والهمنی من برهما ما استحق به ثوابك و الجنة»^۲؛

«و مرا از نیکی به پدر و مادرم نوعی را الهام نما که با آن مستحق ثواب و

بهشت تو گردم».

برخی از کارهای نیک است که اگر انسان در حق پدر و مادر انجام دهد مستحق ثواب

۱. مهج الدعوات، ص ۲۸.

۲. همان.

خداوند و بهشت او می‌گردد، و در این راستا باید از خداوند بخواهیم آن کارهای نیک را به ما الهام کرده و توفیق آن‌ها را به ما بدهد تا با انجام آن مستحق این دو پاداش عظیم از جانب خداوند شویم.

زنده شدن دل به یاد خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهد تا از خداوند متعال این‌گونه بخواهند:

«... وَ تَحِيَّ فَوَادِي بَذَكَرِكَ»^۱؛

«... و دلم را به یاد خود زنده کنی».

مطابق آیات قرآن کریم، زنده شدن دل به یاد خداست که از راه نماز حاصل می‌شود؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدِكْرِي ﴾^۲؛

«و نماز را برای یاد من بپا دار».

و نیز می‌فرماید:

﴿ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴾^۳؛

«آگاه باشید، تنها با یاد خدا دلها آرامش می‌یابد».

و لذا باید از خداوند متعال بخواهیم تا ما را در رسیدن به این حال یاری فرماید.

مأیوس شدن از مال مردم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهد تا از خداوند متعال

۱. البلد الامین، ص ۳۹۳.

۲. طه، آیه ۱۴.

۳. رعد، آیه ۲۸.

این گونه بخواهند:

«...راجین لما عندك، آيسين مما عند غيرك»^۱؛

«...امید به آن چیزی داریم که نزد توست، و از آنچه نزد غیر توست مأیوسیم».

انسان غیرتمند نباید چشم طمع به مال دیگران داشته باشد و تنها باید امیدش به خدا و نعمت‌هایی که از ناحیه او به ما می‌رسد، باشد ولی هرگز نباید دست از کوشش و تلاش بردارد و در عین تلاش به خدا نیز امیدوار باشد.



مطلوبیت وسعت روزی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«و ان توسع علیّ رزقی»^۲؛

«و این که روزیم را بر من گسترش دهی».

وسعت روزی فی حدّ نفسه مذموم و ناپسند نیست و انسان باید از نعمت‌های الهی استفاده نماید. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ﴾^۳؛

«بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است؟!».

این وسعت روزی نباید او را از وظایفش غافل کرده و نسبت به مستمندان بی تفاوت باشد و با وسعت روزی از زاد و توشه آخرت غافل گردد.

۱. البلد الامین، ص ۳۹۳.

۲. همان.

۳. اعراف، آیه ۳۲.

مقام رضا بالاتر از عفو

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی به ما چنین تعلیم داده تا از خداوند بخواهیم:

«... و ان تغفر لی خطیئتی و ترضی عنّی، فان لم ترض عنّی، فانی مسیء»

ظالم خاطی، عاص، و قد یعفو السید علی عبده و لیس براض عنه»^۱؛

«... و این که لغزشم را ببوشانی و از من راضی گردی، و اگر از من راضی

نگشتی پس مرا عفو نمایی، چرا که من بدکار، ظالم، خطاکار، گناه کارم، و

گاهی مولی از بنده اش عفو می کند در حالی که از او راضی نیست».

از جملات بالا استفاده می شود که انسان باید سعی کند که با توبه و انجام اعمال صالح

خدا را از خود راضی کرده و اگر هم نتوانست لاقفل کاری کند که خداوند از او بگذرد.

عادت دادن زبان به صواب و حکمت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال این چنین عرضه می دارد:

«و سدّد السنننا بالصواب و الحکمة»^۲؛

«و زبان ما را به صواب و حکمت تأیید و تثبیت فرما».

گاهی باید با کارهای خوب و عادت دادن زبان با آن از کارها و حرف های

ناشایست جلوگیری کرد، و با سدّ سازی از حرف های خوب به مقابله با حرف های

ناشایست رفت.

از آن جا که گناهان زبان بسیار است لذا حضرت علیه السلام موارد آن را به طور مخصوص

ذکر نکرده و به اطلاق آن وا گذاشته است، و تنها به وسیله سدّ سازی در برابر گناهان

زبان اشاره کرده است.

۱. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۲۶۶.

۲. البلد الامین، ص ۳۴۹.

و نیز ممکن است که مقصود از این جمله این باشد که خدایا! ما را توفیق ده تا همیشه زیانمان گویای صواب و حکمت باشد.

زهد و خیرخواهی، دو وظیفه دانشمندان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال این چنین عرضه می‌دارد:

«و تفضل علی علمائنا بالزهد و النصیحة»^۱؛

«و به دانشمندان ما زهد و بی‌رغبتی به دنیا و نصیحت و خیرخواهی عنایت فرما».

از جمله وظایف دانشمندان و علما، زهد و خیرخواهی و نصیحت است که یکی وظیفه شخصی و دیگری وظیفه‌ای است که مربوط به ارتباط علما با دیگران است. علما از آن جهت که الگوی مردم هستند لذا باید کاری نکنند که مردم از آن‌ها زده شده و حرف‌هایشان را نپذیرند، و نیز از آن جهت که هدایت‌گر مردم به خیر و سعادت اند باید همچون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خیرخواه مردم باشند.

عنایات غیر واجب

برخی از عنایات الهی از باب وجوب لطف، بر خداوند واجب است، مثل ارسال رسل و انزال کتب و ... ولی برخی عنایات است که بر خداوند واجب نیست و اگر خداوند بر بنده‌ای انجام می‌دهد از روی تفضل است و لذا از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال این چنین عرضه می‌دارد:

«و تفضل علی علماؤنا بالزهد و النصیحة، و علی المتعلمین بالجهد

و الرغبة و ...»^۲؛

«و به دانشمندان ما زهد و بی‌رغبتی به دنیا و نصیحت و خیرخواهی، و به دانش‌پژوهان ما جدّیت و شوق و رغبت عنایت فرما و ...».

کوشش و شوق، دو امر لازم برای دانش پژوه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال این چنین عرضه می‌دارد:

« و تفضّل ... علی المتعلّمين بالجهد و الرغبة »^۱؛

« و به دانش پژوهان کوشش و شوق عنایت فرما ».

دانشجو و طالب علم اگر می‌خواهد که به سر حدّ کمال برسد دو وظیفه اساسی دارد؛ یکی از آن دو کوشش است و دیگری عشق و شور و شوق نسبت به علم و رشته‌ای که انتخاب کرده است، وگرنه هرگز به کمال مطلوب خود نمی‌رسد.

پندپذیری و پیروی، دو وظیفه مستمع

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی به خداوند متعال این چنین عرضه می‌دارد:

« و تفضّل ... علی المستمعين بالاتباع و الموعدة ... »^۲؛

« و بر شنوندگان، پیروی و پندپذیری عنایت فرما ... ».

مستمعین نیز دو وظیفه مهم و اساسی دارند که باید انجام دهند؛ یکی از آن دو پندپذیری از سخنان و نصیحت‌های علماست، و دیگری پیروی از پندهایی است که از آنان شنیده‌اند.

وقار و متانت دو وظیفه پیرمردان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی این چنین عرضه می‌دارد:

« و تفضّل ... علی مشايخنا بالوقار و السكينة »^۳؛

« و به پیرمردان ما وقار و متانت عنایت فرما ».

۱. البلد الامین، ص ۳۴۹.

۲ و ۳. المصباح، کفعمی، ص ۲۰۸.

از آن جا که بر پیرمردان سنی گذشته و از طرف دیگر الگوی کوچک‌ترها هستند لذا باید دو وظیفه را در نظر داشته باشند؛ یکی وقار و متانت، و دیگری آرامش و سکینه است، که زیور و زینت آنان به حساب می‌آید.

ضرورت توبه در جوانی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی برای جوانان این چنین عرضه می‌دارد:

«و تفضّل ... علی الشباب بالإنابة و التوبة»^۱؛

«و به جوانان بازگشت به سوی تو و توبه عنایت فرما».

توبه گرچه در پیری هم مورد پذیرش خداوند متعال است، ولی در جوانی توبه کردن چیز دیگری است، و چه خوش گفت شاعر پارسی‌گوی:

در جوانی پاک بودن شیوهٔ پیغمبری

ورنه هر گبری به پیری می‌شود پرهیزکار

حیا و عفت، دو وظیفهٔ زنان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی این چنین عرضه می‌دارد:

«و تفضّل ... علی النساء بالحیاء و العفة»^۲؛

«و به زنان حیا و عفت عنایت کن».

دو صفت است که زنان باید خود را به آن زینده نمایند، یکی حیا و دیگری عفت است، و اگر این دو صفت و حالت را که خداوند در وجود زنان قرار داده از بین برود جامعه به فساد کشیده می‌شود، و لذا دشمنان در صدد برآمده که وسایل بی‌عفتی

۱. المصباح، کفعمی، ص ۲۰۸.

۲. همان.

و بی‌حیا کردن زنان را در جامعه منتشر کرده تا از این راه جامعه را به فساد کشیده و ایمان را از مردم بگیرند.

تواضع و سعه صدر، دو وظیفه ثروتمندان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی این چنین عرضه می‌دارد:

«و تفضّل ... علی الأغنیاء بالتواضع و السعة»^۱؛

«و به ثروتمندان تواضع و سعه صدر عنایت فرما».

اغنیاء و بی‌نیازان جامعه نیز دو وظیفه اساسی دارند؛ یکی تواضع نسبت به زیردستان خود و دیگری سعه صدر در برابر درخواست و حاجات مردم است. بسیاری از ثروتمندان هستند که چون به مال و منالی می‌رسند بر دیگران تکبر کرده و همه را ذلیل و خوار می‌پندارند، و لذا اغنیاء باید از خدا بخواهند که هرگز به این حالت مبتلا نشوند.

صبر و قناعت، دو وظیفه تهیدستان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی این چنین عرضه می‌دارد:

«و تفضّل ... علی الفقراء بالصبر و القناعة»^۲؛

«و به تهیدستان صبر و قناعت عطا فرما».

فقیران و تهیدستان نیز دو وظیفه اساسی دارند که همیشه باید در نظر داشته باشند؛ یکی صبر پیشه کردن در برابر مشکلات زندگی و دیگری قناعت داشتن نسبت به آنچه از روزی به دست آورده‌اند، تا زندگی برایشان طاقت فرسا و تلخ نگردد.

۱. المصباح، کفعمی، ص ۲۰۸.

۲. همان.

لزوم پرهیز از شبهه ناک

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال این چنین عرضه می‌دارد:

« و طهر بطوننا من الحرام و الشبهة »^۱؛

« و شکم ما را از طعام حرام و شبهه ناک پاک گردان ».

ما وظیفه داریم همان گونه که باید از حرام شکم‌های خود را پاک کنیم آن را نیز از اموال شبهه ناک پاک گردانیم؛ زیرا اموال و غذاهای حرام و شبهه ناک در روح و روان انسان تأثیر به‌سزایی دارد و می‌تواند مانع رسیدن انسان به کمال معنوی او گردد.

انسان، قاضی بر خود

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره فرعون به خداوند متعال این چنین عرضه می‌دارد:

«... فجزیته بما حکم به علی نفسه »^۲؛

«... پس به آنچه بر خودش حکم کرده جزایش دهی ».

انسان می‌داند و یا باید بداند که هرچه بر سر او می‌آید از ناحیه خود اوست و این عمل اوست که منشأ آثار است چه خیر باشد و چه شر، و لذا خودش بر نفسش حکم کرده و قضاوت نماید.

تسلیم نفس در برابر خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال این چنین عرضه می‌دارد:

« اللهم انی استخیرک خیار من ... أسلم الیک نفسه »^۳؛

۱. المصباح، کفعمی، ص ۲۰۸.

۲. مهج الدعوات، ص ۲۸۱.

۳. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۳۹.

«بارخدایا! همانا از تو طلب خیر می‌کنم، خیرخواهی کسی که خودش را تسلیم تو نموده است.»

از آن جا که انسان معصوم نیست و هر آن ممکن است که در گناه و یا خطا و لغزشی بیفتد و نفس سرکش و اماره‌اش او را به کارهای ناپسند و اذارد لذا جا دارد در عین این که با نفس اماره به سوء مبارزه می‌کند خود را به خداوند متعال بسپارد.

توکل بر خدا در کارها

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال این چنین عرضه می‌دارد:

«اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَخِیْرُكَ خِیَارَ مَنْ ... تَوَكَّلَ عَلَیْكَ فِیْ اَمْرِهِ»^۱؛

«بارخدایا! همانا من از تو طلب خیر می‌کنم، خیرخواهی کسی که... در امرش بر تو توکل کرده است.»

ما وظیفه داریم که در عین عمل به وظایف خود بر خدا توکل کرده و از او درخواست کنیم تا اسباب خیر را برای ما فراهم سازد.

لزوم حسن ظن به خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال این چنین عرضه می‌دارد:

«... اَسْتَشِیْرُكَ بِحَسَنِ ظَنِّیْ بِكَ فِی الْمَأْمُولِ وَالْمَحْذُورِ»^۲؛

«... با تو به جهت حسن ظنی که به تو در امیدها و محذورات دارم مشورت می‌کنم.»

هرچه که از جانب خداوند به انسان می‌رسد از آن جا که سبب و علت دارد و آن به اختیار و اراده خود انسان است، لذا باید به خداوند متعال حسن ظن داشته باشیم.

۱. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۳۹.

۲. همان.

تفویض امر خود به خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال این چنین عرضه می‌دارد:

«اللّٰهُمَّ اِنِّى اسْتَخِيْرُكَ خِيَارَ مَنْ فَوَّضَ اِلَيْكَ اَمْرَهُ»^۱؛

«بارخدا یا! همانا از تو خیر طلب می‌کنم، همانند خیرخواهی کسی که امرش را به تو تفویض نموده است».

از آن جا که خداوند متعال عالم به حقایق و عواقب امور بوده و برای بندگانش غیر از خیر و خوبی نمی‌خواهد لذا جا دارد که امور خود را به او واگذار کرده و از او خیر بخواهیم، و این به معنای دست کشیدن از کار و تلاش نیست، بلکه باید در عین انجام وظیفه، خود را نیز به خدا بسپاریم.

✽

ضرورت صبر در انجام کارهای بزرگ

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال این چنین عرضه می‌دارد:

«... و اجمع لى اصحابى و صبرهم»^۲؛

«اصحابم را برای من جمع کن و آنان را صبور گردان».

کارهای بزرگ در جهان نیاز به صبر و بردباری و آرامش خاطر دارد و از آن جا که امام زمان علیه السلام با یارانش در آخر الزمان در صدد پیاده کردن نظام اصیل اسلامی و عدالت در سطح کره زمین خواهند بود لذا اصحاب حضرت احتیاج به صبر و بردباری دارند که حضرت مهدی علیه السلام برای آنان دعا به صبر می‌نماید.

✽

۱. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۳۹.

۲. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۳۳.

عدم تعارض بین اولیای الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال این چنین عرضه می‌دارد:

«... و اسألك باسمك الذي ألفت به بين قلوب أوليائك»^۱؛

«... و از تو می‌خواهم به اسمی که به واسطه آن بین قلوب اولیانت الفت دادی».

اولیای الهی کسانی هستند که خداوند متعال بین قلوبشان الفت و انس قرار داده و لذا بین آنها نزاع نیست، و اگر در جایی بین برخی از مدعیان ولایت نزاعی می‌بینیم کشف می‌کنیم که آنان مدعی دروغین ولایت اند و در حقیقت از اولیای خدا نمی‌باشند.



لزوم غضبناک شدن در غضب الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی این چنین عرضه می‌دارد:

«... و أنا لغضبك غاضبون»^۲؛

«... و ما در غضب تو غضبناکیم».

اگر مشاهده می‌کنیم که در خارج و در سطح جامعه گناه انجام می‌گیرد بدانیم که خداوند متعال نسبت به آن خشمناک است و نیز اگر در حق کسی ظلم می‌شود که پشت و پناهی به جز خدا ندارد، خداوند غضبناک می‌باشد و اولین مرتبه امر به معروف و نهی از منکر آن است که ما نیز هر جا که می‌دانیم خداوند خشمناک و غضبناک است، غضب نماییم.

۱. مهج الدعوات، ص ۶۸.

۲. مهج الدعوات، ص ۶۷.

لزوم همکاری در نصرت حق

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

« و انا علی نصر الحق متعصبون »^۱؛

« و ما یر یاری حق هماهنگ می‌باشیم ».

در یاری و نصرت حق و صاحب آن باید تعصب داشته و هماهنگ عمل کنیم.

اشتیاق به دستورات الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال این چنین عرضه می‌دارد:

« و اِلی و رُود امرک مشتاقون »^۲؛

« و به وارد شدن امر تو مشتاقیم ».

اگر امر خداوند متعال متوجه ما شد نه تنها نباید از آن ناراحت شده و منزجر شویم بلکه باید مشتاق و رُود آن باشیم و آن را اجر نهیم که ما را قابل خطاب و دستور خود فرموده است.

عذاب بنیان‌کن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره گناه کاران می‌فرماید:

« و وسعته حُلماً لتأخذه علی جِهرة او تستأصله علی غرّة »^۳؛

« حلمت او را وسعت دادی تا او را آشکارا بگیری، یا او را در حالی که مغرور است ریشه کن سازی ».

۱. بلد الامین، کفعمی، ص ۵۷۰.

۲. بلد الامین، ص ۵۷۰.

۳. مهج الدعوات، ص ۶۷.

عذاب‌های الهی دارای مراتب و مراحل است؛ برخی از آن‌ها به جهت تذکر و تضرع و بیداری است، ولی برخی دیگر به جهت تکرار آن یا شدت‌ش موجب ریشه کن شدن و نابودی گناهکار می‌شود.

کرامت انسان به هدایت و استقامت

خداوند متعال در قرآن به کرامت انسان اشاره کرده و می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾^۱؛

«ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم».

در دعایی که از امام زمان علیه السلام نقل شده به مورد کرامت انسان اشاره کرده و می‌فرماید:

«و اکرمنا بالهدی و الاستقامة»^۲؛

«و ما را به هدایت و پایداری گرامی دار».

از این جا معلوم می‌شود که تکریم انسان در هدایت پیدا کردن او از جانب خداوند و استقامت او در راه هدایت است.

حفظ زبان از بیهوده گویی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی عرضه می‌دارد:

«... و سدّد السنن بالصواب و الحکمة»^۳؛

«... و زبان ما را به صدق و صواب بر کلام حکیمانه و شایسته گویاساز».

زبان را باید با صواب و حکمت گویی آشنا ساخت و به این دو تثبیت نمود تا به سراغ لغو و بیهوده نرود.

۱. اسراء، آیه ۷۰.

۲. المصباح، کفعمی، ص ۲۰۸.

۳. همان.

فرق بین علم و معرفت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی این چنین عرضه می‌دارد:

«... و املأ قلوبنا بالعلم و المعرفة»^۱؛

«و قلب‌های ما را از علم و معرفت پر کن».

از این که معرفت عطف بر علم شده به دست می‌آید که این دو عنوان با هم فرق دارند؛ زیرا بنا بر نظری معرفت ادراک بسیط و جزئی است، به خلاف علم که ادراک مرکبات و کلیات است، و لذا گفته می‌شود: خدا را شناختم ولی نمی‌گویند: به خدا علم پیدا کردم.^۲

✽

عمل به معروف، با الطاف الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«اللهم ارزقنا توفيق الطاعة و...»^۳؛

«بارالها! به ما توفیق فرمانبرداری روزی فرما...».

موفقیت انسان در اطاعت از دستورات الهی است که آن هم با لطف و عنایات الهی شامل حال انسان می‌گردد گرچه خود انسان هم باید بخواهد و اراده داشته باشد.

✽

رزق و روزی معنوی

رزق و روزی بر دو قسم است؛ مادی و معنوی، و از قسم دوم است برخی از جملاتی

۱. المصباح، کفعمی، ص ۲۰۸.

۲. الفروق اللغویة، ص ۵۰۱.

۳. مصباح، کفعمی، ص ۲۰۸، بلد الامین، ص ۳۴۹.

که در دعای امام زمان علیه السلام رسیده که فرمود:

«اللهم ارزقنا توفيق الطاعة و بُعد المعصية»^۱؛

«بارالها! بما توفيق فرمانبرداری و پرهیز از گناه و نافرمانی و... روزی فرما».

رزق و روزی بر دو نوع است؛ یکی مادی که مربوط به جسم و طبیعت انسان می باشد و دیگری معنوی که مربوط به روح و روان انسان است، و توفیق اطاعت از دستورات الهی و دوری از معصیت از رزق و روزی های معنوی است.

عدالت و مهربانی، دو وظیفه امیران

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی این چنین عرضه می دارد:

«و تفضل... علی الأمرء بالعدل و الشفقة»^۲؛

«و به امیران دادگری و مهربانی عنایت فرما».

از امیران توقع این است که دو کار را سرلوحه کارهای خود قرار دهند؛ یکی عدالت و دیگری شفقت و مهربانی و عطوفت در حق مردم، و این دو همان چیزی است که امام زمان علیه السلام از خداوند متعال خواسته تا به امیران عطا فرماید.

انصاف و خوشرفتاری، وظیفه عمومی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی این چنین عرضه می دارد:

«و تفضل... علی الرعية بالانصاف و حسن السيرة»^۳؛

«و به مردم انصاف و خوشرفتاری عنایت فرما».

۱. مصباح، کفعمی، ص ۲۰۸.

۲. البلد الامین، ص ۳۴۹.

۳. المصباح، کفعمی، ص ۲۰۸.

همان گونه که از امیران توقع عدالت و مهربانی در حق رعیت است، از رعیت نیز توقع دو چیز است؛ یکی انصاف در حق امیر و هم نوعان خود از مردم، و دیگری رفتار نیک و پسندیده با امیر خود و مردم داشتن، همان گونه که امام زمان علیه السلام از خداوند متعال برای مردم خواسته تا چنین تفضلی در حق آنان بنماید.

فرج بعد از شدت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی به خداوند متعال این چنین عرضه می‌دارد:

«یا من اذا تضایقت الامور فتح لنا باباً لم تذهب الیه الأوهام...»^۱؛
«ای آن که پس از بسته شدن و گیر کردن کارها راه گشایشی از برای ما باز می‌کنی که خیال‌ها بدان راه ندارد...».

خداوند هیچ گاه همه درها و همیشه اوقات درها را به روی انسان نمی‌بندد، گرچه انسان به درجه‌اعلای از شدت و گرفتاری برسد، و لذا هنگام شداید دری را از جایی باز می‌کند که هرگز اوهام و خیال‌ها آن را باور نمی‌کرد.

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی خداوند را چنین می‌ستاید:

«یا من اذا تضایقت الامور فتح لنا باباً لم تذهب الیه الأوهام...»^۲؛
«ای آن که پس از بسته شدن و گیر کردن کارها راه گشایشی برای ما می‌گشایی که خیال‌ها بدان راه ندارد...».

امدادهای غیبی الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی این چنین عرضه می‌دارد:

«یا من اذا تضایقت الامور فتح لنا باباً لم تذهب الیه الاوهام...»^۳؛

«ای آن که پس از بسته شدن و گیر کردن کارها راه گشایشی برای ما می‌گشایی که خیال‌ها بدان راه ندارد.»».

خداوند متعال هنگامی که همه راه‌ها و اسباب طبیعی بر افراد بسته می‌شود از امدادهای غیبی افراد را هدایت می‌کند، راه‌هایی که هرگز خیال‌ها به آن راه نداشته است.



حمد و تسبیح بسیار خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«سبحان الله عدد خلقه، سبحان الله رضی نفسه، سبحان الله مداد کلماته،

سبحان الله زنة عرشه، و الحمد لله مثل ذلك»^۱؛

«پاک و منزّه است خداوند به تعداد مخلوقاتش، پاک و منزّه است خداوند تا

آن گساره که خشنود گردد، پاک و منزّه است خداوند به شمارش

موجوداتش، پاک و منزّه است خداوند به اندازه وزن عرش او، و حمد و سپاس

مخصوص خداوند است همانند این مقادیر.»

این دعا از دعاهایی است که از روز هجدهم هر ماه تا آخر ماه خوانده می‌شود و در آن امام زمان علیه السلام به کثرت تسبیح و تحمید خداوند اشاره کرده است. می‌دانیم که زیاده روی در هیچ چیز مطلوب نیست جز ذکر خداوند متعال؛ لذا در قرآن کریم آمده است:

﴿ اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴾^۲؛

«خدا را بسیار یاد کنید، * و صبح و شام او را تسبیح گوید!».

۱. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۲۰۶.

۲. احزاب، آیات ۴۱ و ۴۲.

فضل خدا بر کسی که هدایتش کند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«والله ذوالفضل العظیم لمن یهدیه صراطه المستقیم»^۱؛

«و خداوند صاحب فضل بزرگ است برای کسی که او را به راه مستقیمش رهنمون سازد».

اگر کسی هدایت پیدا کرده و به راه مستقیم رهنمون شده بداند که مورد لطف خاص خداوند متعال قرار گرفته است؛ زیرا فضل و لطف خدا تنها در نعمت‌های مادی نیست، بلکه بالاترین نعمت خداوند هدایت به راه مستقیم می‌باشد.



نورانیت قلب به یقین

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهند تا از خدا چنین بخواهند:

«و ان تملأ قلبی نور الیقین»^۲؛

«و این که قلبم را به نور یقین پر کنی».

گفته شده که بهترین حالت برای انسان رسیدن به یقین است که در قرآن یکی از اهداف عبادت به حساب آمده آنجا که می‌فرماید:

﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾^۳؛

«و پروردگارت را عبادت کن تا یقین [=مرگ] تو فرا رسد».

و یکی از آثار یقین - مطابق آنچه در عبارت فوق آمده - نورانیت دل است.

۱. مصباح الزائر، ص ۲۲۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۳.

۳. حجر، آیه ۹۹.

نورانیت دل به ایمان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می دهند تا از خدا چنین بخواهند:

«و ان تملأ... صدري نور الايمان»^۱؛

«و این که سینه‌ام را به نور ایمان پر نمایی».

خیلی‌ها می‌گویند: نمی‌دانم چرا دلم گرفته و نمی‌دانند که برای شادی دل خود چه باید بکنند؟ لذا گاهی رو به کارهای خلاف و شادی کاذب می‌آورند تا خودشان را از این حالت روحی و روانی نجات دهند، در حالی که نمی‌دانند شادی و نورانیت دل - مطابق عبارات فوق - در ایمان به خداوند متعال است که می‌تواند تمام دل و روان انسان را نورانی سازد.

نورانیت فکر به ثبات

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می دهند تا از خدا چنین بخواهند:

«و ان تملأ... فكري نور الثبات»^۲؛

«و این که فکرم را با نور ثبات پر نمایی».

ثبات در عقیده و عمل خیر موجب نورانیت در فکر و جلا پیدا کردن آن می‌شود، و در مقابل، شک و تزلزل در عقیده و عمل می‌تواند فکر ما را ظلمت و تاریکی داده و یا لاقط به نورانیت نرساند.

نورانیت عزم به علم

از امام زمان عجل الله فرجه الشریف نقل شده که به شیعیانش دستور می دهند

۱. مصباح الزائر، ص ۲۲۳.

۲. همان.

تا از خدا چنین بخواهند:

«و ان تملأ... عزمی نور العلم»^۱؛

«و این که عزم را به نور علم پر نمایی».

انسان هنگامی که قصد و عزمی پیدا می‌کند اگر این عزم همراه با علم باشد، نور علم می‌تواند عزم انسان را جزم کرده و به فعلیت و سرمنزل مقصود و کمال برساند.

نور قدرت در عمل

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهند تا از خدا چنین بخواهند:

«و ان تملأ... قوتی نور العمل»^۲؛

«و این که قوت را با نور عمل پر نمایی».

هرکس از قوت و قدرتی برخوردار است، و این قوت نورانیته منحصو ص به خود دارد که با اعمال آن قدرت و عمل در راه خیر ظاهر می‌گردد. خوشا به حال کسی که تمام قوت و قدرتش را نور عمل فرا گرفته است.

نور زبان در صداقت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهند تا از خدا چنین بخواهند:

«و ان تملأ... لسانی نور الصدق»^۳؛

«و این که زبانم را با نور صداقت پر نمایی».

هرکس زبانی دارد که با آن سخن‌های مختلف می‌گوید، ولی نورانیت زبان در آن است که تنها سخن راست و درست را بگوید؛ زیرا هر جسمی و عضوی از اعضای

۱. مصباح، کفعمی، ص ۲۲۳.

۲. مصباح الزائر، ص ۲۲۲.

۳. همان، ص ۲۲۶.

انسان نورانیت مخصوص به خود را دارد که با فعلیت پیدا کردن اهداف آن اعضا، هر عضوی به نورانیت خود رسیده است.

و ممکن است که مقصود نور صداقت و راستگویی باشد.

نورانیت دین به بصیرت از جانب خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می دهند تا از خدا چنین بخواهند:

« و ان تملأ... دینی نور البصائر من عندك »^۱؛

« و این که دینم را با نور بصیرت های از جانب خودت پر نمایی ».

هدف و فلسفه دین، بصیرت دادن به انسان هاست که این لطف نیز از جانب خداوند متعال است و بصیرت نوری است که مقتضای دین صحیح می باشد، و کمال انسان در آن است که دینی را انتخاب کرده باشد که مملو از بصیرت باشد. و ممکن است که مقصود نور بصیرت باشد.

نورانیت گوش به شنیدن حکمت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می دهند تا از خدا چنین بخواهند:

« و ان تملأ... سمعی نور الحکمة »^۲؛

« و این که گوشم را از نور حکمت پر نمایی ».

هرکس گوش دارد و با آن صداهایی را می شنود که می تواند خوب باشد، ولی خداوند متعال برای گوش هدفی قرار داده که نورانیت اوست و آن شنیدن حکمت است.

و ممکن است که مقصود نور حکمت باشد.

۱. مصباح الزائر، ص ۲۲۳.

۲. همان.

قلب، محلّ ایمان به خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ»^۱؛

«قلب من به خداوند ایمان دارد».

از این که در عبارت فوق می‌گوید: نفس من به خدا ایمان دارد، استفاده می‌شود که موطن و محلّ ایمان قلب و نفس انسان است.

لطف خدا در قرار دادن انسان در مسیر هدایت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«وَاجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ مَصِيرًا»^۲؛

«و راهم را به سوی خشنودی و بهشتت قرار بده».

اگر در راه مستقیم قرار گرفته‌ایم باید خدا را شکرگزار باشیم و گرنه از او بخواهیم تا به ما چنین لطفی عنایت فرماید که بهترین عنایت و لطف است.

ناصران دین خدا، مؤیدان از جانب خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«وَاجْعَلْ مِنْ يَتَّبِعُنِي لِنَصْرَةِ دِينِكَ مُؤَيِّدِينَ»^۳؛

«و کسانی که مرا در یاری دینت پیروی می‌کنند مؤید گردان».

امام زمان علیه السلام کسانی که آن حضرت را در یاری رساندن به دین حق پیروی کرده دعا

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۳.

۲. مصباح الزائر، ص ۶۵.

۳. مهج الدعوات، ص ۳۰۲.

به توفیق نموده است، و مادر عصر غیبت آن حضرت می‌توانیم با پیروی از او مورد تأیید خاص الهی قرار بگیریم.

مَنْت گذاشتن خدا بر ما به ایمان به او

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهند تا از خدا چنین بخواهند:

«اللَّهُمَّ ان كُنْتَ قَدْ عَصَيْتَكَ فَانِّي قَدْ اطَعْتُكَ فِي احَبِّ الاشْيَاءِ اليكَ، و هو الايمان بك. لم اتخذ لك ولداً و لم ادع لك شريكاً، مَنْتاً منك به عليّ، لا مَنْتاً مني به عليك»^۱؛

«بارالها! اگر تو را عصیان نمودم، ولی در بهترین امور نزد تو یعنی ایمان به تو و اعتقاد به عدم وجود فرزند و شریک برایت، مطیع تو گردیدم، این امر منّتی است از تو بر من، نه این که منّتی باشد از من بر تو».

از آن جا که نعمت ایمان بهترین نعمت الهی بر بندگان است لذا بر این نعمت بر آنان مَنْت گذاشته است.



سپاس خدا به جهت اطاعتش

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ ان اطَعْتُكَ فَاَلْمَحْمَدَةَ لَكَ»^۲؛

«بارخدا یا! اگر تو را اطاعت کنم پس سپاس برای توست».

ما از آن جهت که خداوند را اطاعت می‌کنیم براو مَنْت نداریم بلکه اوست که بر ما مَنْت گذاشته که دستوراتی را به ما داده که فایده‌اش به خود ما باز می‌گردد.

۱. مهج الدعوات، ص ۳۰۲.

۲. مهج الدعوات، ص ۲۹۴.

تکیه کردن به خدا در شدت و رخا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«و عليك المعول في الشدة و الرخاء»^۱؛

«تنها بر توست تکیه گاهم در حال گرفتاری و بی‌نیازی».

در هنگام شداید و نیز بی‌نیازی باید بر خدا تکیه کنیم و هنگام شداید از او نبریم، همان‌گونه که نباید در هنگام بی‌نیازی خود را مستقل بدانیم و از او جدا شویم.

قناعت به روزی خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«... و نفس بما رزقتها قانعة»^۲؛

«... و نفسی را که بدانچه به او داده‌ای قانع باشد».

نفس انسان طمّاع است و در صدد جمع کردن و زراندوزی است، گویا که می‌خواهد تا ابد در دنیا زندگی کند، و هرچه بیشتر جمع کند حریص‌تر می‌شود. حضرت مهدی علیه السلام بنابراین نقل در این دعا از خداوند می‌خواهد که سرچشمه حرص که نفس طمّاع است را اصلاح کرده و آن را قانع نسبت به روزی خداوند کند.

برکت عمر انسان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«... و بارك لنا فيما كتبتنا لنا من اعمارنا»^۳؛

«... و به سال‌های زندگی ما که مقدر فرموده‌ای برکت عطا فرما».

۱. جمال الاسبوع، ص ۱۷۰.

۲. اقبال الاعمال، ص ۶۴۷.

۳. بلد الامین، ص ۱۸۰.

برخی از افراد هستند که دارای عمری بابرکت بوده و نهایت استفاده را در بهترین خیرات از عمرشان می‌برند و این به جهت برکتی است که خداوند متعال در عمرشان گذاشته است.

مبارک بودن برخی از زمان‌ها

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«و بارك لنا فی شهرنا هذا المرجب المکرم و ما بعده من اشهر الحرم، و اسبغ علينا فيه النعم، و اجزل لنا فيه القسَم»^۱؛
«و در این ماه شکوهمند رجب و ماه‌های حرام بعد از آن، بر ما خیر و برکت عطا فرما و نعمت‌ها را بر ما تمام و کامل فروریز، و روزی ما را فراوان نما».

وهابیان گاهی اعتراض می‌کنند که چرا در برخی از زمان‌های خاص همچون مبعث و غدیر و ... جشن برپا کرده و مراسم می‌گیرید و این کار را می‌توانید در هر موقعی انجام دهید، و اختصاص دادن مراسم به یک زمان خاص بدعت است، ولی از جملات بالا استفاده می‌شود که برخی از زمان‌ها به طور خاص مبارک است و لذا می‌توان در آن زمان‌ها مراسمی را برپا نمود.

ایمان، قابل زیاده و نقصان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که از خداوند متعال چنین درخواست می‌کند:

«... ان تصلى على محمد و آل محمد، و ان تزیدنی ایماناً و تشیئاً»^۲؛
«این که بر محمد و آل او درود فرستی و این که بر ایمان و پایداری من بیفزایی».

۱. بلد الامین، ص ۱۷۹.

۲. اقبال الاعمال، ص ۶۴۶.

بین متکلمان اسلامی بحث است که آیا ایمان قابل زیاده و نقصان است؟ ولی از این جملاتی که از امام زمان علیه السلام نقل شده به دست می‌آید که ایمان قابل زیاده و نقصان است.

اولیای الهی در آسمان و زمین

از امام زمان علیه السلام نقل شده که دربارهٔ والیان امر و اولیای الهی می‌فرماید:

«... فبههم ملأت سماءك و ارضك حتی ظهر ان لا اله الا انت»^۱؛

«... پس به واسطهٔ آنان آسمان و زمینت را پر کردی تا این که وحدانیت خدا ظاهر گشت».

از این کلمات استفاده می‌شود که اولیای الهی همان گونه که در زمین وجود دارند در آسمان‌ها نیز هستند، و به واسطهٔ آنهاست که توحید در عالم ظهور پیدا می‌کند.

حقانیت قرآن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«فانك اللهم قلت و قولك الحق...»^۲؛

«بارخدا یا! خودت فرمودی و فرمان تو حق است...».

قرآن کلام خداست و آن عین حق و واقع است که شک و تردید در آن راه ندارد.

تأویل بیرون آوردن نعلین در کوه طور

از امام زمان علیه السلام نقل شده که دربارهٔ تأویل بیرون آوردن نعلین حضرت موسی علیه السلام هنگام رفتن به کوه طور فرمود:

«انّ موسی علیه السلام ناجی ربّه بالواد المقدس فقال: یا ربّ انّی قد اخلصت

۱. اقبال الاعمال، ص ۶۴۶.

۲. مهج الدعوات، ص ۶۷.

لك المحبّة منّي و غسلت قلبی عمّن سواك ، و كان شديد الحبّ لأهله .
فقال الله تبارك و تعالى : فاخلع نعليك ای انزع حبّ اهلك من قلبك ان
كانت محبّتك لي خالصة و قلبك من الميل الي من سواي مغسولاً^۱ ؛
« همانا موسی علیه السلام با پروردگارش در وادی مقدس مناجات کرد و عرضه
داشت: بار پروردگارا! من به طور حتم محبّتم را خالص برای تو نمودم
و قلبم را از غیر تو پاک کردم، و او محبّت زیادی به اهلش داشت. خداوند
تبارک و تعالی فرمود: دو کفش هایت را درآور، یعنی محبّت اهلت را از
قلب بیرون کن اگر محبت تو برای من خالص و قلبت از میل به غیر من شسته
شده است.»

از آن جا که کفش انسان هنگام راه رفتن به زمین متصل می شود، لذا از محبت و
دلبستگی به دنیا به کندن نعلین کنایه آورده شده است، و مصداق بارز محبّت به دنیا،
محبّت به اهل و عیال است.

نجات قرآن از غربت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره امام حسین علیه السلام فرمود:

« اشهد أنّك ... كنت للرسول صلی الله علیه و آله ولداً و للقرآن منقذاً^۲ ؛

« گواهی می دهم که تو ... فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله بودی و قرآن را نجات دادی.»

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله امام حسین علیه السلام را فرزند خود خواند همان گونه که حیثیت خود و
حفظ دینش را به او وابسته ساخت، آنجا که فرمود:

« حسین منّي و انا من حسین»؛

« حسین از من و من از حسینم.»

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۷۸، باب ۱۹.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۸.

امام حسین علیه السلام با قیامی که انجام داد قرآن را از تحریف و غربت نجات بخشید و آن را در سطح جامعه وارد و پیاده نمود.

وحشت نکردن از کمی پیروان

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«الْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا»^۱؛

«حقانیت با ما اهل بیت می‌باشد و کناره‌گیری عده‌ای از ما هرگز سبب وحشت ما نخواهد شد».

پیروزی حق بر باطل

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«أَبَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِلْحَقِّ إِلَّا إِثْمَامًا، وَلِلْبَاطِلِ إِلَّا زُهُوقًا»^۲؛

«اراده حتمی خداوند بر این قرار گرفته که - دیر یا زود - پایان حق پیروزی و پایان باطل نابودی باشد».

این عبارت، قسمتی از جوابی است که حضرت علیه السلام به نامه احمد بن اسحاق اشعری قمی داده‌اند. حضرت، در این نامه، بعد از رد ادعای جعفر (عموی خود)، خودش را، وصی و امام بعد از پدرش امام حسن عسکری علیه السلام معرفی می‌کند. آن‌گاه به این نکته اشاره می‌کند که سنت الهی به این تعلق گرفته که حق و حقیقت را یاری کند و به جایگاه رفیع خود برساند، هر چند در طول تاریخ، با آن مبارزه شود. از طرفی دیگر، سنت الهی، به این تعلق گرفته که باطل، هر چند مدتی را جولان دهد و حاکم باشد، نابود گردد و جز اسمی از آن باقی نماند. باطل ممکن است، یکه‌تاز گردد و سلطه‌اش

۱. الفیبة، شیخ طوسی، ص ۲۸۵، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸، ح ۹.

۲. الفیبة، طوسی، ص ۲۸۷، ح ۲۴۶؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۳، ح ۲۱.

مدتی ادامه داشته باشد، ولی بالاخره، نابود خواهد شد. سرنوشت فرعون‌ها و... این نکته را به خوبی نشان داده است. لذا بر ما است که همیشه، دنباله‌رو حق و حقیقت باشیم و از تلخی‌های زودگذر تمسک به حق نهراسیم، و هیچ‌گاه دل به ظاهر فریبنده باطل نبندیم؛ زیرا، نور حق، در آخر، به ثمر می‌نشیند و باطل را نابود می‌کند.

شک شیطانی و نامقدس

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«لَا تَشْكَنَّ، فَوَدَّ الشَّيْطَانُ أَنْكَ شَكَّكَ»؛

«هرگز شک به خود راه مده؛ زیرا شیطان دوست دارد که تو شک کنی».

شیخ کلینی رحمته الله، به سند خود، از حسن بن نصر نقل می‌کند: هنگامی که وارد منزل امام عسکری علیه السلام شدم، شخص سیاهی را دیدم که ایستاده است. او به من گفت: «تو حسن بن نصر هستی؟». گفتم: «آری». گفت: «داخل شو». پس داخل خانه شدم و سپس اتاقی را دیدم که بر در آن، پرده‌ای آویزان شده بود. از داخل اتاق، ندایی شنیدم که فرمود: «ای حسن بن نصر! خدا را بر آن چه بر تو منت گذاشته شکرگزار باش و حمد کن، و هرگز شکمی به خود راه مده؛ زیرا شیطان دوست دارد که تو شک کنی...». از آن‌جا که حسن بن نصر و جماعتی دیگر از شیعیان، در امر و کلا و دیگر امور شک کرده بودند، و در امر امامت و رهبری جامعه، که از مسائل اعتقادی است، شک، موجب فساد دین خواهد شد، لذا امام علیه السلام، او را از شک و تردید بر حذر می‌دارد؛ زیرا شک و تردید، منشأ از بین رفتن عقیده‌ای است که زیربنای تمام رفتارهای فردی و اجتماعی است.

از این حدیث شریف، چند نکته استفاده می‌شود:

۱- از آن‌جا که امام علیه السلام، خبر از باطن حسن بن نصر می‌دهد، پس امام، علم غیب می‌داند.

- ۲- امام علیه السلام، اگر چه در غیبت به سر می‌برد، ولی به فکر شیعیان خود است و آنان را از حیرت و ضلالت و گرفتاری‌ها، نجات می‌دهد.
- ۳- شک در امور اعتقادی، زیان فراوان دارد؛ زیرا منشأ همه بی‌بند و باری‌ها، عدم یقین و باور دینی است. لذا ما باید ایمان خود و دیگران را تقویت کنیم و در صورت القای شبهات، پاسخ‌گوی آن‌ها باشیم.
- ۴- یکی از راه‌های نفوذ شیطان، ایجاد شک و تردید در باورهای عقیدتی مردم است، و طبق این حدیث شیطان این حالت را در انسان بسیار دوست دارد.
- ۵- انسان باید در صدد زوال شک و تردید از خود و افراد جامعه باشد. همان‌گونه که امام زمان علیه السلام، در صدد برآمدند تا شک را از حسن بن نصر و جماعت شیعه برطرف کنند. قرآن کریم، در پانزده مورد، شک را مذمت، و شک‌کننده را دعوت به تفکر کرده است. نتیجه تفکر، زوال شک و رسیدن به یقین است.

برآوردن حاجات مردم

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ كَانَ فِي حَاجَةٍ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ»^۱؛

«هر کسی که به دنبال حاجت خداوند عزوجل باشد، خداوند نیز دنبال‌کننده و برآورنده حاجت او خواهد بود».

این حدیث را شیخ صدوق رحمته الله علیه از پدرش، از سعد بن عبدالله، از ابی القاسم بن ابی‌حلیس (حابس)، از امام زمان علیه السلام، نقل می‌کند. حضرت در پیامی به حلیمی به خلوص او اشاره می‌کند و به صورت کلی، به این نکته اخلاقی اشاره می‌فرماید که: «هر کس در صدد برآوردن حاجت خداوند باشد، خداوند نیز دنبال‌کننده حاجات او خواهد بود و خواسته‌هایش را برآورده می‌کند».

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۹۲، ح ۱۸؛ الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۴۲، ح ۲۴؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۳۱، ح ۵۶.

هر چند مراد از حاجت خداوند در بخشش دیگر از این روایت، زیارت امام حسین علیه السلام، با نیت خالص مشخص شده است، ولی حضرت، یک اصل کلی را بیان کرده‌اند و زیارت امام حسین علیه السلام را، مصداقی از آن قرار داده‌اند؛ یعنی، اگر انسان، کاری را که ارزشش آن مقدار است که می‌تواند مصداقی از اموری باشد که اجرایش مطلوب و خواسته خداوند است، و از این رو بتوان آن را «حاجت و خواسته خداوند» خواند، انجام دهد، خداوند نیز کارهای او را اصلاح می‌کند. این کارها، می‌تواند زیارت یکی از معصومان علیهم السلام، یا خدمت به خلق خدا و تلاش برای رفع گرفتاری آنان یا ... باشد.

لازم به تذکر است که خداوند، محتاج به هیچ کس نیست، بلکه این مردم‌اند که سر تا پا محتاج به قاضی الحاجات‌اند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴾^۱

«ای مردم! شما محتاجان به سوی خداوندید و خداوند، همان غنی ستایش شده است.»

تعبیر حاجت خداوند در این حدیث به این جهت است که: حاجت خداوند در حاجت خلق است. و به تعبیر دیگر: کسی که مشغول برآوردن حاجات مردم باشد گویا درصدد برآورده شدن حاجت خداوند است.

احتمال دیگری که در مورد این حدیث وجود دارد این است که مقصود از «حاجت خدا»، دستورات خداوند اعم از اوامر و نواهی باشد که مورد خواست خداوند است، که اگر کسی در برابر آن دستورات مطیع باشد خداوند نیز حاجت او را بر آورده می‌کند.

گناه‌شناسی از دیدگاه
حضرت مهدی علیه السلام

حرام‌شناسی، مقدمه ترک حرام

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی چنین عرضه می‌دارد:

«اللهم ارزقنا توفيق الطاعة و... عرفان الحرمة...»^۱؛

«بارالها! به ما توفیق فرمانبرداری و... معرفت به حرمت... بما عنایت فرما».

از جمله «عرفان الحرمة» دو معنا استفاده می‌شود؛ یکی شناخت حرام‌های الهی و دیگری شناخت چیزهایی که حرمت داشته و نزد خداوند متعال ارزشمند است، و هر یک از این دو معنا در این جمله احتمال داده می‌شود.

بیزاری خداوند از ظلم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«الهی وقد علمتُ یقیناً انک لا تأمر بالظلم و لا ترضاه، و لا تمیل الیه، و

لا تهواه، و لا تحبّه»^۲؛

«ای خدای من! من به طور یقین دانستم که هرگز به ظلم امر نمی‌کنی و به آن رضایت

نمی‌دهی، و به سوی آن میل نداری و هوای آن را نداری، و آن را دوست نمی‌داری».

۱. المصباح، کفعمی، ص ۲۰۸.

۲. مهج الدعوات، ص ۲۸.

خداوند چنان از ظلم و ستم به دیگران بیزار است که امام زمان علیه السلام می‌فرماید: من یقین دارم که او هرگز به ظلم دستور نمی‌دهد و به آن راضی نیست و میلی به آن ندارد و هوای آن در او نمی‌باشد و دوست هم ندارد و این نهایت بیزاری خداوند از ظلم و ستم است.

بدبختی ناامید

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّقِيَّ مِنْ قَنْطِ وَأَمَامِهِ التَّوْبَةُ وَوَرَاءَهُ الرَّحْمَةُ»^۱؛

«بارخدا یا! همانا بدبخت کسی است که ناامید باشد در حالی که پیش روی او توبه و پشت سرش رحمت است».

انسان هرگز نباید ناامید باشد تا مادامی که توبه جلو دار و راهگشای اوست و راه را بر او هموار می‌کند تا از پشت سر مشمول رحمت خدا گردد، و لذا هرکس با این دو خصلت مأیوس و ناامید گردد او شقی و بدبخت است.

پناه بر خدا از عاقبت به شری

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیعیانش فرمود:

«اجارنا وایاکم من سوء المنقلب»^۲؛

«خداوند ما و شما را از عاقبت به شری پناه دهد».

بسیاری از افراد در ابتدا افراد شریف بوده و اهل کمال و معنویت بوده‌اند ولی در مواقع امتحان خود را باخته و عاقبت بدی داشتند، و این مطلبی است که به طور عیان از افراد مشاهده شده و در تاریخ هم زیاد است. و لذا باید از خداوند متعال مسألت نماییم که ما را از عاقبت به شری حفظ نماید.

۱. مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

دوری از فتنه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیعیانش فرمود:

« عافانا الله و ایتاکم من الفتن »^۱؛

« خداوند ما و شما را از فتنه‌ها در امان دارد ».

همیشه و همه جا فتنه وجود دارد و انسان در مواقع ظهور فتنه‌ها امتحان می‌شود، و آنچه برای ما مهم و حیاتی است آن که ما از این فتنه‌ها سالم بیرون آمده و خود را مبتلا و گرفتار نسازیم و در عین انجام وظیفه آتش فتنه ما را دامنگیر نشود.

نهی از پیروی از هوای نفس

از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

« ... فَلْيَدَعُوا عَنْهُمْ اتِّبَاعَ الْهَوَى »^۲؛

« ... پس باید از خود پیروی هوای [نفس] را دور کنند ».

بدترین دشمنان انسان نفس اوست که پیروی از هوا و خواسته‌هایش انسان را به بیراهه و انحراف و جهنم می‌کشاند، و لذا باید با خواسته‌های نفس به مقابله پردازیم.

عاقبت به خیری اجتناب کننده از منکر

از امام زمان علیه السلام نقل شده که راجع به شیعیانش فرمود:

« و العاقبة لجميل صنع الله سبحانه تكون حميدة لهم ما اجتنبوا المنهَى

عنه من الذنوب »^۳؛

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۰.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

«و عاقبت زیبایی خلقت خداوند سبحان برای آنان پسندیده است در صورتی که از آنچه از گناهایی که نهی شده‌اند اجتناب نمایند».

کسی که از منکرات دوری می‌گزیند بداند که عاقبتش به خیر خواهد شد و پاک و پاکیزه از این دنیا رحلت خواهد کرد، و لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۱؛

«و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!».

✽

مجالست نکردن با منحرفان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به اسحاق بن یعقوب می‌فرماید:

«و اما ابوالخطاب محمد بن ابی زینب الأجدع؛ فانه ملعون و اصحابه ملعونون، فلا تجالس اهل مقاتلهم، فانی منهم بریء و آبائی علیهم السلام منهم براء»^۲؛

«اما ابوالخطاب محمد بن ابی زینب اجدع؛ پس او و اصحابش همگی ملعونند، پس با کسانی که اهل گفتار او هستند مجالست مکن که من و پدرانم علیهم السلام از آنها بیزاریم».

باید از کسانی که منحرف بوده و مورد طعن و لعن خدایند کناره گرفت و با آنان مجالست ننمود؛ چرا که اولاً ممکن است افکار انحرافی آنها در ما نفوذ کند و ثانیاً: ممکن است که عذاب خدا شامل حال او گردد که اگر ما نیز همراه آنان باشیم مشمول عذاب الهی شویم.

✽

۱. اعراف، آیه ۱۲۸.

۲. احتجاج، طبرسی، ص ۴۶۹.

دور شدن از معصیت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی می‌فرماید:

«اللّٰهُمَّ ارزقنا... بعد المعصية...»^۱؛

«پارالها! به من دوری از معصیت را روزی فرما...».

در این دعا از خداوند متعال خواسته شده که به ما لطف نماید تا به معصیت نزدیک نشویم چرا که نزدیک معصیت شدن انسان را وسوسه کرده و ممکن است که به معصیت مبتلا سازد.



ترحم به معصیت‌کار

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهد که از خداوند این‌گونه بخواهند:

«... و ارحم عصیانی»^۲؛

«... به گناه‌کار بودنم رحم نما».

برخی گمان می‌کنند همین که رفیقشان به گناه افتاد و منحرف شد باید او را رها کنند در حالی که در این موقع حساس باید بیشتر به او محبت کرده و با او ارتباط داشته باشند تا نگذارند در منجلاب فساد بیش‌تر غوطه‌ور گردد و دست او را بگیرند و از این وضعیت نجاتش دهند. ولی اگر احساس می‌کنند که با او بودن به دین و ایمانشان ضرر می‌زند باید از او جدا شوند. و لذا در جمله فوق آمده است: ای خدا! به گناهانم رحم کن. ما هم باید به گناهان گناهکار رحم نماییم.



۱. المصباح، کفعمی، ص ۲۰۸.

۲. مهج الدعوات، ص ۲۸.

دیون مردم، گریبان گیر انسان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهد که از خداوند این‌گونه بخواهند:

«... و فكّ رقبتی من مظالم لعبادك رکبثی»^۱؛

«... گردنم را از مظالم بندگانت که بر آن بار شده آزاد گردان».

دیونی که انسان به مردم بدهکار است از هر نوع و سنخی که باشد بر انسان همانند بار، سنگینی می‌کند که اگر در این دنیا خالی نگشته و سبک نگردد در عالمی دیگر تمام آن‌ها مورد محاسبه قرار می‌گیرد.



عذاب دردناک برای مغرور و متجاهر به فسق

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره متجاهر به فسق و گناهکار مغرور به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«و وسعته حتماً لتأخذه علی جهره، او تستأصله علی غرّة»^۲؛

«حلمت او را وسعت داد تا او را آشکارا بگیری، یا او را در حالی که مغرور است ریشه کن سازی».

کسی که آشکارا گناه می‌کند و به گناه خود مغرور است باید مواظب باشد که عذاب بسیار دردناکی در انتظار اوست که وقتی بر او وارد شود او را از ریشه نابود می‌کند.



۱. مهج الدعوات، ص ۲۸.

۲. مهج الدعوات، ص ۶۷.

حلم خدا از گناه کار، زمینه عذاب

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره گناهکاران و متمردان به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«... و سعتة حلماً لتأخذه على جهة او تستأصله على غرة»^۱؛
«حلمت او را وسعت داد تا او را آشکارا بگیری، یا او را در حالی که مغرور است ریشه کن سازی».

گاهی که خداوند حلم و بردباری کرده و کاری به گناه کار ندارد بدین جهت است که در ملامت یا در حالی که مغرور و سرمست از گناه است او را گرفته و ریشه کن سازد.



کفر، منشأ فخر فروشی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره فرعون فرمود:

«... و بکفره عليهم افتخر»^۲؛
«... و به سبب کفرش بر قومش فخر فروشی کرد».

از عبارت فوق استفاده می‌شود که منشأ فخر فروشی کفر است؛ زیرا همه انسان‌ها نسبت به خداوند یکسان هستند و اگر هم به تقوا برتری دارند این امر نباید مایه فخر و مباهات بر دیگران گردد؛ زیرا که این امر منشأ مسؤولیت‌های بیش‌تر بر عهده انسان است و لذا پیامبر صلی الله علیه و آله با آن که خودش را سرور اولاد آدم علیه السلام معرفی کرده آن را مایه فخر و مباهات بر دیگران ندانسته است.

۱. مهج الدعوات، ص ۶۷.

۲. مهج الدعوات، ص ۲۸۱.

متکبر، ستمگر در حق خویش

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره فرعون فرمود:

«و بظلمه لنفسه تکبر»^۱؛

«و به ظلم بر خودش تکبر کرده است».

کسی که بر دیگران تکبر می‌ورزد در حقیقت به خودش ظلم کرده است؛ زیرا با این کار به دست خود از چشم مردم ساقط می‌شود و خداوند متعال نیز اراده کرده تا هرکس تکبر کند او را خوار و ذلیل کرده و هرکس که تواضع کند او را بلندمرتبه گرداند.

نجات معنوی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند عرضه می‌دارد:

«و طهر بطوننا من الحرام و الشبهة»^۲؛

«و شکم ما را از طعام حرام و شبهه ناک پاک گردان».

طهارت در مقابل نجاست به کار می‌رود و از امر به طهارت از حرام و شبهه به دست می‌آید که کارهای حرام و شبهه‌ناک دل و روح و روان انسان به نجاست معنوی مبتلا می‌شود.

ظلم از راه دست

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند عرضه می‌دارد:

«و اکفف ایدینا عن الظلم...»^۳؛

«و دست ما را از ظلم و تعدی بازدار...».

۱. مهج الدعوات، ص ۲۸۱.

۲. المصباح، کفعمی، ص ۲۰۸.

۳. همان.

انسان ظلم‌هایی را که انجام می‌دهد با ابزار و اسبابی است که یکی از آن‌ها دست‌ها است، و از جمله آن، زدن بی‌گناه و یتیم و سرقت اموال مردم و امضا کردن کاری بناحق است. و لذا حضرت مهدی علیه السلام از خداوند می‌خواهد که دست‌های ما را از ظلم به دیگران بازدارد.

سدّ سازی در برابر حرف‌های ناشایست

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«و اسدّد اسماعنا عن اللغو و الغيبة»^۱؛

«و گوش ما را از شنیدن سخنان بیهوده و غیبت مسدود گردان».

از آن جا که عمده گناهانی که به توسط گوش انجام می‌گیرد لغو و غیبت است لذا حضرت علیه السلام تنها به این دو اشاره کرده است. از تعبیر به «اسدّد» استفاده می‌شود که گناه لغو و غیبت آن قدر در دسترس انسان است و بدون هیچ مانعی انجام می‌گیرد که در برابر آن سدّ سازی لازم است، بر خلاف گناهان دیگر که باید با تحرّک یک وسیله‌ای انجام گیرد مثل حرکت دادن زبان یا دست و یا پا و...

زنا و خیانت چشم

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند عرضه می‌دارد:

«و اغضض ابصارنا عن الفجور و الخيانة»^۲؛

«و چشم ما را از گناه و خیانت محفوظ بدار».

چشم نیز همانند برخی دیگر از اعضا و جوارح انسان فجور و خیانت می‌کند و از

۱. البلد الامین، ص ۳۴۹.

۲. همان.

جمله آن‌ها نگاه به نامحرم است، و باید از خداوند متعال بخواهیم که ما را کمک کند تا چشم‌های خود را از هرچه مصداق فجور و خیانت است بپوشانیم، و می‌دانیم که نگاه به نامحرم هم خیانت به خود است و هم به ناموس مردم.

گناه مانع ورود انسان به بهشت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی عرضه می‌دارد:

«... و ان تجعل مآبى الى جنتك و محلّى فى رحمتك، و تسكننى
فيها بعفوك»^۱؛

«... و این که بازگشتم را به سوی بهشت و محل رحمت قرار دهی، و مرا به
عفت در آن سکنی‌گزینی».

بهشت جای پاکان و نیکان است و کسی که از گناه پاک نشده نمی‌تواند در آن سکنی
گزیند و لذا باید از خداوند متعال بخواهیم تا با عفو و گذشت از گناهانمان ما را در
بهشت جای دهد.

مهلت خداوند به ظالمان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که درباره‌ی ظالمان به خداوند این چنین عرضه می‌دارد:

«... فان كنت جعلت لهم مدّة لا بدّ من بلوغها، او كتبت لهم آجالاً
ينالونها...»^۲؛

«... پس اگر برای آنان مدتی قرار دهی که باید به آن مدت برسند یا برای آنان
وقت‌هایی قرار دادی که باید به آن نایل گردند...».

گاهی خداوند متعال به ظالمان مهلت می‌دهد تا هرچه می‌خواهند انجام دهند و امت

۱. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۲۶۶.

۲. مهج الدعوات، ص ۲۸.

به آن‌ها امتحان شوند، ولی ظلم آن‌ها همیشگی نیست یک حدّ و اندازه‌ای دارد، و چون به آن مدت رسید خداوند آنان را با دست قدرت قهاره‌اش می‌گیرد و به اشدّ مجازات می‌رساند و این همه به مصلحتی است که خودش به آن آگاه‌تر است.

امید رحمت خدا را داشتن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهد که از خدا این چنین بخواهند:

«...ها انا سائلک بفنائک، و مسکینک بیابک، و ضعیفک بیابک، و فقیرک بیابک، و مؤملک بفنائک، اسألك نائلک و ارجو رحمتک و اؤمل عفوک و التمس غفرانک...»^۱

«... [ای خدا] هان، من سؤال کننده از تو هستم که به درگاهت آمده‌ام، و مسکین توام که به درخانات آمده‌ام، و ضعیف توام که به درخانات آمده‌ام، و فقیر توام که به درخانات آمده‌ام، و امیدوار توام که به درگاهت آمده‌ام، از تو می‌خواهم که به تو برسم و آرزوی رحمت تو را دارم، و امید عفو تو را دارم و از تو غفرانت را آرزومندم...».

انسان باید به کسی دل ببندد و امیدوار باشد که یقین دارد خواسته‌اش را برآورده می‌کند و هرگز امیدش را ناامید نمی‌نماید و یا لااقل او را دست خالی برنمی‌گرداند، و چشم طمع و امید به کسی نداشته باشد که در سخت‌ترین حالات و شداید به او پشت می‌کند.

دعوت خدا از گناه کاران

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«الهی انت الذی تنادی فی انصاف کلّ لیلة: هل من سائل فأعطیه، ام هل من داع فأجیبه، ام هل من مستغفر فأغفرله، ام هل من راج فأبلفه»

رجاءه، ام هل من مؤمل فأبلغه أمله...»^۱؛

«ای خدای من! تو کسی هستی که در نیمه‌های هر شب ندا می‌دهی: آیا سؤال کننده‌ای هست که من به او عطا کنم، یا آیا دعا کننده‌ای هست که او را اجابت کنم، و یا آیا طلب مغفرت کننده‌ای هست که [گناهانش] را ببوشانم، یا آیا امیدواری هست که به امیدش برسانم، یا آیا آرزومندی هست که به آرزویش برسانم...».

خداوند متعال از آن جا که بندگان را دوست دارد آن‌ها را به حال خود رها نمی‌کند و لذا در بهترین حالات و زمان‌ها او را به سوی خود دعوت می‌کند و وعده عطا و بخشش به او می‌دهد، و از بنده‌اش می‌خواهد که او را بخواند و وعده اجابت به او می‌دهد، و از او می‌خواهد که درخواست بخشش نماید و به او وعده بخشش می‌دهد، و از او می‌خواهد که امیدوار به رحمت خداوند باشد و به او وعده رساندن به مرادش را می‌دهد و... این اوج مهربانی و محبت خداوند به بندگان می‌باشد.

بازگشت از گناه قبل از غرق شدن در آن

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی به ما این چنین تعلیم می‌دهند:

«الهی ادرکنی ولما يُدرکُنی الغرق، وتدارکُنی ولما غیب شمسی الشفق»^۲؛
«بارالها! مرا دریاب تا زمانی که غرق نشده‌ام، مرا دریاب تا آنگاه که شمس وجودم افول نکرده است».

انسان گناه کار قبل از آن که در منجلاب گناه غوطه ور گردد و قبل از آن که خورشید وجودش غروب کند و مرگش فرا رسد باید با توبه و رجوع از گناه به سوی خالق، گذشته‌ها را جبران کند و این تنها با کمک و مساعدت خداوند متعال امکان‌پذیر است.

۱. البلد الامین، ص ۳۹۳.

۲. مهج الدعوات، ص ۳۳۹.

گناه، منشأ ظلمت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند عرضه می‌دارد:

«... اسألك نظرة من نظراتك رحيمة تجلي بها عني ظلمة عاكفة

مقيمة، من عاهة جفت منها الضروع...»^۱؛

«...از تو می‌خواهم که نظر رحمتی بر من افکنی، که تاریکی پایداری که بر

اثر بیماری بر من مسلط شده، و سینه‌ها از وجود شیر تهی گشته و... را

زایل نمایی.»

گناه، منشأ تاریکی است و هرچه بیشتر شود و از آن توبه نگردد پایدار شده و ظلمت آن بر انسان بیش‌تر مسلط می‌گردد به حدی که دل را خشک کرده و می‌میراند، و لذا باید از خداوند متعال بخواهیم تا به انسان لطف و نظر رحمت نماید و از تاریکی گناه که سایه خود را بر ما افکنده نجات دهد.

آثار مادی و معنوی گناه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«... اسألك نظرة من نظراتك رحيمة تجلي بها عني ظلمة عاكفة مقيمة،

من عاهة جفت منها الضروع، و تلفت منها الضروع...»^۲؛

«از تو می‌خواهم که نظر رحمتی بر من افکنی، که تاریکی پایداری که بر اثر

بیماری بر من مسلط شده، و سینه‌ها از وجود شیر تهی گشته و زراعت‌ها نابود

شده... را زایل سازی.»

گناه دو نوع اثر دارد؛ یکی آثار معنوی که تاریکی دل و قلب و روح و روان انسان

۱. بلد الامین، ص ۲۲۳.

۲. مهج الدعوات، ص ۳۲۹.

است و دیگری آثار مادی که سلب نعمت و خیرات باشد، و لذا چه بسا گناه باعث قحطی در جامعه شود.

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«... اسألك نظرة من نظراتك رحيمه تجلّی بها عنى ظلمة عاكفة مقيمة،
من عاهة ... انهلت من اجلها الدموع، و اشتمل لها على القلوب اليأس و
جرت بسببها الأنفاس»^۱؛

«از تو می‌خواهم که نظر رحمتی بر من افکني، که تاریکی پایداری که بر اثر
بیماری بر من مسلط شده، و ... اشک‌ها خشک و قلب‌ها مأیوس، و جان‌ها به
سببش از بین می‌رود را زایل سازی».

گناه آثار گوناگونی دارد از آن جمله؛

- ۱- تاریکی و ظلمتی که بر قلب انسان سایه افکنده و اقامه نخواهد نمود.
- ۲- دل را قسی کرده و در نتیجه اشک و گریه را از انسان می‌گیرد.
- ۳- یأس و ناامیدی را بر دل‌ها مسلط می‌گرداند.
- ۴- باعث نابودی دل و روح و روان انسان می‌گردد.

مبارزه کردن گناه کار با خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهد تا از خداوند این چنین بخواهند:

«... و حاجتی اليك يا سيدي و مولای و معتمدی و رجائی ان تصلّی
على محمد و آل محمد، و ان تغفر لی ذنبي، فقد جئتك ثقیل الظهر،
بعظیم ما بارزتک به من سیئاتی»^۲؛

«... و حاجتم به سوی تو - ای سرور و مولایم و مورد اعتماد و امیدم - این که

۱. مهج الدعوات، ص ۳۳۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰۷.

بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود فرستی، و این که گناهم را ببوشانی، چرا که من نزد تو با کوله بار سنگین و با گناهان بزرگی که به مبارزه با تو درآمدم به نزد تو آمده‌ام».

گناه کاری که آشکار و به طور علنی گناه می‌کند در حقیقت با خداوند اعلان جنگ کرده و با او به ستیز برخواسته است؛ ستیزی بس عظیم و بزرگ که از جمله آن‌ها ریاخواری است، و در روایات نیز به آن اشاره شده است.

هلاکت گناه کار با گناه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهد تا از خداوند این چنین بخواهند:

«... و لا تهلکني بذنوبي»^۱؛

«... و مرا به گناهانم هلاک نکن».

گناه باعث می‌شود که در مرحله اول روح انسان را نابود کند و هنگامی که به اوج خود رسید و فراگیر شد و از آن توبه نگشت، موجب عذاب و هلاکت جسمی نیز می‌شود.

تهاجم برخی گناهان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهد تا از خداوند این چنین بخواهند:

«... و الهارب منك اليك من ذنوب تهجمته»^۲؛

«... و از توبه خودت پناه می‌برم از گناهانی که انسان را تهاجم نموده است».

گاهی دشمن بر انسان تهاجم کرده و در صدد نابودی و قلع و قمع انسان است و لذا باید همیشه آماده دفاع بوده و از خود پاسداری نمود، و دشمن حقیقی انسان که به ما

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰۷.

۲. همان.

شبیخون می‌زند برخی گناهان است، و لذا تهاجم آن‌ها از خطرناک‌ترین تهاجمات است که می‌تواند جامعه را در هم فرو ریزد و از اصل و اساس به نابودی کشاند.

مفتضح شدن انسان با گناه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهد تا این‌گونه به خدا پناه ببرند:

«... و الهارب منك اليك من ... عيوب فضحته»^۱؛

«... و از توبه خودت پناه می‌برم از ... عیوبی که او را مفتضح کرده است».

از آثار گناه آن است که عیب و نقص می‌باشد، عیبی که گناه کار را نزد خداوند متعال و خلقت رسوا و مفتضح می‌سازد تا به حدی که دیگر نمی‌تواند سر خود را بلند کند، مگر آن که از همین حالا توبه نماید و گذشته خود را تدارک کند، و لذا باید از این عیوب به خدا پناه برد.

پناه به خدا از زبان بدکاران

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهد تا از خداوند این چنین بخواهند:

«... و تُفْجِمَ عَنِّي أَلْسِنَ الْفَجْرَةِ ...»^۲؛

«... و لال کنی برای من زبان‌های انسان‌های بدکاره را...».

گاهی زبان افراد پست و بدکاره از شمشیر و نیزه دیگران تأثیر بیشتری دارد و می‌تواند تمام حیثیت و آبرو و حتی جان انسان را برباد دهد و لذا در عین این که باید در جهت مصون ماندن از آن نهایت کوشش را کرد، باید در این جهت به خداوند متعال پناه برد و از او درخواست کمک کرد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰۷.

۲. همان.

پناه به خدا از افراد شرور

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانش دستور می‌دهد تا از خداوند این چنین بخواهند:

«...وَقِنِي شَرَّ طَغَاتِهَا وَحَسَادِهَا وَبَاغِيَ الشَّرِّ فِيهَا...»^۱؛

«...و مرا از شرّ طغیان‌گران در دنیا و حسودان و افراد شرور در دنیا حفظ فرما...».

افراد طغیان‌گر و حسود و کسانی که به دنبال شرّ و دردسر هستند همیشه برای افراد دیگر مایه شرّ و عذاب هستند و به سختی می‌توان از مصیبت‌ها در امان ماند، و لذا باید از خداوند بخواهیم ما را از شرّشان در امان دارد، گرچه خودمان نیز باید از آن‌ها کناره‌گیری کرده و در این راستا کوشا باشیم.

قرق‌گاه‌ها برای محرّمات الهی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند عرضه می‌دارد:

«الهی ... و من اجدر منك بان تكون عن حماك مانعاً»^۲؛

«بار خدایا! ...چه کسی سزاوارتر از توست که از قرق‌گاه‌ها ایت حفاظت کند».

واجبات و محرّمات الهی قرق‌گاه دارند و کسی نباید نزدیک آن‌ها شود تا به مخالفت با دستورات الهی گرفتار نشود، و هیچ کس همچون خداوند متعال سزاوارتر به حفظ این قرق‌گاه‌ها نیست، گرچه ما نیز وظیفه داریم تا به آن‌ها نزدیک نشده و مردم را نیز از آن بر حذر بداریم تا مبادا به درون آن بیفتند.

حسن عاقبت در ترک گناه

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«وَالْعَاقِبَةُ بِجَمِيلٍ صُنِعِ اللهُ سُبْحَانَهُ تَكُونُ حَمِيدَةً لَهُمْ مَا اجْتَنَبُوا الْمَنْهِيَّ

۲. مهج الدعوات، ص ۳۳۹.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰۷.

عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ»^۱؛

«با دخالت و ساخت نیکوی خداوند، فرجام کار، مادامی که شیعیان از گناهان دوری گزینند، پسندیده و نیکو خواهد بود».

این حدیث، بخشی از نامه‌ای است که امام زمان علیه السلام برای شیخ مفید رحمته الله مرقوم داشته‌اند. حضرت علیه السلام اشاره به نکته‌ای مهم کرده‌اند که اگر شیعیان ما، آن عاقبت به خیری را می‌خواهند، که سبب‌اش لطف و توجه خاص خداوند است، باید از گناهانی که خداوند متعال از آن‌ها منع کرده، اجتناب کنند؛ زیرا هر عملی، اثر مخصوص خود را دارد. و نفس انسان، مطابق کارهای که می‌کنیم و سخنانی که می‌گوییم و حتی افکاری که داریم، ساخته می‌شود. آن کس که از انجام گناه باکی ندارد، حال آن گناه کم باشد یا زیاد، کوچک باشد یا بزرگ، بداند، حقیقت خود را تیره و تار کرده، شایسته ورود به جایی که همراه‌اش نور و پاکی است نیست. یک گناه، آتشی است که در خرمنی می‌افتد. انسان، سال‌ها تلاش می‌کند و ثواب‌ها برای خویش فراهم می‌آورد، ولی با یک گناه، حاصل عمری را به هدر می‌دهد. از این رو، حضرت، در این حدیث، خطر گناه را گوشزد کرده است.

استغفار در حق یکدیگر

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«إِذَا اسْتَغْفَرْتَ اللَّهَ فَاللَّهُ يَغْفِرُ لَكَ»^۲؛

«اگر از خداوند، طلب مغفرت کنی، خداوند نیز تو را خواهد آمرزید».

مرحوم کلینی رحمته الله، این حدیث شریف را در ضمن حدیثی از امام زمان علیه السلام، نقل

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸.

۲. کافی، ج ۱، ص ۵۲۱، ح ۱۳؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۹۰، ح ۱۳؛ ارشاد، ج ۲، ص ۳۶۱؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۶۴؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۲۹، ح ۵۲؛ مدینة العاجز، ج ۸، ص ۸۵.

کرده است. حاصل حدیث، آن است که شخصی به نام یمانی به سامرا وارد می‌شود. از طرف امام زمان علیه السلام، کیسه‌ای که در آن دو دینار و دو لباس بوده، به دست او می‌رسد. او به سبب کمی هدایا، آن‌ها را رد می‌کند ولی بعد از مدتی از این عمل خود پشیمان می‌گردد و نامه‌ای می‌نویسد و پوزش می‌خواهد و در دل خود، ضمن توبه، نیت می‌کند که اگر دوباره این هدیه برای او فرستاده شود، آن را بپذیرد. بعد از مدتی هدیه به دست او می‌رسد، و در توقیعی، حضرت علیه السلام به یمانی اشاره کرده و می‌فرماید: «تو، با رد هدیه ما، اشتباه کردی و اگر طلب مغفرت از خداوند کنی، خداوند تو را خواهد بخشید.»

از این توقیع شریف، دو نکته استفاده می‌شود:

۱- امام زمان علیه السلام، عالم به سرّ و خفیات است و از اعمال و حتی نیات ما آگاهی دارد. لذا در روایتی، امام صادق علیه السلام، در ذیل آیه شریف: «**قُلْ اَعْمَلُوا فَمَنْ سَبَّرَ اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ**»؛ بگو عمل کنید! پس به زودی، خداوند و رسول‌اش و مؤمنان، عمل شما را می‌بینند، چنین می‌فرمایند: «مراد از مؤمنین امامان‌اند.»^۱

۲- این که طلب مغفرت از خداوند عزوجل، سبب غفران گناهان است. با در نظر گرفتن این که طلب، امری قلبی است و احتیاج به لفظ ندارد، از حدیث شریف چنین استفاده می‌شود که مجرد طلب مغفرت - که همان پشیمانی و عزم بر عدم بازگشت به گناه است - در تحقق مغفرت الهی و قبولی توبه، کافی است، اگر چه توبه کامل شرایطی دارد، که امام امیرالمؤمنین علیه السلام، در حدیثی، به شرایط آن اشاره کرده است.^۲

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۵.

۲. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۸۲۸، ح ۲.

۳. ر. ک: نهج البلاغه، حکمت ۴۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۶، ص ۳۶ و ۳۷، ح ۵۹.

دعا از دیدگاه
حضرت مهدی علیه السلام

استحباب دعا بر اموات

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی عرضه می‌دارد:

« و تفضّل ... علی موتاهم بالرفقة و الرحمة »^۱؛

« و به مردگان آن‌ها رافت و رحمت عطا فرما ».

انسان نه تنها وظیفه دارد که برای برادران مؤمن خود که زنده‌اند دعا کند و رفع گرفتاری و برآورده شدن حاجات آن‌ها را از خداوند متعال طلب نماید، بلکه وظیفه دارد تا برای رفع گرفتاری و عذاب از مرده‌ها نیز دعا کند؛ چرا که دعای زنده‌ها برای اموات تأثیر دارد؛ همان‌گونه که حضرت ابراهیم علیه السلام به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

﴿ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ ﴾^۲؛

« پروردگارا! مرا، و پدر و مادرم و تمام کسانی را که با ایمان وارد خانه من شدند، و جمیع مردان و زنان با ایمان را بیامرز ».

✽

۱. المصباح، کفعمی، ص ۲۰۸.

۲. نوح، آیه ۲۸.

دعا برای ریشه کن شدن مرض

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی عرضه می‌دارد:

« و تفضّل ... علی مرضی المسلمین بالشفاء و الراحة ... »^۱؛

« و به بیماران مسلمان شفا و راحتی عنایت فرما ... ».

« راحة » از ماده « روح » به معنای رفتن است. باید از خداوند بهبودی بیماران از مریضی و ریشه کن شدن و رخت بر بستن آن را از بیماران بخواهیم.

استحباب دعا بر هر مسلمان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی عرضه می‌دارد:

« و تفضّل ... علی مرضی المسلمین بالشفاء و الراحة ... »^۲؛

« ... و به بیماران مسلمان شفا و آسایش عنایت فرما ... ».

ما نباید تنها به فکر خود بوده و از دیگران و مشکلات آن‌ها غفلت ورزیم و باید مشکلات دیگران را نیز مشکلات خود دانسته و همان گونه که برای رفع مشکلات خود دعا می‌کنیم برای رفع مشکلات و برآورده شدن حاجات مردم نیز دعا نماییم، همان گونه که امام زمان علیه السلام چنین می‌کند.

دعا، محکم‌ترین گفتار

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی به خداوند عرضه می‌دارد:

« و لا قول لی اسدّ من دعائك فاستظهرک بقول سدید »^۳؛

« و گفتاری ارزشمندتری جز خواندن تو ندارم تا بدان دلگرم باشم ».

۱. البلد الامین، ص ۳۴۹.

۲. بلد الامین، ص ۳۲۳.

۳. المصباح، کفعمی، ص ۲۰۸.

بهترین و محکم‌ترین گفتار بین خلق و خالق دعاست؛ زیرا که دعا نشانگر عجز و عبودیت انسان نسبت به خداوند متعال است، و عبودیت منشأ همه کمالات و رسیدن انسان به هدف غایی خلقت که همان لقای الهی است می‌باشد.

دعا برای خود و دیگران

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«... و احجینی عن اعین الباغضین، الناصیین العداوة لأهل بیت نبیک، و لا یصل منهم الی احد بسوء»^۱؛

«... و مرا از چشم‌های کینه‌توزان و کسانی که دشمنی خاندان پیامبرت را بر دل دارند پوشیده دار، و [کاری کن تا] از آن‌ها به کسی گزندی نرسد».

از آداب دعا این است که تنها برای خودمان دعا نکنیم بلکه دیگران را نیز در دعاهایمان سهیم نماییم، شاید خداوند متعال به برکت دیگران به ما لطف نماید. و لذا نقل شده که حضرت زهرا علیها السلام ابتدا برای همسایه‌ها دعا می‌کرد و سپس برای خود.

دعا و ضمانت اجابت بر عموم دعاکنندگان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که از خداوند متعال چنین می‌خواهد:

«وأسألك ... بما ضمانت الاجابة فيه علی نفسك للداعین»^۲؛

«از تو می‌خواهم... به آنچه که ضمانت کردی در آن بر خودت برای عموم درخواست‌کنندگان از خودت».

با مقابله این جمله با جمله قبل استفاده می‌شود که خداوند متعال دعای غیر مومن را به هدف اجابت می‌رساند از آن جهت که از او خواسته است در صورتی که شرایط

۱. مهج الدعوات، ص ۲۰۲.

۲. مصباح الزائر، ص ۵۶.

را فراهم کرده و موانع را برطرف ساخته باشد، گرچه اجابت دعا به مصلحت او نباشد، بر خلاف مؤمنان.

دعا و ضمانت عطا به مؤمنان

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اسألك ... بما وأیت به علی نفسك لداعیک من المؤمنین ...»^۱؛

«از تو می‌خواهم ... به آنچه ضمانت کردی به آن بر خودت برای دعاکنندگان از مؤمنان ...».

از این جمله استفاده می‌شود که خداوند برای درخواست کننده از خود چیزی را در نظر گرفته و ضمانت کرده، که آن به مصلحت اوست گرچه اجابت دعایش نباشد؛ زیرا چه بسا انسان چیزی را بخواهد ولی به صلاح او نباشد، ولی از آن جا که خداوند کریم است و خیرخواه مؤمن می‌باشد لذا از طرفی به او عنایت کرده و از طرفی دیگر آنچه را که به مصلحت اوست به او نمی‌دهد.

توصیف خداوند قبل از درخواست حاجت

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی عرضه می‌دارد:

«یا من اذا تضایقت الامور فتح لنا باباً لم تذهب الیه الاوهام فصلّ علی محمد و آل محمد، و افتح لأموری المتضایقة باباً لم یذهب الیه وهم، یا ارحم الراحمین»^۲؛

«ای آن که پس از بسته شدن کارها راه گشایشی برای ما می‌گشایی که خیال‌ها بدان راه ندارد، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و برای اموری

۱. مصباح الزائر، ص ۵۶.

۲. قصص الانبیاء، ص ۳۶۵.

که مرا در تنگنا قرار داده گشایشی فرما که اندیشه‌ای بدان راه ندارد، ای مهربان‌ترین مهربانان».

از این دعا استفاده می‌شود که توصیف خداوند قبل از درخواست حاجت باید بر طبق مقتضای حاجت باشد.

صلوات قبل از دعا و درخواست از خدا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی به خداوند متعال چنین عرضه می‌دارد:

«...فصلّ علی محمد و آل محمد، وافتح لأموری المتضایقة باباً لم یذهب الیه وهم، یا ارحم الراحمین»^۱؛

«...پس بر محمد و خاندانش - علیهم السلام - درود فرست، و برای اموری که مرا در تنگنا قرار داده راه گشایشی قرار بده که اندیشه‌ای بدان راه ندارد، ای مهربان‌ترین مهربانان».

از عبارت فوق و برخی دیگر از روایات استفاده می‌شود که انسان اگر می‌خواهد دعایش مستجاب شود قبل از دعا صلوات بر محمد و آل او بفرستد که به برکت آن نیز دعایش مستجاب شود؛ زیرا صلوات بر آن ذوات مقدسه به طور حتم مستجاب است، و لذا مشاهده می‌کنیم که اهل بیت علیهم السلام قبل از دعا صلوات می‌فرستادند.

و نیز از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند عرضه می‌دارد:

«ان کان هذا الامر خیراً لی فی دینی و دنیای و آخرتی، ان تصلّی علی محمد و آل محمد و تسلّم علیهم تسلیماً، و تهیّأ لی و...»^۲؛

«اگر این امر برای من در دین و دنیا و آخرتم خیر است، این که بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود و سلام فرستی، و آن را برایم آماده سازی و...».

۱. قصص الانبیاء، راوندی، ص ۳۶۵.

۲. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۵۷.

خداوند متعال درود بر پیامبر و آلش علیهم السلام را پذیرفته و هرگز رد نخواهد کرد، و لذا جا دارد که انسان دعاهای خود را همراه با صلوات بر آن بزرگواران قرار دهد تا به برکت قبولی صلوات، دعاهایش نیز مستجاب گردد؛ زیرا از کرم خداوند به دور است که در پذیرش درخواست تبعیض قائل شود.

زنان را نیز دعا کردن

امام زمان علیه السلام در دعاهای خود زنان مؤمنه را نیز دعا می‌کند که از آن جمله به خداوند عرضه می‌دارد:

« تفضّل علی فقراء المؤمنین و المؤمنات بالغنی و الثروة و علی مرضی المؤمنین و المؤمنات بالشفاء و الصحة و ... »^۱؛
« بر مردان و زنان مؤمن فقیر بی‌نیازی و ثروتمندی، و به بیماران از مردان و زنان شفا مرحمت فرما ... ».

برخی احتیاط بی‌مورد کرده و می‌گویند: در جایی که دستور به دعا بر چهل مؤمن آمده بر زن مؤمنه دعا نمی‌کنیم، ولی مطابق دعای بالا امام زمان علیه السلام بر زنان مؤمنه نیز دعا فرموده است.

دعا به حق اولیا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی چنین عرضه می‌دارد:

« اللهم صلّ علی محمد و آل محمد، و ترحم علی عجزنا، و اغثننا بحقهم »^۲؛
« بارخدا یا! بر محمد و آل او درود فرست، و بر عجز ما ترحم نما، و به حق اهل بیت پیامبر علیهم السلام ما را دریاب. ».

۱. مهج الدعوات، ص ۴۹۵.

۲. صحیفة المهدی علیه السلام، ص ۶۲.

و هابیان می گویند: دعا به حق اولیا جایز نیست؛ زیرا کسی بر خداوند متعال حقی ندارد، ولی مطابق آیات قرآن و روایات این نوع دعا اشکالی ندارد؛ زیرا این حق را ما بر عهده خداوند قرار نمی دهیم بلکه خودش بر عهده خود قرار داده است، و لذا در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۱؛

«و یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما».

دعای دسته جمعی

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی چنین عرضه می دارد:

«اللَّهُمَّ ارزقنا توفيق الطاعة ... و اكرمنا بالهدى و الاستقامة و ...»^۲؛

«بارخدا یا! به ما توفیق اطاعت [از دستورات] روزی فرما... و ما را به هدایت و استقامت کرامت فرما و...».

در تمام فقرات این دعا به صیغه متکلم مع الغیر آمده است تا به ما این درس را بدهد که دعا را به صورت دسته جمعی انجام دهیم نه فردی تا شاید در یک جمعی سوخته دلی باشد که نوای او گرفته و مانیز به واسطه آن مشمول لطف پروردگار کریم گردیم.

لزوم ملاحظه مصالح دینی و دنیایی و آخرتی در ادعیه

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در دعایی به خداوند متعال چنین عرضه می دارد:

«... ان كان هذا الامر خيراً لى فى دینى و دنیای و آخرتى، ان تصلى

على محمد و آل محمد و تسلم عليهم تسليماً، و تهتأه لى و تسهله

۱. روم، آیه ۴۷.

۲. المصباح، کفعمی، ص ۲۰۸.

علیّ، و تَلَطَّفَ لِي فِيهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^۱؛

«... اگر این امر خیر برای من در دین و دنیا و آخرت من است، این که بر محمد و آل محمد درود و سلام فرستی، و آن را برای من مهیّا ساخته و آسان گردانی، و در آن به من لطف نمایی، به رحمتت ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان».

انسان باید هرچه را از خداوند می‌خواهد این را در نظر بگیرد که خیر دین و دنیا و آخرتش در آن باشد و آن را در خواسته‌اش از خداوند قید کند؛ زیرا چه بسا حاجاتی که منفعت دنیایی انسان در آن است ولی به ضرر دینی و آخرتی انسان منجر می‌شود.

اعتراف به عبودیت قبل از دعا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد دعا تعلیم فرمودند که قبل از آن که از خدا چیزی را بخواهیم به عبودیت خود و ربوبیت خداوند اعتراف نماییم، آنجا که می‌فرماید:

«الهی و أنا عبدك، و ابن عبدك، و ابن امتك، معترف لك بالعبودية، مقرّ بانك انت الله خالقي لا اله لی غیرك و لا ربّ لی سواك، مقرّ بانك ربّی...»^۲؛

«ای خدای من! من بنده تو، فرزند بنده تو، و فرزند کنیز توام، که به عبودیت [برای تو] اعتراف می‌کنم، و اقرار می‌کنم که همانا تو تنها خالق منی، خدایی برای من به جز تو نیست، و پروردگاری برای من به جز تو نمی‌باشد، من اقرار می‌کنم که تو پروردگار منی...».

انسان قبل از این که از خداوند متعال خواسته‌اش را بخواهد باید به عبودیت و ذلت خود در برابر حضرت حق سبحانه و تعالی اعتراف کند، آن‌گاه خواسته‌اش را از خدا طلب کند؛ زیرا که عبودیت منشأ هر خیر و کمال است، همان‌گونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ظبر آن اقرار نموده است.

۱. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۷۵.

۲. مهج الدعوات، ص ۲۸۱.

اجابت عمومی دعا

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند عرضه می‌دارد:

« رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تَجِبْهُ، وَ مَنْ ذَا الَّذِي سَأَلَكَ فَلَمْ تَعْطَهُ »^۱؛

« پروردگار من! چه کسی تو را خواند و تو اجابت نکردی؟! و چه کسی از تو

خواست و تو به او عطا نمودی؟! ».

هرکس از کریمی همچون خداوند چیزی را بخواهد هرگز او را رد نمی‌کند گرچه ممکن است به جهت نبود شرایط یا مصلحت نبودن در اجابت آن، حاجتی را که دعا کننده از خدا خواسته برآورده نکند ولی به طور حتم خداوند عنایت دیگری به او خواهد کرد.

دعای به عاقبت به خیری

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

« أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْعَمَى بَعْدَ الْجَلَاءِ، وَمِنَ الضَّلَالَةِ بَعْدَ الْهُدَى، وَمِنَ

مُوبِقَاتِ الْأَعْمَالِ وَمُزْدِيَاتِ الْفِتَنِ »^۲؛

« از نابینایی پس از بینایی، و از گمراهی پس از هدایت، و از رفتار هلاکت‌بار،

و فتنه‌های نابود کننده، به خدا پناه می‌برم ».

این عبارت، بخشی از توقیعی است که امام زمان علیه السلام به نائب تخت و دوم خود، عثمان بن سعید عمری و فرزندش محمد فرستاده است. حضرت علیه السلام بعد از سفارش به اموری در امر غیبت و تثبیت قلوب شیعیان در این امر مهم، از اموری چند به خدا

۱. مهج الدعوات، ص ۲۸۱.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۰ و ۱۹۱، ح ۱۹.

پناه می‌برد که هر کدام از آن‌ها قابل توجه و برای ما درسی عظیم است:

۱- حضرت علیه السلام از ضلالت بعد از هدایت به خدا پناه می‌برد؛ زیرا، اگر کسی هدایت شود و حق و حقیقت را درک کند، ولی پس از مدتی دست از آن بردارد، حجت بر او تمام شده و قطعاً، خسارتی غیر قابل جبران را متحمل شده است. چنین کسی، سعادت پایدار را پس از شناخت و معرفت ترک کرده و عذاب جاوید را بر جان خود خریده است.

۲- همچنین حضرت از اعمال سیئه‌ای که انسان را به هلاکت و نیستی می‌رساند، به خدا پناه می‌برد؛ زیرا، انسان، همیشه در خطر از دست دادن ایمان خویش است. هوا و هوس‌ها و وسوسه‌های شیطان، انسان را تا دم مرگ، رها نخواهند کرد. از این بخش، اهمیت و دشواری ایمان را می‌توان فهمید.

۳- آن حضرت، به خداوند متعال، از فتنه‌های خطرناکی که در صورت گرفتار شدن به آن‌ها، انسان را به گرداب‌های ضلالت و گمراهی سوق می‌دهد، و او را از اوج عزت به ذلت می‌کشاند، به خداوند پناه می‌برد. طبق نص صریح قرآن، انسان، در معرض امتحان‌های دائمی است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ... ﴾^۱

« آیا مردم چنین پنداشتند که به صرف این‌که گفتند ما ایمان به خدا آورده‌ایم رهاشان کنند و بر این ادعا هیچ امتحانشان نکنند؟ ما امت‌هایی را پیش از اینان امتحان نمودیم.»

این امتحان‌ها، گوناگون است و شدت و ضعف دارد. گاهی مربوط به بدن و گاهی مربوط به دین است و... در همه این ابتلائات، چه کوچک و چه بزرگ، باید به خدا توکل کرد و با سرافرازی بیرون آمدن را از او خواست.

نحوه درخواست حاجت از خداوند

امام مهدی علیه السلام می فرماید:

« مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَغْتَسِلْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ وَيَأْتِي مُصَلًّا »^۱

« هر کس که خواسته و حاجتی از پیشگاه خداوند متعال دارد، بعد از نیمه شب جمعه غسل کند و جهت مناجات با خداوند در جایگاه نمازش قرار گیرد ».

ابو عبدالله حسین بن محمد بزروفی می گوید: از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام توقیعی صادر شد، در آن نوشته بود: هر کس خواسته‌ای از خداوند دارد باید شب جمعه بعد از نیمه شب غسل کند آن‌گاه به جایگاه نمازش آید و دو رکعت نماز بخواند، به «ایاک نعبد و ایاک نستعین» که رسید، صد بار آن را تکرار کند، سپس حمد را تمام کرده بعد از آن یک مرتبه سوره توحید بخواند. آن‌گاه رکوع و سجده بجای آورده و در هر کدام هفت بار تسبیح بگوید. رکعت دوم را نیز همانند رکعت اول بجای آورد. در پایان نماز دعایی را بخواند که کفعمی در ابتدای باب ۳۶ از المصباح آورده است. بعد از دعا به سجده رفته و تضرع نزد خداوند کند، آن‌گاه حاجت خود را از خداوند بخواهد. هر کس از مرد و زن چنین کند، و دعا را از روی اخلاص بخواند درهای اجابت به روی او بازگشته و حاجت او هر چه باشد برآورده می‌گردد، مگر آن‌که آن حاجت قطع رحمی باشد.

از این حدیث نکاتی استفاده می‌شود:

۱- برای درخواست حاجت از خداوند متعال باید مقدماتی انجام داد، و مستقیماً به سراغ درخواست حاجت نرفت؛ زیرا ممکن است برخی از موانع در انسان وجود داشته باشد که نگذارد دعای انسان به هدف اجابت برسد، یکی از این موانع گناهان است.

۲- تنها استغفار زمینه‌ساز استجاب دعا و مغفرت نیست بلکه اقرار به توحید و مراتب آن و تسبیح و ذکر خدا نیز از جمله عوامل مؤثر در این زمینه است.

۳- زمان و مکان نیز در تسریع استجاب دعا مؤثر است، لذا حضرت علیه السلام دستور می‌دهد که شخص حاجت‌مند در شب جمعه که بهترین شب‌ها در طول هفته است، آن هم در نیمه شب که بهترین اوقات در شبانه روز است، در جایگاه دائمی نماز که بهترین مکان مؤمن است، قرار گیرد و بعد از نماز حاجات خود را بخواهد.

امید به اجابت دعا

امام مهدی علیه السلام در بخشی از مناجات خود با خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ، وَمَنْ ذَا الَّذِي سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ، وَمَنْ ذَا الَّذِي نَاجَاكَ فَخَيَّبْتَهُ، أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدْتَهُ»؛

«پروردگارا! چه کسی تو را خواند و تو دعایش را اجابت نکردی، و چه کسی از تو درخواست نمود و به او عطا نفرمودی، و چه کسی با تو مناجات کرد و او را نا امید ساختی، یا خود را به تو نزدیک نمود و او را دور ساختی».

این فقره از دعا، برگرفته از دعای معروف به دعای علوی مصری است. محمد بن علی علوی حسینی مصری، در مکاشفه‌ای، خدمت حضرت علیه السلام، مشرف شد و این دعا را از ایشان فرا گرفت و با خواندن آن، به مقصودش رسید.

حضرت در این دعا - که روح امید را در انسان زنده - می‌کند - به انسان می‌آموزد که از دعا کردن و رو به درگاه ایزد آوردن نباید ناامید شد؛ زیرا، خداوند متعال، کسی را دست خالی بر نمی‌گرداند و هیچ‌دعایی را بی‌جواب نمی‌گذارد.

در این جا ممکن است کسی بپرسد: «چه بسیار دعاها که به اجابت نمی‌رسد و چه بسا انسان از خدا چیزی را بخواهد، ولی به او داده نمی‌شود و... پس منظور از این

حدیث چیست؟». در پاسخ باید گفت:

اولاً، چه بسا، انسان، از چیزی کراهت دارد، در حالی که خیر او در آن است و میل به چیزی دارد که صلاح او در آن نیست، ولی با این حال، آن را از ایزد تبارک و تعالی می‌خواهد. در این موارد، خداوند دعای بنده‌اش را در ظاهر اجابت نمی‌کند، ولی به عوض آن، نعمت‌های دیگری می‌دهد و یا از گناهان‌اش می‌کاهد.

ثانیاً، برآورده شدن حاجات، احتیاج به وجود شرایط و نبود موانع دارد. با نبود شرایط و بودن موانع، انسان هر چه دعا کند، حاجت‌اش برآورده نمی‌شود. همچنین برای دعا کردن آدابی است که باید رعایت شود و بدون رعایت آن‌ها دعا مستجاب نخواهد شد. نخستین شرط آن «عبد خدا» بودن است. شرط مهم دیگرش این است که دل کسی را نیاززده باشیم. کسی که دل کسی را به ناحق شکسته باشد، چه گونه توقع دارد، دعایش مستجاب شود؟ نفرین فرد دل شکسته، پیش از دعای دل‌شکننده به درگاه ایزد رسیده و اجابت شده است.

فهرست منابع

- ۱- اعلام الوری بأعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۷ قمری، قم.
- ۲- الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، قم.
- ۳- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید (ره)، کنگرة شیخ مفید (ره)، ۱۴۱۲ قمری، قم.
- ۴- الخرائج و الجرائج، قطب الدین راوندی (ره)، مؤسسة الامام المهدي عليه السلام، قم.
- ۵- الغيبة، محمد بن حسن طوسی (ره)، مؤسسة المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ قمری، قم.
- ۶- المصباح، ابراهیم بن علی کفعمی (ره)، انتشارات رضی، ۱۴۰۵ قمری، قم.
- ۷- الهدایة الکبری، حسین بن حمدان خصیبي (ره)، مؤسسة البلاغ، ۱۴۱۱ قمری، بیروت، لبنان.
- ۸- بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی (ره)، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ قمری، بیروت، لبنان.
- ۹- بصائر الدرجات الکبری، محمد بن حسن صفار (ره)، مؤسسة اعلمی، ۱۳۶۲ هجری، تهران.
- ۱۰- تحف العقول عن آل الرسول عليه السلام، ابن شعبه حرانسی (ره)، جامعة مدرسیین، ۱۴۰۴ قمری، قم.
- ۱۱- کافی، محمد بن یعقوب کلینی (ره)، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ قمری، تهران.

- ۱۲- کشف الغمة فی معرفة الائمة، علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی (ره)، دارالاضواء، ۱۴۰۵ قمری، بیروت، لبنان.
- ۱۳- کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق (ره)، جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ قمری، قم.
- ۱۴- مهج الدعوات، سید بن طاووس (ره)، انتشارات دارالذخائر، ۱۴۱۱ قمری، قم.
- ۱۵- موسوعة توفیعات الامام المهدي علیه السلام، اکبر نژاد، انتشارات جمکران، ۱۴۲۷ قمری، قم.
- ۱۶- صحیفة المهدي علیه السلام، جواد قیومی اصفهانی، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۵، قم.

فهرست تفصیلی

۷	پیشگفتار.....
۹	خداشناسی از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۱	خدایابی از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۱	عدم احاطه عقل به کنه ذات خداوند.....
۱۱	حیرت صاحب نظران از درک ذات خداوند.....
۱۲	شناخت خداوند متعال با آیاتش.....
۱۲	برهان هدایت و رهیابی بر وجود خداوند.....
۱۳	برهان نظم و اتقان بر وجود خداوند.....
۱۴	برهان حدّ بر وجود خداوند.....
۱۵	توحید از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۵	وحدانیت خداوند.....
۱۵	توحید در الوهیت.....
۱۶	توحید در معبودیت.....
۱۶	عبودیت و مخلوقیت، فارق بین خدا و اولیا.....
۱۷	توحید در کبریایی.....

۱۷	توحید در مالکیت
۱۸	خداوند، مالک مُلک هستی
۱۸	مالکیت بنده از جانب خداوند
۱۹	توحید در فاعلیت
۱۹	توحید در عبودیت
۲۰	ربوبیت مطلقه خداوند
۲۰	توحید در الوهیت، منشأ توحید در ربوبیت
۲۱	توحید در عظمت
۲۱	توحید در علم
۲۲	توحید در قدرت
۲۲	توحید در ستایش
۲۳	توحید در خالقیت
۲۳	دعا از امام، خلق از خدا
۲۳	توحید در رازقیت
۲۴	توحید در حق
۲۴	حقوقی را که خداوند برای خود قرار داده
۲۵	توحید در عزت
۲۶	عزت اولیا به عزت خداوند
۲۶	فعل خداوند به فعل امام
۲۷	یاری خداوند به یاری امام
۲۷	توسل به اولیا
۲۸	توسل به اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۸	توسل به ذات اولیا
۲۹	عدم اتخاذ یاور
۲۹	عدم پذیرش هیچ نوع شرک

- ۳۰ نظام اسباب و مسببات
- ۳۰ خداوند متعال، مبدأ خیرات
- ۳۰ سبب ساز بودن خداوند
- ۳۱ سه بیت شکن
- ۳۲ دعا از امام، رحمت از خدا
- ۳۲ ولایت اولیای الهی، وسیله تقرب به خدا
- ۳۳ عنایات خدا به وسیله اسباب
- ۳۳ عنایت خداوند به ارائه طریق
- ۳۴ بلند شدن دست‌ها فقط به سوی خدا
- ۳۴ اعتراف اهل بیت علیهم‌السلام به عبودیت برای خداوند
- ۳۵ اظهار ناراحتی امام زمان علیه‌السلام از غالیان
- ۳۶ تبری امام زمان علیه‌السلام از شرک
- ۳۶ بیزاری امام زمان علیه‌السلام از غلو در شأن اهل بیت علیهم‌السلام
- ۳۷ صفات ثبوتی از دیدگاه حضرت مهدی علیه‌السلام
- ۳۷ عدم امکان بیان کیفیت خداوند
- ۳۷ عدم احاطه به کنه خداوند متعال
- ۳۸ مخفی در عین ظهور
- ۳۸ خداوند بالاتر از توصیف بندگان
- ۳۹ حمد بی پایان خداوند متعال
- ۳۹ حیات الهی
- ۴۰ عمومیت علم خداوند
- ۴۰ علم غیب خداوند
- ۴۱ علم و لطف خدا در بطن موجودات
- ۴۲ قدرت برتر خداوند
- ۴۲ نشانه‌های قدرت خداوند در هر مکان

۴۳	تجلی قدرت خدا در موجودات
۴۳	عفو الهی بعد از قدرت
۴۳	حفظ متانت خدا در موقع غضب
۴۴	نیروی جاودانه الهی
۴۴	قدم باری تعالی
۴۵	حدوث عالم و قدم باری تعالی
۴۵	اول ازلی
۴۶	ازلی بودن خداوند
۴۶	آخر ابدی
۴۶	سمیع بودن خداوند
۴۷	بصیر بودن خداوند
۴۷	جود خدا همراه با فضل
۴۸	جود تمام نشدنی خداوند
۴۸	حلم الهی بعد از آگاهی
۴۹	حلم خدا مانع از عذاب
۴۹	صفت صدق
۵۰	خداوند، هم مُنعم و هم شکرگزار
۵۰	منصب الهی، معرف صاحب منصب
۵۱	بازگشت کارهای خیر به سوی خدا
۵۱	اقسام کلمات الهی
۵۳	صفات سلبی از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۵۳	نهی از تشبیه
۵۴	شناخت خداوند بدون تشبیه
۵۴	عدم رؤیت باری تعالی
۵۵	جسم نبودن خداوند متعال

- ۵۵..... خداوند، غیر حال در جسم.....
- ۵۶..... خدا از چیزی جدا نشده.....
- ۵۶..... خدا از چیزی آفریده نشده.....
- ۵۶..... عدم حلول حوادث بر خداوند.....
- ۵۷..... متغیر نبودن خداوند.....
- ۵۷..... خداوند فرزندی را ندارد.....
- ۵۸..... محل نداشتن خداوند.....
- ۵۸..... اشتباه نکردن خداوند.....
- ۵۹..... خداوند خلف وعده نمی‌کند.....
- ۵۹..... عدم جهل بر خداوند.....
- ۶۱..... افعال الهی از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام.....
- ۶۱..... هدفمند بودن خلقت.....
- ۶۲..... بی‌نیازی خداوند از خلقت خلقتش.....
- ۶۲..... عبودیت، هدف خلقت انسان.....
- ۶۳..... به دنبال هدف خلقت بودن.....
- ۶۳..... هدایت به امر خدا.....
- ۶۴..... فعال بودن خداوند.....
- ۶۴..... خداوند، فعال مایشاء.....
- ۶۵..... خداوند، علت فاعلی خلقت.....
- ۶۵..... خلق و امر، برای خداوند.....
- ۶۶..... افعال الهی به واسطه اسماء الهی.....
- ۶۶..... اراده حتمی خداوند.....
- ۶۷..... مشیت اهل بیت علیهم السلام قضای ثابت خدا.....
- ۶۷..... قضاء حتمی خداوند.....
- ۶۸..... تقدیر هر موجودی به امر الهی.....

۶۸	قَدَر غیر مغلوب خداوند
۶۸	تسلیم قضا و قدر الهی بودن
۶۹	حجت بالغه الهی
۷۱	پیامبرشناسی از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۷۳	نبوت عامه از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۷۳	کتاب داشتن پیامبران
۷۳	وظایف پیامبران
۷۴	عهد و پیمان اطاعت به توسط انبیا
۷۵	شریعت داشتن هر پیامبر
۷۵	وصی داشتن هر پیامبر
۷۷	نبوت خاصه از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۷۷	لزوم ایمان به رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small>
۷۷	بشارت انبیا به پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small>
۷۸	پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small> برتر افراد بشر
۷۸	پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small> برتر انبیا
۷۹	علم غیب پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small>
۷۹	صفات رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small>
۸۰	پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small> پیامبر منتجب
۸۰	پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small> ، پیامبر مصطفی
۸۱	عصمت پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small>
۸۱	پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small> ، میرا از هر آفت و عیب
۸۲	امید شفاعت از پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small>
۸۲	واگذاری دین خدا به پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۸۳	پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small> ، وسیله بین خدا و خلق

فهرست منابع / ۴۱۵

- رسیدن پیامبر ﷺ به مقام محمود ۸۳
- پیامبر اسلام ﷺ، مظهر رحمت الهی ۸۴
- پیامبر اسلام ﷺ، مظهر نور الهی ۸۴
- معراج پیامبر اسلام ﷺ ۸۵
- خاتمیت پیامبر اسلام ﷺ ۸۶
- مبعوث شدن پیامبر ﷺ به جنّ و انس ۸۷
- امام‌شناسی از دیدگاه حضرت مهدی ﷺ ۸۹
- امامت عامّه از دیدگاه حضرت مهدی ﷺ ۹۱
- ضرورت وجود حجّت در بین مؤمنین ۹۱
- خالی نبودن زمین از حجّت ۹۲
- علت وجوب نصّ الهی بر امام ۹۲
- مقام امام، از جانب خداوند ۹۳
- انتخاب اوصیا به اختیار خداوند متعال ۹۳
- عامل اختیار در رسیدن اولیای الهی به مقام خلافت ۹۴
- امام ﷺ، معصوم از گناه ۹۵
- امام، پاک از هر پلیدی ۹۵
- امام ﷺ، منزّه از اشتباه ۹۶
- امام ﷺ، مبرّای از عیوب ۹۶
- حجّت‌های الهی پناه مردم ۹۷
- عمل به سنّت، مبنای مودّت ۹۷
- بطالان تفویض در حقّ ائمه ﷺ ۹۸
- اقسام علم امام ۹۹
- لزوم فرق بین امام معصوم و مأموم ۱۰۰
- فلسفه امتیاز امام بر مأموم ۱۰۱

- ۱۰۱..... امام علیه السلام، خزینه علم الهی
- ۱۰۲..... عدم اجتماع دو امام در یک عصر
- ۱۰۲..... حجت باطن و حجت ظاهر
- ۱۰۳..... امام حاضر یا غایب
- ۱۰۳..... خالی نبودن زمین از حجت
- ۱۰۴..... قوام دین به قوام امام
- ۱۰۵..... امام، تذکر دهنده به خدا و رسول
- ۱۰۵..... امام علیه السلام، نگهبان و پناه مردم
- ۱۰۶..... رفتن به سوی خدا از راه امام
- ۱۰۶..... توجه به خدا از راه امام
- ۱۰۷..... امام علیه السلام، سبب اتصال دهنده بین آسمان و زمین
- ۱۰۷..... اقامه دین خدا، از وظایف اوصیا
- ۱۰۸..... تمام شدن حجت بر بندگان، از اهداف نصب اوصیا
- ۱۰۸..... جلوگیری از تحریف، از اهداف نصب اوصیا
- ۱۰۹..... جلوگیری از غلبه باطل، از اهداف نصب اوصیا
- ۱۰۹..... جلوگیری از عذرتراشی، از اهداف اوصیا
- ۱۱۰..... امام علیه السلام، بنده دلیل خدا
- ۱۱۰..... اولیای الهی، واسطه فیض خدا
- ۱۱۱..... حفظ دین پیامبر صلی الله علیه و آله، از وظایف هر وصی
- ۱۱۱..... انتظام امر امامت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۱۳..... اهل بیت شناسی از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۱۳..... حقانیت اهل بیت علیهم السلام
- ۱۱۳..... وجوب پیروی از اهل بیت علیهم السلام
- ۱۱۴..... اهل بیت علیهم السلام تربیت شدگان خداوند
- ۱۱۴..... مردم، تربیت شدگان اهل بیت علیهم السلام

فهرست منابع / ۴۱۷

- اهل بیت علیهم السلام ، صاحبان امر امامت ۱۱۴
- عصمت اهل بیت علیهم السلام ۱۱۵
- اهل بیت علیهم السلام پناه و وسیله مردم به سوی خداوند متعال ۱۱۵
- اهل بیت علیهم السلام ، مردان مقرب درگاه الهی ۱۱۶
- اهل بیت علیهم السلام ، هادیان هدایت یافته ۱۱۶
- اهل بیت علیهم السلام ، دریاهای پرچود و کرم ۱۱۷
- راه اهل بیت علیهم السلام ، راه روشن و آشکار ۱۱۷
- اهل بیت علیهم السلام ، صاحبان علوم کامل ۱۱۸
- احیای دین به اهل بیت علیهم السلام ۱۱۸
- وجوب مودت اهل بیت علیهم السلام ۱۱۹
- حق با اهل بیت علیهم السلام ۱۲۰
- تسلیم اهل بیت علیهم السلام بودن ۱۲۰
- مأموریت‌های مختلف اهل بیت علیهم السلام ۱۲۱
- اهل بیت علیهم السلام ، مخلوق خداوند ۱۲۱
- اهل بیت علیهم السلام ، مختار خلق خدا ۱۲۲
- پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام ، بهترین دوست ۱۲۲
- سپاس خدا به جهت حقوق اهل بیت علیهم السلام ۱۲۳
- اهل بیت علیهم السلام ، هادیان امت ۱۲۳
- اهل بیت علیهم السلام ، علمای راستگو ۱۲۴
- اهل بیت علیهم السلام ، نیکان پرهیزکار ۱۲۴
- اهل بیت علیهم السلام ، ستون‌های دین ۱۲۴
- اهل بیت علیهم السلام ، ارکان توحید خداوند ۱۲۵
- اهل بیت علیهم السلام ، حجت‌های بر مردم ۱۲۵
- اهل بیت علیهم السلام ، جانشینان خداوند در روی زمین ۱۲۶
- اهل بیت علیهم السلام ، اختیار شده برای خداوند ۱۲۶

- اهل بیت علیهم السلام، برگزیده بر مردم ۱۲۷
- اهل بیت علیهم السلام، حافظ دین خدا ۱۲۷
- اهل بیت علیهم السلام، عارفان حقیقی خداوند ۱۲۷
- اکرام مخصوص خداوند به اهل بیت علیهم السلام ۱۲۸
- اهل بیت علیهم السلام، مشمول رحمت خاص الهی ۱۲۸
- قرار گرفتن اهل بیت علیهم السلام تحت تربیت خاص خداوند ۱۲۹
- بهره‌مندی اهل بیت علیهم السلام از حکمت الهی ۱۲۹
- اهل بیت علیهم السلام، متجلی به نور خدا ۱۳۰
- وارد شدن اهل بیت علیهم السلام در ملکوت خداوند ۱۳۰
- اهل بیت علیهم السلام مرتبط با ملائکه ۱۳۰
- شرافت اهل بیت علیهم السلام با انتساب به پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۳۱
- اهل بیت علیهم السلام، چراغان هدایت در تاریکی ۱۳۱
- اهل بیت علیهم السلام، نشانه‌های هدایت ۱۳۲
- اهل بیت علیهم السلام، ریسمان محکم الهی ۱۳۲
- اهل بیت علیهم السلام، راه مستقیم به سوی خدا ۱۳۳
- خلقت شیعیان از شعاع اهل بیت علیهم السلام ۱۳۳
- اهل بیت علیهم السلام، امینان وحی الهی ۱۳۳
- اهل بیت علیهم السلام، سیاست مدار بندگان ۱۳۴
- اهل بیت علیهم السلام، عصاره انبیا ۱۳۴
- اهل بیت علیهم السلام، سبب خیرات ۱۳۵
- اهل بیت علیهم السلام، پناه مردم ۱۳۵
- عدم گذر از اهل بیت علیهم السلام ۱۳۶
- اهل بیت علیهم السلام چشم بینای خدا ۱۳۶
- اهل بیت علیهم السلام، حاملان معرفت الهی ۱۳۶
- اهل بیت علیهم السلام، عالم به مقدرات الهی ۱۳۷

- ۱۳۷..... اهل بیت علیهم السلام، خزانن علم خدا.....
- ۱۳۸..... اهل بیت علیهم السلام، شاهدان بر این امت.....
- ۱۳۸..... وجوب اطاعت از اهل بیت علیهم السلام.....
- ۱۳۹..... عصمت اهل بیت علیهم السلام.....
- ۱۳۹..... نورانیت مودت با موالات اهل بیت علیهم السلام.....
- ۱۴۰..... نور ولای اهل بیت علیهم السلام، راهنمای انسان برای لقای الهی.....
- ۱۴۰..... آمادگی برای یاری نصرت اهل بیت علیهم السلام.....
- ۱۴۱..... لزوم اخلاص در مودت اهل بیت علیهم السلام.....
- ۱۴۱..... لزوم ایمان به اهل بیت علیهم السلام.....
- ۱۴۲..... سعادت در اطاعت از اهل بیت علیهم السلام.....
- ۱۴۲..... شقاوت مخالفان اهل بیت علیهم السلام.....
- ۱۴۳..... حق اولیا بر خداوند متعال.....
- ۱۴۳..... اهل بیت علیهم السلام، بهترین شفیعان.....
- ۱۴۴..... اهل بیت علیهم السلام، امانت داران سر خدا.....
- ۱۴۴..... اهل بیت علیهم السلام، والیان امر.....
- ۱۴۵..... اهل بیت علیهم السلام، معادن کلمات الهی.....
- ۱۴۵..... عظمت مقام خدادادی اهل بیت علیهم السلام.....
- ۱۴۵..... اهل بیت علیهم السلام، نشانه‌های قدرت خداوند.....
- ۱۴۶..... اهل بیت علیهم السلام، نمایانگر عظمت خداوند.....
- ۱۴۶..... اهل بیت علیهم السلام، راهی به سوی خدا.....
- ۱۴۷..... اهل بیت علیهم السلام، ارکان توحید خداوند.....
- ۱۴۷..... عدم امتثال دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره اهل بیت علیهم السلام.....
- ۱۴۸..... حکومت عدل جهانی، جزای شهادت اهل بیت علیهم السلام.....
- ۱۴۸..... گریه با صدای بلند در سوگ اهل بیت علیهم السلام.....
- ۱۵۱..... امام علی علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام.....

- ۱۵۱.....نصب جانشین، هنگام منقضی شدن ایام نبوت
- ۱۵۲.....امام علی علیه السلام، خلیفه بلافصل پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۵۲.....امامت حضرت علی علیه السلام
- ۱۵۳.....امام علی علیه السلام وصی پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۵۳.....استدلال به حدیث «مدینه علم»
- ۱۵۴.....امام علی علیه السلام، هادی امت بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۱۵۴.....امام علی علیه السلام وارث پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۵۵.....امام علی علیه السلام مولای مؤمنان
- ۱۵۵.....امام علی علیه السلام، امیر مؤمنان
- ۱۵۶.....امام علی علیه السلام به منزله هارون نزد موسی علیه السلام
- ۱۵۶.....پیامبر صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام از نور واحد
- ۱۵۷.....امام علی علیه السلام، منبع اسرار پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۵۷.....صفات امام علی علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام
- ۱۵۸.....امام علی علیه السلام، خواستگاه نور پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۵۹.....اتحاد بین پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام
- ۱۵۹.....امام علی علیه السلام، معیار شناخت مؤمن از منافق
- ۱۶۰.....امام علی علیه السلام، روشنگر جامعه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۶۰.....امام علی علیه السلام، ریسمان محکم الهی
- ۱۶۰.....امام علی علیه السلام، راه مستقیم به سوی خدا
- ۱۶۱.....امام علی علیه السلام، نزدیک‌ترین فرد به پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۶۱.....امام علی علیه السلام، اولین مؤمن
- ۱۶۲.....امام علی علیه السلام، ادامه دهنده راه رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۱۶۲.....قتال امام علی علیه السلام بر سر تأویل قرآن
- ۱۶۳.....امام علی علیه السلام، آیه کبرای الهی
- ۱۶۳.....رسیدن امام علی علیه السلام به مقام رضا

- ۱۶۴..... باز بودن درب مسجد به خانه امام علی علیه السلام
- ۱۶۴..... امام علی علیه السلام تنها برادر معنوی پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۶۵..... برخی از صحابه، وفادار به پیمان با امام علی علیه السلام
- ۱۶۵..... امام علی علیه السلام، قاتل گردنکشان شرور
- ۱۶۶..... امام علی علیه السلام و قتال با ناکثان و مارقان و قاسطان
- ۱۶۶..... جایگاه شیعیان در روز قیامت
- ۱۶۹..... امام حسن علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۶۹..... امامت امام حسن علیه السلام
- ۱۶۹..... صفات امام حسن و امام حسین علیهما السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام
- ۱۷۰..... امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو سرور جوانان بهشت
- ۱۷۱..... امام حسین علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۷۱..... امامت امام حسین علیه السلام
- ۱۷۱..... اخلاص در ولایت امام حسین علیه السلام
- ۱۷۲..... امام حسین علیه السلام؛ مرجع دینی مردم
- ۱۷۲..... حرمت امام حسین علیه السلام نزد خداوند متعال
- ۱۷۳..... امامان از ذریه امام حسین علیه السلام
- ۱۷۳..... امام حسین علیه السلام از اصحاب کساء
- ۱۷۴..... امام حسین علیه السلام، سید شهدا
- ۱۷۴..... امام حسین علیه السلام، فریاد برآورنده به حق و یئنه
- ۱۷۵..... قیام امام حسین علیه السلام با اهل بیت و یاران، در راه حق
- ۱۷۵..... تقرّب به سوی خدا با محبت امام حسین علیه السلام و برائت از دشمنان او
- ۱۷۶..... شفا در تربت امام حسین علیه السلام
- ۱۷۶..... اجابت دعا زیر گنبد امام حسین علیه السلام
- ۱۷۷..... برپایی عزا در سوگ امام حسین علیه السلام
- ۱۷۷..... شکسته شدن دل در مصیبت امام حسین علیه السلام

- ۱۷۸..... گریه در ذکر امام حسین علیه السلام
- ۱۷۸..... همه عالم گریان در سوگ امام حسین علیه السلام
- ۱۷۹..... سینه زنی در سوگ امام حسین علیه السلام
- ۱۷۹..... زنا زاده بودن قاتلان امام حسین علیه السلام
- ۱۸۱..... امام سجاد علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸۱..... امامت امام سجاد علیه السلام
- ۱۸۱..... صفات امام سجاد علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام
- ۱۸۳..... امام باقر علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸۳..... امامت امام باقر علیه السلام
- ۱۸۳..... صفات امام باقر علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام
- ۱۸۵..... امام صادق علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸۵..... امامت امام صادق علیه السلام
- ۱۸۵..... صفات امام صادق علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام
- ۱۸۷..... امام کاظم علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸۷..... امامت امام کاظم علیه السلام
- ۱۸۷..... صفات امام کاظم علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام
- ۱۸۹..... امام رضا علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸۹..... امامت امام رضا علیه السلام
- ۱۸۹..... صفات امام رضا علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام
- ۱۹۱..... امام جواد علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۹۱..... امامت امام جواد علیه السلام
- ۱۹۱..... صفات امام جواد علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام
- ۱۹۳..... امام هادی علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۹۳..... امامت امام هادی علیه السلام
- ۱۹۳..... صفات امام هادی علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام

- ۱۹۵..... امام حسن عسکری علیه السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۹۵..... امامت امام عسکری علیه السلام
- ۱۹۵..... صفات امام عسکری علیه السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام
- ۱۹۹..... موعودشناسی از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۹۹..... وصیت امام حسن علیه السلام بر امام زمان علیه السلام
- ۱۹۹..... ولایت امام زمان علیه السلام
- ۲۰۰..... امامت حضرت مهدی علیه السلام
- ۲۰۰..... امام زمان علیه السلام، مایه ایمنی برای اهل زمین
- ۲۰۱..... کارهای موجب خوشنودی و یا غضب امام زمان علیه السلام
- ۲۰۲..... حکم منکر امام زمان علیه السلام
- ۲۰۳..... آزار دهندگان امام زمان علیه السلام
- ۲۰۴..... مراعات شیعه از جانب امام زمان علیه السلام
- ۲۰۵..... دفع بلا از شیعه به واسطه امام زمان علیه السلام
- ۲۰۶..... بهره‌مندی انسان از امام غائب
- ۲۰۸..... غیبت امام زمان علیه السلام از مقدرات الهی
- ۲۰۹..... امام زمان علیه السلام خلیفه خدا بر روی زمین
- ۲۰۹..... از عوامل غیبت امام زمان علیه السلام
- ۲۱۰..... فرج، در دعا برای تعجیل فرج
- ۲۱۱..... امر ظهور فرج به فرمان خدا
- ۲۱۱..... تعیین وقت ظهور، ممنوع
- ۲۱۲..... گمراهی منکر امام زمان علیه السلام
- ۲۱۲..... توبه جعفر کذاب
- ۲۱۲..... گناه، مانع رؤیت امام عصر علیه السلام
- ۲۱۳..... اطلاع کامل امام زمان علیه السلام از اخبار شیعیان
- ۲۱۳..... کارهای امام زمان علیه السلام به اذن خداوند متعال

- ۲۱۴..... وظیفهٔ علما در عصر غیبت
- ۲۱۴..... دروغ گو بودن مدعی مشاهده در عصر غیبت
- ۲۱۵..... زندگی کردن امام زمان علیه السلام در مکان مخفی
- ۲۱۶..... علمای دین، مرجع مردم در عصر غیبت
- ۲۱۶..... غیبت امام زمان علیه السلام تا زمان خاص
- ۲۱۷..... مخفی بودن مکان امام زمان علیه السلام در عصر غیبت
- ۲۱۷..... امام زمان علیه السلام و غصه خوردن بر شیعیان
- ۲۱۸..... امام زمان علیه السلام، غایبی در بین ما
- ۲۱۸..... امام زمان علیه السلام، از جملهٔ عترت پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۱۹..... امام زمان علیه السلام، سخنگو در گهواره
- ۲۱۹..... امام زمان علیه السلام، غائب از دیدگان
- ۲۱۹..... امام زمان علیه السلام، غائب از اوهام
- ۲۲۰..... امام زمان علیه السلام، باقی ماندهٔ نیکان
- ۲۲۰..... حق داشتن امام زمان علیه السلام بر مردم
- ۲۲۱..... امام زمان علیه السلام، باب خداوند
- ۲۲۱..... امام زمان علیه السلام، آرزوی مردم
- ۲۲۱..... امام زمان علیه السلام، باقی ماندهٔ حجت‌های الهی
- ۲۲۲..... پیمان خداوند با خلق دربارهٔ حضرت مهدی علیه السلام
- ۲۲۲..... ظهور حضرت مهدی علیه السلام، وعدهٔ تضمین شدهٔ خداوند
- ۲۲۳..... امام زمان علیه السلام، پناه مردم
- ۲۲۳..... امام زمان علیه السلام، رحمت گستردهٔ الهی
- ۲۲۴..... امام زمان علیه السلام، منتظر فرج خود
- ۲۲۴..... اکرام اولیا با ظهور امام زمان علیه السلام
- ۲۲۴..... امام زمان علیه السلام، ولی خدا
- ۲۲۵..... امام زمان علیه السلام، کمال نعمت خدا

- ۲۲۵..... امام زمان علیه السلام، بهترین ولی زمان
- ۲۲۶..... امام زمان علیه السلام، برپا کننده عدالت در سطح زمین
- ۲۲۶..... عدم حرمت ذکر نام امام زمان علیه السلام
- ۲۲۷..... امام زمان علیه السلام، احیا کننده سنت الهی
- ۲۲۷..... امام زمان علیه السلام، دعوت کننده به راه خدا
- ۲۲۷..... امام زمان علیه السلام، مظهر عدل خدا
- ۲۲۸..... امام زمان علیه السلام، برطرف کننده ظلمت‌ها
- ۲۲۸..... امام زمان علیه السلام، ناطق به حکمت و صدق
- ۲۲۸..... امام زمان علیه السلام، کلمه تامه خداوند
- ۲۲۹..... امام زمان علیه السلام، ولی خیرخواه
- ۲۲۹..... امام زمان علیه السلام، کشتی نجات امت
- ۲۳۰..... امام زمان علیه السلام، احیا کننده احکام الهی
- ۲۳۰..... امام زمان علیه السلام، در هم شکننده شوکت و عظمت متجاوزان
- ۲۳۱..... دعا برای برطرف شدن موانع ظهور
- ۲۳۱..... ظهور به اذن خداست
- ۲۳۲..... از علائم ظهور
- ۲۳۲..... عصر ظهور، عصر پیروزی
- ۲۳۳..... امام زمان علیه السلام، ریشه کن کننده ظالمان
- ۲۳۳..... امام زمان علیه السلام، برطرف کننده انحرافات
- ۲۳۴..... امام زمان علیه السلام، زنده کننده قرآن
- ۲۳۴..... امام زمان علیه السلام، عزیز کننده اولیا
- ۲۳۵..... امام زمان علیه السلام، نگهبان دانا
- ۲۳۵..... امام زمان علیه السلام، پدر مهربان
- ۲۳۵..... امام زمان علیه السلام، صاحب مناقب
- ۲۳۶..... امام زمان علیه السلام، راهنما به راه صواب

- ۲۳۶ امام زمان علیه السلام، وارث ذوالفقار
- ۲۳۶ ظهور امام زمان علیه السلام از بیت الله الحرام
- ۲۳۷ حقانیت رجعت اهل بیت علیهم السلام
- ۲۳۷ امام زمان علیه السلام، قائم به امر الهی
- ۲۳۸ امام زمان علیه السلام، دعوت کننده و راهنما به سوی خدا
- ۲۳۸ امام زمان علیه السلام، حجت و خلیفه خدا بر روی زمین
- ۲۳۹ امام زمان علیه السلام، شاهد بر بندگان
- ۲۳۹ امام زمان علیه السلام، مجدد دین خدا
- ۲۴۰ امام زمان علیه السلام، احیا کننده کتاب الهی
- ۲۴۰ امام زمان علیه السلام، برپا کننده حکم الهی
- ۲۴۱ امام زمان علیه السلام، آورنده دین خالص و بدون شک و شبهه
- ۲۴۱ امام زمان علیه السلام، مبارزه کننده با باطل و بدعت
- ۲۴۲ امام زمان علیه السلام، روشنی بخش تاریکی‌ها
- ۲۴۲ امام زمان علیه السلام، شکننده کمر سرکشان
- ۲۴۲ امام زمان علیه السلام، خاموش کننده فتنه‌ها
- ۲۴۳ امام زمان علیه السلام، برچیننده ظلم ظالم با گسترش عدل
- ۲۴۳ امام زمان علیه السلام، غالب بر همه
- ۲۴۴ امام زمان علیه السلام، تربیت شده آیات الهی
- ۲۴۴ امام زمان علیه السلام، برپا دارنده دین خدا
- ۲۴۴ امام زمان علیه السلام، مدافع حق خدا
- ۲۴۵ امام زمان علیه السلام، راهنما به مقصود خداوند
- ۲۴۵ امام زمان علیه السلام، تلاوت کننده و مفسر قرآن
- ۲۴۵ امام زمان علیه السلام، مبین احکام الهی
- ۲۴۶ امام زمان علیه السلام، ایمنی بخش مردم
- ۲۴۷ رهبران جهان بعد از امام زمان علیه السلام

- ۲۴۹..... حضرت زهرا علیها السلام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام
- ۲۵۱..... فاطمه زهرا علیها السلام، سرور زنان عالم
- ۲۵۱..... صفات حضرت زهرا علیها السلام از دیدگاه امام زمان علیه السلام
- ۲۵۲..... حضرت زهرا علیها السلام الگوی حضرت مهدی علیه السلام
- ۲۵۳..... توسل امام زمان علیه السلام به جدّه اش فاطمه علیها السلام
- ۲۵۵..... معادشناسی از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام
- ۲۵۷..... حقانیت مرگ
- ۲۵۸..... لزوم اقرار به حقانیت برزخ و معاد
- ۲۵۸..... مبشر و بشیر برزخی
- ۲۵۹..... سؤال در برزخ
- ۲۵۹..... سؤال مُنکر و نکیر در برزخ
- ۲۵۹..... پایان پذیرفتن خلقت عالم
- ۲۶۰..... احیای موتی به واسطه روح القدس
- ۲۶۰..... عقیده به معاد
- ۲۶۱..... حقانیت قیامت
- ۲۶۱..... حقانیت محسور شدن مردم
- ۲۶۲..... آخرت، بزرگ‌ترین همت انسان
- ۲۶۲..... حقانیت «صراط»
- ۲۶۳..... حقانیت «مرصاد»
- ۲۶۳..... حقانیت «میزان»
- ۲۶۴..... حقانیت «حساب»
- ۲۶۴..... سرعت در حسابرسی
- ۲۶۵..... حقانیت بهشت و دوزخ

- سؤال از ولادت در بهشت ۲۶۵
- احکام از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام ۲۶۷
- حرمت نماز در پوست سمور و انواع روباه ۲۶۹
- حکم پوست حیوان مأکول اللحم ۲۶۹
- حکم مس میت در حال گرمی بدن ۲۷۰
- رکوع و سجود طولانی ۲۷۰
- نماز خواندن پشت قبور امامان ۲۷۱
- حکم گرداندن تسبیح در حال نماز ۲۷۱
- حکم تسبیح با دست چپ ۲۷۱
- حکم سجده بر تربت ۲۷۲
- حکم سجده بر قبور امامان در حال نماز ۲۷۲
- حکم ملحق شدن به امام جماعت در حال رکوع ۲۷۲
- حکم یقین به عدم انجام نماز ظهر به طور کامل در حال نماز عصر ۲۷۳
- حکم نماز در مرکب هنگام شدت برف ۲۷۳
- سنت، هنگام ورود در نماز ۲۷۳
- ثواب سوره‌هایی که در نماز خوانده می‌شود ۲۷۴
- حکم قنوت در نماز جعفر طیار ۲۷۵
- حکم نماز جعفر طیار در سفر ۲۷۵
- وقت فضیلت نماز جعفر طیار ۲۷۶
- حکم سهو در تسبیحات نماز جعفر طیار ۲۷۶
- حکم سجده اشتباهی در نماز شب ۲۷۶
- پاک شدن اموال با پرداخت زکات ۲۷۷
- برکت داشتن توشه و خرجی سفر حج و زیارت ۲۷۷
- قسمت بودن حج ۲۷۸

- ۲۷۸ حکم احرام در لباس خَزَّ
- ۲۷۸ حکم نیت در حج نیابتی
- ۲۷۹ حکم حرمت رفتن به سایه بان در حال احرام
- ۲۷۹ حکم نحر از کسی که اسمش را فراموش کرده
- ۲۷۹ حکم بستن لنگ احرام از پشت
- ۲۸۰ حکم بستن لنگ احرام با وسیله خارجی
- ۲۸۱ جهاد، بعد از هدایت
- ۲۸۱ شروع کننده نبودن به جنگ
- ۲۸۲ حکم گواهی صاحب برص و جذام
- ۲۸۲ حکم ازدواج بین زنی و نوه دختری آن زن
- ۲۸۲ حکم گذاشتن تربت با میت
- ۲۸۲ حکم نوشتن با تربت به کفن میت
- ۲۸۳ حکم تسبیح با تربت
- ۲۸۳ حکم شرکت زن در تشییع جنازه همسرش
- ۲۸۴ حکم به زیارت قبر شوهر رفتن
- ۲۸۴ حکم خروج زن در حال عده به جهت حوائج
- ۲۸۵ وقت خواندن دعای وداع ماه رمضان
- ۲۸۵ ملکیت در اسلام
- ۲۸۶ حکم دو حدیث متعارض
- ۲۸۶ حکم لباس های خریداری شده از کفار
- ۲۸۶ حکم استفاده از اموال حرام خوار
- ۲۸۷ حجیت خبر ثقه
- ۲۸۷ قبول شدن اموال حلال و پاک
- ۲۸۸ حرام بودن پول آوازه خوان
- ۲۸۸ حرمت آشامیدن آب جو

۲۸۹	وجوب ختان.....
۲۸۹	لزوم غلبه مسلمین بر کفار.....
۲۹۰	حرمت سرقت.....
۲۹۰	مقابله با تجاوز کنندگان به حدود الهی.....
۲۹۱	ضرورت برپایی حدود الهی.....
۲۹۱	بنای بر قبور.....
۲۹۲	زیارت قبور.....
۲۹۲	امر به معروف و نهی از منکر.....
۲۹۳	نهی از تشکیک در نقل راویان ثقه.....
۲۹۴	حکم وقف.....
۲۹۵	حرمت اموال مردم.....
۲۹۵	زکات، پاک کننده نفس.....
۲۹۶	دوری از شیطان به وسیله نماز.....
۲۹۷	اثر تأخیر نماز از اول وقت.....
۲۹۸	سجده شکر.....
۳۰۰	فضیلت تسبیح تربت سیدالشهداء <small>علیهم السلام</small>
۳۰۳	اخلاق از دیدگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۰۵	ضرورت وحدت بین شیعیان.....
۳۰۵	عدم خویشاوندی خداوند با کسی.....
۳۰۶	تقوا، منشأ امان از فتنه.....
۳۰۶	نعمت‌های خدا، عاریه‌ای به دست ما.....
۳۰۷	سخاوت نسبت به ارحام.....
۳۰۷	موفقیت انسان در اطاعت از خدا.....
۳۰۸	شرف علمای امت.....

فهرست منابع / ۴۳۱

- عزت انسان در اطاعت از خدا..... ۳۰۸
- اخلاص در دین..... ۳۰۸
- توفیق به جهت یاری حق..... ۳۰۹
- شروع نامه به نام خدا..... ۳۰۹
- امکان گمراهی بعد از هدایت..... ۳۱۰
- عدم پیگیری اموری که از ما خواسته نشده..... ۳۱۰
- قرار گرفتن در راه راست..... ۳۱۱
- دوری از شک و تردید..... ۳۱۱
- روح یقین..... ۳۱۲
- روزی، قوام زندگی و مایه صلاح خانواده..... ۳۱۲
- روزی، صلاح دنیا و تأثیر در آخرت..... ۳۱۳
- شکر بر عافیت و نعمت..... ۳۱۳
- ترس از دنیا..... ۳۱۳
- انس با آخرت..... ۳۱۴
- ترس از خدا، علت وحشت از دنیا..... ۳۱۴
- امید به خدا، علت انس با آخرت..... ۳۱۵
- کم حیایی استغفار کننده با اصرار بر گناه..... ۳۱۵
- ضایع شدن حق رجاء با ترک استغفار..... ۳۱۵
- پشیمانی از ضایع شدن عمر..... ۳۱۶
- محروم نشدن از بهره‌برداری هر روز..... ۳۱۶
- غصه نخوردن برای روزی فردا..... ۳۱۷
- بی‌نیازی در دنیا به خدا..... ۳۱۷
- فقر در نیاز به مردم..... ۳۱۸
- پی‌جویی علم نافع..... ۳۱۸
- قلب خاشع..... ۳۱۹

۳۱۹	کردار پاکیزه
۳۲۰	صبر جمیل
۳۲۰	شکر نعمت
۳۲۰	پیش قدم بودن در سختی‌ها در راه اسلام
۳۲۱	صبر در مصیبت
۳۲۲	همیشه جود کردن
۳۲۲	وفای به عهد
۳۲۳	نماز شب در تاریکی
۳۲۳	یاور امت اسلامی بودن
۳۲۴	کوشش در راه اطاعت خدا
۳۲۴	دوری گزیدن از راه فاسقان
۳۲۵	تلاشگر تا حدّ توان
۳۲۵	زهد در دنیا و میل به آخرت
۳۲۶	نهی از منکر به قلب و زبان به مقدار ممکن
۳۲۶	قیام، هنگام فراهم شدن شرایط
۳۲۷	دعوت به سوی خدا با برهان و خطابه
۳۲۷	مساوات در قضاوت
۳۲۸	تکفل ایتام
۳۲۸	پناه مردم بودن
۳۲۸	عزت اسلام بودن
۳۲۹	جلوگیری از بازیچه شمردن دین
۳۲۹	لزوم اطاعت از خدا در پنهان و آشکار
۳۳۰	افتخار اولیا به شهادت
۳۳۰	امکان مصلحت در تأخیر اجابت
۳۳۱	صبر خداوند بر پستی بندگان

- ۳۳۱ نهراسیدن از ملامت ملامت گران
- ۳۳۲ خداوند، بهترین تکیه گاه
- ۳۳۲ انسان، و غریزه‌های خدایی
- ۳۳۳ لزوم محافظت از غرایز درونی
- ۳۳۳ پناه به خدا از دل‌بستگان به دنیا
- ۳۳۴ گمان نیک به خدا داشتن
- ۳۳۴ ناامید نشدن مظلوم
- ۳۳۵ امید در ناامیدی
- ۳۳۵ امکان زیاد شدن مال از حلال
- ۳۳۶ راضی به رضای الهی بودن
- ۳۳۶ استحقاق ثواب و بهشت با نیکی به والدین
- ۳۳۷ زنده شدن دل به یاد خدا
- ۳۳۷ مأیوس شدن از مال مردم
- ۳۳۸ مطلوبیت وسعت روزی
- ۳۳۹ مقام رضا بالاتر از عفو
- ۳۳۹ عادت دادن زبان به صواب و حکمت
- ۳۴۰ زهد و خیرخواهی، دو وظیفه دانشمندان
- ۳۴۰ عنایات غیر واجب
- ۳۴۱ کوشش و شوق، دو امر لازم برای دانش پژوه
- ۳۴۱ پندپذیری و پیروی، دو وظیفه مستمع
- ۳۴۱ وقار و متانت دو وظیفه پیرمردان
- ۳۴۲ ضرورت توبه در جوانی
- ۳۴۲ حیا و عفت، دو وظیفه زنان
- ۳۴۳ تواضع و سعه صدر، دو وظیفه ثروتمندان
- ۳۴۳ صبر و قناعت، دو وظیفه تهیدستان
- ۳۴۴ لزوم پرهیز از شبهه ناک

- ۳۴۴ انسان، قاضی بر خود.....
- ۳۴۴ تسلیم نفس در برابر خدا.....
- ۳۴۵ توکل بر خدا در کارها.....
- ۳۴۵ لزوم حسن ظن به خداوند.....
- ۳۴۶ تفویض امر خود به خداوند.....
- ۳۴۶ ضرورت صبر در انجام کارهای بزرگ.....
- ۳۴۷ عدم تعارض بین اولیای الهی.....
- ۳۴۷ لزوم غضبناک شدن در غضب الهی.....
- ۳۴۸ لزوم همکاری در نصرت حق.....
- ۳۴۸ اشتیاق به دستورات الهی.....
- ۳۴۸ عذاب بنیان کن.....
- ۳۴۹ کرامت انسان به هدایت و استقامت.....
- ۳۴۹ حفظ زبان از بیهوده گویی.....
- ۳۵۰ فرق بین علم و معرفت.....
- ۳۵۰ عمل به معروف، با الطاف الهی.....
- ۳۵۰ رزق و روزی معنوی.....
- ۳۵۱ عدالت و مهربانی، دو وظیفه امیران.....
- ۳۵۱ انصاف و خوشرفتاری، وظیفه عمومی.....
- ۳۵۲ فرج بعد از شدت.....
- ۳۵۲ امدادهای غیبی الهی.....
- ۳۵۳ حمد و تسبیح بسیار خداوند.....
- ۳۵۴ فضل خدا بر کسی که هدایتش کند.....
- ۳۵۴ نورانیت قلب به یقین.....
- ۳۵۵ نورانیت دل به ایمان.....
- ۳۵۵ نورانیت فکر به ثبات.....
- ۳۵۵ نورانیت عزم به علم.....

فهرست منابع / ۴۳۵

- ۳۵۶ نور قدرت در عمل
- ۳۵۶ نور زبان در صداقت
- ۳۵۷ نورانیت دین به بصیرت از جانب خداوند
- ۳۵۷ نورانیت گوش به شنیدن حکمت
- ۳۵۸ قلب، محلّ ایمان به خدا
- ۳۵۸ لطف خدا در قرار دادن انسان در مسیر هدایت
- ۳۵۸ ناصران دین خدا، مؤیدان از جانب خدا
- ۳۵۹ منت گذاشتن خدا بر ما به ایمان به او
- ۳۵۹ سپاس خدا به جهت اطاعتش
- ۳۶۰ تکیه کردن به خدا در شدت و رخا
- ۳۶۰ قناعت به روزی خداوند
- ۳۶۰ برکت عمر انسان
- ۳۶۱ مبارک بودن برخی از زمان‌ها
- ۳۶۱ ایمان، قابل زیاده و نقصان
- ۳۶۲ اولیای الهی در آسمان و زمین
- ۳۶۲ حقایق قرآن
- ۳۶۲ تأویل بیرون آوردن نعلین در کوه طور
- ۳۶۳ نجات قرآن از غربت
- ۳۶۴ وحشت نکردن از کمی پیروان
- ۳۶۴ پیروزی حق بر باطل
- ۳۶۵ شک شیطانی و نامقدس
- ۳۶۶ برآوردن حاجات مردم
- ۳۶۹ گناه‌شناسی از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام
- ۳۷۱ حرام‌شناسی، مقدمه ترک حرام
- ۳۷۱ بیزاری خداوند از ظلم

- ۳۷۲ بدبختی ناامید
- ۳۷۲ پناه بر خدا از عاقبت به شری
- ۳۷۳ دوری از فتنه
- ۳۷۳ نهی از پیروی از هوای نفس
- ۳۷۳ عاقبت به خیری اجتناب کننده از منکر
- ۳۷۴ مجالست نکردن با منحرفان
- ۳۷۵ دور شدن از معصیت
- ۳۷۵ ترحم به معصیت‌کار
- ۳۷۶ دیون مردم، گریبان گیر انسان
- ۳۷۶ عذاب دردناک برای مغرور و متجاهر به فسق
- ۳۷۷ حلم خدا از گناه کار، زمینه عذاب
- ۳۷۷ کفر، منشأ فخر فروشی
- ۳۷۸ متکبر، ستمگر در حق خویش
- ۳۷۸ نجات معنوی
- ۳۷۸ ظلم از راه دست
- ۳۷۹ سد سازی در برابر حرف‌های ناشایست
- ۳۷۹ زنا و خیانت چشم
- ۳۸۰ گناه مانع ورود انسان به بهشت
- ۳۸۰ مهلت خداوند به ظالمان
- ۳۸۱ امید رحمت خدا را داشتن
- ۳۸۱ دعوت خدا از گناه کاران
- ۳۸۲ بازگشت از گناه قبل از غرق شدن در آن
- ۳۸۳ گناه، منشأ ظلمت
- ۳۸۳ آثار مادی و معنوی گناه
- ۳۸۴ مبارزه کردن گناه کار با خداوند

- ۳۸۵ هلاکت گناه کار با گناه
- ۳۸۵ تهاجم برخی گناهان
- ۳۸۶ مفتضح شدن انسان با گناه
- ۳۸۶ پناه به خدا از زبان بدکاران
- ۳۸۷ پناه به خدا از افراد شرور
- ۳۸۷ قرق گاه‌ها برای محرمات الهی
- ۳۸۷ حسن عاقبت در ترک گناه
- ۳۸۸ استغفار در حق یکدیگر
- ۳۹۱ دعا از دیدگاه حضرت مهدی عج
- ۳۹۳ استحباب دعا بر اموات
- ۳۹۴ دعا برای ریشه کن شدن مرض
- ۳۹۴ استحباب دعا بر هر مسلمان
- ۳۹۴ دعا، محکم‌ترین گفتار
- ۳۹۵ دعا برای خود و دیگران
- ۳۹۵ دعا و ضمانت اجابت بر عموم دعا کنندگان
- ۳۹۶ دعا و ضمانت عطا به مؤمنان
- ۳۹۶ توصیف خداوند قبل از درخواست حاجت
- ۳۹۷ صلوات قبل از دعا و درخواست از خدا
- ۳۹۸ زنان را نیز دعا کردن
- ۳۹۸ دعا به حق اولیا
- ۳۹۹ دعای دسته جمعی
- ۳۹۹ لزوم ملاحظه مصالح دینی و دنیایی و آخرتی در ادعیه
- ۴۰۰ اعتراف به عبودیت قبل از دعا
- ۴۰۱ اجابت عمومی دعا

- ۴۰۱.....دعای به عاقبت به خیری
- ۴۰۳.....نحوه درخواست حاجت از خداوند
- ۴۰۴.....امید به اجابت دعا
- ۴۰۷.....فهرست منابع